

مطالعات شهر ایرانی اسلامی

فصلنامه علمی

شماره ۵ چهل و هشتم، تابستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

سر دبیر: دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

دستیار علمی: مهندس مسعود دادگر

مترجم: دکتر مرجان خان محمدی

مدیر مسئول: دکتر ایرج فیضی

ویراستار ادبی: دکتر مرجان خان محمدی

مدیر داخلی نشریه: مریم بایه

صفحه آرا: جعفر خدادی

هیأت تحریریه

دکتر محسن سر تیپی پور / استاد دانشگاه شهید بهشتی	دکتر محمد رضا بمانیان / استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر حسین کلانتری خلیل آباد / استاد جهاد دانشگاهی	دکتر مصطفی بهزادفر / استاد دانشگاه علم و صنعت
دکتر یعقوب محمدی فر / استاد دانشگاه بوعلی سینا همدان	دکتر جهانشاه پاکزاد / استاد دانشگاه شهید بهشتی
دکتر محمد مسعود / استاد دانشگاه هنر اصفهان	دکتر احمد پور احمد / استاد دانشگاه تهران
دکتر پروانه شاه حسینی / دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»	دکتر محمد رضا پور جعفر / استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر ابوالفضل مشکینی / دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	دکتر اسماعیل ضرغامی / استاد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۵۱۶۶۷/۱۱/۳/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این مجله به شماره ۸۹/۱۲۶۲۹ مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir نمایه می شود.

◆ نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان دانشگاه، خیابان شهید وحید نظری، پلاک ۴۷

صندوق پستی ۱۳۱۶-۱۳۱۴۵، اداره نشریات علمی، تلفن: ۲-۶۶۴۹۷۵۶۱-۶۶۴۹۲۱۲۹

نشانی اینترنتی: iic@ihss نشانی اینترنتی: iic.ihss.ac.ir

فرآیند چاپ: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و ارسال مقاله‌های علمی - پژوهشی

شرایط ارسال مقاله

- مقاله به زبان فارسی یا انگلیسی بوده، قبلاً در جایی چاپ نشده باشد. داشتن چکیده فارسی و انگلیسی برای مقاله ضرورت دارد.
- هیئت تحریریه پس از داوری، پذیرش مقاله را اعلام خواهد کرد.
- مسئولیت صحت مندرجات مقاله‌های علمی با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- همراه مقاله نام و نشانی دقیق، شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان و محل خدمت آنان ذکر شود.
- مقاله در برگه‌های A4 و با رعایت ابعاد صفحه فصلنامه (قطع وزیری) تایپ شود. تعداد جدول‌ها در پایین‌ترین حد در نظر گرفته شود. نمودارها واضح و عکس‌ها سیاه و سفید در کاغذ مناسب در اندازه ۱۰×۱۵ سانتی‌متر تهیه گردد.
- مقاله حروف چینی شود و به وسیله پست الکترونیکی به دفتر فصلنامه ارسال گردد.
- فصلنامه در ویرایش مقالات آزاد است.

نحوه ارائه مقاله

- مقاله علمی - پژوهشی شامل عنوان، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، روش کار، تجزیه و تحلیل، نتیجه‌گیری و منابع باشد. حجم مقاله نیز نباید از ۱۵ صفحه بیشتر باشد.
 - عنوان مقاله گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد. نام و نام خانوادگی، درجه علمی و مؤسسه‌ای که مؤلف در آن اشتغال دارد، در زیر عنوان قید شود.
 - چکیده مقاله، شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله شامل بیان مسئله، هدف، ماهیت و چگونگی پژوهش، نکته‌های مهم نتیجه و بحث است. تعداد کلمات چکیده از ۱۵۰ کلمه بیشتر نباشد.
 - مقدمه مقاله بیانگر مسئله پژوهش است. محقق باید زمینه‌های قبلی پژوهش و ارتباط آن را با موضوع مقاله به اجمال بیان و در پایان به انگیزه تحقیق اشاره نماید.
 - روش کار باید به اجمال بیانگر چگونگی و فرایند انجام پژوهش باشد. تحلیل‌های آماری، روش‌های مورد استفاده، به شیوه‌ای مناسب یادآوری شود.
 - داده‌ها و نتیجه‌های به دست آمده باید به گونه‌ای منطقی و مفید ارائه شود و به این منظور می‌تواند همراه با جدول، نمودار، نگاره و عکس باشد.
 - نویسنده در پایان مقاله راهنمایی و کمک‌های دیگران را یادآوری و از آنها سپاسگزاری کند.
 - ارجاع‌های متن مقاله داخل کمان و به این شیوه است: (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۵). شیوه ارجاع به منابعی که بیش از دو نفر نویسنده دارند نیز به این صورت خواهد بود: (اسمیت و همکاران، ۱۹۷۴: ۲۲).
 - در ذکر مشخصات انتشاراتی در فهرست منابع پایان مقاله از شیوه زیر پیروی شود:
مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) «نام مقاله»، نام مترجم، نام نشریه، دوره یا سال، شماره.
کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار) عنوان کتاب، نام مترجم، مصحح، یا سایر افراد، شماره مجلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر.

فهرست

- ۱ **خوانش مؤلفه‌های حیات بخش از بازخوانی حیاط خانه‌های سنتی یزد**
سید محمد کاظمی، حسین مهدوی پور، سید علی اکبر کوشش گران
- ۱۵ **تبیین چارچوب مفهومی برای ارزیابی تاب‌آوری مکانی – فضایی در برابر سیلاب‌های شهری و کاربرد آن در ادبیات شهرسازی؛ مطالعه موردی: شهر بابلسر**
الهام رضائیان کله‌بستی / حسین کلانتری خلیل‌آباد / مریم رزقی
- ۲۹ **بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حس معنویت در فضای مساجد (مطالعه موردی: شش مسجد معاصر تهران)**
شیده پرتو / ویدا نوروزبrazجانی / شروین میرشاهزاده
- ۴۱ **نقش ابعاد گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد**
علی شماعی، نرگس احمدی فرد، سیما دائمی
- ۵۵ **اثر جهان‌بینی اجتماعی – فرهنگی گردشگران بر قصد بازدید آنان از خانه‌های سنتی شوشتر**
یزدان شیرمحمدی، مهران شهرستانی
- ۷۱ **تحلیل منطق اجتماعی حاکم بر کالبد فضای محلات بافت تاریخی – فرهنگی بشرویه در عصر قاجار با رویکرد نحوفضا**
سعیده پورعابدینی / عابد تقوی / حسن هاشمی زرج‌آباد

داوران این شماره

- دکتر آرزیتا بلالی اسکویی / دانشیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- دکتر حامد بخشی / دانشیار جهاددانشگاهی
- دکتر ایرج قاسمی / دانشیار جهاددانشگاهی
- دکتر محمد سعید ایزدی / استادیار دانشگاه بوعلی سینا
- دکتر الهام پرویزی / استادیار دانشگاه خوارزمی
- دکتر فرزانه رزاقیان / استادیار جهاددانشگاهی
- دکتر علی اکبر حیدری / استادیار دانشگاه یاسوج
- دکتر زهرا نادعلی پور / استادیار دانشگاه علم و فرهنگ جهاددانشگاهی
- دکتر زهیر متکی / استادیار دانشگاه شهیدبهبشتی
- دکتر علی مشهدی / استادیار دانشگاه علم و فرهنگ جهاددانشگاهی
- دکتر الهام ضابطیان طوقی / پژوهشگر مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی

خوانش مؤلفه‌های حیات بخش از بازخوانی حیاط خانه‌های سنتی یزد^۱

سید محمد کاظمی^{*}، حسین مهدوی پور^{**}، سید علی اکبر کوشش گران^{***}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

چکیده

حیات یکی از مقولات معتبر در معماری می‌باشد. علی‌رغم آنکه برخی از صاحب‌نظران در دوره معاصر به موضوع حیات و مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری آن به‌عنوان کیفیت خاص توجه کرده‌اند، اما در معماری این دوره کمتر شاهد حضور مؤلفه‌های حیات‌مند در ساخته‌ها هستیم. این در حالی است که در معماری دوره‌های قبل از مدرن، این ویژگی قابل دریافت بوده به طوری که مراتبی از کیفیت را نیز ایجاد نموده است. در معماری دوره قبل از مدرن و از میان بناهای ساخته شده، خانه، واجد ارزش بیشتری است. در همین رابطه با رجوع به خانه‌های دوره سنت، حیاط یکی از فضاهای مهم محسوب می‌شود که کانون توجه بوده و ارزش فضاهای خانه نیز تا حدی مرتبط با آن می‌باشد. بنابراین مسئله اصلی تحقیق این است که؛ مؤلفه‌های کیفی حیات‌مند در معماری دوره قاجار یزد چیست؟ برای نزدیک شدن به مرتبه‌ای از حیات جسمی و روحی در خانه‌های دوره معاصر، شناخت مؤلفه‌ها و امکان کاربست آن‌ها هدف اصلی این رساله است. روش تحقیق کیفی، از جمله روش‌هایی است که امکان دستیابی به نتایج قابل اتکا را در این تحقیق فراهم می‌سازد. از همین رو بر مبنای روش داده‌بنیاد و تحقیق میدانی به معرفی مؤلفه‌های استخراجی خواهیم پرداخت. برای این منظور با انتخاب نمونه‌هایی از خانه‌های دوره قاجار یزد که به نظر می‌آید این کیفیت در آنها حضور دارد، تلاش شده است مؤلفه‌هایی که موجب ایجاد یا تقویت حیات در معماری می‌شود، شناسایی شود. نتایج تحقیق حکایت از آن می‌کند که مؤلفه‌های احصاء شده، علاوه بر اینکه دارای تنوع و گونه‌گونی هستند از یک مراتب معنایی نیز پیروی می‌کنند، به طوری که این مراتب قرابت نزدیک با استعدادهای سرزمینی و مهارت‌های دانشی و بینشی معمار دارند. همچنین مؤلفه‌هایی که توسط برخی نظریه پردازان معماری از جمله الکساندر تبیین شده، قابل اثبات در معماری خانه‌های دوره قاجار یزد نیز بوده و از اعتبار نسبی برخوردارند.

واژگان کلیدی: حیات، مراتب معماری، مؤلفه‌های کالبدی حیات، مسکن دوره قاجار، حیاط

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری سیدمحمد کاظمی با عنوان «احصاء مؤلفه‌های کالبدی حیات در بازخوانی حیاط خانه‌های دوره قاجار یزد» می‌باشد که تحت راهنمایی آقایان؛ حسین مهدوی پور و سید علی اکبر کوشش گران انجام شده است.

^{*}دانش آموخته دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

^{**}نویسنده مسئول: استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، یزد، ایران

^{***}استادیار معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، یزد، ایران

sm.kazemi@sau.ac.ir

hmahdavi@yazd.ac.ir

a.koosheshgaran@yazd.ac.ir

مقدمه

معماری حاصل اندیشه و تفکر است که طی سده‌های متمادی سهمی زمينه را برای تحقق نحوه بهتر حضور انسان در این گیتی فراهم نموده است. در این بین اگر معماری دوره معاصر را به لحاظ کاربست مؤلفه‌های کیفی مورد نقد و بررسی دقیق قرار دهیم به لحاظ مبانی، با فراز و نشیب‌های متعددی روبرو می‌شویم. کاربست مؤلفه‌هایی که تلاش‌های گسترده‌ای در جهت تحقق آن در ساخته‌ها از سوی سازندگان صورت گرفته که نتایج موفق و بعضاً ناموفق را نیز در پی داشته است. اینکه برخی ساخته‌های انسان سبب گردد وی از زیستن در آن لذت برد و یا علاقه‌مند به گذران بخشی از عمر خود در آن باشد، یک روایت از معماری است و روایت دیگر، با ساخته‌هایی مواجه می‌شویم که به مثابه ماشین برای زندگی تلقی گردیده است (Le Corbusier, 1986: 107). سردرگمی که امروزه شاهد آن هستیم تمنای کیفیتی است که انسان معاصر تقلاي وصل آن را در ذهن خود پروراند و آن را طلب می‌کند. از همین روی درک اینکه ممکن است ساخته‌ها قادر باشند علاوه بر جسم، روحیات ما را با آرامش عجیب کنند و خود نیز روایتگر مرتبه‌ای از حیات شوند، دور از ذهن نیست^(۱).

یکی از مقولاتی که در ادبیات پسا مدرن معماری مورد توجه بوده و برخی محققین از جمله کریستوفر الکساندر به آن اشاره کرده کیفیت حیات در معماری (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۴۳-۳۵ و سیروس صبری، ۱۳۹۲: ۴۱-۳۱) البته با تعبیر گاهی مختلف و متفاوت است. بر همین اساس به نظر می‌رسد فراز و نشیب‌هایی که در ساخته‌ها شاهد آن هستیم، از فقدان این کیفیت حکایت دارد. تعبیر هایدگر از بی‌خانمانی انسان معاصر (بهشتی، ۱۳۸۷: ۲ و صافیان، ۱۳۹۰: ۱۰۲) و یا تلقی که امروزه از آن به عنوان سرپناه (بهشتی، ۱۳۷۰: ۲-۱ و رپوپورت، ۱۳۸۲: ۹۳) است، از نبود همین بی‌قراری حکایت می‌کند و باعث حجابی شده تا انسان را دچار سیری کاذب کند و تمنای برخی نیازها را در او نادیده انگارد. شاید عقبه‌ی چنین دیدگاه‌هایی را باید از طرز تلقی انسان از حیات و نیازهای او پی گرفت.

بررسی و مطالعات انجام شده به این نکته تأکید دارد که، معماری دوره سنت^۱ از قابلیت‌ها یا مؤلفه‌های کیفی متعددی برخوردار بوده است. به طوری که گستره‌ی آن از فرهنگ، سنت، باورها و اعتقادات گرفته تا تحولات تاریخی و سرزمینی را در بر گرفته است. اهداف و راهکارهایی که بخشی از آن در تقویت وجه آسایشی و نیازهای جسمی دنبال شده و بخشی در تقویت وجه آرامشی و نیازهای روحی دیده شده است. اندیشمندانی در این حوزه مطالعه و هر یک به نوعی وجوهی از معماری دوره سنت را معرفی و ارائه داده‌اند. افرادی چون «رپوپورت و الکساندر» و در فضای اندیشه‌ای متفاوت تری شولتز و مقتدای وی هیدگر به وجوه متنوعی از این معماری اشاره کرده‌اند. ولی مطالعات به انجام رسیده

۱. منظور از معماری دوره سنت در متن مقاله، اشاره است به هر آنچه مربوط به دوره مابعد مدرن می‌باشد.

توسط اینان، تنها تلاشی در جهت بازخوانی بخشی از ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و صفات معماری دوره سنت بوده و هنوز می‌توان لایه‌های دیگری از این اتمسفر سنگین و غنی معمارانه را هم چنان احصاء نمود و به معماری درخور برای زندگی امروز معرفی کرد. حدس ما بر این است که مؤلفه‌هایی قادر هست مرتبه‌ای از حیات را در انسان و ساخته‌ها تشدید کند و در برخی از آثار معماری گنجانده شده است. گمان می‌رود این معیارها را می‌توانیم در معماری بومی و نیز معماری دوره سنت پیدا کنیم. مؤلفه‌هایی متفاوت که - معمارباشی‌ها (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۲۱-۲۱۵) - به مدد شناخت از محیط و نیز شناخت واثق از بناهای متعدد آن دوران و کاربست شگردهای مبتنی بر آن توانسته‌اند گونه‌هایی متفاوت از کیفیت در فضاها و مکان‌های مختلف معماری را ایجاد کنند. بدین نحو مراتبی از کیفیت پدید می‌آید و در ساخته معماری به ودیعه گذارده می‌شود. شاید بهترین شاهد این مدعا خانه‌های تاریخی در بافتهای بارز شهرهایی مانند یزد است.

در همین خصوص این مقاله، مترصد بازخوانی و پیگیری اولویت حضور مؤلفه‌های بنیادینی است که در معماری خانه‌های دوره سنتی حضور دارد. به احتمال، بررسی و سنجش اعتبار این مؤلفه‌ها در معماری خانه، به خلق مکانی واجد ارزش و اصالت تاریخی فرهنگی کمک می‌کند و این مفروض وجود دارد که به ایجاد، احیاء و یا بازیافت کیفیاتی در بنا می‌انجامد و نیز خاطرهای جمعی - از آن چه «یونگ» می‌گوید - و یا فردی را به یاد می‌آورد. می‌توان امیدوار بود که از این فراگرد بایسته‌های معمارانه‌ای برای ساخته‌های امروز بازجسته شود و تا حدی حس حضور و سرزندگی در مکان شهری نیز تقویت گردد.

پیشینه تحقیق

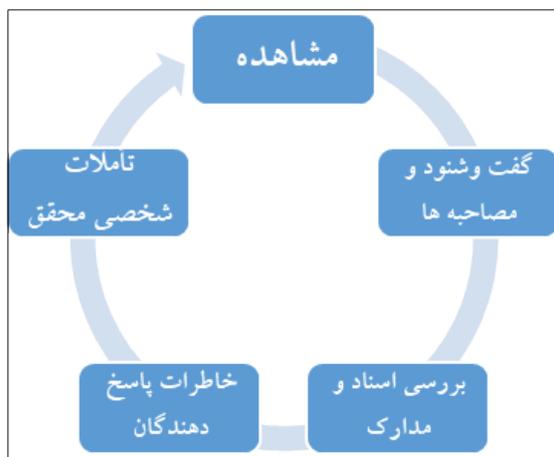
مطالعات گسترده‌ای در خصوص خانه و تأثیر حیاط بر الگوی خانه‌ها و نقش آن بر زندگی و حیات ساکنین انجام گرفته است. همچنین پیرامون مقوله‌ی حیات در ساخته‌ها نیز افرادی چون الکساندر پیشگام در تبیین این موضوع بوده است. اما در خصوص مؤلفه‌های کالبدی حیات که در معماری خانه‌های دوره‌ی سنتی توسط معمار باشی‌ها بکار گرفته شده تحقیقات چندان صورت نگرفته است. از همین رو اعتبار حیاط به عنوان شاخصه و محور پیوند ساکنین مطرح می‌شود تا جهت‌گیری زندگی را در مواجهه با مقولات کیفیت حیات انسان در مکان زیستی بیش از پیش واجد اعتبار و متأثر از خویش نماید.

«تأملی بر مقام حقیقی حیاط در معماری» رساله‌ای است که به بازخوانی عالمانه از ساخته‌ها و نساخته‌ها در معماری دوره سنت می‌پردازد. محقق تلاش می‌کند تا علاوه بر پرداختن به حکمت و مفهوم حیاط به صورت و جنبه‌ی کارکردی آن نیز اشاره کند. محقق همچنین به طور ضمنی حیاط در معماری را به حیات روحی انسان پیوند زده است (صنعتی، ۱۳۸۵). رابطه با طبیعت و عناصر مختلف موجود در حیاط خانه‌ها، اهمیت فضا در کشورهای

حیات‌خانه‌های دوره سنت که قادر است حس برانگیزش را در ساکنین تا حدی تقویت کند پیگیری می‌شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش کیفی انجام یافته که روش تئوری برگرفته از زمینه، از «رویکرهای راهبرد کیفی» (گروت، ۱۳۸۸: ۱۸۰) است که در اجرای فرایند تحقیق و انجام مراحل کار میدانی از آن استفاده شده است. نظریه پردازی داده‌بنیاد، روشی استقرایی در نظریه‌پردازی است. از دیگرسوی، هدف عمده‌ی این روش، ارائه‌ی (توصیف عمیق) از واقعیت تحت بررسی است. اما دستیابی به این توصیف، نیاز به فنون و ابزارهایی دارد تا به کمک آن بتوان داده‌های گردآوری شده را سازماندهی و تنظیم کرد و به نظریه‌ای مبتنی بر واقعیت دست یافت (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱- داده‌های کیفی در نظریه داده بنیاد

این نوع نظریه را نظریه زمینه‌ای می‌خوانند که مستقیماً از داده‌هایی استخراج می‌شود که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. از این رو، لازمه‌ی پیگیری مقوله‌ی حیات در معماری برخی خانه‌های دوره قاجار، بازگشت به زمینه‌ای است که نتیجه‌ی آن را در روند مطالعه و بررسی شواهد و استنادها بتوان دنبال کرد. گردآوری اطلاعات میدانی، با حضور در برخی خانه‌ها انجام می‌گیرد. بر همین اساس، فرایند گردآوری اطلاعات میدانی شامل: انجام مصاحبه، بررسی بناها و مشاهده‌ی فضاها، تصویربرداری، صدابرداری و مطالعه‌ی اسناد و مدارک و یافته‌های شخصی نگارنده‌گان می‌باشد.

لذا در گام اول با مراجعه به بافت تاریخی یزد و نیز بررسی استنادها و مدارک ثبتی از سازمان‌های متولی، تعدادی از خانه‌های دوره قاجار را که به حدس و گمان، کیفیت مطلوبی به لحاظ تاریخی و یا حفاظت دارند، شناسایی و معرفی می‌شود. در ادامه، تلاش می‌شود ویژگی‌های موجود در کالبد بنا، به روش مشاهده و توصیف ثبت شوند و جهت افزایش اعتبار درونی مؤلفه‌های استخراج‌شده از این روش، با مشورت بعضی از استادان معماری مورد «ارزیابی» قرار گیرد.

در گام دوم با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد، مصاحبه‌هایی

مختلف شرقی و غربی، فلسفه و مباحث زیبایی‌شناسی و نیز اهمیت به فضای باز خانه‌ها و معرفی الگوهایی از خانه‌های اصفهان، کاشان و تهران چارچوب کلی است که در کتاب «حیات در حیات» به آن پرداخته شده است (نایی، ۱۳۸۱).

واکوی معنای هویت در سنجش پارادایم، تحلیل جایگاه هویت بخشی در بافت شهر را مطرح می‌کند. در این تحقیق مؤلفه‌هایی چون: پویایی فضا، تقویت حس تعلق به مکان، تنوع فضا و نیز عناصر هویت بخشی به بافت شهری به عنوان چهار مؤلفه حیات‌بخش در نظریه برخی اندیشمندان شهرساز و معمار مطرح می‌شود که دستیابی به حیات‌مندی در ساخته‌ها را تقویت می‌کند (نصر، ۱۳۹۳: ۲۱). بازشناسی اصول خانه‌های سنتی یزد مقاله‌ای است که به استخراج مؤلفه‌های خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای روانشناختی می‌پردازد (سلیمانی و مندگاری، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۹۹). تحقیقات دیگری نیز پیرامون بازشناسی مفهوم سکونت با رجوع به مصادیق حیات‌خانه‌های سنتی (حنیف، ۱۳۹۷: ۴۴-۳۱) و یا تشریح خانه‌های سنتی با محوریت حیات و واکوی نقش عناصر شکل دهنده کالبد و قواعد حاکم بر آن (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳) انجام گرفته است. اما مفهوم حیات نیز همواره یکی از چالش برانگیزترین مباحث در میان اندیشمندان بوده است که پیوند آن با مکان زیستی کمتر در این تحقیقات مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم در نزد انسان معاصر از وجوه مختلفی برخوردار است. کریستفر الکساندر در کتاب چهار جلدی سرشت نظم و نیز کتاب گران‌سنگ نبرد حیات و زیبایی زمین‌آبه این مقوله می‌پردازد. در همین رابطه در بخشی از جلد اول کتاب سرشت نظم به تشریح پانزده خصلت بنیادین پدیده‌های زنده نیز اشاره می‌کند (الکساندر، ۱۳۹۴: ۲۰۲-۱۰۹) که تا حدی جهت شناخت ساخته‌هایی حیات‌مند به مخاطب کمک می‌کند. وی به روش مشاهده و مقایسه، پدیده‌های مختلف را مورد بررسی و سپس ارزیابی قرار می‌دهد. همچنین تلاش داشته تا ویژگی‌های معمولی و ساده که در پدیده‌ها بارها و بارها تکرار می‌شود را استخراج نماید. انتقال تجربیاتی که در طی سالیان متمادی بدست آورده او را در حوزه نظر پیرامون مقوله حیات در ساخته به یکی از معتبرترین شخصیت‌ها مبدل نموده است. در بخشی از مطالعات انجام شده به تبیین پانزده خصلت بنیادین پدیده‌های زنده می‌پردازد که شامل؛ سلسله مراتب مقیاس، مراکز نیرومند، مرزبندی، تکرار متناوب، فضای متعین، شکل خوب، تقارن موضعی، ابهام و انسجام عمیق، تضاد، مراتب تدریجی، ناهمسانی، پژواک، فضای خالی، سادگی و آرامش درون و جدائی ناپذیری می‌باشد.

وی این پانزده خصلت را از یک کلیت دانسته است که قادر هستند پدیده‌ای را به مرتبه‌ای از حیات نزدیک گردانند. این پانزده خصلت همگی، سیرت و ذات نظام‌های زنده را تعیین می‌کنند. بنابراین در این مقاله تلاش می‌شود تا مؤلفه‌های اثرگذار در کالبد

1. The Nature of Order
2. The Battle for the Life and Beauty of the Earth

انجام می‌گیرد که در فرایند آن، کدهای باز^(۳)، محوری^(۴) و انتخابی^(۴) (استراوس، ۱۳۹۵: ۱۸۲-۱۲۳) مشخص می‌شوند. در ادامه، با «مطالعه تطبیقی»، یافته‌های گام اول و دوم تطبیق داده شده و در نهایت، با ثبت جنبه‌های مشترک و اختلاف‌ها، تلاش می‌شود رابطه‌ای معنادار میان آن‌ها کشف شود. با توجه به نتایج گام سوم تلاش می‌شود طبقه‌بندی از مؤلفه‌های مؤثر در کالبد حیات ارائه شود که موجب ارتقای کیفیت حیات در معماری می‌شود.

مبانی نظری خانه زنده

سکونت و زندگی، سنت دیرینه بشر است و مسکن به مثابه پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی، مکانی محدود از فضای زندگی اجتماعی است که طی دوران متمدنی شهرنشینی، بدنبال تکامل فرهنگی و مدنی، تحت تأثیر دگرگونی‌ها و تغییرات عمده کالبدی قرار گرفته است. خانه یا محل زندگی انسان امروز همانند دیگر مفاهیم چون؛ فضا و مکان تعریف دقیق‌تر و گاه پیچیده‌تری یافته است. خانه در آواز خود می‌گوید که چگونه سازندگان از عهده سازش با محیط برآمده‌اند و آن‌گاه به پرتوافکنی آن چه آنان بر اثر موجودیت خود در جهان گردآورده‌اند می‌پردازد. برخی از خانه‌ها خاموش‌اند، شماری از آنان فریاد برآورده و باقی نغمه سر می‌دهند. نغمه‌ای که بر گوش دل می‌نشیند (شولتز، ۱۳۸۱: ۱۶). بخشی از تعبیر و یا گزاره‌هایی متعدد که در خصوص خانه بکار برده می‌شود، به نظر حاصل بهره‌گیری و یا عدم استفاده از مؤلفه‌هایی می‌تواند باشد که قادرند، بودن و معنای حیات و زندگی انسان را در فضای خانه حکایت کنند. به اعتقاد شولتز؛ وظیفه اصلی هر خانه افشای جهان نه به صورت گوهر و عصاره آن است، بلکه به شکل فراخوان یعنی در قالب؛ گیاه، رنگ، نمایش فصول، ماده، آب و هوا و نور تحقق پیدا می‌کند (اسلام‌پور و میرریاحی، ۱۴۰۰: ۹۱).

این‌گونه به نظر می‌رسد که طراحان یا سازندگان برای تحقق یک خانه‌ی ایده‌آل و مطلوب هم‌زمان به معیارهایی اندیشیده‌اند و آن را در ساخته‌ها به ودیعه نهاده‌اند تا تحقق یک زندگی آرمانی را جامه‌ی عمل ببوشانند. البته بخشی از این معیارها ریشه در کهن‌الگوها (یونگ، ۱۳۷۷) داشته و بخشی دیگر نیز حاصل خلاقیت و تکنیک می‌باشد (کیمون نیکولائید، ۱۳۶۲ و نوایی، ۱۳۹۰) که سازندگان در پاسخ به شرایط اقلیم، روحیات و عواطف، رفتارها و عوامل متعدد دیگر قادر بوده‌اند تا به گونه‌ای خلاقانه نقش‌بند طرح‌از خانه‌ها باشند. در این میان هیچ فهرستی از عناصر و روش‌های سازنده در معماری مسکونی نمی‌تواند تصویری گویا از جذابیت و افسون یک خانه خوب ایرانی ارائه دهد؛ نقشه بنا تقریباً همیشه ساده، منطقی و راحت است. ارتباط فضای داخلی به خارج به خوبی برقرار است. تناسبات همیشه موفق نیستند ولی گهگاه دل‌پذیرند و معمولاً خانه با محیطش چنان سازگاری پیدا می‌کند که نمی‌توان جدا از آن درباره آن به داوری نشست (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۴۱۷-۱۴۱۶). اما آنچه باعث می‌شود افرادی چون؛ شولتز، الکساندر، پوپ و

محققین دیگر ساخته‌های معماری دوره سنت را واجد ارزش و اعتبار بیشتری قلمداد کنند، حضور کیفیاتی در بناها می‌باشد که تا حدی حس برانگیزش انسان و زنده بودن را در او شعله‌ور نماید. به عبارتی دیگر مسکن دوره سنت به شدن انسان، هویت یافتن و آرامش قلبی او کمک می‌کند (اخوت، ۱۳۹۲: ۸). از همین رو این جمله از سالینگروس قابل تأمل است؛ معماری سنتی با ریشه‌هایش، در فعالیت‌های نسبتاً ساده انسانی بود که زنده می‌ماند و خود را باز تولید می‌کرد (سالینگروس، ۱۳۹۳: ۸۲). با این توضیح چنین می‌توان انگاشت که تبیین مؤلفه‌هایی کیفی و کاربردی آن در بافت‌های شهری و تحقق این مطلوبیت در معماری خانه‌های معاصر مسیر را برای دستیابی به آثاری زنده تسهیل می‌کند.

حیات زنده

حیات در فرهنگ دهخدا به معنای محوطه و هر مکانی که با دیوار محصور شده باشد آمده است. واژگان دیگری مانند ساحت، صحن، میان‌سرا و صحن‌سرای نیز به همین معنا هستند. فضای باز میانی بنا که مرکز مشخصی را پدید می‌آورد و موجب تشکیل اجزای مختلف طرح می‌شود. حیات فضای بازی است که در میان بنا قرار می‌گیرد و نقش قلب در معماری خانه و روح دمنده در بنا را ایفا می‌کند (نوایی، ۱۳۹۰: ۵۶).

برخی از پژوهندگان و معماران، به ویژه استاد پیرنیا بر این باورند که معماری ایرانی، در بطن خود دارای اصول و قواعدی است. در این میان، برخی محققین مقوله‌ی حیات خانه را نیز به این اصول افزوده‌اند (کاتب، ۱۳۸۴: ۴۵). نشانه‌ی مالکیت، هماهنگ کردن قسمت‌های مختلف خانه، ارتباط دادن بین فضاهای مختلف، ایجاد فضای سبز، کانال مصنوعی برای عبور هوا، عنصر مهم در سازماندهی طرح خانه، محلی امن و آرام برای استراحت و تفریح اهل خانه، از جمله کاربردهای آن به شمار می‌آید. در خانه‌هایی که حیات دارند، یک یا چند خصوصیت به چشم می‌خورد. از همین رو، حیات‌باارزش‌ترین مکان در سازماندهی طرح خانه‌هاست (معماریان، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۵ و کاتب، ۱۳۸۴). اما اجزای شکل‌دهنده‌ی حیات خانه‌ها عموماً یکسان‌اند.

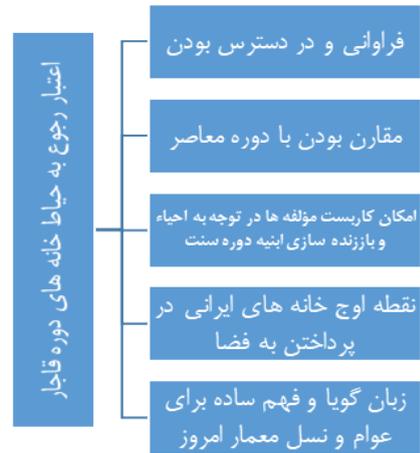
حیات برای ساکنانش چشم‌داشت آنان در کیفیت حیات داشتن را فراهم می‌کند. البته می‌دانیم که حیات زنده به ارزش‌های ظاهریش نیست، بلکه زنده بودن امری ذاتی و مختص ساختار و صفت خودبانی‌ای که حیات زنده دارد، جوهر حیات آن است (الکساندر، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

معمارباشی‌ها تلاش داشته‌اند تا راهکارهایی را برای سکونت در کویر اتخاذ کنند. این راهکارها با ایجاد الگوهای محقق شده است که گاهی محیطی سرسبز و پُرطراوت را خلق کرده و آن را به کانونی گرم مبدل نموده‌اند. به تعبیر هایدگر، الگویی روح‌افزا برای تجربه زیستی (هایدگر، ۱۳۷۹: ۵۸) عالمانه تدبیر کرده و برگزیده‌اند. این تجربه آنگاه به اوج خود می‌رسد که با آسمان پیوند یافته است و در این صورت بوده که حیات، امکان یگانگی در کرانگی (هایدگر،

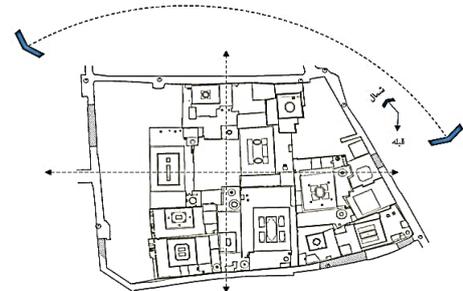
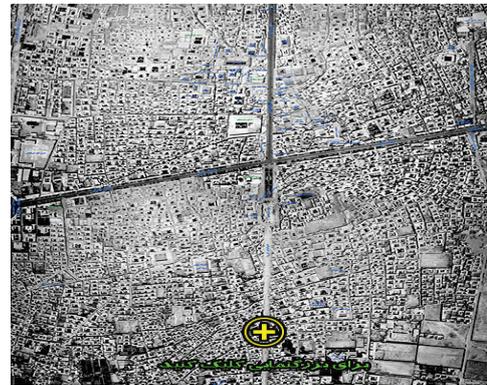
ردیف	نام گونه	فرم نمادین	نمونه انتخابی	
یک حیاطه	سه جبهه		خانه کلاهدوزها	
	دو جبهه (مقابل)		خانه وزیری	
	چهار جبهه		خانه صدا و سیما	
	کوشک		خانه اخوان تبریزی	
دو حیاطه	اندرونی - بیرونی		خانه لاریها	
	گردال باغچه	مربع - مستطیل	خانه ترقی	
		هشت ضلعی	خانه احمد میرزا ملک	
	حیاط روی ساباط		خانه خان بهادر	
	حیاط سقف		خانه بابایی	
	چند حیاطه	متعارف (چند حیاط مرکزی)		خانه گلشن
		گردال باغچه + گردال باغچه		خانه امامزاده ای
		گردال باغچه + حیاط مرکزی		خانه اولیا
		دو حیاط مرکزی + حیاط یک جبهه		خانه تهرانی
		حیاطهای غیر هم سطح		خانه پاپلی
سه حیاطه	چهار صنف		خانه مهر بانو	
	چهار صنف + باغ	چهار صنف + حیاط	خانه آرنشیر	
		چهار صنف + حیاط بگلف	خانه جانفقا (این خانه همبر بر از خانه‌های زشت‌تر نیست)	
خانه باغ	یک جبهه		خانه باغ رحمانی	
	دو جبهه		خانه باغ عبد الرحیم خان	
ترکیبی	حیاط + باغ (با شکل)		خانه باغ اربابی	
	دو حیاط + باغ		خانه باغ مشیر رحیم آباد	
	گردال باغچه + باغ		خانه باغ علومی	

تصویر شماره ۴ - بخشی از الگوهای شکلی خانه‌های سنتی یزد (منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری یزد).

۱۳۷۹) را فراهم نموده باشد - بخشی از آسمان و آنچه را که در آن است، در قابی بالای سر به نمایش می‌گذارد - به نظر می‌رسد فهم و درک معمارباشی‌ها در کرامت‌بخشی به انسان، این چنین هسته‌ی مرکز خانه را کانون رویدادها، رفتارها، تجلی مفاهیم و ارزش‌ها قرار می‌دهد و البته به نقل از هایدگر، این‌ها کاری است که می‌گذارد خدا حضور داشته باشد (هایدگر، ۱۳۷۹: ۲۷). حقیقتی که نمی‌توان فراموش کرد اینکه؛ حیاط به عنوان مرکز و کانونی نیرومند در طرح‌مایه خانه‌های دوره سنت امکانی را فراهم می‌سازد تا جهت یا مرکز ثابت و معین در جهانی کوچک به نام خانه شکل گیرد. خلقت آدم به عنوان عالم صغیر در نقطه مقابل آفرینش جهان -عالم کبیر-، در نقطه‌ای میانه و در مرکز جهان صورت گرفته است (eliade, 1991: 16). این فضا نه تنها به وجود آدمی مرکزیت می‌بخشد بلکه سبب می‌شود که او فعال و خلاق نیز گردد.



تصویر شماره ۲ - دلایل رجوع به خانه‌های دوره قاجار



تصویر شماره ۳ - بخشی از بافت تاریخی شهر یزد و موقعیت استقرار خانه‌های مورد مطالعه در بافت (منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری یزد).

احصای مؤلفه‌های حیات‌بخش در حیاط‌خانه‌های دوره قاجار یزد.

نقطه اوج معماری یزد که انعکاس دهنده ویژگی‌های آن است در معماری خانه‌ها تجلی می‌یابد. بسیاری از محققین معماری، خانه‌های دوره قاجار را نقطه اوج معماری خانه‌های ایرانی در پرداختن به این فضا می‌دانند (آیت‌الله زاده شیرازی، ۱۳۸۵ به نقل از قاسمی سیچانی و معماریان، ۱۳۸۹: ۹۴-۸۷)، از همین رو پرداختن به خانه‌های دوره قاجار واجد اعتبار نسبی می‌باشد (تصویر شماره ۲). خانه‌های قاجاری محصول یک دوره مداوم و منسجم‌اند که در آن، برخی فرم‌های خاص معماری دستخوش تغییراتی تدریجی ولی پرجاذبه شده است. این تغییرات به ویژه در پایان دوره قاجار، به تغییرات عمده در ویژگی‌های خاص معماری ایرانی انجامید و در نتیجه آن، هویت فرهنگی معماری بومی ایرانی به مخاطره افتاد و علت اصلی آن هم نفوذ روز افزون عناصر فرهنگ

بیگانه در زندگی ایرانی‌ها بوده است. برخی از این تغییرات؛ کمرنگ شدن قوس‌های جناقی در پوشش فضاها، منسوخ شدن بالاخانه و گوشواره‌ها طرفین، کمرنگ شدن سایبان‌های عمودی و افقی و موارد دیگر را می‌توان اشاره کرد (کاتب، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

اما رجوع به الگوهای معماری بومی از این منظر قابل اهمیت است که می‌تواند مجموعه‌ای غنی از الفبای معماری که در آن به ودیعه گذارده شده را کشف نمود و این در حالی است که کالبد معماری با گذشت سده‌های متمادی از ساخت، همچنان فعال و پویا بوده و تا حدی قدرت برانگیزش را برای انسان دوره معاصر به ارمغان می‌آورد. اینک می‌دانیم فهم و درک الگوهای گذشته راه رسیدن به موفقیت را تسهیل می‌کند، زیرا نتیجه تجربیات مردم طی اعصار و زمان می‌باشد (مهاجری و قمی، ۱۳۸۷: ۵۵). بافت تاریخی یزد که جزئی از میراث جهانی می‌باشد حکایت از آن داشته که مؤلفه‌های کیفی حیات‌بخش توسط معمار باشی‌ها در آن به

جدول شماره ۱- فرایند کدگذاری در مصداقی از مصاحبه انجام گرفته

متن مصاحبه	کد باز	کد گذاری	مقوله‌بندی	کد محوری	کد انتخابی اولیه	عامل
اگر بخواهیم حیات را حس کنیم، این حیات بر اساس تغییراتی که درون آن اتفاق می‌افتد درک می‌شود.	تغییرات داشتن تغییر در درون داشتن تغییر در بیرون داشتن درک داشتن احساس داشتن	A-C-1 A-C-1-1 A-C-1-2 A-b-1 A-b-1			عامل زمینه‌ای	
در این خانه‌ها تغییرات را احساس می‌کنیم (صبح بود، آفتاب داخل فضا وارد شد، سایه‌ای آمد) در جبهه‌های مختلف موجب می‌شود این تغییرات را بیشتر احساس کنیم.	احساس تغییر داشتن درک از صبح داشتن آفتاب داشتن سایه داشتن آفتاب سایه داشتن تضاد داشتن درک از تغییرات در جبهه‌های مختلف حیاط داشتن تغییرات داشتن احساس تغییر زمان داشتن	A-b-2 A-b-3 A-a-1 A-a-2 A-c-2 A-C-2 A-b-4 A-C-1 A-b-5	تقویت وجه ادراکی فضا	- (تغییر پذیری) حس تغییرمندی در کالبد - (سنجش پذیری) درک و سنجش زمان در معماری خانه - (حرکت‌مندی) درک حرکت در اجزای معماری	تغییرمندی	عوامل علی- رفتاری + مفهومی
نور در قسمت بالا و درون تاقچه‌ها می‌افتد. در ساعات خاص در فصل‌های مختلف (زمستان و تابستان) شرایط متفاوت می‌شود	حضور نور (تشنوع) درک ساعات خاص تغییر فصل داشتن رابطه نور و تاقچه نسبت (بالا و پایین) داشتن معیار حرکت داشتن حرکت داشتن تاقچه داشتن	A-a-4 A-b-6 A-b-7 A-m-18 A-p-1 A-e-1 A-e-2 A-f-2		تداوم فضایی تداوم بصری معیارمندی و نسبت سنجی تغییرمندی زمان‌مندی	زمان‌مندی	عوامل علی- مفهومی
عنصر شاخصی که بتواند برای انسان تصویر ذهنی باقی بگذارد؛ یعنی یک ویژگی منحصر بفردی (داشته باشد) که شخص بتواند آن حیاط را بیاد آورد. این باعث تداوم تصور از حیات می‌شود. بنابراین این برای من زنده است	شاخصه داشتن تصویر ذهنی داشتن بیاد آوردن (یادآوردی) نوستالژی داشتن خاطره سازی کردن تداوم داشتن شاخصه‌ی رفتاری شاخصه عملکردی شاخصه تزیینی شاخصه بصری شاخصه ترکیبی	A-z-1 A-z-2 A-i-15 A-z-1 A-i-12 A-bz-1 A-z-4 A-z-5 A-z-6 A-z-7 A-z-8	تأثیر گذاری بر وجه ادراکی و تأکید بر تقویت وجه کالبدی معماری	خاطره سازی نوستالژی شاخص سازی شخصیت سازی تداوم مندی تصور ذهنی تداوم بصری تداوم فضایی هویت سازی مرکز نیرومند	نوستالژی	عامل علی- مفهومی

جدول شماره ۲- شروع و پایان کدهای باز استخراجی از مصاحبه و تبدیل آن‌ها به کدهای محوری

ردیف	کد شروع	کد پایان	کد محوری	ردیف	کد شروع	کد پایان	کد محوری
۱	A-a-1	A-a-15	طبیعت	۱۴	A-z-1	A-z-18	نشانه
۲	A-b-1	A-b-10	احساس و درک (تغییر)	۱۵	A-m-1	A-m-18	رابطه
۳	A-c-1	A-c-13	تغییر	۱۶	A-n-1	A-n-5	سازگاری
۴	A-y-1	A-y-7	مکان	۱۷	A-o-1	A-o-5	جهت
۵	A-e-1	A-e-5	حرکت	۱۸	A-p-1	A-p-10	نسبت و مقیاس
۶	A-f-1	A-f-1	کالبد	۱۹	A-q-1	A-q-2	نشانه تغییر
۷	A-g-1	A-g-4	رابطه با زمان	۲۰	A-r-1	A-r-8	پویایی
۸	A-h-1	A-h-4	رابطه با انسان	۲۱	A-s-1	A-s-7	موقعیت
۹	A-i-1	A-i-15	رابطه- گذشته	۲۲	A-t-1	A-t-4	وسعت
۱۰	A-j-1	A-j-7	رابطه- نوستالژی	۲۳	A-u-1	A-u-13	تنوع
۱۱	A-k-1	A-k-3	طبیعت	۲۴	A-v-1	A-v-2	نظم
۱۲	A-bz-1	A-bz-4	تداوم ذهنی	۲۵	A-w-1	A-w-18	سهم- حد
۱۳	A-cz-1	A-cz-3	مرکز نیرو	۲۶	A-x-1	A-x-3	سنت خانواده

ودیعۀ نهاده شده و احتمالاً این ظرفیت را دارد که با شناخت آن بتوان در معماری دوره معاصر نیز مورد استفاده قرار گیرد (تصویر شماره ۳). به همین سبب جهت شناخت و دستیابی بهتر سعی شده تا دسته‌بندی برای خانه‌ها در نظر گرفته شود.

همانگونه که می‌دانیم؛ خانه‌های یزد از شکل‌های متنوع برخوردار است (تصویر شماره ۴). این الگوها در دوره‌های مختلف تاریخی تنوع شکلی را نشان می‌دهد. از خانه‌های یک تا چند حیاطه، صفه‌دار، خانه با الگوی گودال باغچه، خانه باغ و یا ترکیبی از این الگوها را در بافت تاریخی یزد می‌توان دید. با محدود ساختن تحقیق به دوره قاجار، عمده خانه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود. دسته اول؛ خانه‌های حیاط‌دار معمولی و ساده است که الگوی سکونتی برای عموم مردم محسوب می‌شود. دسته دوم؛ الگوهای از خانه‌های رایج است که در نسبت با خانه‌های دیگر، فضاها از تنوع نسبی بیشتری برخوردار می‌باشد و برای اقشار متوسط جامعه ساخته شده است. دسته سوم؛ خانه‌های اعیانی است که از وسعت و امکانات بیشتر، عناصر فضایی و نمادین و همچنین تزیینات بهره‌مند می‌باشد. در همین رابطه به منظور پیگیری حضور مؤلفه‌های کیفیتی حیات‌مند، برخی الگوها که شامل حیاط مرکزی، گودال باغچه‌دار و خانه باغ بود از میان الگوهای دیگر انتخاب و بر مبنای روش داده‌بنیاد مورد مطالعه قرار گرفت.

فرایند احصاء مؤلفه‌ها

به منظور احصاء مؤلفه‌های کیفیت حیات‌مند از حیاط خانه‌های دوره سنت که بر مبنای روش داده‌بنیاد انجام می‌گیرد بهره‌گیری از ابزار مصاحبه فرایند احصاء را از اعتبار کافی برخوردار می‌سازد. این مصاحبه‌ها که با برخی اساتید معماری دانشکده هنر و معماری

دانشگاه یزد و نیز تعدادی از ساکنین بافت تاریخی انجام گرفته تا رسیدن به اصل اشباع ادامه یافته است. همچنین تلاش شده تا فرایند احصاء با کدگذاری‌هایی انجام شود. لذا به منظور آشنایی با این فرایند دسته‌بندی و پاراگراف‌گذاری در نمونه‌ای از مصاحبه انجام شده با کدگذاری‌هایی (کدهای باز، محوری و کد اولیه انتخابی) مشخص شده است (جدول شماره ۱).

همان‌گونه که ملاحظه شد، در (جدول شماره ۱) تلاش گردیده تا به ترتیب پس از ثبت مصاحبه، دسته‌بندی و پاراگراف‌گذاری از «کدهای باز» استخراجی انجام گیرد. در (جدول شماره ۲) که حاصل تحلیل اطلاعات مرحله‌ی قبل است، یعنی کدگذاری مصاحبه‌ها - که در مصداق بالا مشخص است - سعی شده تا کدهای باز استخراجی در بقچه‌هایی قرار گیرند، به طوری که در نسبت مفهومی با یکدیگر باشند. از همین رو، در مقوله‌بندی‌ها تاجای ممکن تلاش گردید تا کدهای محوری جهت‌دهی این کدهای باز را مشخص نمایند. به منظور آشنایی و فهم بهتر این موضوع، ردیف‌های مشخص شده (جدول شماره ۲) کدهای باز در شروع و پایان را نشان می‌دهد و در ادامه نیز «کد محوری» اختصاص یافته به آن کدهای باز قید شده است.

در (جدول شماره ۳) تلاش گردید تا کدهای محوری مشخص شده در (جدول شماره ۲)، براساس خط و ربط‌هایی که ممکن است با یکدیگر داشته باشند، مورد واکاوی و بررسی مجدد قرار گیرد. نتیجه‌ی به‌دست آمده، اجماع برخی مقولاتی است که به نظر می‌رسید در نسبت با یکدیگر باشند. از این رو، پس از آنکه کدهای محوری مجدداً بازنگری شد، بقچه‌های کلی‌تری برای آن منظور شد و آن بقچه تحت عنوان «کد انتخابی» که بتواند آن موضوعات را تحت پوشش قرار دهد، در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۳- فرایند اجماع کدهای محوری و تبدیل آن به کدهای انتخابی

تجمیع کدهای محوری	کدهای انتخابی	تجمیع کدهای محوری	کدهای انتخابی
A-p-1& A-p-10	نسبت و مراتب مقیاس	A-m-1& A-m-18 A-h-1& A-h-4 A-g-1& A-g-4	رابطه مندی
A-cz-1& A-cz-3 A-z-1& A-z-18	مرکز نیرومند	A-a-1& A-a-15 A-k-1& A-k-3	طبیعت
A-u-1& A-u-13 A-c-1& A-c-13 A-q-1& A-q-2 A-e-1& A-e-5 A-b-1& A-b-9 A-r-1& A-r-8	تغییر مندی	A-s-1& A-s-7 A-y-1& A-y-7 A-t-1& A-t-4 A-o-1& A-o-5 A-n-1& A-n-5	مکان مندی
A-j-1& A-j-7 A-bz-1& A-bz-4 A-x-1& A-x-3 A-i-1& A-i-15	کهن الگوها	A-w-1& A-w-18	خدمندی (حریم)
-	-	A-v-1& A-v-2	انسجام و نظم

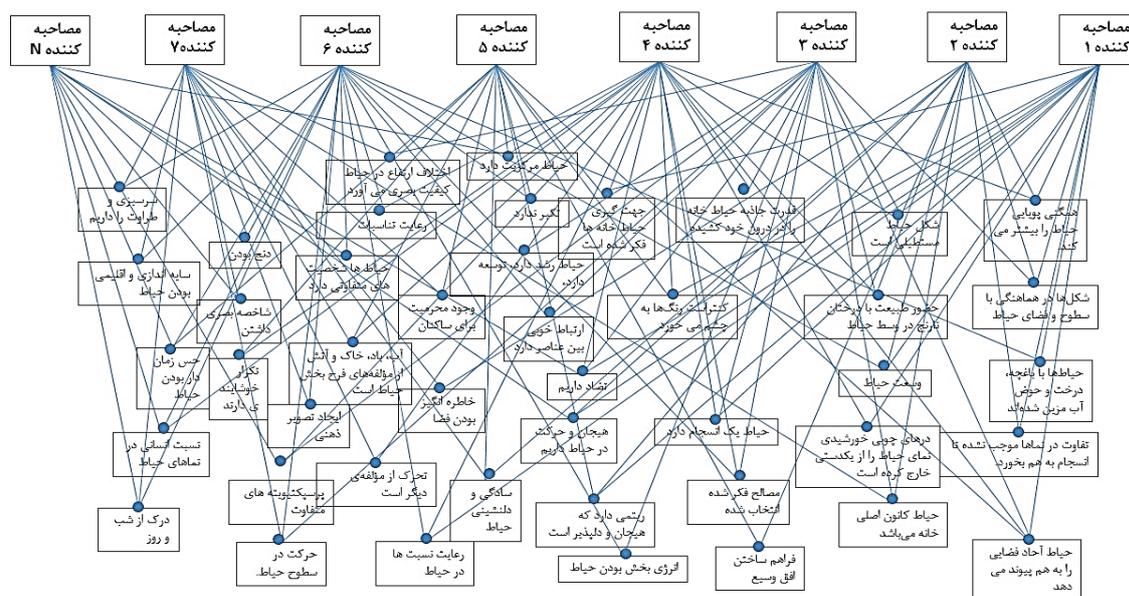
به نظر می‌رسد هم ویژگی‌های کمی را شامل شده و هم گزاره‌هایی کیفی را مورد نظر قرار می‌دهد (تصویر شماره ۵). تحلیل‌ها بر مبنای مصاحبه‌های انجام شده تقریباً ۱۲۰۰ کد باز و نیز بر مبنای توصیف فضاها حدود ۱۱۰۰ کد باز و در مجموع بیش از ۲۳۰۰ کد باز را در مرحله اول و بدون پایش نشان می‌داد که این تعداد از کدها در برخی با تکرار نیز همراه می‌شود.

در مرحله دوم، به منظور مشخص شدن دقیق‌تر کدها، علاوه بر اجماع گزاره‌های تکراری، شماره‌ای نیز به هر واژه تعلق گرفت تا تکراری بودن یا نبودن واژه مشخص شود که در مصداق طرح شده (جدول شماره ۱) ملاحظه می‌گردد. در این مرحله، کدهای باز به کمتر از ۸۰۰ مورد رسید. در مرحله سوم، با بررسی‌های مجدد از عبارت‌ها در مصاحبه و توصیف، گزاره‌هایی را که مصاحبه‌شوندگان با تأکید بر آن‌ها مفهوم یا مفاهیمی را تبیین کرده‌اند، با کد اصلی مشخص و گزاره‌های زیربخش آن را با کدهای متعلق به آن مفهوم

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در تحلیل کدهای به دست آمده از مصداق طرح شده، آنچه در مرتبه اول فراوانی بیشتری را نشان می‌دهد و جلب توجه می‌کند، تأکیدی بر مؤلفه‌ی «تغییر مندی» در حیاط خانه‌هاست. در مرتبه دوم، مؤلفه‌ی «مکان» و در مرتبه سوم، «کهن الگوها» قرار دارد. مؤلفه‌های دیگر نیز هر یک سهم قابل توجهی را در حیاط خانه‌ها نشان می‌دهند. بنابراین در تبیین این مصداق و روش احصا انجام گرفته، برخی از کدهای انتخابی مورد اشاره قرار گرفته که جزئی از منظومه‌ی مؤلفه‌های احصا شده در مجموع مطالعات میدانی می‌باشد.

تحلیل یافته‌ها

بررسی‌های انجام شده بر مبنای روش داده‌بنیاد، نشان می‌دهد که در مصاحبه‌های انجام شده، وجوه و حدود متفاوتی از مقوله حیات مندی از حیاط خانه‌ها قابل شناسایی است؛ جنبه‌هایی که



تصویر شماره ۵- برخی از ویژگی‌های تبیین شده توسط مصاحبه‌شوندگان و نیز ارتباط و اشتراکات در بیان صحبت‌ها

تبیین مؤلفه‌ها

هر چند مؤلفه‌های هر یک دارای وزن و اعتبار مشخصی در هر الگو از خانه‌ها می‌باشد اما برای مخاطب آشنا و حضور آن در حیات‌مندی خانه‌ها نسبتاً روشن و مشخص است. در ادامه سعی شده تا جنبه‌هایی که موجب تقویت آن در معماری حیات‌خانه‌ها می‌شود به اختصار تبیین شود.

تغییرمندی (تنوع)

سازمان فضایی خانه‌های سنتی تغییر را در لایه‌های متفاوت و گسترده برای ساکنان به ارمغان می‌آورد. این تغییر منجر به تنوع شده و در مراتب کالبدی، مفهومی، حرکتی رفتاری و حتی ارزشی قابل ردگیری است. این موضوع در هر الگویی از ساخت خانه‌ها متفاوت است، به گونه‌ای که معماربانی در هر الگویی، گونه‌هایی از تغییر و تنوع فضایی را با هوشمندی به کار گرفته است. اینکه هر لحظه و با گذر زمان با تغییری در فضای حیات مواجه باشیم و آن را تجربه کنیم، به نظر امکانی است که ما را از روزمرگی و یکسانی رها می‌کند. از تداعی حرکت اشکال و فرم‌ها گرفته تا حرکت آب و رویش درختان و یا زایش و حرکت سایه‌ها و حرکت باد این تغییرات را جذاب می‌کند.

این تنوع در لایه‌های دیگر می‌تواند ویژگی‌هایی را برای هر خانه ایجاد کند. از عناصر عمودی که از حیاط و در معماری بام قابل مشاهده است تا آرایه‌ها، وسعت و عمق بخشی به برخی فضاهای باز و نیمه‌باز این تغییر دیده می‌شود و در آن فضا و رفتار جدیدی قابلیت خلق شدن می‌یابد. اختلاف سطوح فضایی، ریتم و آهنگ نماها، تفاوت بین اجزای به کار گرفته شده در سطح و سطوح از دیگر مواردی است که تغییر و تنوع را شدت می‌بخشد. این تغییر در سطوح فضاهای باز، نیمه باز و بسته، بنا به نوع کارکرد و رفتارهای واقع شده در آن نیز متنوع است.

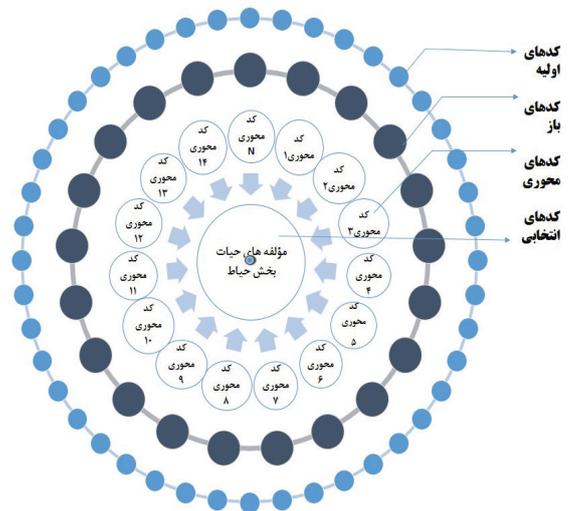
مراکز نیرومند

مراکز نیرومند یکی از شاخصه‌های مهم خانه‌های سنتی است. مرکز یا مراکز نیرومند در هر خانه‌ای ممکن است متفاوت باشد. بخشی از ضرورت وجود این کانون‌های نیرومند، به واسطه رخدادها یا رفتارهایی است که در آن شکل می‌گیرد و حائز اعتبار و اهمیت می‌شود. فضاهای نیمه باز همچون تالار و ایوان، به عنوان محل تجمع که بخشی از زندگی ساکنان خانه در آن شکل می‌گیرد، به حیاط وسعت می‌بخشد و اعتبار کانون‌هایی را که رفتارها و اعمال در آن به شکل ویژه‌ای رخ می‌دهد، به همین سبب بالا می‌برد.

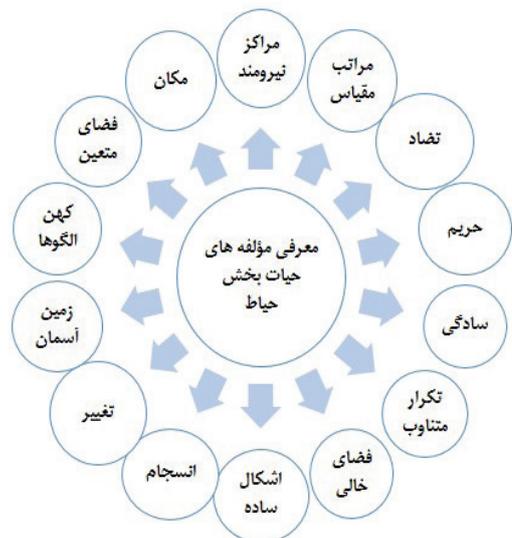
بخش دیگری از این مراکز نیرومند، علاوه بر جنبه‌ی کارکردی، واجد مفهوم است. این مراکز که حلقه‌ی واسط آن حیاط است، علاوه بر اینکه به تنهایی خود واجد کانونی مستقلی است- حضور آب، حوض، فضای سبز و آسمان که منظومه‌ای زیبا و دلنشین از همراه با طبیعت بودن را فراهم می‌آورد- ظرفیت گردآوری مراکز دیگر را نیز برعهده دارد. در این میان، استقرار عنصری عمودی با کارکردی اقلیمی و با بُعد نشانه‌ای و مفهومی (شأنیت‌بخش)، می‌تواند آن را به عنوان کانون نیروزا و در ارتباط با سایر اجزای

در نظر گرفته شده است تا بقچه‌بندی برای هر مفهوم معلوم و در نظر گرفته شود. این بقچه‌بندی‌ها در برخی موارد به تعداد انگشتان یک دست و در برخی نیز چند ده مورد را شامل می‌شود که در این مرحله بیش از ۱۶۰ کد محوری اولیه و پس از پایش آن کدهای کمتری مشخص شد.

مصاحبه‌شوندگان هم به جنبه‌های کالبدی و هم به جنبه‌های فراکالبدی اشاره داشته‌اند. در پایش این مرحله و به منظور تعمیق این مفاهیم، کدهای محوری از میان بررسی و تجمیع کدهای باز انتخاب شد. در مرحله نهایی، به نظر می‌رسد که برخی از کدهای محوری وجوه و برخی دیگر نیز حدود را مشخص می‌کند. بنابراین تلاش شده تا قدری جنبه‌های اصلی در لایه‌های انتخابی مشخص و مورد بررسی و تأکید بیشتری قرار گیرد. در نهایت، ۱۴ کد انتخابی، حاصل تحلیل و بررسی مطالعه‌ی میدانی بوده است که در (تصاویر شماره ۶) فرایند احصاء مؤلفه‌ها و در (تصویر شماره ۷) مؤلفه‌ها مشخص شده است.



تصویر شماره ۶- فرایند دستیابی به مؤلفه‌ها از طریق کدها



تصویر شماره ۷- معرفی مؤلفه‌های حیات‌مندی در حیاط‌خانه‌ها

معماری، حیاط خانه معرفی کند.

از این گذشته، در برخی از الگوی خانه‌ها، وجود فضاهایی که برحسب شرایط اقلیمی، ترکیب فضای باز و نیمه‌باز را به کار گرفته تا کانون‌هایی نیرومند را برای آسایش و آرامش مهیا سازند، وجود این کانون‌ها را منطقی نیز جلوه می‌دهند. فضای حوض خانه با استقرار کلاه‌فرنگی در بالای آن و در ترکیب با عناصری فضایی با کارکردی جمعی، این کانون‌های نیروزا را تقویت می‌کنند.

در همین رابطه، معماری بام در ترکیب با حیاط، گفتنی‌های زیادی دارد. از این رو، معماری‌باشی از آن‌ها چشم‌پوشی نکرده و ضرورت ایجاد فضایی مانند مهتابی را نیز به عنوان کانونی نیرومند در رصد آسمان و در پیوستگی با حیات روحی ساکنان طراحی کرده است. در مجموع، می‌توان چنین برداشت کرد که رفتارها و عملکرد فضایی، مفهوم و نشانه، توجه به اقلیم و یا منطبق سازه که مؤلفه‌ی بسیار مهمی نیز محسوب می‌شود، موجب شکل‌گیری مرکز یا مراکز نیرومندی در خانه‌ها می‌شود. به نظر می‌رسد در مجموع تقویت کانون‌های نیروزا، حس برانگیزش را تقویت کرده و ظرفیت حیات‌مندی را در کالبد معماری خانه فراهم می‌کند.

اشکال ساده و خوب

ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین اشکال عموماً ساده و اصیل‌اند. از همین رو، اولین چیزی که می‌توان دریافت این است که در بیشتر حالت‌ها، اشکال ساده و خوب، پیچیده و یا بی‌قاعده نیستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد این اشکال، صورت‌های ابتدایی و اصیل دارند. لذا همین ویژگی نیز موجب جذابیت و فهم و خوانایی آن‌ها می‌شود. در معماری خانه‌ها، آنچه که در کالبد حیاط عمدتاً جلب توجه می‌کند، همین اشکال ساده نظیر مربع، مستطیل، چندضلعی، قوس و یا زایشی از همین اشکال است؛ اشکالی که هم در جزییات و هم در کلیت کالبد معماری، نقشی تعیین‌کننده دارند.

طاقچه‌ها، حوض آب، باغچه، درها، رخاب‌ها، شکل پوشش طاق‌ها و مصالح آجری، همه عموماً جزییات‌هایی هستند که از اشکال ساده به دست می‌آیند. انتخاب شکل مربع یا مستطیلی حیاط توسط معمارباشی، شکل گودال باغچه، شکل فضاهای نیمه باز مانند تالار و ایوان، شکل و یا هندسه‌ی مربع یا مستطیلی نماهای حیاط و دیگر موارد نیز نشان از به‌کارگیری اشکال ساده در کلیت خانه‌ها در هنگام طراحی و ساخت دارد.

مکان

همانگی و تشابه در کلیت ساخته‌های معماری یک سرزمین در دوره‌های مختلف، حاصل کشف استعداد آن سرزمین و بهره‌مندی از جنبه‌ی مکان است. از همین رو، در طول قرن‌ها معماران تلاش می‌کردند تا امکان حصول و بروز این استعداد را از مکان به‌عنوان زمینه‌ای که داده‌های سرزمینی نیز در آن نقش پُررنگی دارد، در جهت تحقق کیفیت حیات‌مندی خانه‌ها استفاده کنند. گرایش به زمین و یا کشتش به زمین با ایجاد الگوهای ساخت نظیر گودال باغچه یا حیاط مرکزی، نمونه‌ای از گرایش به مکان محسوب می‌شود.

سازگاری با بستر که حاصل فراهم شدن شرایط اقلیمی است، معماری حیاط خانه را نیز متأثر می‌کند، ضمن آنکه بهره‌گیری از مصالح بومی و محلی نیز در این تأثیربخشی دیده می‌شود. جهت و موقعیت قرارگیری حیاط و فضاهای پیرامون آن نیز در ارتباط مستقیم با شرایط مکانی رخ می‌دهد تا بهترین کارایی را در آسایش و آرامش ناشی از فضای حیاط خانه فراهم کند.

کهن‌الگوها

یکی از مؤلفه‌هایی که موجب ماندگاری و حیات روحی افراد می‌شود، داشتن حس خاطره نسبت به مکان زندگی است. حیاط خانه‌های سنتی، کانون ایجاد حس نوستالژی است، چراکه بسیاری از رویدادها و فعالیت‌ها به این فضا مرتبط می‌شود و به شکل‌گیری رفتارهایی می‌انجامد که با گذشت زمان، به مثابه خاطره در ذهن افراد نقش می‌بندد؛ زمان به معنای عام آن که مرتبط با شب، روز، سحر، غروب، طلوع، رویش و زایش می‌شود، حیاط خانه را نیز از خود متأثر می‌کند. اعتبار زمان در خانه‌ها با گزاره‌هایی که ذکر شد معنادار می‌شود و بالا می‌رود، چراکه با وجود آنها می‌توانیم بخشی از دوره زندگی را معنادار ببینیم و علاوه بر آن، طول موجی از جریان زندگی و رفتارها را ایجاد می‌کند که خاطره‌ساز می‌شوند. این جنبه‌ای از زمان است که با مکان آمیخته و مرتبط می‌شود. از سوی دیگر، تداوم ذهنی‌ای را ایجاد می‌کند که با دیدن و فهم آن، ارزش‌های فضایی نیز ماندگار و قابل شناسایی می‌شود.

انسجام

انسجام همان وحدت و یکدستی در معماری حیاط خانه‌هاست. این هماهنگی هم در اجزا و هم در کلیت دارای اهمیت است. در واقع، این انسجام و جدایی‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیر بودن حیاط را در مقایسه با محیط پیرامون مد نظر قرار می‌دهد. از همین رو، این چنین منزوی و کنده شدن اجزا را در حیاط خانه‌ها نمی‌بینیم، زیرا اجزای حیاط (نماها، فضاها، جزییات و...) هر کدام بر سر جای خود قرار گرفته‌اند و معمارباشی در مقایسه با مجموعه به این واقعیت توجه داشته که هر جزیی می‌تواند سازمان و نظم خود را در رابطه با کلیت خانه پیدا کند.

این انسجام و یکپارچگی، امکان جداسازی و چندپاره‌گی را از حیاط خانه می‌گیرد. در کلیت، رابطه پُر و خالی‌ها، این جدایی‌ناپذیری را شدت می‌بخشد و در جزییات، این رابطه به گونه‌ای سازمان می‌یابد که معمولاً هیچ‌گاه نمی‌توان تشخیص داد که کجا چیزی تمام و دیگری شروع می‌شود، زیرا به طرز نامحسوسی به محیط اطرافش تعلق دارد. به این ترتیب، بخش عمده آرامش فضای حیاط وابسته به نقش انسجام در کلیت و اجزای حیاط خانه‌هاست.

سادگی

سادگی زمانی خود را نشان می‌دهد که هر چیز غیرضروری از حیاط خانه حذف شود؛ ویژگی‌ای که ساکنان در خانه‌ها به خوبی آن را درک می‌کنند، چرا که از درهم ریختگی بصری و ذهنی به دور است. در واقع، هر عاملی که در معماری خانه بتواند با انسان

گفت‌وگویی صمیمانه و دور از خودنمایی و تکبر را نشان دهد، به سوی سادگی پیش رفته است. در ایجاد این سادگی، مجموعه‌ای از عوامل کنار هم قرار می‌گیرند؛ از به‌کارگیری اشکال و فرم‌های ساده تا دوری از تزیینات پراکنده و یا بهره‌گیری از تناسب‌های انسانی، این‌ها همه در تلاش‌اند تا پیچیدگی ظاهری را کاهش دهند و حیاط خانه را خوانا و ساده نشان دهند. در مجموع، آنچه موجب ایجاد آرامش درونی می‌شود، می‌تواند عاملی در تقویت سادگی باشد.

حریم

مفهومی که بار معنایی عمیقی دارد و در اطوار مختلف معماری، یکی از مؤلفه‌های شاخص و ارزشمند محسوب می‌شود. این مؤلفه هم تفکیک‌کننده و هم پیونددهنده است. از این رو، حریم کار خود را در احاطه کردن و جداسازی، درعین پیوند زدن به خوبی انجام می‌دهد. ایجاد مفاهیم متعددی که ریشه در حریم دارد، به اعتباربخشی آن افزوده است. مرز بین اجزا، در شاکله‌ی کلی حیاط خانه‌ها، سهم حضور اجزای مختلف، حدود بهره‌گیری از پدیده‌ها، ایجاد عرصه‌های مختلف و دیگر موارد در لایه‌های کالبدی و رفتاری منجر به ایجاد این مفهوم می‌شود.

فضای متعین

حیاط خانه فضایی است که شخصیت و جنبه‌ی خاص خود را دارد. لذا حیاط خانه‌ها هرچقدر دارای شکل و قاعده مشخص و ویژه خود باشد، یعنی تا حدی ساده، دور از هرگونه زائده و یا چیزی غیرضروری که موجب از میان رفتن اعتبار و شخصیتش شود می‌تواند فضایی متعین را شکل دهد. اینکه حیاط به‌خودی‌خود شکل فیزیکی و معین خود را دارد، به طوری که در رابطه با محیط پیرامونش، بی‌معنا و منفعل و منزوی نیست، به اعتبار و وجه آن اهمیت می‌بخشد. چنین تعینی، علاوه بر تشخیصی که در خود دارد، هیچ فضای پس‌مانده‌ای را باقی نمی‌گذارد. در واقع، توصیف شفاف و آسان فضای متعین، خلوص شکلی و معناداری است که موجب خوانایی و وضوح فضای حیاط می‌شود. به نظر آنچه تعین بخشی به حیاط را شدت می‌بخشد، حفظ تعادل فضایی و تقارنی است که در ماهیت حیاط خانه‌ها نهفته است. از همین رو، انتخاب آن به عنوان یکی از مؤلفه‌ها، ضرورت توجه به خلوص و خوانایی را تقویت می‌کند.

تکرار متناوب

یکی از مؤلفه‌های معتبر در معماری حیاط خانه‌ها، ریتم و آهنگ ناشی از تکرار است. به عبارتی، نظمی که در کالبد معماری حیاط‌ها وجود دارد، مدیون تکرار اجزای آن است؛ تکراری که خوشایند و دلنشین و نه خسته‌کننده است، به‌گونه‌ای که در این صورت، تفاوت و تشخیص، فضایی یک شکل را می‌یابد. چنین تفاوتی موجب ایجاد آهنگ و ریتم منظم در کالبد می‌شود که خود حاصل همان تکرار خوشایند است، یعنی در حالتی که همه‌ی عناصر و اجزا اگرچه در کالبد حیاط برابر و همسان نیستند، اما در دستگاه موسیقایی هماهنگی قرار دارند.

این تفاوت در تکرار اجزا نشان می‌دهد که هر یک از اجزا

مطابق محل قرارگیری‌اش در هماهنگی با کلیت حیاط، نوسانی زیبا و لطیف از تکرار را می‌آفریند. به این ترتیب، حیات‌مندی حیاط زمانی محقق می‌شود که کلیت حیاط، اعم از نماها و یا اجزای شکل‌دهنده‌ی سطح، به هم پیوسته باشند و شخصیت خاص خود را داشته و بدین گونه از یکدیگر با تکراری متفاوت متمایز شده باشند.

فضای خالی

این مؤلفه که ارتباط تنگاتنگی با حیاط در معماری خانه‌ها دارد، به عنوان قلب و روح تپنده‌ی خانه محسوب می‌شود؛ فضایی که در مواقعی به آن اطلاع‌نساخته می‌شود - حیاط - در واقع فضایی است که معمار باشی به زیباترین حالت آن را ساخته است و چه بسا ساخته‌های پیرامونی آن نیز مدیون حضور این فضای تهی باشد. به نظر ضرورت فضای خالی در هر خانه‌ای به خوبی دیده می‌شود، البته با الگوهای متنوع و منحصر به فرد و خاص شخصیت هر خانه که معمار باشی‌ها آن را در نظر می‌گیرند. این مؤلفه را صرفاً منحصر به حیاط نباید دانست، بلکه فضاهای نیمه‌باز نیز که به وفور در معماری خانه‌ها مورد توجه‌اند، این ویژگی را جزء ذاتی خانه‌های دوره‌ی قاجار قرار می‌دهند. ایجاد آرامش، فراهم ساختن کیفیت‌های بصری و ادراکی و ایجاد محیطی فرح‌بخش و پویا و دیگر ویژگی‌هایی که تاکنون در ارتباط با آن بیان شد، همه به نحوی با این مؤلفه مرتبط می‌شود.

تضاد

تضاد همان مؤلفه‌ای است که تفاوت را به وجود می‌آورد و به پدیده‌ها تمایز می‌بخشد. مؤلفه‌ای که به شکل تمایز شدید و یا عاملی در ایجاد گسست و جدایی به شمار نمی‌آید، بلکه موجب پیوستگی و یکپارچگی و نیز ارتباط بین اجزای حیاط با کلیت خانه می‌شود. در بیشتر مواقع، دو پدیده هنگامی که با هم متفاوت‌اند واجد شاخصه‌ای شده‌اند که راحت‌تر و بهتر از هم تشخیص داده می‌شوند. این تضاد در معماری حیاط به‌گونه‌ای طبیعی، وجود خود را با سایه‌روشن‌ها و آفتاب‌سایه‌ها نشان می‌دهد. تفاوت در جنسیت مصالح پُر و خالی سطح و سطوح که در حیاط و گودال باغچه و نماها ایجاد می‌شود، کنتراست رنگ‌ها که انواع درختان و پوشش گیاهی در باغچه‌ها می‌تواند ایجادکننده‌ی آن باشد و یا حتی شیشه‌های رنگی که درها را تزیین می‌بخشد، مصادیقی از تضاد در معماری خانه‌هاست. این ویژگی در حالی است که علاوه بر یگانگی‌ای که به اجزا می‌دهد و معرفی که برای آن پدیده به همراه می‌آورد، موجب وحدت و همبستگی در کلیت نیز می‌شود.

زمین، آسمان

زمین - آسمان مؤلفه‌ای که حیات ساکنان خانه وابسته به آن است و معماری خانه با وجود آن معنادار می‌شود. خانه بر روی زمین و زیر آسمان بنا می‌شود و آنچه نیاز جسمی و روحی ساکنان خانه در داشتن حیات و بودن است، در آن تحقق می‌یابد. حیاط خانه، یک رو به زمین و روی دیگر به آسمان می‌کند و اجزا، گاه بر روی زمین، فضای حیاط را ایجاد و معنادار می‌کند و گاه با گودال شدن و داخل زمین رفتن، جذب در زمین می‌شود و در آغوش آن قرار

می‌گیرد. سلسله عواملی دست‌اندرکارند تا زمین را برای زمینیان مهد آرامش و سکون سازند. از سوی دیگر، کشش به سوی آسمان و جاذبه‌ی آن، معماری خانه و حیاط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، ضمن آنکه پیوند این دو با یکدیگر را نیز نباید فراموش کرد. زمین بدون آسمان و آسمان بدون زمین، برای انسان وابسته به حیاط بی‌معناست. پیوند با طبیعت (تابش آفتاب، نزول باران، رشد گیاهان)، درک شب و روز و در مجموع، درک زمان، وابسته به آسمان و زمین می‌شود. نزول رحمت و برکت را ساکنان از آسمان طلب می‌کنند و از این رو، حیاط کانون این ارتباط میان زمین و آسمان می‌شود.

سلسله مراتب مقیاس

این مؤلفه بیانگر وجود طیفی از مقیاس‌های مختلف اما هماهنگ و منظم است که در حیاط خانه‌ها، معمارانه به کار گرفته شده است. از این رو، هم در جزئیات و هم در کلیت حیاط، اثر و نشان آن را می‌توان مشاهده کرد. این مؤلفه را می‌توان از اصول جدایی‌ناپذیر کالبد حیاط خانه‌ها قلمداد کرد، چراکه بدون مقیاس و تناسب و رعایت نسبت‌ها، اصولاً حیاط زنده و پویا نمی‌شود. از همین رو، وجود اندازه‌های بزرگ، متوسط و کوچک بر روی نماها یا کوتاهی و بلندی سطوح و یا تغییر در ارتفاع، به طوری که در رابطه با یکدیگر و به آرامی جزء و یا کلی را شکل دهد، این مؤلفه را دارای اعتبار می‌کند.

جمع بندی

بررسی انجام شده نشان می‌دهد در طرح مایه حیاط خانه‌های دوره سنت مؤلفه‌های کیفی وجود دارد. این در حالی است که هر یک از مؤلفه‌ها سهمی از حضور را به خود اختصاص می‌دهند. هر چند که نقش هر یک از مؤلفه‌ها پررنگ و یا کم رنگ می‌باشد منتها حضور این پارامترها در معماری حیاط خانه‌ها قدری احساس برانگیزش را در انسان تقویت می‌سازد و کیفیتی از جنس زنده بودن، سرزندگی و در مجموع زندگی را در فضای خانه به همراه می‌آورد. اما آنچه مسلم است برخی پارامترها در تقرب به حیات‌مندی و احساس بودن در فضا مرتبه‌ای بالاتر و نقش پررنگ‌تر و برخی دیگر در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار دارند.

به نظر می‌رسد کیفیت حیات‌مندی، مقوله‌ای ذهنی، خیالی و برآمده از تصور نیست، بلکه تفکر، احساس و خیال در این فرایند به کمک هم می‌آیند. به عبارتی از یک سو در رفتارها تجلی می‌یابد، یعنی همان رفتارهایی که احساس زنده بودن انسان در فضای زیستی را معنادار کرده و نشان می‌دهد، درحالی که صرفاً در رفتار و حرکات نیز خلاصه نمی‌شود. از سوی دیگر، نشانه و مفاهیم آن را معنادار می‌کند، اما نه هر نشانه و مفهومی که ناشی از خواسته‌های نفسانی باشد، بلکه نیروی فکری برآمده از حق طلبی که زمینه‌ی تحقق آن را فراهم می‌کند. از طرفی، کالبد می‌تواند ابزار نمود آن باشد، اما نه هر کالبدی که سیم و زر، ابزار تفاخرش باشد و چهره‌ی آرایشی و بزک شده‌ی مد زمانه را معرفی کند، بلکه کالبدی که آرامش و آسایش را به ارمغان آورد. از این رو، این جنبه‌ها هم‌سو با

یکدیگر، کیفیت حیات‌مندی را محقق و کامل می‌کنند، چراکه هر یک به تنهایی توانایی برداشتن این وزنه را ندارند و نمی‌توانند این مفهوم را در معماری تحقق بخشند.

بررسی و تحلیل‌های انجام گرفته از روش کیفی (داده‌بنیاد)، که در فرایندی از مراحل مشاهده، توصیف، مقایسه و تطبیق، مصاحبه، کدگذاری به سرانجام رسید، مشخص می‌کند؛ کالبد خانه‌ها عرصه‌ی خلاقیت بیشتر معمار می‌شود و کیفیت‌هایی نیز به منصفه ظهور می‌رسد.

مطالعات میدانی و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، ایجاد کیفیت حیات در کالبد حیاط خانه‌ها منحصر به الگوهایی مشخص نیست. هر فضایی و هر حیاطی در هر الگویی، کیفیت منحصر به خود را می‌یابد. ضمن آنکه تا زمانی که منظومه‌ی ویژگی‌های تبیین شده مورد توجه نباشد، نمی‌توان انتظار داشت این صفات در معماری‌ها و از جمله حیاط‌ها شکل گیرد.

بنابراین با توجه به مطالعات صورت گرفته مؤلفه‌هایی که در معماری بکار گرفته می‌شوند دارای دو بُعد می‌باشند. **بُعد اول** تعدد و تنوع حضور مؤلفه‌ها بوده و **بُعد دوم** مرتبه حضور مؤلفه‌ها می‌باشد. آنچه از مصاحبه‌ها حاصل گردید، نشان می‌دهد مصاحبه‌شوندگان به مراتبی از نقش مؤلفه‌ها نیز اشاره داشته‌اند که نقش هر مؤلفه در هر مرتبه وجهی از ظرفیت و محتوا را پیش روی ما قرار می‌دهد. آنچه مسلم است بخشی از خصلت‌های بدست آمده نظیر (مراکز نیرومند، مراتب مقیاس، تضاد، فضای خالی، تکرار متناوب، فضای متعین و سادگی) واجد اعتبار و تأکیدی بر خصلت‌های بنیادین پدیده‌های زنده می‌باشد. برخی دیگر از مؤلفه‌ها نظیر (مکان، کهن‌الگوها، حریم، تغییر، زمین و آسمان و...) در معماری سرزمینی عمق و اعتبار بیشتری داشته است که به نظر می‌رسد هر چقدر زمینه‌هایی چون؛ امکانات، ظرفیت‌های معماری و استعداد سرزمین فراهم باشد، این مؤلفه‌ها بیشتر حضور پیدا می‌کنند و در جاهایی که فرصت یا مجال کمتری بوده به نسبت نیز حضور مؤلفه‌ها کم رنگ می‌شود. بنابراین می‌توان چنین پنداشت که حیاط خانه‌های دوره‌ی سنت تا حد زیادی پارامترهای بنیادین حیات‌مندی در آن‌ها حضور داشته و این ساخته‌ها قادر می‌باشند کیفیت حیات را متناسب با نیازهای جسمی، روحی و معنوی انسان ارتقاء بخشند.

پی‌نوشت

۱. تصدیق وجه تربیتی معماری و تأثیر آن بر انسانها، در یک گستره‌ی فکری وسیع و عام، در جمله حکیمانانه چرچیل که بعد از جنگ جهانی دوم به معماران می‌گفت: امروز شما خانه‌های مردم را می‌سازید و خانه‌های شما نسل بعدی را می‌سازند (صنعتی، ۱۳۸۵: ۲).

۲. کدگذاری باز (Open Coding): فرایندی تحلیلی است که با آن مفهوم‌شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند.

۳. کدگذاری محوری (Axial Coding): فرایند تبدیل مفاهیم به مقوله‌ها است. این کدگذاری به این دلیل محوری قلمداد

- زیبا، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۹۹-۱۰۹.
۱۵. سیروس صبری، رضا و اکبری، علی (۱۳۹۲) مفهوم نظم کریستفراکسندر و علم جدید، فصلنامه علمی پژوهشی صفا، شماره ۶۱، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۴۱-۳۱.
 ۱۶. شولتز، کریستین نوربرگ (۱۳۸۱) مفهوم سکونت (به سوی معماری تمثیلی)، ترجمه محمود امیر یار احمدی، چاپ چهارم، تهران، آگه.
 ۱۷. صافیان، محمد جواد و همکاران (۱۳۹۰) بررسی پدیدارشناسی هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری، نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، سال چهارم، شماره ۸، صص ۹۳-۱۲۹.
 ۱۸. صنعتی، سیده (۱۳۸۵) تأملی بر مقام حقیقی حیاط در معماری، پایان‌نامه ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد، ایران.
 ۱۹. قاسمی سیچانی، مریم و غلامحسین معاریان (۱۳۸۹) گونه‌شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صص ۹۴-۸۷.
 ۲۰. کیانی، مصطفی (۱۳۸۳) معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی‌ها اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
 ۲۱. کاتب، فاطمه (۱۳۸۴) معماری خانه‌های ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
 ۲۲. گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۸۸) روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
 ۲۳. معاریان، غلامحسین (۱۳۸۵) آشنایی با معماری مسکونی ایران (گونه‌شناسی درونگرا)، تهران، سروش دانش.
 ۲۴. مهاجری، ناهید و شیوا قمی (۱۳۸۷) رویکردی تحلیلی بر نظریه‌های کریستوفر الکساندر، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۲، صص ۴۵-۵۶.
 ۲۵. نوایی، کامبیز و کامبیز حاجی قاسمی (۱۳۹۰) خشت و خیال، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
 ۲۶. نایی، فرشته (۱۳۸۱) حیات در حیاط: حیاط در خانه‌های سنتی ایران، تهران، نزهت.
 ۲۷. نصر، طاهره (۱۳۹۳) واکاوی معنای هویت در سنجش پارادایم (تحلیل جایگاه هویت بخشی در بافت شهر)، فصلنامه هویت شهر، سال هجدهم، شماره هشتم، صص ۱۳-۲۶.
 ۲۸. نیکولائید، کیمون (۱۳۶۲) تکنیک و روش طراحی، مترجم: ع. شروه، تهران، بهار.
 ۲۹. هیدگر، مارتین (۱۳۷۹) سرآغاز کار هنری، ترجمه پرویز ضیاء شهابی، هرمس.
 ۳۰. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۷) انسان و سمبولهایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران، جامی.
31. Eliade, Mircea (1991) *The Myth of the Eternal Return*, tr., W. R. Trask (Princeton, NJ: Princeton University Press
 32. Le Corbusier (1986) *Towards a new architecture*, New York: Dover Publication.

می‌شود که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، یک مفهوم مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در فرایندی که در حال بررسی آن است قرار می‌دهد و سپس دیگر مفاهیم را به آن ربط می‌دهد.

۴. کدگذاری انتخابی (Selective Coding): فرایند یکپارچه سازی و بهبود مقوله‌هاست تا نظریه شکل بگیرد. در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، یک نظریه از روابط مابین مقوله‌های موجود در کدگذاری محوری را به نگارش در می‌آورد.

منابع

۱. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱) معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدنی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۴) سرشت نظم، ترجمه سیروس صبری، تهران، جلد اول، ویراست دوم، پرهام.
۳. اخوت، حانیه سادات (۱۳۹۲) بازشناسی هویت دینی در مسکن سنتی (نمونه موردی: شهر یزد)، رساله دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
۴. اسلام پور شیما، میرلوحی، سعید و سوزان حبیب (۱۴۰۰) در جست و جوی معنای خانه؛ تبیین مؤلفه‌های کالبدی تجلی بخش معنا با استفاده از مفاهیم نظری پدیدارشناسی، نشریه علمی باغ نظر، ۱۸ (۱۰۵)، صص ۷۹-۹۲.
۵. استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۵) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ پنجم، تهران، نشرنی.
۶. بهشتی، سید محمد (۱۳۸۷) خانه چیست، مجموعه گفتارها درباره خانه، همایش مرکز رویدادهای معماری ایران، صص ۱-۵.
۷. بهشتی، سید محمد (۱۳۷۰) معماری چیست، انجمن مفاخر معماری ایران، صص ۱-۹ (<http://ammi.ir>)
۸. پوپ، آرتور و اکرم، فیلیپس (۱۳۸۷) سیری در هنر ایران، ویرایش: سیروس پرهام، جلد سوم (متن)، جلد سوم، تهران.
۹. پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۸۸) شازده حمام، جلد اول و دوم، مشهد، پاپلی.
۱۰. حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۳) گنجنامه، دفتر چهارم خانه های یزد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. حنیف، احسان (۱۳۹۷) مفهوم سکونت و تأثیر آن بر حیاط خانه‌های ایرانی، فصلنامه اندیشه معماری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، سال دوم، شماره چهارم، صص ۳۱-۴۴.
۱۲. رپوپورت، ایماس (۱۳۸۲) خاستگاه‌های فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول و افرا بانک، فصلنامه خیال، شماره ۸، فرهنگستان هنر، صص ۹۷-۵۶.
۱۳. سالینگروس، نیکوس (۱۳۹۳) ضد معماری و واسازی، ترجمه زهیر متکی و همکاران، تهران، سروش دانش.
۱۴. سلیمانی، مریم و مندگاری، کاظم (۱۳۹۴) بازشناسی اصول خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای اساسی روانشناختی؛ براساس تئوری برخاسته از زمینه، نشریه هنرهای

تبیین چارچوب مفهومی برای ارزیابی تاب آوری مکانی - فضایی در برابر سیلاب‌های شهری

و کاربست آن در ادبیات شهرسازی؛ مطالعه موردی: شهر بابلسر^۱

الهام رضائیان کله بستی^{*}، حسین کلانتری خلیل آباد^{**}، مریم رزقی^{***}

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰)

چکیده

شاخص‌های سنجش تاب آوری مکانی - فضایی شهری، مستقیماً مربوط به ابعاد فیزیکی و زیست‌محیطی سیستم شهری بوده و در ارتباط با مؤلفه‌های اصلی سازمان فضایی شهر قرار می‌گیرند. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی تاب آوری مکانی - فضایی در برابر سیلاب‌های شهری در بابلسر است. این پژوهش به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف، کاربردی است. جمع‌آوری داده‌های پژوهش حاضر از طریق روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. جامعه پژوهش حاضر متخصصان شهر بابلسر مرتبط با موضوع سیلاب‌های شهری بوده که از میان آنها ۳۰ نفر به عنوان نمونه به صورت نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل‌های آماری میانگین، کلموگروف - اسمیرنوف، شاپیرو - ویلک و آزمون تی تک نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS و همچنین تکنیک AHP و WASPAS استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که شهر بابلسر به لحاظ تاب آوری در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد و لازم است که از پتانسیل‌ها و فرصت‌ها و منابع موجود در شهر در راستای بهبود تاب آوری مکانی - فضایی در برابر سیلاب به درستی استفاده کند.

واژه‌های کلیدی: سازمان فضایی شهر، آسیب‌پذیری، تاب آوری شهری، ابعاد مکانی - فضایی، سیلاب‌های شهری، بابلسر

۱. مقاله حاضر برگرفته از بخشی از رساله دکتری الهام رضائیان کله‌بستی با عنوان «تبیین شاخص‌های تاب آوری مکانی - فضایی در مقابله با سیلاب و تجلی آن در کالبد شهر؛ نمونه مورد مطالعه: شهر بابلسر» است که با راهنمایی حسین کلانتری خلیل‌آباد و مشاوره مریم رزقی در گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت‌الله‌املی انجام یافته است.

* دانشجوی دوره دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

** نویسنده مسئول: استاد جهاد دانشگاهی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت‌الله‌املی، آمل، ایران

*** مربی، گروه شهرسازی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت‌الله‌املی، آمل، ایران



مقدمه

با توجه به تغییرات گسترده اقلیمی در سطح جهان و افزایش جمعیت شهرنشین، جوامع امروزی با چالش‌های بزرگی در مدیریت برنامه‌ریزی شهری آینده مواجه هستند (افشارمنش و همکاران، ۱۴۰۰: ۲). این تغییرات اقلیمی سبب تغییرات در چرخه هیدرولوژیکی خواهد شد و احتمال وقوع حوادث طبیعی از جمله سیل را افزایش می‌دهد (Dhar & Khirfan, 2017: 74). از سویی با افزایش وسعت شهرها بر اثر تشدید شهرنشینی، سطوح نفوذناپذیر افزایش یافته است و در برخی موارد نیز مسیرهای جریان دچار تغییر و تحول شده‌اند به طوری که وقوع سیل پیامدهای ویرانگر و خسارات‌های ناگواری را برای ساکنان شهر به بار آورد (بدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸).

در سال‌های اخیر در سطح جهانی همگام با تغییر مدیریت مخاطرات از نگرش منفعلانه به سوی مدیریت ریسک، تغییرات چشمگیری از تمرکز بر کاهش آسیب‌پذیری به سوی ارتقای تاب‌آوری اجتماعات به عنوان توانایی برای مقابله (سواری و خسروی‌پور، ۱۳۹۷: ۲۱)، سازگاری و انعطاف‌پذیری انسان صورت گرفته است (Pelling, 2003: 5). تاب‌آوری توانایی یک سیستم برای آماده‌سازی مقاومت بازبایی و سازگاری با اختلالات برای دستیابی به عملکرد موفق در طول زمان (Townend et al, 2021: 3)، نوعی یادگیری پیوسته و مسئولیت‌پذیری برای اتخاذ تصمیم مطلوب‌تر به منظور بهبود ظرفیت‌های روبرویی در برابر یک مخاطره (Ridzuan et al, 2018: 1) و نوعی گذار از آسیب‌پذیری به سوی توانمندسازی جوامع در فرایندهای مدیریت ریسک است (González-Riancho et al, 2015: 44). تاب‌آوری جامعه، تابعی از نقاط قوت یا ویژگی‌هایی است که به نمایندگی و خودسازمانی منجر می‌شود؛ مانند اقتصاد متنوع و نوآور، روابط مردم، مکان و رهبری، دانش، مهارت و

یادگیری، ارزش‌ها و اعتقادات؛ شبکه‌های اجتماعی؛ دولت متعهد، چشم‌انداز مثبت و زیرساخت‌های جامعه (Madsen & O'Mullan, 2016: 278-279). تاب‌آوری انسان در اینجا به عنوان ظرفیت سیستمی تعریف شده است (این امر یک فرد، خانواده یا یک جامعه را شامل می‌شود) تا به سمت منابع لازم برای پایداری عملکرد مثبت تحت استرس و همچنین ظرفیت سیستم‌ها برای تبادل نظر حرکت کند (Ungar, 2019: 2) و مخاطرات محیطی همواره بخشی از این تنش‌ها و استرس‌ها بوده است. دستیابی به تاب‌آوری در گرو افزایش ظرفیت‌ها و توانایی‌های اجتماع در ابعاد مختلف با مجموعه اقدامات پیشگیرانه و آمادگی، امکان‌پذیر و این مسئله با افزایش آگاهی، تمایل و اراده جامعه برای چنین اقداماتی تحقق می‌یابد (Antronico et al, 2020: 1018). در بیست سال گذشته، ادبیات تاب‌آوری و تاب‌آوری شهری با مفاهیم و تعاریف متعدد و مختلفی مواجه شده است، اما تحقیقات در مورد تاب‌آوری شهری هنوز فاقد درکی جامع و عملیاتی در حوزه‌های مختلف است؛ بی آن که بازخوانی، تدوین چارچوب و جمع‌بندی از تعاریف ادبیات تاب‌آوری شهری ارائه گردد (اسلاملو و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۲). بر این اساس این مقاله با ارائه چارچوب نظری پیشنهادی به بررسی و نحوه اندازه‌گیری تاب‌آوری مکانی - فضایی شهر در مقابله با سیلاب می‌پردازد و اهمیت یافته‌های این پژوهش از منظر برنامه‌ریزان و طراحان شهری برای استفاده از پیشنهادات پژوهش در طرح‌های مختلف توسعه شهر و همچنین از منظر سیاست‌های شهری برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهر برای تنظیم سیاست‌های شهری در زمینه تاب‌آوری شهر قابل توجه خواهد بود. هدف اصلی این پژوهش، ارتقاء میزان تاب‌آوری شهر بابل در مقابله با بحران سیل طبق استانداردهای جهانی است. برای دستیابی به این هدف چهار سوال مطرح شده است. ۱- چه شاخص‌هایی در تجلی کالبدی

جدول ۱- پیشینه مطالعاتی در رابطه با تاب‌آوری شهری

محقق	سال	عنوان	روش	دستاوردهای کلیدی
کرمی و همکاران	۱۴۰۱	بررسی تاب‌آوری نواحی روستایی پیراشهری در برابر سیلاب (مطالعه موردی: برخی روستاهای دهستان میدان‌چای)	روش توصیفی با استفاده از تحلیل‌های کمی و آزمون‌های تک نمونه‌ای، رگرسیون و تحلیل واریانس یک طرفه در نرم‌افزار SPSS	نتایج نشان داده است که میزان تاب‌آوری در مقابل سیلاب در روستای لیلی خان با میانگین ۱،۵۴۸، بیشتر و در روستای چاوان با میانگین ۱،۳۷۳ کمتر است.
صالحی و همکاران	۱۴۰۱	ارزیابی مشکلات و افزایش تاب‌آوری مادی‌های شهر اصفهان در برابر سیلاب‌های شهری؛ مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۳	توصیفی-تحلیلی	نتایج پژوهش ایشان بدین صورت بوده است که باید راهکارهای متناسب با مشکلات هر مادی در نظر گرفته شود تا این مشکلات رفع گردند. بدین ترتیب تاب‌آوری مادی‌ها برابر سیلاب‌های شهری افزایش پیدا می‌کند.
ناهد و همکاران	۱۴۰۰	سنجش و ارزیابی میزان تاب‌آوری مناطق شهری در برابر سیلاب‌های شهری (مطالعه موردی: منطقه ۴ تهران)	توصیفی - تحلیلی و ارائه سه سناریو برای مقابله با سیلاب در منطقه ۴ تهران	ایشان نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ناحیه ۵ منطقه ۴ تهران مطلوب‌ترین منطقه و ناحیه ۱ و ۸ منطقه ۴ نامطلوب‌ترین منطقه از لحاظ تاب‌آوری در برابر سیلاب شهری است.
رانا و همکاران	۲۰۲۱	رویکردی برای درک پیچیدگی ذاتی تاب‌آوری در برابر سیل: شواهد از سه جامعه شهری پاکستان	توصیفی - تحلیلی در پژوهش ایشان، ۵۷ شاخص تاب‌آوری شناسایی شد که در شش حوزه اجتماعی، اقتصادی، زیرساختی، نهادی، طبیعی و روان‌شناختی طبقه‌بندی شدند.	ایشان روشی را برای ارزیابی تاب‌آوری جامعه در برابر سیل شهری پیشنهاد داده‌اند.

تاب‌آوری مکانی - فضایی شهر بابلسر در بحران سیل مؤثرند؟
۲- چه شاخص‌هایی در میان شاخص‌های بدست آمده در حوزه
تاب‌آوری در بحران سیل، از اهمیت بیشتری برخوردارند؟ ۳-
وضعیت سازمان فضایی شهر بابلسر با توجه به شاخص‌های بدست
آمده چگونه ارزیابی می‌شود؟ ۴- چگونه می‌توان ساختار فضایی
شهر بابلسر را با توجه به شاخص‌های بدست آمده ارتقاء داد؟

پیشینه و چارچوب نظری

پیشینه نظری

مشکلات زیست‌محیطی قرین با موضوع شهرنشینی، ریشه
در هر دو زمینه اکولوژیکی و شهرسازی دارند که این امر به
شکل‌گیری زمینه‌های تحقیقی مشترک در این دو دانش منجر
شده است. تحقیقات مرتبط با این موضوع بسیار متنوع بوده که
عبارت است از پژوهش‌های موضوعی تاب‌آوری شهر تا موضوعاتی با
تکیه بر ابعاد زیست‌محیطی و جنبه انطباق‌پذیری و کاهش خطرات
طبیعی همچون تهدیدهای زلزله و گرم شدن کره زمین و تغییرات
وضعیت آب و هوایی و همچنین پژوهش‌هایی در زمینه مدیریت و
برنامه‌ریزی خطر سوانح طبیعی در چارچوب تفکر تاب‌آوری با تأکید
بر زیرساخت‌های شهر.

مبانی نظری

آن چه درباره تفکر تاب‌آوری در همه تعاریف مشترک است
توانایی یا ظرفیت جذب اختلال و خطر، توانایی سازگاری با تغییر
و بهبود، حفظ ویژگی‌ها و ساختارهای ذاتی سیستم است (قرایی
و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰). در واقع مهمترین مسئله‌ای که در بعد
تاب‌آوری مطرح می‌گردد، هم از نظر مقاومت در برابر تغییر و هم
بهبودی از آن می‌باشد (Liao, 2014: 725). لذا تاب‌آوری مربوط
به هر دو زمینه آماده‌سازی برای به حداقل رساندن اختلال (یا
تغییر) و اقدامات مربوط به مقابله با اختلالات در هنگام رخداد
وقایع است (Zhou et al, 2014: 23). به این ترتیب، تاب‌آوری
نشان‌دهنده یک روند در حال شدن، مقیاس زمانی تغییر شکل
ویژگی‌های یک سیستم، سازماندهی مجدد آن سیستم و نیز توسعه
استراتژی‌های جدید سازگاری با تغییرات در آن سیستم است (Ek
et al, 2016: 212). تاب‌آوری ماهیتی چندوجهی است که به طور
کلی شامل ابعاد مختلف اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، نهادی و
فیزیکی است (Cutter et al, 2010: 6). بررسی تاب‌آوری شهری به
طور کلی به چهار دسته تاب‌آوری اجتماعی، تاب‌آوری اقتصادی،
تاب‌آوری سازمانی و نهادی و تاب‌آوری مکانی - فضایی (تاب‌آوری
سازمان فضایی) تقسیم می‌شود (Bertilsson et al, 2018: 973). در
مقیاس شهری، تاب‌آوری به میزان توانایی سیستم برای حفاظت از
دارایی‌ها و همچنین تضمین ادامه دسترسی به خدمات، به میزان
شکندگی سیستم شهری و همچنان به ظرفیت نهادهای اجتماعی
در راستای انطباق با تغییرات و جذب شوک‌ها بستگی دارد. شهر
تاب‌آور شبکه‌ای پایدار از سیستم‌های فیزیکی و اجتماعات انسانی
است (Adeniyi et al. 2018: 777). سیستم‌های فیزیکی به عنوان

کالبد، استخوان‌ها، شریان‌های یک شهر عمل می‌کنند. به هنگام
سانحه سیستم‌های فیزیکی باید قادر به ادامه حیات و عملکرد
در شرایط وخیم باشند. جوامع، اجزاء اجتماعی و سازمانی شهر
هستند، فعالیت‌ها را هدایت کرده و به نیازهای آن پاسخ داده و از
تجربیات آنها استفاده می‌کنند (Abdulkareem & Elkadi, 2018: 11). به هنگام سانحه، جوامع باید قادر به نجات و عملکرد در شرایط
بحرانی و ویژه باشند. اگر سیستم‌های فیزیکی به مثابه بدن شهر
فرو ریزید، سایر سیستم‌ها نیز قادر به ادامه فعالیت نخواهند بود
و اگر سیستم اجتماعی به عنوان مغز شهر از کار بیفتد، نمی‌توان
عملکرد شهر را در برابر سوانح تاب‌آور خواند (Allen et al, 2016: 47). در شهرهای تاب‌آور ساختمان‌های کمتری باید واژگون شوند،
برق‌گرفتگی کمتری رخ دهد، خانوارها و مشاغل کمتری در معرض
ریسک قرار گیرند، تلفات و جراحات کمتری باید وجود داشته باشد،
اختلالات ارتباطی و ناهماهنگی کمتری به وقوع بپیوندد (Folke et
al, 2010: 4). مهم‌ترین مؤلفه‌های شهر تاب‌آور استحکام، پایداری
و دوام، آمادگی و انعطاف‌پذیری و سازگاری است (Hegger et
al, 2014: 4129). با توجه به جایگاه مؤلفه زیرساخت و کالبد در
شهرهای تاب‌آور به منظور تدوین چارچوب مفهومی جهت سنجش
تاب‌آوری زیرساخت و کالبد شهر با توجه به تعریف تاب‌آوری در
چهار مؤلفه سازنده طبقه‌بندی می‌شوند که لازم است ماهیت و
کارکرد آنان از حیث آمادگی، افزونگی و بازیابی مورد سنجش قرار
گیرد که شامل زیرساخت‌های حیاتی، شبکه حمل‌ونقل، ساختمان
و ابنیه و خدمات عمومی است (Kaufmann et al, 2016: 752). با
توجه به رویکرد این پژوهش در ادامه درباره سیلاب به طور مختصر
توضیح داده می‌شود.

افزون بر این، راهکارهای غیرسازه‌ای مدیریت سیلاب به دو
گروه تمهیدات برنامه‌ریزی و تمهیدات واکنشی تقسیم می‌شوند.
روش‌های تمهیدات برنامه‌ریزی عبارتند از پیش‌بینی سیلاب‌ها،
کنترل گسترش سیلاب‌ها، بیمه سیلاب، مقاومت‌سازی در برابر
سیلاب، مدیریت حوضه آبریز، تصمیم‌گیری و مدیریت سیلاب‌های
فصلی در مخازن (روحی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۱). همچنین،
مقابله با سیلاب، هشدار سیلاب، تخلیه مؤثر، کمک‌های اضطراری
و مدیریت به هنگام سیلاب‌ها، از روش‌های کارآمد در تمهیدات
واکنشی می‌باشند. در شهرها نیز، آبخیزداری شهری مقوله جدیدی
از مدیریت آب است که با تلفیق و هماهنگی با معماری و مهندسی
عمران شهری می‌تواند ضمن تأمین آب، حفظ محیط زیست و ایجاد
پایداری در توسعه، از بروز سیل در شهرها جلوگیری کند (Boxer
& Sloan-Power, 2013: 213). در شهرها اقدام به توسعه مجموعه‌ای
از هدایت‌کننده‌های آب سطحی از قبیل؛ آبراهه‌های کنار خیابان،
منهول‌ها، کانال‌های کوچک و کالورت‌ها شده است که این مجموعه
رواناب‌راه کانال‌های اصلی، رودخانه‌ها و آبراهه‌های اصلی شهر هدایت
می‌کند. مهم‌ترین دیدگاه‌های مرتبط با تاب‌آوری شامل دیدگاه
هالینگ، دیبروجین و کلیجن، کلفه، کاتر، گلایدر، فاستر و برنر بوده
است که خلاصه این دیدگاه‌ها به صورت جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲- دیدگاه نظریه پردازان در رابطه با تاب آوری شهری

شرح دیدگاه	نظریه پرداز
مقیاسی برای نمایش مقاومت سیستم‌ها و توانایی آنها برای جذب تغییر	هالینگ (۱۹۷۳)
نظریه سیستم‌های بیولوژیکی، برای ساماندهی عواملی که تاب آوری فردی را بهبود می‌بخشد، مفید و موثر است. با استفاده از این چارچوب می‌توان کارایی و کفایت ویژگی‌های درون فردی و عوامل بیرونی که در ارتقای تاب آوری فردی موثر هستند را ارزیابی کرد.	برونفن برنر (۱۹۸۳)
۳۱ اصل را برای کسب تاب آوری عنوان و بر طبق چندین قسمت طبقه‌بندی کرد: سیستم‌های کلی، کالبدی، عملیاتی، زمان‌سنجی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی.	هارولد فاستر (۱۹۹۷)
در نگرش جدید، جهش بین وضعیت‌های متفاوت تاب آوری سیستم، یا میزان مقاومت آن، نسبت به ثبات، یا توازن که قبلاً در رابطه با برگشت پذیری و تاب آوری آن مطرح می‌شد، قابل قبول تر است.	مطالعات اکولوژی شهری مدرن (۲۰۰۵)
چارچوب پانارچی ساختاری سلسله‌مراتبی است که در آن سیستم‌های طبیعی و انسانی در چرخه‌های انطباقی بدون توقف در رشد، ذخیره، بازسازی و احیاء مرتبط هستند.	پانارچی (۲۰۰۶)
جوامع سنتی در مواجهه با بلایای طبیعی با استفاده از چهار بعد ماهیت خطر، میزان تاب آوری، ساختار فرهنگی و سیاست‌های مدیران می‌توانند مقاومت نشان دهند.	گایلارد (۲۰۰۷)
چهار بعد تاب آوری عبارتند از: مردم، سازمان‌های جامعه، منابع جامعه، فرآیند جامعه.	مرکز بنگاه اجتماعی (۲۰۰۷)
مازاد، تنوع، کفایت، خودمختاری، قدرت، وابستگی درونی، سازگاری و همکاری، از ویژگی‌های مکان‌های تاب آور می‌باشند.	کاتر (۲۰۰۸)
عدم توجه به ابعاد محیطی - جغرافیایی می‌تواند یکی از عناصر اصلی برنامه‌ریزی‌ها در برابر ارتقای تاب آوری جامعه در برابر بلایای طبیعی باشد.	کفله (۲۰۱۱)
ابزارهای مدیریت کاربری اراضی خواه به صورت قانونی، خواه اختیاری بر کاربری اراضی کنونی یا آینده تمرکز دارد، کاهش آسیب‌پذیری و در معرض خطر بودن (توسعه در محدوده‌های خطرناک) را در نظر دارد و ترکیبی از فرصت‌ها را برای ایجاد یک جامعه تاب آور به وجود می‌آورد.	دیدگاه مبتنی بر مدیریت کاربری اراضی (۲۰۱۲)

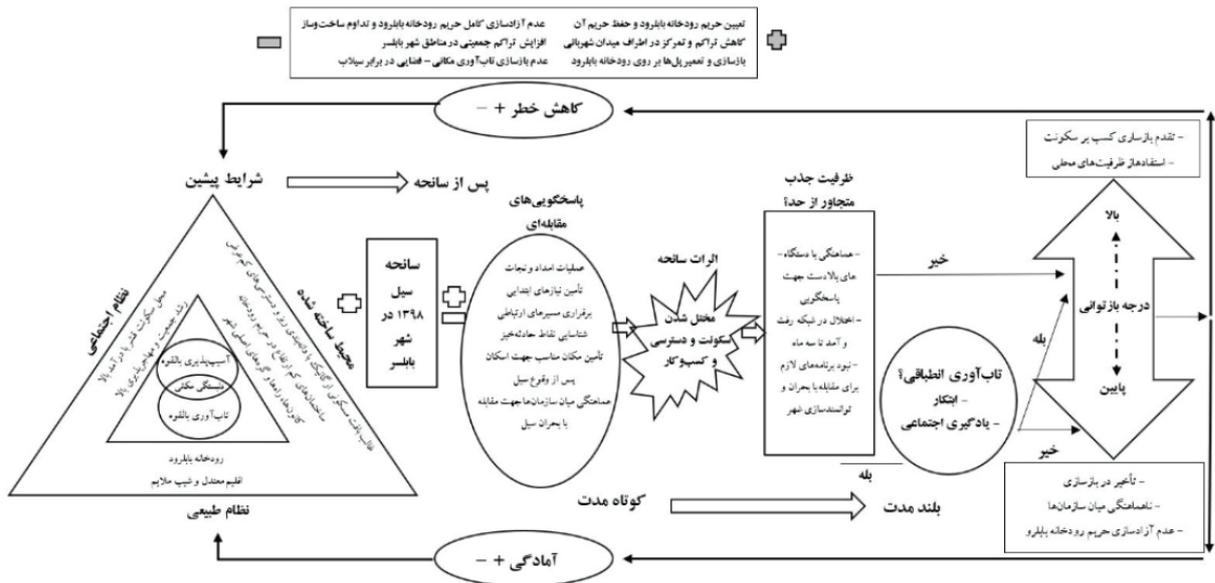
مأخذ: بدری و همکاران، ۱۳۹۲؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ عبداله‌زاده ملکی و همکاران، ۱۳۹۶؛ بابایی و همکاران، ۱۳۹۹

جدول ۳- خلاصه مباحث نظری در خصوص تاب آوری مکانی در ارتباط با سانحه و ویژگی‌های آنها

ویژگی‌ها	چارچوب تاب آوری
در این مدل تاب آوری به منزله ظرفیت ساختار سانحه‌دیده برای مقاومت در برابر خسارات و سازماندهی مجدد پس از سانحه در زمان و مکان مشخص در نظر گرفته می‌شود. همچنین خطر به منزله خسارات در نظر گرفته می‌شود که در ترکیب با اقدامات امداد و نجات ^۲ سبب ایجاد خسارات بالقوه ^۳ می‌شود. این خسارات بالقوه بر اساس بافت جغرافیایی، اجتماعی فیلتر می‌شود چرا که هر چقدر تطابق با مشخصات جغرافیایی بیشتر باشد، تاب آوری مکان هم بیشتر خواهد شد. پس از عبور از فاکتورهای ذکر شده تاب آوری اجتماعی و کالبدی و در نهایت تاب آوری مکان حاصل می‌شود.	مدل خسارت پاسخ‌گویی مکانی ^۱ (۲)
در مفهوم مدل خسارت- پاسخ‌گویی مکان سه بعد در نظر گرفته می‌شود: ۱. زمان (که می‌تواند به سه دسته پیش، هنگام و پس از سانحه و یا بازه‌های بیشتر تقسیم شود). ۲. فضا (می‌تواند مقیاس‌های فضایی مختلف از روستا تا کشور را در بر بگیرد). ۳. وجه یا جنبه ^۴ (می‌تواند حاوی خصوصیات محیطی اجتماعی اقتصادی و نهادی باشد).	
این مدل نیز از مدل‌های مکان‌محور مفهومی است که بر اساس چرخه سانحه از شرایط پیشین سانحه آغاز و با رخداد سانحه و نحوه مقابله و بازتوانی آن ادامه می‌یابد تا به این نکته برسد که اقدامات آمادگی و کاهش خطر سبب تاب آوری شده است یا خیر. گرچه این مدل به صورت مفهومی و گسترده بیان شده اما می‌توان با تعریف شاخص‌های موردنظر، آن را به ارزیابی تاب آوری کمی تبدیل کرد.	مدل تاب آوری مکانی (۱۷)

مأخذ: متکی و موقر، ۱۳۹۸ بر گرفته از Zhou, 2014; Cutter et al, 2010

1. Benchmarking Baseline Conditions
2. Loss-response of Location (DRLRL)
3. Relief
4. Loss Potential



شکل ۱- مدل تاب‌آوری مکانی در برابر سانحه مأخذ: برگرفته از متکی و موقر، ۱۳۹۸

مدل تاب‌آوری مکانی

با شناخت مدل‌های موجود و محدودیت‌شان در بستر آسیب‌پذیری و تاب‌آوری، مدل دراپ^۱ که در بردارنده ارتباط جدیدی میان مفاهیم تاب‌آوری سوانح است، انتخاب می‌شود. این مدل توسط کاتر ارائه شده است و می‌تواند برای نشان دادن مشکلات واقعی در مکان‌های واقعی به کار گرفته شود (Cutter et al, 2010: 4)، (شکل شماره ۱). از آنجایی که مدل‌ها ساده شده شرایط واقعی هستند، چندین فرضیه در مفهوم‌سازی دراپ الزامی است. اول این که این مدل به طور خاص برای سوانح طبیعی ساخته شده است اما می‌تواند برای حوادث ناگهانی مانند تروریسم یا سوانح تکنولوژیکی و یا سوانح طبیعی با وقوع آهسته مانند خشکسالی نیز انطباق یابد. دوم این که دراپ روی تاب‌آوری در سطح اجتماع تمرکز می‌کند، بنابراین از مدل‌های ساخته شده برای ارزیابی تاب‌آوری در سطح کلان مبتنی بر مناطق متمایز است. سوم، تمرکز اصلی این مدل روی تاب‌آوری مکان‌هاست. نظام‌های طبیعی^۲، نظام‌های اجتماعی^۳ و محیط ساخته شده^۴ به هم پیوسته هستند و بنابراین جدایی آنها از هم به صورت اختیاری انجام می‌گیرد. فعالیت‌های انسانی روی وضعیت محیط تأثیر می‌گذارند و بالعکس.

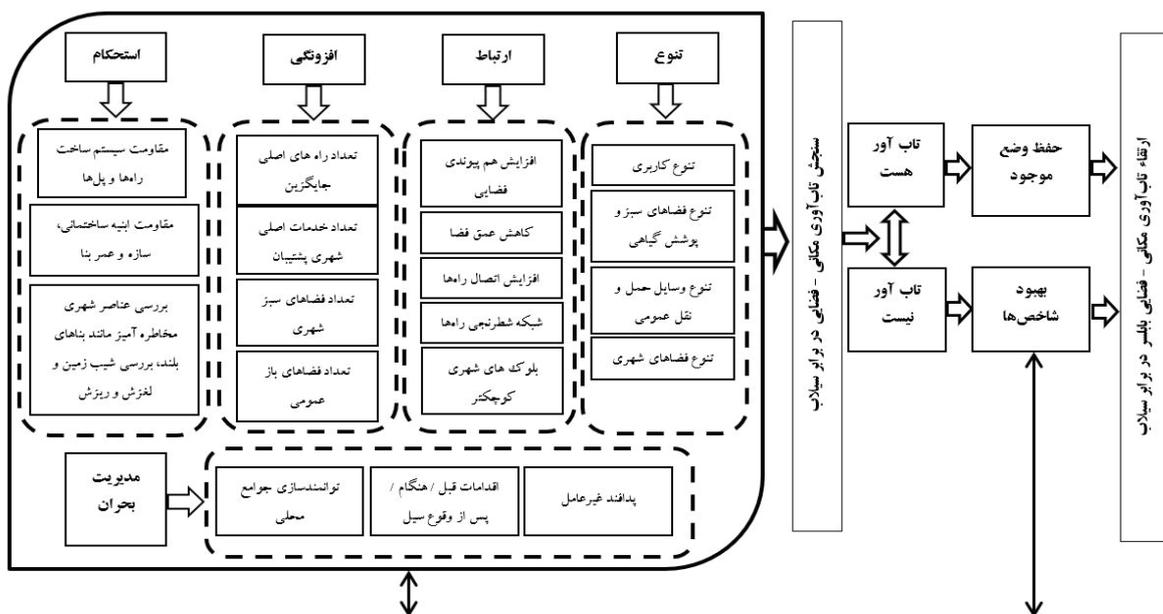
بر اساس مطالعات نظری می‌توان گفت شاخص‌های سنجش تاب‌آوری «مکانی-فضایی» شهری، مستقیماً مربوط به ابعاد فیزیکی و زیست محیطی سیستم شهری بوده و در ارتباط با مؤلفه‌های اصلی سازمان فضایی شهر قرار می‌گیرند. سازمان فضایی شهر تبلور بعد مکانی-فضایی شهری است که به روابط مختلف و متقابل تمامی نیروها و عوامل موجود در شهر بستگی دارد. این عوامل می‌تواند دربرگیرنده نیروی بازار، فعالیت‌ها، زیرساخت‌های شهری

و خدمات گوناگون باشد که همواره ارتباطی پیچیده و متقابل داشته‌اند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵). مقصود از سازمان فضایی، شبکه‌ای است که عناصر آن را مراکز شهری (مراکز مختلط تجاری، اداری، فرهنگی و غیره در مقیاس کل شهر و مناطق و نواحی آن، محورهای مهم ارتباطی (معیار اصلی و خطوط مترو)، محورهای مهم عملکردی و کاربری‌های عمده (در مقیاس شهر و مناطق و نواحی آن) تشکیل می‌دهند (درستکار و ودایع خیری، ۱۳۹۹: ۴۶). بنابراین سازمان فضایی شهر شامل عناصر اصلی ساخت شهر می‌شود که عبارتند از: راه‌های اصلی، ساختمان‌های اصلی شهر با کاربری خدماتی اصلی در مقیاس عملکردی شهر و فضاهای عمومی و سبز و باز شهری است (سلطانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴). سازمان فضایی شهر بر اساس تعاریف و توضیحات ارائه شده و مؤلفه‌های اصلی سازنده آن در مقیاس شهری در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲- مؤلفه‌های سازمان فضایی شهری

1. DROP (Disaster Resilience of Place)
2. Natural Systems
3. Social Systems
4. Built Environment



شکل ۳- مدل مفهومی پژوهش بر اساس شاخص های تاب آوری مکانی- فضایی در برابر سیلاب در شهر بایلسر

SPSS و تکنیک AHP و WASPAS مورد سنجش و تحلیل واقع شده است.

جدول ۴- ضریب آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی پرسشنامه

شاخص	ضریب آلفای کرونباخ	میزان پایایی
استحکام	۰,۷۸۲	قابل قبول
افزونگی	۰,۸۵۲	خوب
ارتباط	۰,۷۹۱	قابل قبول
تنوع	۰,۷۷۸	قابل قبول
مجموع	۰,۸۰۱	خوب

قلمر و مکانی پژوهش

شهر بایلسر مرکز شهرستانی به همین نام است و در مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه و ۳۷ دقیقه و ۵۰ ثانیه الی ۵۲ درجه و ۴۰ دقیقه و ۵۰ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۴۰ دقیقه و ۱۵ ثانیه الی ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه عرض شمالی استقرار دارد. شکل شماره ۴ موقعیت سیاسی شهر بایلسر را نشان می دهد. شهر بایلسر یکی از شهرهای شمالی استان مازندران به واسطه نزدیکی به دریای خزر و عبور رودخانه بابلرود از شهر، در معرض حوادث طبیعی از جمله سیل در طی سالیان اخیر بوده است به طوری که در طی وقوع سیل در این شهر در سال ۱۳۹۸، در پی بارش باران و جاری شدن سیل در شهرستان بایلسر، ۴۹۱ میلیارد ریال خسارت به محصولات زراعی، باغی، دام و طیور و تأسیسات زیربنایی کشاورزی این شهرستان وارد شد. همچنین هفت هزار هکتار از خزانه های برنج در این شهرستان دچار خسارت شدند که ۵ هزار هکتار آن بذرپاشی شده بود. علاوه بر آسیب بر بخش کشاورزی این شهر، شهر بایلسر از نظر کالبدی نیز دچار خسارت های بسیاری شده است از جمله برخی از ساختمان ها و پل های بر روی رودخانه بابلرود نیز در

مأخذ: قربایی و همکاران، ۱۳۹۶

مطابق با شکل شماره ۲ چارچوب پیشنهادی سنجش تاب آوری در این پژوهش با توجه به مؤلفه های سازمان فضایی شهر ارائه شده است، لذا ضمن شناسایی شاخص های کلیدی سنجش تاب آوری سازمان فضایی شهر، تعریف عملیاتی شاخص های مذکور و داده های قابل اندازه گیری مربوط به هر یک از شاخص ها با استخراج از سوابق نظری موضوع مورد تحلیل قرار گرفت. بر این اساس دیاگرام شاخص های کلیدی تاب آوری مکانی- فضایی در مقابله با سیلاب و زیرشاخص های آنها در (شکل شماره ۳) به صورت مدل مفهومی پژوهش حاضر نشان داده شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و هدف کلی آن، از نوع مطالعات کاربردی و به لحاظ روش شناسی از نوع مطالعات توصیفی بوده و تحلیل پژوهش به صورت روش های کمی انجام شده است. در این پژوهش، ابتدا با بهره مندی از روش اسنادی، داده ها و اطلاعات مورد نیاز، گردآوری شد. سپس با استفاده از روش میدانی و تکیه بر ابزار پرسشنامه، داده ها، جمع آوری شدند. روایی پرسشنامه با بهره گیری از نظرات ۳۰ نفر از متخصصین و اساتید در حوزه تاب آوری تعیین شدند و میزان پایایی کل آنها نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بدست آمد. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰,۸۰۱ است که پایایی بالای پرسشنامه را نشان می دهد (جدول شماره ۴). جامعه آماری پژوهش شامل متخصصان، کارشناسان و اساتید دانشگاه در حوزه تاب آوری بوده که حجم نمونه به تعداد ۳۰ نفر و نمونه گیری به صورت خوشه ای انتخاب شده است. در نهایت شاخص های بدست آمده از مطالعات نظری با استفاده از تحلیل های آماری مانند میانگین، کلموگروف- اسمیر ونوف، شاپیرو- ویلک و آزمون تی تک نمونه ای در نرم افزار

بحث و یافته‌ها

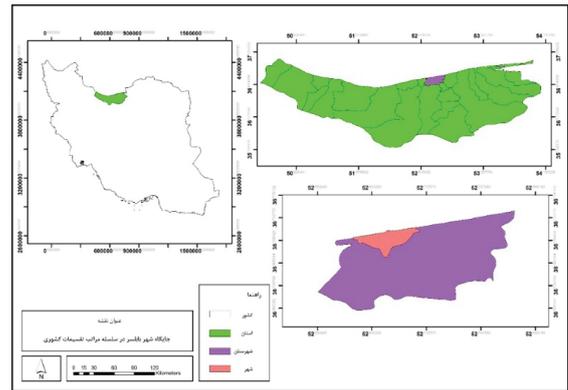
ارزیابی تاب‌آوری مکانی - فضایی شهر بابلسر در مواجهه با سیلاب

جهت سنجش میزان تاب‌آوری شهر بابلسر از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. در این آزمون با توجه به این که برای سنجش میزان تاب‌آوری، از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده که امتیاز ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان تاب‌آوری و امتیاز ۵ نشان‌دهنده بیشترین میزان تاب‌آوری است. به این ترتیب عدد ۳ به عنوان میانگین نظری پاسخ‌ها در نظر گرفته شده و میانگین تاب‌آوری به دست آمده (میانگین تجربی) با عدد ۳ مقایسه می‌شود. آزمون تی تک نمونه‌ای جزو آزمون‌های پارامتریک است. قبل از گرفتن آزمون لازم است که نرمال بودن توزیع داده‌های مربوطه مورد بررسی قرار گیرد. جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک استفاده شده است. در همین خصوص نتایج آزمون نشان داد که داده‌های مربوط به متغیرهای تاب‌آوری دارای توزیع نرمالی هستند.

در این راستا جهت تاب‌آوری شهر بابلسر در برابر مخاطرات طبیعی از لحاظ بعد مکانی - فضایی روی هم رفته ۱۹ شاخص از دیدگاه خبرگان هدف مورد سنجش قرار گرفته است، که در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

یافته‌های پژوهش در خصوص تاب‌آوری نشان می‌دهد که بیشترین میزان میانگین ۳,۷۸ مربوط به معیار استحکام و کمترین

معرض آسیب قرار گرفتند. با توجه به هشدارهای اداره هواشناسی به منظور پیشگیری از سیلاب‌های احتمالی و آب گرفتگی معابر، عملیات لایروبی و پاکسازی کانال‌های موجود همواره در این شهر اجرا می‌گردد. در پی وقوع این حوادث و خطرات احتمالی بوده که ستاد آمادگی و مقابله با سیل احتمالی در بابلسر تشکیل شده است. به طوری که در آغاز بارش در سطح بابلسر، حجم ورودی آب در مقایسه با مدت مشابه در اواخر سال گذشته و بهار امسال (۱۴۰۱) خیلی بیشتر و حدود دو برابر بوده اما با توجه به اقدامات پیشگیرانه نظیر بازگشایی معبرها، لایروبی‌های رودخانه و انهار، خوشبختانه خسارتی از این باب در شهر ایجاد نشد.



شکل ۴- موقعیت شهر بابلسر در سلسله مراتب تقسیمات کشوری
مأخذ: واحد GIS شهرداری بابلسر، ۱۴۰۱

جدول ۵- آزمون نرمالیتت شاخص‌های مکانی - فضایی تاب‌آوری در مواجهه با سیلاب در شهر بابلسر

Shapiro- Wilk			Kolmogorov- Smirnov			شاخص
Sig	Df	Statistic	Sig	Df	Statistic	
۰,۰۶۳	۲۹	۰,۹۱۳	۰,۰۷۰	۲۹	۰,۲۰۵	استحکام
۰,۱۸۴	۲۹	۰,۹۶۵	۰,۰۶۲	۲۹	۰,۱۵۱	افزونگی
۰,۲۸۷	۲۹	۰,۹۷۰	۰,۲۰۰	۲۹	۰,۰۸۸	ارتباط
۰,۰۵۹	۲۹	۰,۹۳۰	۰,۰۵۱	۲۹	۰,۱۵۲	تنوع
۰,۲۷۶	۲۹	۰,۹۶۹	۰,۰۵۷	۲۹	۰,۱۴۰	مدیریت بحران

جدول ۶- آزمون تی تک نمونه‌ای جهت سنجش تاب‌آوری مکانی - فضایی شهر بابلسر در مواجهه با سیلاب

تاب‌آوری مکانی - فضایی	مدیریت بحران	استحکام	افزونگی	ارتباط	تنوع	ابعاد تاب‌آوری	
						میانگین	انحراف معیار
۳,۶۰	۳,۵۷	۳,۷۸	۳,۶۳	۳,۵۸	۳,۴۳	میانگین	آمار توصیفی
۰,۷۷	۱,۱۰	۰,۶۴	۰,۸۶	۰,۶۴	۰,۸۷	انحراف معیار	
۰,۱۹	۰,۲۸	۰,۱۶	۰,۲۱	۰,۱۶	۰,۲۲	اختلاف میانگین	آمار تحلیلی
۳,۰۹	۲,۰۸	۴,۸۵	۲,۹۳	۳,۶۲	۱,۹۶	مقدار t	
۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	درجه آزادی	
۰,۰۰۷	۰,۰۶	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۰۰۳	۰,۶۹	معنی‌داری دو دامنه‌ای	
۱,۰۱	۱,۱۶	۱,۱۲	۱,۰۸	۰,۹۲	۰,۸۹	کران بالا	
۰,۱۹	- ۰,۱۵	۰,۴۴	۰,۱۷	۰,۲۴	- ۰,۳۷	کران پایین	فاصله اطمینان ۰,۹۵

۳ = تست

جدول ۷- امتیازدهی شاخص‌ها بر اساس روش AHP

ردیف	علامت	شاخص‌ها	امتیاز	ردیف	علامت	شاخص‌ها	امتیاز
۱	C _۱	تنوع کاربری	۰,۰۱۶	۱۳	C _{۱۳}	تعداد خدمات اصلی شهری پشتیبان	۰,۰۱۱
۲	C _۲	تنوع فضاهای سبز و پوشش گیاهی	۰,۰۴۷	۱۴	C _{۱۴}	تعداد فضاهای سبز شهری	۰,۰۵۶
۳	C _۳	تنوع وسایل حمل و نقل عمومی	۰,۰۱۳	۱۵	C _{۱۵}	تعداد فضاهای باز عمومی	۰,۰۲۶
۴	C _۴	تنوع فضاهای شهری	۰,۰۱۰	۱۶	C _{۱۶}	مقاومت سیستم ساخت راه‌ها و پل‌ها	۰,۰۹۴
۵	C _۵	افزایش هم‌پیوندی فضا	۰,۰۴۵	۱۷	C _{۱۷}	مقاومت ابنیه ساختمانی، سازه و عمر بنا	۰,۰۵۹
۶	C _۶	کاهش عمق فضا	۰,۰۰۶	۱۸	C _{۱۸}	نوع طراحی	۰,۰۴۳
۷	C _۷	افزایش اتصال راه‌ها	۰,۰۱۸	۱۹	C _{۱۹}	بررسی عناصر شهری مخاطره‌آمیز مانند بناهای بلند	۰,۰۱۴
۸	C _۸	شبکه شطرنجی راه‌ها	۰,۰۳۰	۲۰	C _{۲۰}	بررسی شیب زمین، لغزش و ریزش	۰,۰۱۳
۹	C _۹	بلوک‌های شهری کوچک	۰,۰۲۸	۲۱	C _{۲۱}	زیرساخت‌ها	۰,۰۳۹
۱۰	C _{۱۰}	دسترسی‌ها	۰,۰۱۵	۲۲	C _{۲۲}	توانمندسازی جوامع محلی	۰,۰۳۰
۱۱	C _{۱۱}	حرائم شهری	۰,۰۱۵۲	۲۳	C _{۲۳}	اقدامات قبل/هنگام/بعد از وقوع سیل	۰,۰۴۴
۱۲	C _{۱۲}	تعداد راه‌های اصلی جایگزین	۰,۰۷۰	۲۴	C _{۲۴}	پدافند غیرعامل	۰,۰۳۳

میزان میانگین ۳,۴۳ مربوط به معیار تنوع بوده است. با توجه به میانگین ارزش بعد مکانی - فضایی تاب‌آوری که عددی بالای میانگین نظری (میانگین نظری = ۳) را نشان می‌دهند، می‌توان گفت تاب‌آوری شهر بابلسر از لحاظ بعد مکانی - فضایی در مواجهه با سیلاب وضعیت متوسطی دارد و نخبگان در این خصوص رضایت نسبی داشته‌اند و میانگین تاب‌آوری برابر با ۳,۶۰ است که این رقم نشان از تاب‌آوری نسبتاً مناسب و آسیب‌پذیری نسبتاً پایین شهر بابلسر است. این مطالب را آزمون تی در سطح معناداری ۹۵ درصد تایید می‌کند، یعنی بین میانگین نظری (۳) با میانگین بدست آمده (میانگین تجربی) تفاوت معناداری وجود دارد. پس می‌توان گفت شهر بابلسر در برابر سیلاب، نسبتاً تاب‌آور بوده و نیاز به بازبینی و بهبود شاخص‌های تاب‌آوری مکانی - فضایی در برابر سیلاب از ضروریات می‌باشد.

سنجش وضعیت سازمان فضایی شهر بابلسر در تاب‌آوری مکانی - فضایی

جهت سنجش وضعیت سازمان فضایی شهر بابلسر در تاب‌آوری مکانی - فضایی ابتدا اصول مرتبط با آن استخراج شده‌اند که بدین شرح است: A_۱ = پراکندگی کاربری‌ها؛ A_۲ = توجه به عناصر طبیعی؛ A_۳ = بهبود وضعیت شبکه معابر راه؛ A_۴ = توجه به شکل زمین؛ A_۵ = توجه به لکه‌های هم‌جوار؛ A_۶ = وجود فضاهای سبز و باز پیرامونی؛ A_۷ = پراکندگی لکه‌های پرخطر؛ A_۸ = تمرکزگرایی ادارات در مرکز شهر؛ A_۹ = تمرکزگرایی عناصر عملکرد در مرکز و کنار رودخانه؛ A_{۱۰} = تمرکزگرایی خدمات در نوار ساحلی.

در جدول شماره ۷ با کمک روش AHP شاخص‌های موثر بر

تاب‌آوری مکانی - فضایی در مقابله با سیلاب امتیازدهی شده است. بیشترین وزن مربوط به شاخص‌های حرائم شهری، بررسی شیب، لغزش و لرزش و همچنین مقاومت سیستم راه‌ها و پل‌ها است. برای بررسی وضعیت سازمان فضایی شهر بابلسر از روش واسپاس استفاده می‌شود. بدین صورت که اصول استخراجی از سازمان فضایی شهر بابلسر در برابر شاخص‌های تاب‌آوری مکانی - فضایی قرار گرفته است. در گام نخست جمع وزن‌دار هر اصول بدست آمد و سپس ضرب وزن‌دار هر اصول بر اساس شاخص‌های تاب‌آوری بدست آمده است و در نهایت امتیاز نهایی اصول سازمان فضایی شهر بابلسر بدست آمده است. پس از ماتریس تصمیم، مطابق با جدول شماره ۸، شاخص‌های مثبت و منفی استاندارد شدند. به صورتی که مقادیر تاب‌آوری شاخص‌های مکانی - فضایی در شهر بابلسر در مقابل سازمان فضایی شهر بابلسر مورد بررسی قرار گرفته و مقادیر آن در ماتریس مطابق با جدول شماره ۸، استاندارد شده است.

مطابق با جدول شماره ۹ وضعیت نهایی اصول سازمان فضایی شهر بابلسر بر اساس شاخص‌های تاب‌آوری بدست آمده است که پراکندگی کاربری‌ها بر اساس رویکرد تاب‌آوری مطلوب است و همچنین در سازمان فضایی شهر به عناصر طبیعی توجه شده است. وضعیت شبکه معابر شهر و همچنین وجود فضاهای سبز و باز پیرامونی برای سازمان فضایی شهر بابلسر مطلوب ارزیابی شده است. اما از نقاط منفی سازمان فضایی شهر می‌توان به عدم توجه به شکل زمین، بی‌توجهی به لکه‌های هم‌جوار در سازمان فضایی، عدم پراکندگی لکه‌های پرخطر، تمرکزگرایی ادارات در مرکز شهر، تمرکزگرایی عناصر عملکردی در مرکز و در کنار رودخانه و

جدول ۸- ماتریس استاندارد شده مقادیر تاب آوری شاخص های مکانی- فضایی در سازمان فضایی شهر بابلسر

شاخص	A ₁	A ₂	A ₃	A ₄	A ₅	A ₆	A ₇	A ₈	A ₉	A ₁₀
C ₁	۰,۴۸	۰,۴	۰,۲۴	۰,۰۸	۰,۴	۰,۴۱۶	۰,۱۶	۰,۱۹۲	۰,۱۲۸	۰,۰۹۶
C ₂	۱,۳۱۶	۱,۴۱	۰,۷۰۵	۱,۰۳۴	۱,۰۳۴	۱,۴۱	۰,۵۱۷	۰,۴۷	۰,۲۸۲	۰,۳۲۹
C ₃	۰,۳۵۱	۰,۱۹۵	۰,۳۲۵	۰,۱۰۴	۰,۲۶	۰,۲۰۸	۰,۱۶۹	۰,۴۱۳	۰,۰۷۸	۰,۰۹۱
C ₄	۰,۲۹	۰,۲۹	۰,۱۳	۰,۰۹	۰,۱۶	۰,۲۵	۰,۱۱	۰,۱۳	۰,۰۷	۰,۰۶
C ₅	۱,۱۲۵	۰,۶۳	۱,۲۶	۰,۴۹۵	۰,۸۱	۰,۹	۰,۴۵	۰,۷۲	۰,۴۵	۰,۴۵
C ₆	۰,۰۷۸	۰,۰۶	۰,۱۶۲	۰,۰۳۶	۰,۰۴۸	۰,۰۶۶	۰,۰۴۸	۰,۱۰۸	۰,۰۶۶	۰,۰۶۶
C ₇	۰,۴۳۲	۰,۱۶۲	۰,۵۲۲	۰,۱۲۶	۰,۱۲۶	۰,۲۸۸	۰,۱۶۲	۰,۳۰۶	۰,۲۱۶	۰,۱۹۸
C ₈	۰,۴۸	۰,۳	۰,۹	۰,۲۱	۰,۳۳	۰,۳۹	۰,۳	۰,۳۳	۰,۲۴	۰,۱۵
C ₉	۰,۶۱۶	۰,۳۰۸	۰,۷۲۸	۰,۱۶۸	۰,۱۶۸	۰,۴۴۸	۰,۲۵۲	۰,۳۴۶	۰,۲۲۴	۰,۱۴
C ₁₀	۰,۳۴۵	۰,۱۹۵	۰,۴۲	۰,۲۲۵	۰,۱۲	۰,۱۸	۰,۱۹۵	۰,۲۸۵	۰,۲۴	۰,۱۳۵
C ₁₁	۴,۱۰۴	۴,۱۰۴	۱,۹۷۶	۲,۷۳۶	۳,۳۴۴	۳,۳۴۴	۲,۸۸۸	۳,۰۴	۳,۸	۳,۹۵۲
C ₁₂	۱,۱۹	۱,۰۵	۱,۷۵	۰,۵۶	۱,۱۲	۰,۹۱	۰,۵۶	۰,۷۷	۰,۷۷	۱,۰۵
C ₁₃	۰,۲۴۲	۰,۱۱	۰,۲۴۲	۰,۰۷۷	۰,۲۵۳	۰,۲۰۹	۰,۱۶۵	۰,۱۳۲	۰,۱۳۲	۰,۱۲۱
C ₁₄	۱,۱۷۶	۱,۶۲۴	۰,۷۲۸	۰,۷۲۸	۰,۸۴	۱,۶۲۴	۱,۰۶۴	۰,۴۴۸	۰,۵۰۴	۰,۷۲۸
C ₁₅	۰,۵۲	۰,۷۲۸	۰,۳۱۲	۰,۲۳۴	۰,۴۱۶	۰,۷۲۸	۰,۵۲	۰,۱۸۲	۰,۲۳۴	۰,۲۸۶
C ₁₆	۱,۶۹۲	۰,۴۷	۲,۵۳۸	۱,۱۲۸	۱,۲۲۲	۱,۶۹۲	۲,۰۶۸	۰,۷۵۲	۱,۷۸۶	۰,۷۵۲
C ₁₇	۰,۵۹	۰,۴۷۲	۱,۳۵۷	۱,۲۹۸	۰,۷۰۸	۱,۰۰۳	۱,۳۵۷	۰,۴۷۲	۱,۳۵۷	۱,۳۵۷
C ₁₈	۱,۲۴۷	۱,۱۱۸	۱,۰۷۵	۰,۹۸۹	۱,۱۱۸	۰,۶۸۸	۱,۱۱۸	۰,۹۴۶	۰,۹۰۳	۱,۱۱۸
C ₁₉	۰,۲۶۶	۰,۴۰۶	۰,۱۹۶	۰,۴۰۶	۰,۱۵۴	۰,۲۸	۰,۱۱۲	۰,۱۵۴	۰,۳۵	۰,۲۶۶
C ₂₀	۱,۵۴۵	۲,۸۸۴	۰,۹۲۷	۲,۷۸۱	۱,۶۴۸	۱,۱۳۳	۱,۶۴۸	۱,۲۳۶	۲,۳۶۹	۱,۸۵۴
C ₂₁	۰,۴۲۹	۰,۵۰۷	۰,۸۵۸	۰,۹۷۵	۰,۵۰۷	۰,۴۶۸	۰,۷۰۲	۰,۸۵۸	۱,۰۱۴	۰,۸۵۸
C ₂₂	۰,۲۷	۰,۱۵	۰,۱۸	۰,۱۵	۰,۳۳	۰,۲۴	۰,۳۶	۰,۲۷	۰,۶۳	۰,۶۹
C ₂₃	۰,۲۲	۰,۱۳۲	۰,۳۰۸	۰,۲۶۴	۰,۳۹۶	۰,۵۲۸	۰,۳۵۲	۱,۰۱۲	۱,۱۴۴	۱,۱
C ₂₄	۰,۴۶۲	۰,۶۲۷	۰,۶۶	۰,۶۲۷	۰,۶۹۳	۰,۶۲۷	۰,۵۹۴	۰,۸۵۸	۰,۷۵۹	۰,۸۵۸
مجموع	۱۹,۴۶۶	۱۸,۳۳۲	۱۸,۴۹۹	۱۵,۵۲۱	۱۶,۲۰۵	۱۸,۰۰۳	۱۵,۸۷۱	۱۴,۱۷۸	۱۷,۷۴۶	۱۶,۷۰۵

تمرکزگرایی خدمات در نوار ساحلی اشاره کرد.

جدول ۹- وضعیت نهایی اصول سازمان فضایی شهر بابلسر بر اساس شاخص های تاب آوری

امتیاز نهایی	اصول سازمان فضایی شهر بابلسر
۸,۶۶۱	پراکندگی کاربری ها
۸,۱۷۱	توجه به عناصر طبیعی
۸,۴۰۶	بهبود وضعیت شبکه معابر راه
۷,۶۴۱	توجه به شکل زمین
۷,۹۴۶	توجه به لکه های همجوار
۸,۳۸۵	وجود فضاهای سبز و باز پیرامونی
۷,۸۴۵	پراکندگی لکه های پرخطر
۷,۳۹۱	تمرکزگرایی ادارات در مرکز شهر

امتیاز نهایی	اصول سازمان فضایی شهر بابلسر
۸,۲۱۹	تمرکزگرایی عناصر عملکرد در مرکز و کنار رودخانه
۷,۹۲۸	تمرکزگرایی خدمات در نوار ساحلی

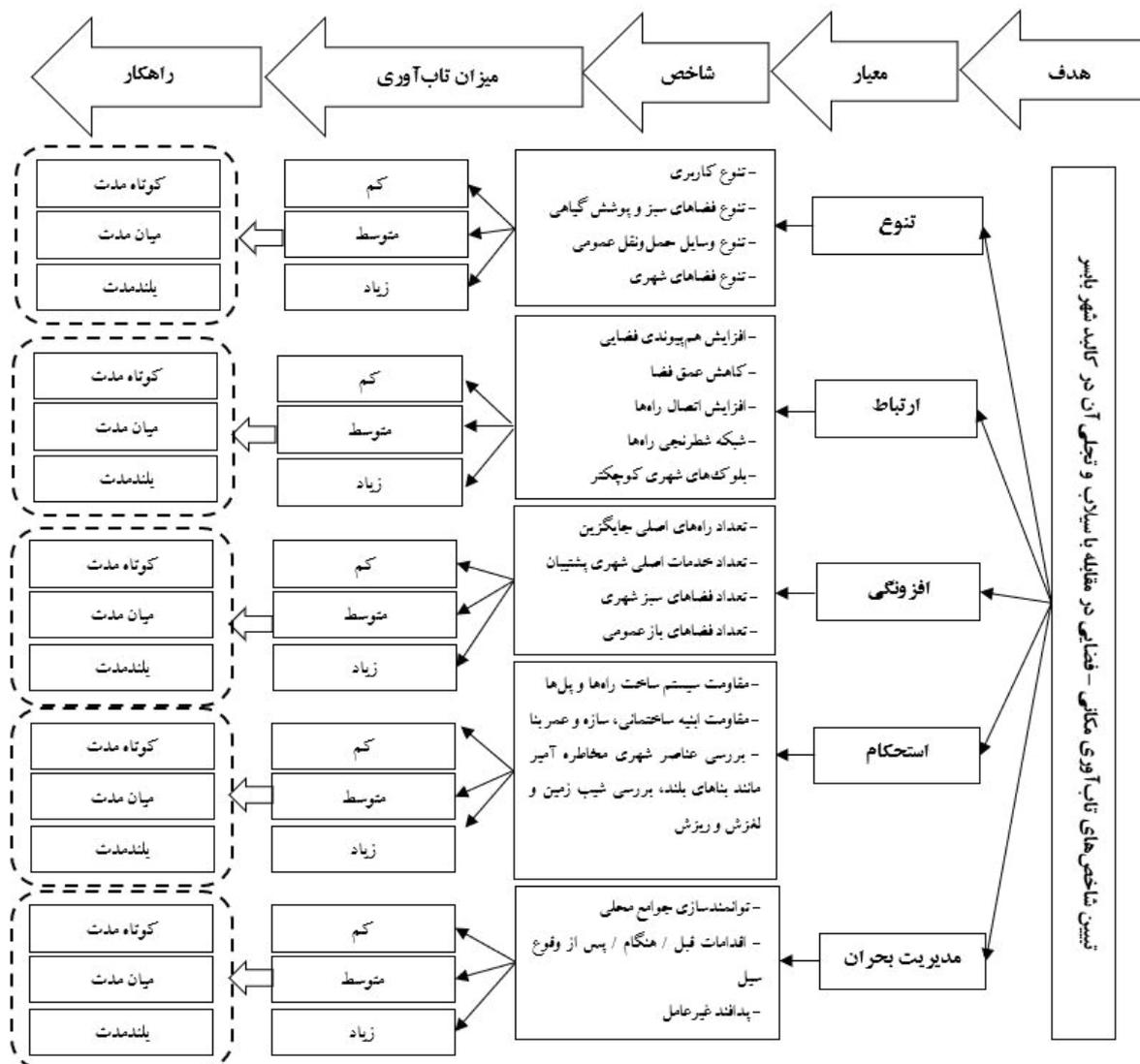
بر اساس تحلیل های صورت گرفته در پژوهش حاضر، در این قسمت لازم است جهت کاربست تاب آوری مکانی- فضایی در برابر سیلاب های شهر بابلسر در ادبیات شهرسازی و جایگاه هر یک از این شاخص ها تعیین گردد (جدول شماره ۱۰).

نتیجه گیری

نتایج مطالعاتی که کرمی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود ابعاد اقتصادی، کالبدی، نهادی، اجتماعی و محیطی تاب آوری را در روستاهای دهستان میدان چای بررسی کرده اند؛ نشان داده است که پژوهش آنها به بررسی ابعاد اقتصادی، کالبدی، نهادی، اجتماعی و محیطی در روستاهای دهستان میدان چای پرداخته است که از

جدول ۱۰- وضعیت چارچوب مفهومی تاب آوری مکانی- فضایی در برابر سیلاب های شهر بابلسر در ادبیات شهرسازی

شاخص های تاب آوری مکانی- فضایی	زمان فعالیت (پیش / هنگام / پس از وقوع سیل)	کاربست در ادبیات شهرسازی
استحکام: مقاومت و پایداری پهنه شهری به لحاظ مقاومت عناصر و مؤلفه های فیزیکی شهر	فعال در پیش / هنگام / پس از وقوع سیل	گروه های ذی نفوذ مانند سازمان های شهری و نهادهای مردمی و شهروندان و استفاده از تجربیات جوامع دیگر
افزونگی: تعدد راه های اصلی ارتباطی جایگزین، تعدد عناصر اصلی فیزیکی- عملکردی سیستم شهری و خدمات اصلی شهری پشتیبان	فعال در پیش / هنگام / پس از وقوع سیل	گروه های ذی نفوذ مانند سازمان های شهری و حکومت های محلی، نهادهای خصوصی در زمینه برنامه ریزی و طراحی شهری و استفاده از تجربیات جوامع دیگر
ارتباط: از طریق اندازه گیری هم پیوندی و میزان اتصال خیابان ها	فعال در پیش / هنگام / پس از وقوع سیل	گروه های ذی نفوذ مانند سازمان های شهری و حکومت های محلی، نهادهای خصوصی در زمینه برنامه ریزی و طراحی شهری و استفاده از تجربیات جوامع دیگر
تنوع: توزیع فضایی محورها و مراکز اصلی عملکردی در نواحی شهری و سطح شهر و تنوع پهنه های عملکردی شهری	فعال در پیش / هنگام / پس از وقوع سیل	گروه های ذی نفوذ مانند سازمان های شهری و حکومت های محلی، نهادهای خصوصی در زمینه برنامه ریزی و طراحی شهری و استفاده از تجربیات جوامع دیگر
مدیریت بحران: توانمندسازی جوامع	فعال در پیش / هنگام / پس از وقوع سیل	گروه های ذی نفوذ مانند سازمان های شهری و نهادهای مردمی و شهروندان و استفاده از تجربیات جوامع دیگر



شکل ۵- الگوی تاب آوری مکانی- فضایی در مقابله با سیلاب و تجلی آن در کالبد شهر بابلسر

معیار	میزان تاب آوری	راهکار	اقدام
تنوع	کم	کوتاه مدت	جانمایی و توزیع عادلانه فضاهای سبز هر چند کوچک در نقاط مختلف شهر بابلسر
			ایجاد فضاهای شهری ایمن در نقاط مختلف شهر با توزیع یکسان
			قراردهی ایستگاه های حمل و نقل عمومی در نقاط مختلف شهر بابلسر به خصوص در مناطق خطرپذیر
ارتباط	متوسط	میان مدت	تعیین حریم رودخانه بابلرود و پاک سازی آن از مستحذات
افزونی	متوسط	میان مدت	قراردهی ایستگاه های متعدد امداد رسان در مناطق خطرپذیر شهر بابلسر
			ساماندهی زیرساخت های ارتباطی در معابر جمع و پخش کننده شهر بابلسر از جمله خیابان های شریعی، پاسداران و شریعی
استحکام	زیاد	بلندمدت	برنامه ریزی برای تخلیه، شناسایی و تجهیز مکان های امن جهت اسکان در زمان وقوع سیل
			پل های بابلسر باید مورد بررسی قرار گیرند که آب گذری آنها در زمان وقوع بارندگی و سیل تا چه حد می باشد.
			برای مسیرهای پرخطر در شهر از جمله در حاشیه رودخانه بابلرود، پل ها و در کنار ساختمان های قدیمی و دارای مقاومت کم در بابلسر مانند ساختمان هواشناسی، شهرداری، ساختمان های قدیمی اطراف میدان گل و میدان شهربانی، راه های اضطراری و فرار تعبیه شده و این ساختمان ها تا حد امکان مقاوم سازی شوند.
مدیریت بحران	متوسط	میان مدت	برای نقاط خطرپذیر شهر نقشه تهیه گردد تا بیشترین توجه و تمهیدات برای این مناطق در نظر گرفته شود.
			در زمان بحران لازم است اطلاع رسانی شود تا شهروندان از نقاط خطرپذیر دور شوند.
			برگزاری کلاس های آموزشی جهت اطلاع رسانی به شهروندان و آموزش کمک های اولیه قبل از بحران، در زمان بحران و پس از آن

این حیث هم راستا با پژوهش حاضر می باشد و نتایج این پژوهش را مورد تأیید قرار داده است. صالحی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی دیگر میزان تاب آوری مناطق ۱ و ۳ شهر اصفهان در برابر سیلاب را مورد سنجش و بررسی قرار دادند که به لحاظ روش و موضوع پژوهش هم راستا با پژوهش حاضر بوده و نتایج پژوهش حاضر را مورد تأیید قرار می دهد. ناهید و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود در منطقه ۴ تهران، به سنجش و ارزیابی میزان تاب آوری مناطق شهری در برابر سیلاب های شهری پرداختند و نشان دادند که ناحیه ۵ از منطقه ۴ تهران مطلوب ترین ناحیه و ناحیه ۱ و ۸ از منطقه ۴، نامطلوب ترین نواحی از لحاظ تاب آوری در برابر سیلاب شهری است که این پژوهش نیز از حیث موضوع هم راستا با پژوهش حاضر می باشد. در نهایت رانا و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود توصیه هایی را بر اساس فوریت، پیچیدگی و تأثیر نسبی برای کمک به موسسات در تصمیم گیری آگاهانه برای بهبود تاب آوری جامعه در برابر سیل پیشنهاد دادند که در پژوهش حاضر نیز به جهت ارائه الگو در راستای سنجش میزان تاب آوری و بررسی میزان آن در سطوح کم، متوسط و زیاد، راهکارهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت ارائه شده است که نتایج پژوهش حاضر هم راستا با پژوهش رانا و همکاران بوده است. با توجه به بررسی مطالعات پیشین، مشخص شده است که نتایج مطالعات با نتایج پژوهش حاضر هم راستا بوده و نتایج پژوهش فوق از نظر محققان پیشین، مورد تأیید قرار گرفته است.

نتایج این پژوهش نشان داده است که در میان شاخص های تاب آوری مکانی- فضایی، بیشترین میزان میانگین ۳،۷۸ مربوط

به معیار استحکام و کمترین میزان میانگین ۳،۴۳ مربوط به معیار تنوع بوده است که نشان داده است میان میانگین نظری (۳) با میانگین بدست آمده (میانگین تجربی) تفاوت معناداری وجود دارد. پس می توان گفت شهر بابلسر در برابر سیلاب، نسبتاً تاب آور بوده و لازم است شاخص های تاب آوری مکانی- فضایی در برابر سیلاب مورد بازبینی قرار گیرند و بهبود یابند. همچنین نتایج حاصل از سنجش وضعیت سازمان فضایی شهر بابلسر در تاب آوری مکانی- فضایی مشخص کرده است که پراکندگی کاربری ها با امتیاز ۸،۶۶۱ در شهر بابلسر، مطابق با رویکرد تاب آوری در حد مطلوب واقع شده و توجه به عناصر طبیعی با امتیاز ۸،۱۷۱ نیز نشان دهنده آن می باشد که در سازمان فضایی شهر بابلسر، به عناصر طبیعی توجه شده است. از طرفی بهبود وضعیت شبکه معابر و راه ها با امتیاز ۸،۴۰۶ و تمرکزگرایی عناصر عملکردی در کنار رودخانه با امتیاز ۸،۲۱۹ نشان داده اند که وضعیت این شاخص ها در شهر بابلسر مطلوب بوده و در مقابل مواردی مانند عدم توجه به شکل زمین، بی توجهی به لکه های همجوار در سازمان فضایی، عدم پراکندگی لکه های پرخطر، تمرکزگرایی ادارت در مرکز شهر، تمرکزگرایی عناصر عملکردی در مرکز و در کنار رودخانه و تمرکزگرایی خدمات در نوار ساحلی، از نقاط منفی است که در سازمان فضایی شهر بابلسر بدان ها توجه کافی نشده است.

مسئله نمی توان منکر نقش دولت در بخش برنامه ریزی و سیاست گذاری شد. در این میان آنچه حائز اهمیت است وجود شفافیت در برنامه ها و سیاست ها، قدرت لازم در اجرای آنها و یکپارچگی در بخش های مختلف تصمیم گیری و سیاست گذاری

است. در وهله بعد لازم است شهر از منابع و زیرساخت‌های لازم در جهت برخورد با مشکلات برخوردار باشد و در این میان رسیدگی سریع به مشکلات از اهمیت بسزایی برخوردار است. گام بعدی فراهم کردن مقدمات برای مقابله با مخاطرات طبیعی از جمله سیلاب است که امروزه یکی از ارکان آن تاب‌آوری بالای شهری است که این پژوهش به آن دست یافته است. این پژوهش با استفاده از سنج‌های مختلف، به شاخص‌های انتخابی جهت سنجش میزان تاب‌آوری مکانی - فضایی در خصوص سیلاب پرداخته است و با توجه به اینکه ظرفیت شهر بیشتر از حد مجاز باشد یا نباشد، شهر بابلسر در سطح تاب‌آوری بالا یا پایین قرار می‌گیرد. بررسی هر کدام از شاخص‌ها و معیارها به ارزیابی میزان تاب‌آوری مکانی - فضایی شهر بابلسر در برابر سیلاب می‌انجامد و در پی آن مشخص می‌گردد که شهر بابلسر تا چه میزان تاب‌آور می‌باشد؟ اگر تاب‌آوری شهر بابلسر مناسب باشد، فرآیندی ایجاد می‌شود که وضع موجود حفظ گردد و اگر شهر از لحاظ تاب‌آوری دچار نقصان باشد، لازم است که شاخص‌ها و معیارها دوباره بازنگری، اصلاح و تقویت گردند که این مجدد نیاز به بررسی مجدد و جدی در رابطه با شاخص‌ها و سنج‌ها دارد. بعد از تقویت، بهبود و بازنگری، چرخه دوباره تکرار شده تا جایی که تاب‌آوری بابلسر حاصل گردد. در شکل شماره ۵ الگوی تاب‌آوری مکانی - فضایی در مقابله با سیلاب و تجلی آن در کالبد شهر بابلسر ارائه شده است. همانطور که در شکل شماره ۵ مشخص شده است، شاخص‌های مرتبط با هر یک از معیارهای تنوع، ارتباط، افزونگی، استحکام و مدیریت بحران توسط تیم متخصصان و کارشناسان در شهر بابلسر مورد سنجش قرار می‌گیرد، اگر در پی بررسی‌ها مشخص گردد که میزان تاب‌آوری از حیث هر معیار و شاخص کم باشد، برای سطح تاب‌آوری کم، برنامه‌ها و راهکارهای کوتاه‌مدت در نظر گرفته می‌شود. اگر میزان تاب‌آوری در حد متوسط باشد، راهکارهای میان‌مدت ارائه شده و در نهایت در پی تاب‌آوری زیاد، برنامه‌ها، راهکارها و اقدامات بلندمدت برای هر بخش تعریف خواهد شد.

بر اساس شکل شماره ۵ که دربرگیرنده الگوی تاب‌آوری مکانی - فضایی در مقابله با سیلاب و تجلی آن در کالبد شهر بابلسر است، پیشنهاداتی را می‌توان در نظر گرفت که در جدول شماره ۱۱ ارائه شده است:

منابع

۱. اسلاملو، محمدصابر و منوچهر طیبیبیان و مهتا میرمقتدایی (۱۴۰۰) تدوین چارچوب مفهومی تاب‌آوری شهری به منظور ارائه کاربست آن در ادبیات شهرسازی از طریق تحلیل مضمون متون، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، صص ۷۱-۸۳.

۲. افشارمنش، حمیده و زهرا حجازی‌زاده و بهلول علیجانی (۱۴۰۰) آینده‌پژوهی بحران افزایش دمای سطح زمین و کاهش آسایش اقلیمی شهروندان در کلانشهر تهران، نشریه تحقیقات

کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست‌ویکم، شماره ۶۱، صص ۱۶-۱.

۳. بابایی، بتول و امین محمدی استاد کلایه و مرتضی سیدیان و عبدالسعید توماج (۱۳۹۹) نقش رویکرد مدیریت سیلاب بر تاب‌آوری جوامع محلی، مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده حوضه آبخیز گرگانرود، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان، سال دهم، شماره مسلسل سی‌وششم، صص ۶۳-۷۶.

۴. بدری، سید علی و مهدی رمضان‌زاده لسبویی و علی عسگری و مجتبی قدیری معصوم و محمد سلمانی (۱۳۹۲) نقش مدیریت محلی در ارتقای تاب‌آوری مکانی در برابر بلایای طبیعی با تأکید بر سیلاب؛ مطالعه موردی: دو حوزه چشمه کیله شهرستان تنکابن و سردآبرود کلاردشت، مدیریت بحران، دوره ۲، شماره ۳، صص ۳۷-۴۸.

۵. درستکار، احسان و رقیه ودایع خیری (۱۳۹۹) واکاوی سازمان فضایی منطقه‌ای و پایداری محیطی در نظام شکل‌گیری فضا، نشریه علوم جغرافیایی، شماره ۳۲، صص ۴۵-۵۳.

۶. رضایی، محمدرضا و محمدحسین سرائی و امیر بسطامی‌نیا (۱۳۹۵) تحلیل مفهوم تاب‌آوری در سوانح طبیعی؛ تبیین و تحلیل مفهوم «تاب‌آوری» شاخص‌ها و چارچوب‌های آن در سوانح طبیعی، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره ششم، شماره اول، صص ۳۲-۴۶.

۷. روحی، بیتا و مهناز میرزا ابراهیم طهرانی و علیرضا استعلاجی و محمدرضا فرزاد بهتاش (۱۴۰۰) تاب‌آوری ساختمان‌های مهم شهر همدان در برابر سیلاب با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری لیزر، مدیریت مخاطرات محیطی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۲۰۷-۲۲۸.

۸. زیاری، کرامت‌اله و صالح اسدی و طاهارسانی، و محمد مولائی قلیچی (۱۳۹۲) ارزیابی ساختار فضایی و تدوین راهبردهای توسعه شهری؛ شهر جدید پردیس، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، دوره ۴۵، شماره ۴، صص ۱-۲۸.

۹. سلطانی‌فرد، هادی و حسین حاتمی‌نژاد و مصطفی عباس‌زادگان و احمد پوراحمد (۱۳۹۲) تحلیل دگرگونی ساختار کالبدی - فضایی شهر ایرانی - اسلامی؛ مطالعه موردی: شهر سبزوار، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره چهاردهم، صص ۱۳-۲۱.

۱۰. سواری، مسلم و بهمن خسروی‌پور (۱۳۹۷) تحلیل آثار تاب‌آوری بر سرزندگی خانوارهای روستایی در شرایط خشکسالی در شهرستان دیواندره، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۹-۴۰.

۱۱. صالحی، حسین و امیر گندمکار و احمد خادم‌الحسینی و علیرضا عباسی (۱۴۰۱) ارزیابی مشکلات و افزایش تاب‌آوری مادی‌های شهر اصفهان در برابر سیلاب‌های شهری؛ مطالعه

21. Bertilsson, L., Wiklund, K., de Moura Tebaldi, I., Rezende, O.M., Veról, A.P. and Miguez, M.G. (2018) Urban flood resilience- a multi-criteria index to integrate flood resilience into urban planning, *Journal of Hydrology*. 573 (76): 970-982.
22. Boxer, P. & Sloan-Power, E. (2013) Coping with Violence a Comprehensive Framework and Implications for Understanding Resilience. *Trauma, Violence, & Abuse*, 14, 209-221. Retrieved from: <http://tva.sagepub.com/content/early/2013/05/06/1524838013487806.abstract>
23. Cutter, S., Burton, Ch. and Emrich, Ch., (2010) Disaster resilience indicators for benchmarking baseline conditions. *Journal of Homeland Security and Emergency Management*, 7 (1):1-22.
24. Dhar, T. K. and L. Khirfan (2017) A multi-scale and multi-dimensional framework for enhancing the resilience of urban form to climate change. *Urban Climate* 19: p 72-91
25. Ek, K., Goytia, S. Pettersson, M. and Spegel, E. (2016) Analysing and evaluating flood risk governance in Sweden- Adaptation to Climate Change?, STAR-FLOOD Consortium, Utrecht, The Netherlands. [online] URL: <http://www.starflood.eu/documents/2016/03/wp3-sw-final-webversion.pdf>
26. Folke, C., Carpenter, S., Walker, B., Scheffer, M., Terry, Ch. and Rockstrom, J. (2010), Resilience thinking: integrating resilience, adaptability and transformability. *Ecology and Society*, 15(4): 1-9.
27. González-Riancho, P., Gerkensmeier, B., M.W. Ratter, B., González, M., & Medina, R. (2016). (2015). Storm surge risk perception and resilience: A pilot study in the German North Sea coast, *Ocean & Coastal Management*, Vol. 112, pp. 44-60.
28. Hegger, D.L.T., Driessen, P.P.J. Dieperink, C., Wiering, M., Raadgever, G.T. & Van Rijswijk, H.F.M.W. (2014) Assessing stability and dynamics in flood risk governance: an empirically illustrated research approach. *Water Resources Management* 28:4127-4142.
29. Kaufmann, M., W. van Doorn-Hoekveld, H.K. Gilissen, & van Rijswijk, M. (2016) Analysing and evaluating flood risk governance in the Netherlands. *Drowning in safety?*. STAR-FLOOD Consortium, Utrecht, The Netherlands.
30. Liao, K. H. (2014) From flood control to flood adaptation: a case study on the lower green river valley and the city موردی: مناطق ۱ و ۳، نشریه جغرافیا و پایداری محیط، انتشار آنلاین.
۱۲. عبداله‌زاده ملکی، شهرام و نسیم خانلو و کرامت‌الله زیاری و وحید شالی‌امینی (۱۳۹۶) سنجش و ارزیابی تاب‌آوری اجتماعی جهت مقابله با بحران‌های طبیعی؛ مطالعه موردی: زلزله در محلات تاریخی شهر اردبیل، مدیریت شهری، شماره ۴۸، صص ۲۶۳-۲۸۰.
۱۳. قزایی، فریبا و محمدرضا مثنوی و مونا حاجی‌بنده (۱۳۹۶) بسط شاخص‌های کلیدی سنجش تاب‌آوری مکانی- فضایی شهری؛ مرور فشرده ادبیات نظری، باغ نظر، سال چهاردهم، شماره ۵۷، صص ۱۹-۳۲.
۱۴. کرمی، فریبا و مریم بیاتی خطیبی و نرگس رستمی همای علیا (۱۴۰۱) بررسی تاب‌آوری نواحی روستایی پیراشهری در برابر سیلاب (مطالعه موردی: برخی روستاهای دهستان میدان چای)، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، انتشار آنلاین از تاریخ ۰۶ اردیبهشت ۱۴۰۱.
۱۵. متکی، زهیر و فاطمه موقر (۱۳۹۸) چارچوب نظری برای تاب‌آوری مکانی در مواجهه با سانحه؛ نمونه موردی: سیل ۱۳۶۶ تجریش، دوفصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت بحران، شماره شانزدهم، صص ۶۱-۷۵.
۱۶. ناهید، مصطفی و محمدرضا زندمقدم و زینب کرکه‌آبادی (۱۴۰۰) سنجش و ارزیابی میزان تاب‌آوری مناطق شهری در برابر سیلاب‌های شهری (مطالعه موردی: منطقه ۴ تهران)، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۷۴، شماره ۱، صص ۱۸۹-۲۰۵.
17. Abdulkareem, M. & Elkadi, H. (2018) From engineering to evolutionary, an overarching approach in identifying the resilience of urban design to flood”, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 791: 2-30.
18. Adeniyi, O., Perera, S. and Ginige, K. (2018) Built environment flood resilience capability maturity model, *Procedia Engineering* 212 (2018) 776-783, Available online at www.sciencedirect.com
19. Allen, C.R., Birge, H.E., Bartelt-Hunt, S., Bevans, R.A., Burnett, J.L., Cosens, B.A. and Uden, D.R. (2016) Avoiding decline: Fostering resilience and sustainability in midsize cities. *Sustainability (Switzerland)*, 8(9). doi: 10.3390/su8090844
20. Antronico, L., De Pascale, F., Coscarelli, R., & Gullà, G., (2020) Landslide risk perception, social vulnerability and community resilience: The case study of Maierato (Calabria, southern Italy), *International Journal of Disaster Risk Reduction*, Vol. 46, No. 2, pp.1015-1029. <http://doi.org/10.1016/j.ijdr.2020.101529>

- of Kent in King County, Washington. *Natural Hazards*, 71 (1): 723-750.
31. Madsen, W., & O'Mullan, C., (2016) Perceptions of Community Resilience after Natural Disaster in a Rural Australian Town. *Journal of Community Psychology*, Vol. 44, No. 3, pp. 277-292.
32. Pelling, M., (2003) *The vulnerability of cities, natural disasters and social resilience*, earth scan publication, London, UK, ISBN 1-85383-830-6 (pbk.) ISBN 1-85383-829-2 (hardback), pp. 3-203.
33. Rana, Irfan Ahmad. Bhatti, Saad Saleem. Jamshed, Ali. Ahmad, Shakil (2021) An approach to understanding the intrinsic complexity of resilience against floods: Evidences from three urban communities of Pakistan, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, Volume 63, September 2021, 102442.
34. Ridzuan, A.A., Oktari, R.S., Zainol, N.A.M., Abdullah, H., Liaw, J.O.H., Mohaiyadin, N.M.H., & Mardzuki, K., (2018). Community resilience elements and community risk perception at Banda Aceh province, Aceh, Indonesia, *International Conference on Disaster Management (2018)* 14 November, *Matec Web of Conferences*, Vol (229) 1-7. doi.org/10.1051/mateconf/201822901005
35. Townend, I.H., French, J.R., Nicholls, R.J., Brown S., Carpenter, S., Haigh, I.D., Hill, C.T., Lazarus, E., Penning-Rowsell, E.C., Thompson, C.E.L., & Tompkins, E.L., (2021). Operationalising coastal resilience to flood and erosion hazard: A demonstration for England. *Science of the Total Environment*, 783 (2021) 14688, pp. 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2021.146880>
36. Ungar, M., (2019). Designing resilience research: Using multiple methods to investigate risk exposure, promotive and protective processes and contextually relevant outcomes for children and youth. *Child Abuse & Neglect*, Vol. 96, 104098, pp. 1- 8.
37. Zhou, H., Wang, J., Wan, J. & Jia, H. (2014) Resilience to natural hazards: a geographic perspective. *Nat. Hazards*, 31 (1): 21-41.

بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ادراک حس معنویت در فضای مساجد^۱ (مطالعه موردی: شش مسجد معاصر تهران)

شیده پرتو*، ویدا نوروزبرازجانی**، شروین میرشاهزاده***

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸)

چکیده

مسجد از مهم‌ترین و خاص‌ترین بناهای مسلمانان در کشورهای اسلامی است و لزوم مطالعات در حوزه نظری پیرامون گنجینه دیرینه فرهنگ و معماری ایرانی اسلامی بر کسی پوشیده نیست. وارد شدن حوزه‌های جدید نظری به معماری، مانند موضوع اتمسفر، دریچه‌ای جدید به سوی طراحان باز می‌کند که شاید بتوان با تأمل در آن، آنچه را که در سالیان اخیر، طراحی و ساخت مساجد با فقدان آن روبرو است، پوشش داد. این پژوهش با طرح این پرسش که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ایجاد اتمسفر معنوی مساجد از دیدگاه مخاطبین چه هستند؟ شکل گرفته است و هدف آن خوانش اتمسفر مساجد معاصر تهران مبتنی بر تجربه زیسته مخاطبان آنها است. روش پژوهش بر اساس نظریه داده‌بنیاد و تحلیل‌ها به روش کدگذاری سیستماتیک اشتراوس و کوربین با کمک نرم‌افزار MaxQDA بوده است. جهت سنجش مؤلفه‌های استخراج شده، شش مسجد در جغرافیای معاصر تهران انتخاب گردیده و توسط نرم‌افزار Expert Choice، تحلیل و مقایسه زوجی بر روی پارامترهای نمونه‌های مورد مطالعه از طریق پرسش‌نامه خبرگان انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اتمسفر معنوی مساجد، مبتنی بر تجربه زیسته مخاطبین، تحت تأثیر نه (۹) مؤلفه اصلی قرار دارد که هر یک دارای ارزش وزنی مخصوص به خود است. نتیجه‌گیری بحث نشان می‌دهد از بین مؤلفه‌های یافت شده، تناسبات، در رتبه اول و به ترتیب مؤلفه‌های نور، صدا، رنگ، مصالح، تزئینات، دسترسی و موقعیت، در رتبه‌های پس از آن جای دارند. از میان شش مسجد مورد مطالعه پژوهش حاضر، مسجد جامع شهرک غرب، اتمسفر معنوی مطلوب‌تری در ادراک مخاطبین خود ایجاد می‌نماید.

واژگان کلیدی: ادراک، فضای عبادی، مساجد معاصر، اتمسفر، حس معنویت.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری شیده پرتو با عنوان «خوانش عوامل موثر بر شکل‌گیری اتمسفر فضایی مساجد معاصر تهران» است که به راهنمایی «ویدا نوروزبرازجانی» و مشاوره «شروین میرشاهزاده» در دانشکده «معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز» انجام یافته است.

shideh_parto@yahoo.com

vidnourouz_borazjani@iauctb.ac.ir

sh.mirshahzadeh@iauctb.ac.ir

* دانش‌آموخته دکترای گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** نویسنده مسئول: استادیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*** استادیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

مساجد همیشه از مهم‌ترین بناهای موجود در هر شهری به شمار رفته‌اند. مسجد، بنایی خاص برای جامعه اسلامی است که می‌تواند به‌عنوان کلید شناخت معماری اسلامی باشد (هیلسن براند، ۱۳۸۰). چند عملکردی بودن مسجد موجب شده است در کنار فعالیت‌های عبادتی و مذهبی، مسجد کانون اجتماعی، فرهنگی باشد و قابلیت جدا شدن از ساختار شهر اسلامی را ندارد (بهزادفر، ۱۳۷۶: ۱۱). مساجد به‌عنوان نقاط کانونی یک شهر، همیشه مورد توجه بوده است. همچنین مساجد محله‌ای، سابقه‌ای قابل‌اعتنا در ساختار شهرهای دوره اسلامی دارند. این اهمیت موجب گردید در شهرها، بر اساس قومیت‌ها و تعداد محلات، ساختن این مساجد به تدریج رو به فزونی نهد (نژاد ابراهیمی و مرادزاده، ۱۳۹۷: ۸۸). معماری مسجد از موضوع‌های حساس هنر معماری است؛ زیرا مکان تعامل نفس انسانی با مراتب عالی عالم وجود است (صارمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶). مساجد اسلامی، جلوه‌ای از زیبایی‌های الهی و نمونه بارزی از تلفیق و ارتباط فرم‌های نمادین با باورهای عمیق اعتقادی است (ایمان طلب ۱۳۹۱، به نقل از شاطریان ۱۳۹۰). اهمیت حضور مخاطب در فضای مساجد نه تنها برای عملکرد اصلی اقامه نماز، بلکه از لحاظ نوع برقراری ارتباط بین مخاطب و فضا اهمیت فراوانی دارد. پس از حضور انسان در فضا و شکل‌گیری حس مکان، ابتدا هویت مکان (شناسایی شدن)، سپس وابستگی به مکان (ویژگی‌های مطلوب) و در انتها دل‌بستگی به مکان شکل می‌گیرد؛ بنابراین شرط لازم دل‌بستگی به مکان، حضور انسان در فضا است و از آنجا که حس مکان پس از حضور انسان در فضا و طی زمان شکل می‌گیرد، بنابراین می‌بایست امکان مشارکت استفاده‌کننده از فضا در طراحی فراهم و بر نقش مهم کاربر تأکید کرد. در واقع شکل‌گیری حس مکان در یک خط سیر، با حضور انسان در فضا و درک کاراکترهای زیست‌جهان، شروع و به دل‌بستگی به مکان ختم می‌شود (تاجی و همکاران، ۱۳۹۶). فضاهای معماری برای پاسخگویی به ابعاد مختلف نیازهای مخاطب ساخته می‌شوند و شرایط تجربه‌پذیری را برای مخاطب فراهم می‌نمایند. وقتی که در هنر به شکل کلی بحث از ادراک می‌شود، بدین معناست که به محتوای هنر توجه می‌شود، یعنی آن چیزی که می‌بایست به واسطه مخاطبانش فهمیده شود (هاسپرز و اسکراتن، ۱۳۸۵: ۱۲۰). ادراک معنای مکان، وابستگی قابل ملاحظه‌ای به مشاهده‌گر داشته و بر این اساس معنای مکان و در نتیجه آن ادراکی که برای فرد از مکان به وجود می‌آورد متفاوت خواهد بود (نونزاد و همکاران به نقل از گریفورد، ۱۹۹۷: ۲۶). تجربه‌هایی که در فضاهای معماری شکل می‌گیرند، تجربه‌های اصیلی هستند که تحت تأثیر عوامل متعددی شکل می‌گیرند. تجربه آنچه معماران و پدیدارشناسان به آن «اتمسفر» می‌گویند. حس اتمسفر و این گرایش ممکن است برای برخی از مردم برخلاف بقیه در برخی مکان‌ها بسیار روشن و آشکار باشد (زه‌دی گهر پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲). مساجد که

برای پاسخگویی به نیازهای بعد روحانی انسان ساخته می‌شوند، از فضاهایی هستند که نوع ادراک مخاطب در آن‌ها بسیار حائز اهمیت است. چراکه دلیل اصلی حضور در این فضاها، برقراری ارتباطی معنوی بین انسان و خالق یکتاست. یکی از معضلاتی که به نظر می‌آید بسیاری از مساجد امروزی با آن روبرو هستند، فقدان اتمسفر متناسب با فضاست. مسأله معنویت در اسلام مسأله‌ای مبنایی و اساسی است و از این رو پرداختن به آن می‌تواند راهگشای بحران معنویت در عصر حاضر باشد (مهدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۳). در معماری مساجد اسلامی و هنرهای قدسی آن؛ ویژگی‌ها متکی بر حقایقی است بنیادی که طیفی از واژگان سامان‌یافته در کنار یکدیگر آن را بیان می‌کنند و در مرکز این واژگان توحید الهی قرار دارد. گویا که طراح، معماری را سرشار از نور الهی و معنویت کرده است. برای برخورداری از معنویت اولین شرط آن است که فرد همه رفتار و اعمالش در زندگی، در راستای هدفی واحد که مطلوبیت ذاتی دارد تنظیم کند (مهدی‌نژاد، عظمتی، حبیب‌آباد، ۱۳۹۷: ۶۴). در اسلام، خداوند متعال به‌مثابه سرچشمه وجود و همه کمالات معرفی شده و نزدیک شدن به او هدف اصلی آفرینش انسان است. همین دلیل، هدف غایی از فعالیت و سلوک انسانی و عالی‌ترین کمال انسانی بالاترین نقطه ممکن در مراتب قرب به اوست؛ پس می‌توان گفت که خداوند اولین گام و نخستین حرکت جهت رسیدن به معنویت است. علامه طباطبایی اساس سیر باطنی و حیات معنوی را پذیرش اصالت عالم معنی می‌داند عالمی که شامل کمالات باطنی و مقامات معنوی به‌عنوان واقعیت‌های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده است (مهدی‌نژاد، ۱۳۹۷ به نقل از طباطبایی، ۱۳۵۴). از جنبه روش‌شناختی نیز، برخلاف پژوهش‌های کمی که در علوم طبیعی به‌منظور مطالعه پدیده‌های طبیعی کاربرد داشته و شمارش‌پذیر هستند، پژوهش‌های کیفی به‌منظور بررسی پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی کاربرد داشته و به پژوهش‌گر در فهم انسان‌ها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی که آنها در آن زندگی می‌کنند یاری می‌دهند (نوروزباز جانی، ۱۳۹۸: ۵۷). در چنین موضوعاتی، شناخت و مطالعه تجربه زیسته مخاطبین و نحوه ادراک آن‌ها از فضا الزامی است. به دلیل اینکه پژوهش حاضر به روش نظریه داده‌بنیاد انجام گردیده است و به‌طور کلی این پژوهش سؤال محور بوده است، لذا در مرحله شناخت مؤلفه‌ها، فرضیه‌ای تدوین نگردیده و نتایج مورد نظر به‌صورت انکشاف حقیقت و در طول انجام پژوهش حاصل گردیده است. این پژوهش در مرحله اول، به دنبال شناخت عوامل مؤثر در ادراک مخاطبین از فضای مساجد و پس از آن به دنبال سنجش این عوامل بر روی مساجد معاصر تهران بوده است. از این رو سؤال اصلی پژوهش این چنین شکل گرفت که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ایجاد اتمسفر معنوی مساجد از دیدگاه مخاطبین چه هستند؟ و پس از آن، جهت سنجش مؤلفه‌های استخراج‌شده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، شش مسجد معاصر تهران مورد خوانش قرار گرفتند. در مرحله شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد اتمسفر معنوی

جدول ۱. برخی سوابق پژوهشی پیرامون موضوع معماری مساجد معاصر

محقق	عنوان تحقیق	یافته‌ها
حامد ایمان طلب، سمیه گرامی	نسبت معنا و شکل، تطبیق اندیشه معماری مسجد و فرم شناسی نماز (۱۳۹۱)	در طراحی مساجد معاصر ابتدا باید نظام معنایی وارد شود. استفاده از فضاهای باز و بسته و ورود نور اهمیت بسزایی دارد و نباید از کاربرد فرم‌های دایره و مربع غافل بود.
محمدمنان رئیسی، عبدالحمید نقره کار	ارزیابی هندسی فضایی مساجد معاصر تهران با استفاده از تحلیل مضمونی متون دینی (۱۳۹۳)	میزان توجه به آموزه‌های اسلامی در مساجد معاصر نوآورانه تهران در مقایسه با مساجد معاصر سنتی کمتر شده است و هندسه و فضا در مساجد سنتی تهران، غالباً تطبیق بیشتری با آموزه‌های ذکرشده در متون دینی دارند.
عبدالحمید نقره کار	ارزیابی و نقد طرح و ساختمان جدید مسجد ولیعصر در مجاورت تئاتر شهر (۱۳۹۴)	ساختمان فعلی تقلیدی از آثار بیگانه و مغایر ارزش‌های اسلامی است. سیری در افق مناسب منزلت مسجد در شهر اسلامی نیست.
محمدجواد مهدوی نژاد، محمد مشایخی، منیره بهرامی	الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر (۱۳۹۳)	الگوهای به‌دست‌آمده بر اساس گونه شناسی مساجد معاصر در چهار گروه جای می‌گیرند: مساجد نوگرای سفید، مساجد ناب‌گرا، مساجد فرم‌گرا و مساجد نوگرای التقاطی.
علی تربیت‌جو، غلامرضا اسلامی، جمال‌الدین مهدی نژاد، حمیدرضا عظمتی، علی صادقی	مکالمه انسان و مکان مقدس، جستاری بر نقش مخاطب در فهم قداست مکان (۱۳۹۲)	فهم، مکالمه و پذیرش یک مکان مقدس در تمایلی دوگانه نسبت به سنت‌ها اتفاق می‌افتد و آن دیالکتیک بازگشت و اتفاق است.
جمال‌الدین مهدی نژاد، حمیدرضا عظمتی، علی صادقی	تبیین راهبردی مؤلفه‌های حس معنوی در معماری مساجد ایران (۱۳۹۷)	این پژوهش سعی دارد تأثیر مؤلفه‌های کالبدی (تزیینات، مصالح، فرم، تناسبات) را بر درک حس معنویت از طریق کمی بسنجد. نتایج نشان می‌دهد به جز مصالح، سایر مؤلفه‌ها تأثیر معناداری بر درک حس معنوی در مساجد داشته‌اند.
مرضیه هومانی‌راد، منصوره طاهباز	بررسی نقش نور روز در ایجاد فضای معنوی در مساجد معاصر (۱۳۹۲)	این پژوهش با کشف رابطه بین مشخصات معماری فضای عبادی و کیفیت روحانی آن و با بررسی نظریه‌های معتبر دانشمندان در دو عرصه متفاوت فیزیک نور و روانشناسی نور، به مطالعه فضای گنبد خانه مسجد قبا واقع در شهر تهران پرداخته است.
شهریار شهیدی، سعیده فرج نیا	ساخت و اعتبار یابی پرسش‌نامه «سنجش نگرش معنوی» (۱۳۹۱)	ساخت پرسش‌نامه‌ی سنجش نگرش معنوی مناسب برای پژوهش در زمینه معنویت و رشد معنوی. همسانی درونی پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ، ۰.۹۱ به دست آمد.
جمال‌الدین مهدی نژاد، حمیدرضا عظمتی، علی صادقی	رتبه‌بندی شاخص‌های آرامش معنوی در معماری مساجد سنتی مبنی بر ادراک حس معنویت با بهره‌گیری از روش Vikor (۱۳۹۷)	شاخص‌های موردبررسی در این پژوهش نسبت طلایی، تقارن و زوج بودن اجزاء، اشکال و خطوط منحنی، رعایت استفاده از رنگ‌های گرم و سرد در کنار هم مصالح، استفاده از تلفیق حسی، سلسله‌مراتب و تزیینات مفهومی است.

معنوی سنجیده شده است. مانند پژوهش‌هایی که در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ در دانشگاه‌های کوالالامپور و پرلیس مالزی تأثیر صدا را بر حس معنوی بر بهبود بیماران مورد آزمایش قرار داده‌اند. در جدول شماره ۱ به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه شناخت معماری مساجد معاصر اشاره شده است. این پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف و از دریچه‌های مختلفی به موضوع مساجد معاصر پرداخته‌اند. جمع‌بندی پیشینه مطالعات در این دسته نشان می‌دهد که بیشتر این پژوهش‌ها در زمینه گونه شناسی، نشانه‌شناسی و یا ارزیابی‌های فرمال مساجد گوناگون است. وجه تمایز پژوهش حاضر، با پژوهش‌های پیشین، در درجه اول، تأکید بر تجربه زیسته مخاطبین مساجد و استخراج مؤلفه‌های مورد ادراک آنان در اتمسفر معنوی مساجد و در درجه دوم سنجش آن از طریق تحلیل و مقایسه زوجی بر روی نمونه‌های موردی است که تاکنون صورت نگرفته است.

در بررسی سوابق پژوهشی، دسته دیگری از پژوهش‌ها، پیرامون موضوع اتمسفر که در دهه‌های اخیر بیشتر به آن پرداخته شده

از دیدگاه مخاطبین، راهبرد نظریه داده بنیاد و تحلیل‌ها به روش کدگذاری سیستماتیک اشتراوس و کوربین با کمک نرم‌افزار MaxQDA، بوده است. جهت سنجش مؤلفه‌های استخراج‌شده، شش مسجد در جغرافیای معاصر تهران انتخاب گردیده و توسط نرم‌افزار Expert Choice، تحلیل و مقایسه زوجی بر روی پارامترهای نمونه‌های مورد مطالعه از طریق پرسش‌نامه خبرگان صورت گرفته است.

پیشینه تحقیق

سوابق پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، تاکنون، پژوهش‌های ارزشمندی با موضوع حس معنویت در معماری، توسط اندیشمندانی چون نصر و بوركهارت انجام شده که به بیان مفاهیم و مؤلفه‌های روحانی و معنوی در کالبد معماری از طریق بازخوانی رمزپردازی و حکمت‌های متعالی نهفته در معماری ایرانی-اسلامی پرداخته‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، به نقل از نصر، ۱۳۷۵ و بوركهارت، ۱۳۶۵). در برخی پژوهش‌ها نیز که به روش آزمایشگاهی و تجربی انجام شده است تأثیر برخی عوامل مانند صدا و یا نور بر ایجاد حس

جدول ۲. برخی سوابق پژوهشی پیرامون موضوع اتمسفر

نظریه پرداز / محقق	عنوان کتاب یا مقاله	یافته‌ها
هرمان اشمیتز (۱۹۶۹)	فضای حسی	برای اولین بار مفهوم اتمسفر از مفاهیم مترولوژی جدا شد و در زمینه‌های فلسفی-اجتماعی-اقتصادی و ... وارد شد
پالاسما (۱۹۹۵)	چشمان پوست	اهمیت حس لامسه را در تجربه و ادراک انسان از جهان بیان می‌کند.
گرنوت بومه (۱۹۹۵)	اتمسفر	مدل مفهومی جدیدی از جهان زیست بشر ارائه می‌دهد که در آن صحبت از انرژی‌هایی است که ایزه‌ها و نمودها در فضا تولید می‌کنند
پیتر زومتور (۱۹۹۷)	معماری اندیشی	یگانه راه ادراک معماری را نه چشم، بلکه حضور می‌داند.
گرنوت بومه (۲۰۰۱)	زیبایی‌شناسی	تلاش می‌کند با تجربه‌هایی که در زندگی روزمره وجود دارد، طرحی نو در فلسفه شناخت بشر به وجود آورد.
پیتر زومتور (۲۰۰۶)	اتمسفر	۷ اصل معماری را که عموماً در کارهایش مورد استفاده قرار می‌دهد بیان می‌کند و در آخر دو ضمیمه به آن اضافه می‌نماید و بیان می‌کند که با این اصول اتمسفر سبک من است.
گرنوت بومه (۲۰۱۳)	معماری اتمسفریک	اتمسفر را مفهوم پایه‌ای زیبایی‌شناسی جدید می‌داند و هنر صحنه‌آرایی را پارادایمی جدید در زیبایی‌شناسی اتمسفری معرفی می‌کند.
پالاسما (۲۰۱۳)	سازمان‌دهی معماری	در نقد مدرنیته، آن را بیشتر علاقه‌مند به فرم می‌داند تا حواس -علاقه‌مند به سطح می‌داند تا بافت و متریکال و در نهایت علاقه‌مند به شکل می‌داند تا اتمسفر.
پالاسما، بومه، بورچ، الیاسون (۲۰۱۴)	اتمسفر معمارانه	بحث‌های مدون و انتقادی در پاسخ به مجموعه سؤالات مرتبط با گرایش به مباحث اتمسفری را فراهم می‌آورد.
پالاسما (۲۰۱۶)	حس ششم	حس اتمسفر را بعد از پنج حس افلاطونی به عنوان حس ششم معرفی می‌کند.
اوا مهدلیکو (۱۳۹۴)	در جستجوی تجربیات جدید بدن به واسطه فضا	نسبت میان سوژه و فضا را مورد بررسی قرار می‌دهد و اعلام می‌دارد که معماری زمانی بهترین خدمت را به ما می‌کند که به ما کمک کند شکاف و مکث و وقفه‌های زمان را در جایی که هر لحظه سرعت بیشتری می‌گیرد سازمان‌دهی کنیم.

در یک کارکرد، نقطه مشترکی دارند و آن، در بر گرفتن امر قدسی است. تعریف مکان مقدس و مفهوم امر قدسی را نمی‌توان از هم جدا کرد. مفهوم مقدس و معنای آن به حوزه دین و معرفت الهی مربوط می‌شود و مذهب را اصولاً بر اساس باورها و امور مربوط به امر مقدس تعریف می‌کنند. امر مقدس به عنوان عنصر مرکزی و بنیانی در همه مذاهب مطرح است. در یک تعریف مشخص تر، مکان مقدس در حقیقت مکانی است که امر قدسی را در برمی‌گیرد. امر قدسی نیز بر این استوار است که هستی ما بر وجودی فراتر متصل است و وجود ما و تقدیر ما وابسته به مشیت و اراده‌ی اوست. الیاده در نوشته‌ای با عنوان معماری مقدس و نمادگرایی (۱۹۷۸) می‌نویسد، فضای مقدس مکانی است که ارتباط میان جهان حاضر و جهان دیگر، یعنی جهان بالایی با جهان پایینی، جهان خدایان با جهان مردگان، امکان‌پذیر می‌شود و بیش از هر چیز گذار از زمین به آسمان ممکن می‌گردد. شایگان نیز اشاره می‌کند که «امر قدسی خواهان آن است که آگاهی انسان از توهم خودمختاری خویش آزاد شود و به وابستگی کامل خود به معنایی که فراتر از هستی اوست، اذعان کند» (شایگان، ۱۳۸۰: ۲۹۹). از نظر انسان مذهبی مکان‌ها یکدست و یکپارچه و همانند نیستند. از لحاظ کیفی، پاره‌ای از مکان‌ها با مکان‌های دیگر متفاوت‌اند (الیاده، ۱۳۷۶) به عنوان مثال در تورات آمده است که خداوند به موسی فرمود: «به اینجا نزدیک نشو، کفش‌هایت را از پا بیرون کن» (کتاب مقدس، سفر خروج،

مورد مطالعه قرار گرفتند. جمع‌بندی این بررسی‌ها نشان از این داشت که بیشتر این پژوهش‌ها توسط نظریه‌پردازان و محققان غربی، از هرمان اشمیتز گرفته تا پالاسما و برنان و پرزگومز و استیون هال انجام شده است. لذا از لحاظ انجام پژوهش در بستر مکانی نیز خلایق در انجام پژوهش‌های ایرانی و اسلامی احساس شد. برخی از سوابق پژوهشی در حوزه اتمسفر در جدول ۲ آمده است.

مبانی و مطالعات نظری

مکان مقدس و امر قدسی:

در طول تاریخ، انسان همیشه با مکان‌هایی روبه‌رو بوده است که به طریقی او را به مبدأ هستی متصل می‌کرده و معنای تقدس در آن مکان بر انسان متجلی می‌شده است. قدمت این مکان‌ها به قدمت پیدایش ادیان برمی‌گردد. فارغ از هر آیینی، مکان‌های مقدس محلی برای ارتباط عمیق‌تر و نزدیک‌تر به معبود محسوب می‌شوند.

انسان‌ها برای داشتن و لحاظ کردن مفهوم تقدس در زندگی و حضور آن، بنا بر دستورات و رسوم هر آیینی، مکان‌های مقدس را در طول تاریخ ساخته‌اند. با این که مکان‌های مقدس در هر آیینی به نحوی خاص ساخته می‌شود و در معماری از لحاظ فضا، فرم، تناسبات، مقیاس و مصالح در طیف بسیار وسیعی قرار می‌گیرند اما

مفهوم اتمسفر توسط گرنوت بومه^۱ در سال ۱۹۹۱ میلادی، به‌عنوان یک مفهوم پایه در زیبایی‌شناسی مدرن بدون ایجاد نقطه انفضال در هنر، معرفی گشت. او اتمسفر را این‌گونه تعریف کرد «حوزه‌های حضور اتمسفر، چگونگی تجربه ما از فضا است». اتمسفرها به یک مکان محدود نشده‌اند ولی باین حال در درون فضا درک و دریافت می‌شود و بدین شکل آن را تشکیل می‌دهند. بومه، اتمسفرها را نه در اشیایی که آن‌ها را بیرون می‌دهند جای داده است و نه در ناظری که از لحاظ فیزیکی آن‌ها را حس می‌کند، بلکه آن‌ها را بین این دو و هم‌زمان در هر دوی آن‌ها جای داده است (Bohme, 2017). زیبایی‌شناسی کلاسیک تنها با سه یا چهار اتمسفر سروکار داشت. برای مثال، زیبا، والا و یا اتمسفر خالی از هویت، مانند آئورا. این مایه‌ها با این سؤال که اتمسفرها چیستند در ارتباط بوده و مطمئناً تحقیقات زیادی باید در این خصوص صورت گرفته یا دوباره نوشته شوند. فراتر از تمام محدودیت‌هایی که زیبایی‌شناسی قدیمی داشت حالا مشخص شده است که تعداد بسیار زیادی اتمسفر وجود دارد. اگر نگوئیم بی‌نهایت زیاد. از جمله: آرام‌بخش، جدی، ترسناک، پرخاشگر، قدرت، مقدس یا هرزه. کثرت عبارات کلامی که در این رابطه در دسترس ما هستند نشان می‌دهد که دانش بسیار پیچیده‌تری از آنچه تئوری زیبایی‌شناسی ارائه می‌کند وجود دارد. به‌خصوص ممکن است ما دانش بسیار غنی و فوق‌العاده‌ای از اتمسفرها را در دانسته‌های عملی مربوط به کارهای هنری داشته باشیم (Bohme, 2017).

اتم‌سفر به‌عنوان حضوری ذهنی فیزیکی:

امروزه حضور ذهنی فیزیکی در فضا به‌عنوان یکی از مباحث مورد توجه در معماری مطرح گردیده است (Bohme, 2006). بومه در کتاب خود، معماری و اتمسفر، این سؤال را مطرح می‌نماید که آیا ما در عصر تکنولوژی‌های ارتباطی جدید نیستیم؟ آیا بیشتر زمان ما در فضاهای مجازی صرف نمی‌شود؟ باین وجود چرا تأکید و تکیه بر حضور بدن همچنان دارای اهمیت است؟ به‌طور فزاینده‌ای موجودیت اجتماعی توسط شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌شود. ما دیگر به‌عنوان اشخاص حقیقی شناخته نمی‌شویم. بلکه به‌عنوان ارتباطات هستیم؛ یعنی این حضور به‌عنوان حضوری صرفاً ذهنی برای انجام فعالیت‌های روزمره کفایت می‌کند؟ واقعیت، کشف دوباره بدن انسان است که موازی با توسعه تکنولوژی مدرن در قرن بیستم رخ داده است. در این میان به آثار معمار ژاپنی، برونو تات اشاره می‌کند که مفهوم معماری را طراحی فضا معرفی کرده است (همان). تعیین‌کننده‌ترین مفاهیم که معماری و تن انسانی را به هم ارتباط می‌دهند اتمسفر و فضای تنانی است. اتمسفرها پدیده‌های فضایی هستند که انسان خود را در درون آن‌ها (فضاها)، قرار می‌دهد و متناسب با کاراکتر آن‌ها حال انسان را تغییر می‌دهند و با تجربه زیسته و حضور تنانی، تشخیص داده می‌شوند. اتمسفرها فضاهای تنظیم‌شده هستند یا به کلام اشمیتز، احساس‌های انسانی هستند که شبیه ابرّه‌هایی در غالب فضا ریخته شده‌اند (امینی و سلطان‌زاده،

باب ۳، آیه ۵). شبیه همین مطلب در قرآن نیز آمده است: «فَلَمَّا أَنهَا نُودِيَٰ بِأَنَّ أُمَّهُ يَأْتِيكَ بِهَا فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (طه، ۱۲-۱۱)». پس با توجه به این شواهد می‌توان ادعا کرد که مکان مقدس که با بقیه اماکن متفاوت است، در همه فرهنگ‌ها وجود دارد. یک مکان مقدس در مرحله نخست، مکانی تعریف‌شده و مشخص است که از فضاهای دیگر قابل تشخیص است. بدین ترتیب مراسمی که مردم در آن شرکت می‌کنند یا بدان توجه می‌نمایند مقدس تلقی می‌شود. مکان مقدس به دلیل کارکرد دینی مشخص و نه به خاطر دربرداشتن کیفیات فیزیکی و یا زیبایی‌شناختی ویژه، مقدس شمرده می‌شود. بسیاری از مکان‌های مقدس حتی مکان‌هایی که در حیات دینی یک جامعه نقش محوری دارند، برای کسی که خارج از آن سنت است، حامل هیچ‌گونه احساس مذهبی نیست (Brereton, 1989: 530-535). البته ذکر این نکته لازم است که ممکن احساس مذهبی خاصی را در فرد به وجود نیورد اما به خاطر معماری خاص و الهام‌بخش خود، مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد.

تعیین و انتخاب فضای مقدس

۱. گاهی یک محل بدان دلیل شأن قدسی پیدا می‌کند که وقایع مهم مذهبی در آن رخ داده است؛ مثلاً یکی از دلایل عمده تقدس بیت‌المقدس از نظر مسلمانان، معراج پیامبر است که بخشی از آن در بیت‌المقدس واقع شده است.

۲. برخی از مکان‌ها با مقبره یک فرد مقدس تقدس پیدا می‌کنند. به‌عنوان مثال محل دفن پیامبر اسلام (ص) و محل شهادت و یا مدفن بسیاری از ائمه شیعه نیز برای مسلمانان و یا شیعیان به مکان مقدسی تبدیل شده است و مؤمنان با حضور در این اماکن، با امر مطلق یا همان امر قدسی (خدا) ارتباط برقرار می‌کنند و از معنویت آن مکان مقدس بهره‌مند می‌شوند.

۳. برخی دیگر از مکان‌ها به این دلیل که توجه خویش را به سوی یک ناحیه که از نظر نمادین اهمیت دارد معطوف می‌کنند مقدس شمرده می‌شوند. به‌عنوان مثال به این دلیل که طلوع خورشید برای مسیحیان، نماد مسیح رستاخیز یافته است کلیساها، رو به طلوع خورشید ساخته می‌شدند و یا کنیسه‌های یهودیان معمولاً رو به جهت بیت‌المقدس. مساجد و بسیاری از اماکن مقدس اسلامی رو به سمت قبله (کعبه) ساخته می‌شوند. این دسته از مکان‌های مقدس، از آن جهت که نظام‌های مشابهی در جهت‌یابی ندارند باهم متفاوت و از این نظر که همگی جهتی را برای خود، معنادار قلمداد می‌کنند شبیه‌اند (بررتون، ۱۳۷۳: ۱۲۵-۱۲۲). هرشبرگر بر این نکته تأکید می‌کند که معنا و انتقال معنا نقطه عطف معماری است: «در حقیقت انتقال معنا از خلال عنصر و رسانه‌های معمارانه، هم برای کاربردی معین و هم برای لذت از معماری، نکته‌ای اساسی است. شکل‌ها، رنگ‌ها، فضاها و سایر عناصر و پدیده‌های معماری، رسانه‌هایی هستند که معماران از خلال آن‌ها با استفاده‌کنندگان ساختمان‌هایشان ارتباط برقرار می‌کنند» (هرشبرگر، ۱۳۷۸: ۵۴).

اتم‌سفر (کانسپت پایه زیبایی‌شناسی جدید):

1. Gemot Böhme

۱۳۹۶). در واقع مفهوم و توجه به اتمسفر برآمده از واکنشی است به مدرنیته که گرایش آن غالباً مبتنی بر موضوعاتی همچون هندسه، تکنولوژی و تولیدات صنعتی در ساختمان سازی بود. در فلسفه و به طور خاص در پدیدارشناسی، این مفهوم به گونه‌ای برجسته برآمده از آثار هرمان اشمیتز^۱ می‌باشد که این اصطلاح به طور عمده برآمده از نظریه ادراک است. اشمیتز از هوبرت تلنباخ^۲ که یک روان‌پزشک بود الهام گرفته بود که کتابی درباره مزه، بو و اتمسفر نوشته بود. تلنباخ در سال ۱۹۶۸ در این کتاب در مورد احساس و رایحه و بوی خانه بحث کرده بود و اختلالات روانی‌ای که ممکن است به واسطه از دست دادن چنین حسی از بویایی در مکانی خاص حادث شود را تشریح کرده بود. اشمیتز همچنین ایده ماورایی رودلف اتو^۳، مبنی بر قدرت خدا گونه‌ای که بر ما غلبه می‌کند را ترسیم می‌کرد. در واقع در دیدگاه اشمیتز، اتمسفر چیزی است که به صورت بنیادین بر ما غلبه می‌کند (Bohme, 2017). بنابراین، این رویکرد او بسیار نزدیک به تئوری زیبایی‌شناختی ادراک است. از دیدگاه او اتمسفرها احساساتی قوی یا ضعیف موجود در فضا هستند. یوهانی پالاسما در مقاله‌ای تحت عنوان سازمان‌دهی معماری^۴ در سال ۲۰۱۳، مدرنیته را بیشتر از آنکه به حواس پرداخته شود علاقه‌مند به فرم می‌داند. او در بین چندین معمار که در کتاب کالین ویلسون^۵ از آن‌ها نام برده شده است (از جمله: آلوار آلتو^۶، گونر اسپیلاند^۷، هانس شارون^۸، سیگارد لورنز^۹) از فرانک لوید رایت^{۱۰} نیز به عنوان معماری که توجه به اتمسفر در دوره مدرنیته، در آثارش نمایان است یاد می‌کند. از کارهای ابتدایی او همچون خانه روبی^{۱۱}، معبد یونیتی^{۱۲} و هتل ایمپریال^{۱۳} تا کارهای اخیر، شامل خانه آبشار و کارخانه وکس. پالاسما کارهای او را لمسی و متراکم می‌داند. احساس صمیمیت و نزدیکی، کوچک کردن عمدی مقیاس‌ها و ظرافت به کار برده شده، اتمسفر فضایی او است. به نظر می‌رسد که رایت به طور آگاهانه از اهمیت اتمسفر در کارهایش آگاه است. به طور کلی به نظر می‌رسد که ضروری‌ترین کیفیت‌های معماری به طور غریزی از احساس بدنی طراح برانگیخته می‌شود تا اینکه عملی آگاهانه و از پیش تعیین شده باشد. واقعیت این است که احساسات ما، واکنش‌ها، خلق و خو و رفتارهای ما، اساساً تحت تأثیر ضمیر ناخودآگاه ما است و ما به دلیل ماهیتشان بیرون از خودآگاهمان به سختی می‌توانیم آن‌ها را شناسایی کنیم. اتمسفر آن چیزی است که میان کیفیت ابژه

1. Herman Schmitz
2. Hubert Telenbach
3. Rudolf Otto
4. Orchestrating Architecture
5. Colin Wilson
6. Alvar Alto
7. Gunnar Asplund
8. Hans Scharoun
9. Sigurd Lewerentz
10. Frank Lloyd Wright
11. Robie House
12. Unity Temple
13. Imperia Hotel

یک محیط و حال انسان قرار دارد. این که افراد چه حالی دارند این احساس را منتقل می‌کند که در چگونه فضایی قرار دارند. اتمسفرها تولید می‌شوند، آن‌هم به وسیله‌ی، هندسه، تناسبات، نور، رنگ، صدا و غیره که جزء ابزارهای تولید اتمسفر هستند؛ اما علاوه بر این‌ها، نشانه‌ها و سمبل‌ها را هم می‌توان نام برد، نه از آن‌رو که آن‌ها برای کاربری چیزی هستند، بلکه چون به لحاظ فرهنگی می‌توانند اتمسفر تولید کنند (امینی، ۱۳۹۶). مانند شرایط آب و هوایی، اتمسفر هم در هر زمان در حال تغییر است و این مفهومی است که جایگاه اتمسفر را مهم جلوه می‌دهد. الیاسون^{۱۴} در مصاحبه‌ای با بومه و بورچ^{۱۵} چنین عنوان می‌نماید که اتمسفر نمی‌تواند یک حالت مستقل داشته باشد، نمی‌تواند متوقف شود، منجمد شود. اتمسفرها عواملی فعال و تولیدکننده هستند. وقتی شما اتمسفری را در یک فضا معرفی می‌کنید، به یک ماشین واقعی تبدیل می‌شود. اگر در مورد اتمسفر حاصل از یک فضای عمومی صحبت می‌کنید، شما می‌توانید آن را در چارچوب برآیندی از روش‌ها و مسیرهای متعدد مرتبط باهم اعم از مصالح، قصدیتها و مفاهیم و ساختمان‌ها توصیف کنید که طنین آن‌ها متعلق و شناور هستند و هرگز ثابت نمی‌مانند و دائماً در حال حرکت و تغییر هستند. آنچه از ایده اتمسفرها برجسته و نمایان است، نشانگر جدایی زیبایی‌شناختی از اخلاقیات است، اما وقتی که در مورد اتمسفر صحبت می‌کنیم به ویژه در یک فضای عمومی، نمی‌توانیم قصدیت و نیت مندی آن را نادیده بگیریم (بورچ، پالاسما و بومه، ۱۳۹۶).

روشی پژوهش

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر خوانش عوامل مؤثر بر ایجاد اتمسفر معنوی مساجد مبتنی بر تجربه زیسته مخاطبین است، گزینش روش پژوهش داده بنیاد در مرحله اول ضروری به نظر می‌رسید؛ زیرا در این روش، بدون داشتن فرضیه‌های از قبل پیش‌بینی شده، پژوهشگر وارد میدان مطالعه شده و با حضور در میدان پژوهش و همچنین مطالعه منابع مرتبط، به حساسیت نظری رسیده و در این مرحله امکان طرح پرسشنامه جهت انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با مشارکت کنندگان فراهم می‌گردد (Glaser & Strauss, 2006). نظریه داده بنیاد به دنبال آن است که با فراتر رفتن از توصیف و تفسیر پدیده‌ها، به ایجاد یا کشف نظریه‌ای دست یابد که بتواند در سطح مفهومی جامعی، توضیحی پیرامون موضوعات واقعی مبتنی بر یک فرآیند فراهم آورد (نوروزبرازجانی، ۱۳۹۸: ۲۰۵). مشارکت کنندگان پژوهش حاضر، از طریق نمونه‌گیری نظری هدفمند به اینصورت انتخاب گردیدند که افرادی باشند که تجربه حضور در هر شش نمونه موردی پژوهش حاضر را داشته باشند تا امکان مقایسه برای آنان فراهم باشد تا پژوهشگر بتواند تمامی ابعاد و ویژگی‌های موردنظر را مورد بررسی قرار دهد. از این‌رو که تعداد حجم نمونه‌گیری نظری هدفمند،

14. Eliasson
15. Borch

جدول ۳: اطلاعات کلی و منطق انتخاب نمونه‌های موردی

نمونه موردی	تصویر	مکان/سال ساخت	طراح	منطق انتخاب
مسجد الجواد تهران		هفت تیر/۱۳۴۱	مهندس ابراهیمی	اولین مسجد مدرن تهران، مسجدی فاقد تزیینات با ساختار شکنی در کالبد و عناصر ساختاری
مسجد دانشگاه تهران		دانشگاه تهران/۱۳۴۵	عبدالعزیز فرمانفرمایان	نخستین مسجد دانشگاهی با طراحی مدرن در شهر تهران که بیشتر مخاطبان آن قشر دانشگاهی هستند
مسجد الغدیر		خیابان میرداماد/۱۳۵۵	جهانگیر مظلوم یزدی	از اولین مساجدی است که با توجه به اسلوب‌های مورد توجه در معماری اسلامی و تکنولوژی مدرن در نواحی شمالی شهر تهران ساخته شده است.
مسجد جامع شهرک غرب		شهرک غرب/۱۳۸۵	مهندسان مشاور معماری فضا/ مهندس طوسی	هم‌جواری کاربری مسجد با موقوفه تجاری
مسجد ولیعصر		چهارراه ولیعصر/۱۳۸۹	مهندسان مشاور حرکت سیال/رضا دانشمیر	معماری خاص و تغییرات وسیع ساختاری در ظاهر مسجد
مسجد امام رضا		تقاطع خیابان انقلاب و شهید نامجو/۱۳۹۰	استودیو معماری کلوت/سعیدرضا بربری	تلفیق مسجد و مجموعه فرهنگی با معماری پست مدرنی

استفاده گردید تا با معرفی مؤلفه‌های مورد نظر مخاطبین به عنوان معیار و شش مسجد مورد نظر به عنوان گزینه‌ها، بتوان سنجشی از ترتیب بیشترین اتمسفر معنوی در بین نمونه‌های مورد مطالعه ارائه داد. جهت انجام این مرحله، از پرسش‌نامه خبرگان استفاده گردید، بدین صورت که معیارها جهت وزن دهی، در اختیار ۱۵ نفر از اساتید معماری قرار گرفت و با جمع نظرات آنان، رتبه‌بندی ارزش وزنی معیارها به دست آمد و در نهایت معیارها مورد مقایسه زوجی^۱ در بین شش مسجد مورد نظر قرار گرفتند.

نمونه‌های مورد مطالعه

در این پژوهش، شش مسجد در شهر تهران که در بازه زمانی انتخابی، قدیمی‌ترین آن‌ها مسجد الجواد (۱۳۴۱) و جدیدترین آن‌ها مسجد امام رضا (۱۳۹۰) هستند، انتخاب شده‌اند. در جدول ۳ اطلاعات کلی و دلیل انتخاب آن‌ها ارائه گردیده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابتدا در مرحله کدگذاری باز ۹۸۰ کد شناسایی شدند.

از قبل مشخص نبود، مصاحبه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع نظری، ادامه یافت. در مصاحبه چهاردهم، به نظر رسید که ابعاد و ویژگی‌های جدیدی توسط مشارکت کنندگان ارائه نمی‌گردد. باین حال برای حصول اطمینان بیشتر، سه مصاحبه دیگر هم انجام گرفت و در نهایت هفده مصاحبه انجام شده، مرحله‌ای بود که توقف انجام مصاحبه‌ها صورت گرفت. لازم به ذکر است که در این روش مرحله تحلیل، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه صورت می‌گیرد (Bryant, 2017: 251). بدین صورت که پس از انجام هر مصاحبه، متن آن در نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی (MaxQDA) پیاده گردید و سطر به سطر مورد بازخوانی قرار گرفت و کدهایی از میان متن مصاحبه‌ها استخراج گردید. در مصاحبه‌های بعدی، سؤالات متناسب با داده‌های حاصل شده، در برخی موارد تغییر کرده تا ابعاد جدیدی از موضوع امکان بروز پیدا کنند. در نهایت با پایان یافتن مرحله جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل و کدگذاری، مؤلفه‌های مؤثر بر ایجاد اتمسفر معنوی مساجد مبتنی بر تجربه زیسته مخاطبین استخراج گردید. در مرحله بعد، جهت سنجش مؤلفه‌های به‌دست آمده بر روی نمونه‌های مورد مطالعه که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است، از نرم‌افزار Expert Choice

1. AHP (analytical Heierarchy Process)



تصویر ۳، موقعیت قرارگیری مسجد الجواد در همجواریها، ماخذ: Google map



تصویر ۲، موقعیت قرارگیری مسجد دانشگاه تهران در همجواریها، ماخذ: Google map



تصویر ۱، موقعیت قرارگیری مسجد الفحیدر در همجواریها، ماخذ: Google map



تصویر ۶، موقعیت قرارگیری مسجد امام رضا در همجواریها، ماخذ: Google map



تصویر ۵، موقعیت قرارگیری مسجد ولیعصر در همجواریها، ماخذ: Google map



تصویر ۴، موقعیت قرارگیری مسجد شهرک غرب در همجواریها، ماخذ: Google map

معنای آن ایجاد می‌شود (Van Manen, 1977:177). اطلاعات محیط پیرامون از طریق حواس دریافت می‌شوند (Danielsson, 2011:96) همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند حواس انسان و نقش آن در ادراک محیط پیرامونش امری غیرقابل انکار است. در تأیید این یافته‌ها، پژوهش ماونت و کاوت (۱۹۵۵) نیز اشاره می‌کند که «انسان‌ها در دنیای چند حسی زندگی می‌کنند که با دیدن بوها، صداها، مزه‌ها و پدیده‌های چشم‌پدیده‌اند و روشی که این محرک‌ها تجربه می‌شوند به فهم ما از محیط پیرامون کمک می‌کنند» (Mount & Cavet, 1955:52). تأکید مخاطبین بر پارامترهای قابل ادراک حسی، بیانگر این مطلب است که افراد، تجربه زیسته خود را در گرو ادراکات حسی خود بسیار پررنگ‌تر از سایر عوامل می‌دانند؛ اما در وزن دهی به آن‌ها در بسیاری مواقع دچار تردید شده و یا برای خود افراد دارای ابهام است که کدام یک از مؤلفه‌ها دارای وزن بیشتری نسبت به مؤلفه‌های دیگر است. به همین علت برای وزن دهی از نظر متخصصین استفاده گردید تا با اختصاص دادن نمراتی بین ۱ تا ۹، ارزش وزنی معیارها مشخص گردد.

با توجه به خروجی نرم‌افزار اکسپرت چویس، ماتریس مقایسات زوجی معیارهای اصلی به شرح جدول زیر است. (نرخ ناسازگاری

این ۹۸۰ کد شناسایی شده به ۱۸۳ کد باز تقلیل پیدا کردند و کدهای هم مفهوم و تکرار شونده در هم ادغام شدند. سپس مفاهیم شناسایی شده به ۲۱ خوشه مفهومی و در نهایت ۱۳ کد محوری تقلیل یافت. جهت خلاصه کردن متن پژوهش حاضر، برخی کدهای حاصل شده در جدول ۴ ارائه شده است؛ اما آنچه مستقیماً پاسخی برای پرسش پژوهش حاضر بود، کدهای بازی بودند که در ارتباط مستقیم با ادراک حسی مخاطبین قرار گرفتند. این کدها در دسته مقوله فرعی درگیری حواس با اجزاء معماری و در نهایت در کد انتخابی شرایط زمینه‌ای قرار گرفتند.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که مفهوم تجربه از جایگاهی اساسی در بحث مورد نظر برخوردار است. بر طبق گفته‌های ون منن (۱۹۷۷) «تجربه زیسته» از طریق «فضای زیسته» روی می‌دهد و فضای زیسته یا مکان زیسته موقعیتی است که تجربه‌های زیسته انسان در آن شکل می‌گیرد و این مفهوم، متفاوت با معنای جغرافیایی مکان است، زیرا آنچه این وجه را می‌سازد، اولاً تأثیر متقابلی است که یک مکان مشخص بر احساس انسان از بودن در آنجا می‌گذارد و ثانیاً احساس انسان از بودن در آنجاست که به آن مکان معنا می‌بخشد، بدین‌سان که تجربه خاص ماهیت فضای زیسته، از طریق کیفیت

جدول ۴: کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها و مقوله‌بندی آنها

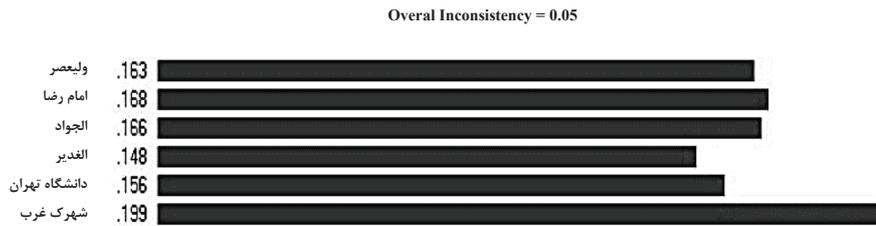
کد انتخابی	کد محوری	مقولات فرعی (سطح اول)	کدهای باز (زیرمقولات)
شرایط علی	سطح مادی وجود انسان	حضور در فضا	نیاز انسان به قرارگاه کالبدی، بسترسازی حضور، عملکرد اصلی فضای عمومی، از دست دادن بعد اجتماعی فضا به دلیل عدم حضور
		نیاز به تعاملات اجتماعی	نیاز به تجربه برخورد با دیگران در فضا، اجتماع پذیری فضا عامل موفقیت فضا، نیاز به بازتولید فضاهای اجتماعی، بی‌توجهی به حفظ و ارتقای فضای جمعی
		جنبه اجتماعی دین	تحریف جنبه اجتماعی دین، تنوع دستورات اجتماعی دین، سعادت و کمال انسان در زندگی اجتماعی
	سطح معنوی وجود انسان	اعتقاد به روز بازپسین	معاد از ضروریات اسلام، معاد از مهم‌ترین اصول دین
		نیاز به عبادت و پرستش خالق	ایجاد تعادل در وجود انسان، سیر انسان از خلق به خالق، عبادت رکن تغییرناپذیر تمام ادیان
		تشویق به خودسازی در اسلام	خودسازی موجب رستگاری راستین، تکامل انسان در گرو پرستش
شرایط زمینه‌ای ^(۱)	تجربیات احساسی مخاطب در مواجهه با مسجد		حس منقلب شدن، حس آرامش، حس سرزندگی، حس صمیمیت و اجتماع‌پذیری، حس مکاشفه داخل فضا
	درگیری حواس با اجزا معماری		جزئیات و تزیینات، دسترسی و موقعیت، مصالح، دمای محیط، نور و سایه، صدای آب، سکوت فضا، رنگ‌ها، بوها
	نمادها و نشانه‌ها		هندسه شیستان‌ها نماد کعبه، وحدت در کثرت گنبد خانه، هدایت نگاه مخاطب به آسمان، منار نماد کثرت و جامعه‌سازی
	رابطه تعاملی انسان و محیط		تأثیر حضور و رفتار مخاطب بر اتمسفر، تأثیر اتمسفر بر رفتار مخاطب
شرایط مداخله‌گر	تأثیرات سرزمین	حیطه مکانی و زمانی	شرایط اقلیمی و موقعیتی، تأثیر اتفاقات تاریخی و خاطره بر اتمسفر مسجد
		حیطه فرهنگی و اعتقادی	باورها و اعتقادات
	جریان‌های فکری حاکم	جریان فکری سنت‌گرا	پایبندی به الگوهای گذشته، مسجد آینه‌ای از کل اجتماع
جریان فکری آوانگارد		آشنایی‌زدایی فرمی و تقدس‌زدایی، مخالفت با جریان فکری سنت‌گرا، عدم وجود سبک و راهبرد مشخص در طراحی	
راهبردها	حوزه مخاطبین: نیازسنجی مخاطبین	بیرون از مسجد	توجه به شرایط زمانی و مکانی، تأثیر هم‌جواری‌ها و محل قرارگیری مسجد، شاخص بودن بنای مسجد
		داخل مسجد	سادگی و خالی بودن از عناصر اضافی، سلسله‌مراتب، نور به‌عنوان نشانی از امر قدسی، خلوت انسان با خدا، امکانات رفاهی
	حوزه مدیریتی: ملاحظات نهادهای دولتی	حوزه اعتقادی	لزوم روشن شدن نسبت انسان با خدا
		حوزه اجتماعی	امکان مشارکت مخاطب در تغییر دادن فضاها، افزایش تعاملات انسانی، حضور کارشناسان در دستگاه‌ها و نهادهای متولی،
	حوزه طراحی: ملاحظات طراحی		شناخت ریشه‌ها و اهمیت ساماندهی آن‌ها، بهره‌مند شدن از قرآن و نصوص دینی، دانش و تسلط کافی، توجه به طبع انسان‌ها، نمادها و نشانه‌ها، بازآفرینی تجربه، درگیری کمتر حواس، کمک گرفتن از مردم در طراحی، ایمان و اعتقادات طراح، پرهیز از اعمال سلیقه شخصی
پیامدها	ادراک اتمسفر مطلوب		ایجاد دیالوگ بین متن و مخاطب، افزایش حضور پذیری فضا، لذت عمیق ادراکی و هویت‌مندی مخاطب در فضا
	اختلال در ادراک اتمسفر		فزایش کمی مساجد و عدم هماهنگی آن با مخاطبان، فقدان حس معنوی در مساجد، تعمیق شکاف اجتماعی بین گروه‌های مختلف مردمی، حساس تناقض با مفاهیم دینی، کاهش موقعیت محوری مساجد در محله‌ها، حس بی‌هویتی مخاطب در فضا، حس بیگانگی مخاطب با محیط

	تناسبات	تزئینات	رنگ	مصالح	فرم	نور	دسترسی	موقعیت	صدا
تناسبات		3.0	2.0	2.0	3.0	2.0	2.0	2.0	3.0
تزئینات			3.0	2.0	2.0	1.0	2.0	2.0	2.0
رنگ				3.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0
مصالح					2.0	2.0	2.0	2.0	2.0
فرم						2.0	2.0	3.0	2.0
نور							2.0	1.0	2.0
دسترسی								1.0	2.0
موقعیت									2.0
صدا									
Incon: 0.08									

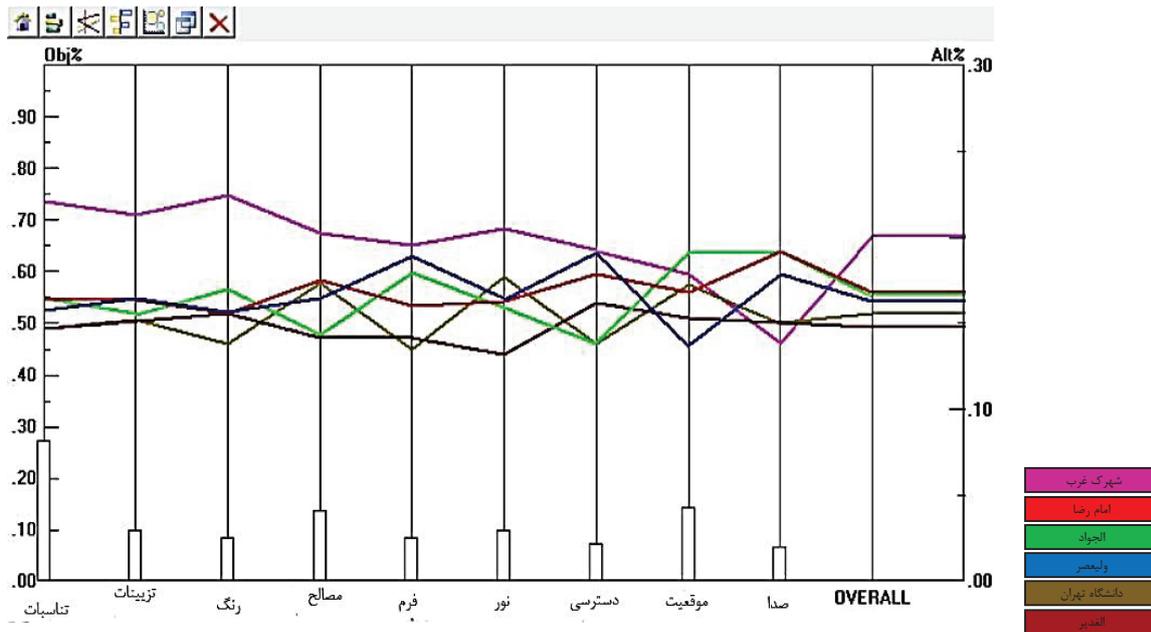
نمودار ۱. خروجی عددی نتایج وزن دهی معیارها.



نمودار ۲. خروجی نموداری نتایج وزن دهی معیارها.



نمودار ۳. نمودار مقایسه نهایی اتمسفر شش مسجد مورد مطالعه



نمودار ۴. رتبه شهرک غرب موجود در شش مسجد معاصر تهران با توجه به وزن معیارهای حاصل از تجربه زیسته مخاطبین

۰/۰۸). اعداد مشکی رنگ جدول فوق نشان دهنده اولویت سطر نسبت به شاخص ستون مربوطه است. اعداد قرمز وضعیت معکوس را نمایش می دهد به نحوی که اولویت با ستون مربوطه است. در نهایت شاخص های اصلی به لحاظ وزنی، در نمودار نمایش داده شده اند. نتایج آن در نمودار شماره ۱ به صورت عددی و در نمودار شماره ۲ به صورت میله ای، نشان می دهد که مؤلفه تناسب، دارای وزن بیشتری نسبت به سایر مؤلفه ها است.

با توجه به وزن دهی شاخص ها در برآیند نتیجه مقایسه زوجی گزینه ها با یکدیگر، مسجد جامع شهرک غرب با عدد ۰/۱۹ اتمسفر معنوی مناسب تری را در ادراک مخاطب از فضای مساجد مورد مطالعه با نرخ ناسازگاری ۰/۰۵ داشته و به ترتیب مساجد امام رضا، الجواد، ولیعصر، دانشگاه تهران و الغدیر در رتبه های بعدی قرار گرفتند که در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است. مقایسه حاصل از گراف حساسیت در نرم افزار، در نمودار ۴، جایگاه نمونه های مورد مطالعه را نسبت به مؤلفه های مورد توجه مخاطبین در تجربه زیسته آنان، نمایش می دهد.

نتیجه گیری

در خاتمه می توان چنین نتیجه گرفت که بحث پیرامون موضوع اتمسفر، از جنبه های گوناگون قابل بررسی است. آنچه منابع به آن اشاره بسیار داشته اند بحث پیرامون مباحث زیبایی شناسی در اتمسفر فضا است که بسیار حائز اهمیت است؛ اما آنچه مخاطبین به عنوان کاربران اصلی فضاهای معماری درک می نمایند چیزی فراتر در تجارب حسی و تنانه نمی باشد.

داده های حاصل از مصاحبه ها نشان می دهد که دو مؤلفه روحیات فردی و تعاملات انسانی نیز به عنوان مؤلفه های اصلی در ایجاد تجربه زیسته مخاطبین در کنار تجربه ادراک احساسی و تجربه زیبایی شناسی مؤثر واقع می شوند؛ اما هنگام پرسش از افراد بیشترین دریافت آنان مربوط به داده هایی بوده که از طریق حواس قابل درک است. شاهد این ادعا بسامد کدهای به دست آمده حاصل از مصاحبه های نیمه ساختاریافته پژوهش حاضر است. همچنین نتایج وزن دهی به معیارها نیز نشان داد که بحث تناسب در ایجاد اتمسفر معنوی مساجد می تواند به عنوان مهم ترین مؤلفه مورد توجه قرار گیرد. می توان چنین عنوان نمود که برداشت افراد از فضاهایی که آن ها را از لحاظ معنوی تحت تأثیر قرار می دهد، در مرحله اول در گرو داشتن تناسب صحیح است. قرارگیری مؤلفه موقعیت در رتبه دوم از لحاظ وزنی نیز نشان می دهد که نقش تعاملات انسانی و روحیات فردی نیز می تواند در برداشت ذهنی مخاطبین بسیار مؤثر باشند.

قرارگیری مؤلفه های مصالح، نور، تزئینات، رنگ، فرم، دسترسی و صدا در رتبه های بعدی نشان می دهد که عوامل کالبد معماری همگی دارای اهمیت بوده اما آنچه در مرحله اول و به عنوان اصلی ترین معیار، باید مورد توجه طراحان مساجد قرار گیرد رعایت صحیح تناسب مربوط به فضای مساجد است. دلیل این امر را شاید

بتوان در کهن الگوهای موجود در ذهن مخاطبین یافت که عموماً فضاهای عبادی را فضاهایی با عظمت و دارای تناسب غالب بر مقیاس های انسانی طلب می نمایند. مقایسه مساجد دیگر به عنوان نمونه هایی از مساجد معاصر، می تواند پیشنهادی برای پژوهش های آتی باشد تا شاید بتوان در ادامه مسیر آغاز شده، به راهکارهایی مدون جهت طراحی مناسب الگوی مساجدی با اتمسفر معنوی مناسب برای مخاطبین دست یافت.

پی نوشت

از این روی که پژوهش حاضر بخشی از پژوهشی بزرگتر بوده است که به دنبال شناخت تمامی عوامل مؤثر بر ایجاد اتمسفر فضایی مساجد معاصر تهران بوده است، تا در نهایت با ارائه پارادایمی بتواند پدیده مرکزی را در خوانش عوامل مؤثر تبیین نماید، در این مقاله جهت جلوگیری از طولانی شدن بحث، از ارائه توضیحات تکمیلی در ارتباط با سایر کدهای محوری صرف نظر شده است و صرفاً، شرایط زمینه ای که مورد نظر پژوهش حاضر بوده است مورد سنجش قرار گرفته است.

منابع

۱. ایمان طلب، حامد و سمیه گرامی (۱۳۹۱) «نسبت معنا و شکل، تطبیق اندیشه معماری مسجد و فرم شناسی نماز»، مطالعات هنر اسلامی شماره ۱۶، صفحه ۸۸-۷۷.
۲. بهزادفر، مصطفی (۱۳۷۶) «معماری مسجد و نمای شهر، در مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده»، جلد ۲، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان
۳. پالاسما، یوهانی (۱۳۹۳) چشمان پوست، معماری و ادراکات حسی، ترجمه رامین قدس، تهران، پرهام نقش.
۴. پرزگومز، آلبرتو (۱۳۳۸) تأملات بهنگام، ترجمه رضا عسگری، نگین جواهریان و باوند بهپور، تهران، معمار نشر.
۵. تربیت جو، علی و غلامرضا اسلامی (۱۳۹۷) «مکالمه انسان و مکان مقدس، جستاری بر نقش مخاطب در فهم قداست مکان»، هویت شهر، شماره ۳۵، صفحه ۷۴-۶۵.
۶. رحمتی، محمدحسین (۱۳۷۶) نقش عناصر تجسمی در خلق فضای معنوی بارگاه حضرت معصومه (پایان نامه منتشر نشده) دانشگاه تربیت مدرس.
۷. زهدی گهر پور، محمد و یاشار ذکی و روزبه زرین کوب و بهادر زارعی (۱۳۹۷) «تعامل مفهوم هویت با مفاهیم فضایی» فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، ۴۱-۲۹، (۱)۹.
۸. شیرازی، محمدرضا (۱۳۸۹) «پدیدارشناسی در عمل، آموختن از تحلیل پدیدار شناختی پالاسما از ویلا مایرا»، آرمانشهر، شماره ۴، صفحه ۱۳۲-۱۲۵.
۹. صارمی، حمیدرضا و سحر خدابخشی و متین خلاق دوستی (۱۳۹۵) «مقایسه تطبیقی جهت گیری شبستان مساجد سنتی و معاصر»، شهر ایرانی اسلامی، شماره ۲۴، صفحه ۶۵-۸۴.

۱۰. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۸) روش تحقیق در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه «گراند تئوری GTM»، تهران، نشر آگاه.
۱۱. محمدمنان، رئیسی و عبدالحمید نقره کار (۱۳۹۳) «ارزیابی هندسی فضایی مساجد معاصر تهران با استفاده از تحلیل مضمونی متون دینی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۴، صفحه ۳۰-۴۶.
۱۲. مهدوی نژاد، محمدرضا و محمد مشایخی و منیره بهرامی (۱۳۹۳) «الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر»، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۵، صفحه ۱۹-۲۰.
۱۳. مهدی نژاد، جمال‌الدین و حمیدرضا عظمتی و علی صادقی (۱۳۹۸) «تبیین راهبردی مؤلفه‌های حس معنوی در معماری مساجد ایران»، مطالعات ملی شماره ۲، صفحه ۹۴-۷۸.
۱۴. نژاد ابراهیمی، احد و سام مرادزاده (۱۳۹۷) «مطالعه‌ای در معماری مساجد ایران برای الگو یابی معماری مساجد بوشهر در دوره قاجار»، هنرهای زیبا، شماره ۲۳، صفحه ۸۷-۹۸.
۱۵. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۳) «ارزیابی و نقد طرح و ساختمان جدید مسجد ولیعصر در مجاورت تئاتر شهر»، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۲، صفحه ۳۹-۲۳.
۱۶. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۷) پنج رساله در حکمت هنر، معماری و شهرسازی اسلامی، قزوین، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۷. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) معماری و شهرسازی اسلامی، تهران، راهیان.
۱۸. نگین تاجی، صمد و مجتبی انصاری و حسنعلی پورمند (۱۳۹۶) «تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری بارویکرد پدیدارشناسی»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۴، صفحه ۸۰-۷۱.
۱۹. نوروزبازجانی، ویدا (۱۳۹۸) روش شناسی پژوهش کیفی، تهران، یادآوران.
۲۰. نونزاد، نرگس و الهام ناظمی و حمید صابری (۱۳۹۸) «ارزیابی ادراک معنای مکان در عصراطلاعات (مطالعه موردی فضای شهری سنتی و مدرن شهر اصفهان)»، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، ۸۱۲-۸۰۱، (۲-۱) ۱۰.
۲۱. نیک فطرت کردمحل، مرتضی و حسین ذبیحی و آزاده شاهچراغی (۱۳۹۸) «روایت مکان در آثار معماران معاصر از منظر ادبیات تطبیقی فلسفه و معماری بارویکرد پدیدارشناسی (نمونه موردی، موزه هنرهای معاصر تهران)»، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، ۸۳۴-۸۱۳، (۲-۱) ۱۰.
۲۲. هاسپر، جان و راجر اسکرانت (۱۳۸۵) فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی، ترجمه یعقوب آزند، تهران، دانشگاه تهران.
۲۳. هرشبرگر، رابرت جی (۱۳۷۸) «مطالعه‌ای درباره معنا و معماری»، ترجمه زینب چاووش زاده، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۱، صفحه ۱۰۲-۹۹.
۲۴. هیلن برانند، روبرت (۱۳۸۰) معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت‌الله زاده شیرازی، انتشارات روزنه، تهران.
25. Bryant, A (2017) Grounded Theory & Grounded Theorizing. Pragmatism in Research Practice. New York, Oxford University Press.
26. Corbin, Juliet & Strauss, Anselm (2015) Basic of Qualitative Research (4th Ed) Los Angeles, Sage.
27. Danielsson, C.B (2011) Experiencing Architecture— Exploring the Soul of the Eye. In Proceedings of the ARCC 2011 Spring Research Conference. Considering Research, Reflecting Upon Current Themes in Architecture Research, 95-102.
28. Glaser, Barney & Strauss, Anselm (1967) Reprinted (2006) The Discovery of Grounded Theory, Strategies for Qualitative Research. Chicago, IL, Aldine.
29. Mount, H. & Cavet, J (1955) Multi- sensory environments, an exploration of their potential for young people with profound and multiple learning difficulties. British Journal of Special Education, 22(2), 52-55.
30. Van Manen, M (1977) Linking ways of knowing with ways

نقش ابعاد گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد

علی شمعی^{*}، نرگس احمدی فرد^{**}، سیما دائمی^{***}

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴)

چکیده

بازآفرینی شهری رویکردی برای به روزرسانی بافت قدیم شهر، ضمن حفظ هویت و اصالت محله‌ای، پاسخگوی نیازهای روزمره و توسعه پایدار شهری است. یکی از راهبردهای دستیابی به این شرایط، تحقق ابعاد گردشگری در محلات شهری است. ابعاد گردشگری پایدار از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی با متغیرها و شاخص‌های بازآفرینی همخوانی دارد. بدین منظور، پژوهش حاضر به کمک چهار متغیر اصلی گردشگری به بررسی نقش ابعاد گردشگری شهری در بازآفرینی بافت تاریخی شهر یزد پرداخته است. هدف تحقیق حاضر شناخت روابط متقابل میان گردشگری شهری و بازآفرینی بافت قدیم شهر یزد است. نوع پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ساکن در بافت قدیم شهر یزد با حجم نمونه ۳۷۵ نفر با استفاده از فرمول کوکران و ۳۰ نفر از متخصصان و کارشناسان شهری است. نتایج پژوهش نشان داد که توسعه گردشگری بیشترین نقش را در شاخص‌های بعد کالبدی و اقتصادی دارد. همچنین گردشگری شهری در ایجاد امکانات فرهنگی، مراکز تفریحی، ورزشی، افزایش روابط اجتماعی، مبادلات فرهنگی، تقویت هویت فرهنگی شهر، توسعه فعالیت‌های خدماتی، جلوگیری از رکود اقتصادی نقش داشته است. نتایج به دست آمده از تحلیل SOAR نشان داد که مهم‌ترین نقش گردشگری، توسعه ابعاد اجتماعی و مشارکت مردمی بافت قدیم شهر در برنامه‌ها و طرح‌های گردشگری و بازآفرینی شهری و ایجاد مکان‌های مناسب دید و بازدید برای جذب و ماندگاری بیشتر گردشگران است.

واژگان کلیدی: گردشگری، بازآفرینی پایدار شهری، بافت قدیم، شهر یزد.

مقدمه

توسعه پایدار به عنوان جریانی مداوم در فرایند تغییر و تحول اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی برای ارتقاء رفاه مستمر فضای اجتماعی و پویایی چندبعدی است؛ توسعه گردشگری زمانی پایدار و منجر به توسعه پایدار شهری می شود که مخرب نبوده و از منابع طبیعی و فرهنگ و آثار تمدنی بومی، منابع ژنتیکی، گیاهی و جانوری حفاظت و صیانت کند (فنی و علیزاده، ۱۳۹۳: ۴۱). توسعه پایدار شهری طی دهه های اخیر به تدریج به پارادایم نوین و مسلطی در ادبیات نظری و عملی رایج در باب توسعه و برنامه ریزی شهری تبدیل شده است. این پارادایم در پی دستیابی به شیوه های بهینه ی رفع چالش ها، بحران های زیست محیطی، معضلات توسعه شهری به منظور ارتقاء کیفیت زندگی و ایجاد موازنه بین رشد و توسعه و حفاظت از محیط زیست مطرح شده است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ مفهوم پایداری به نحو گسترده ای با واژه شهری در ابعاد مختلف همراه شده و مقوله هایی چون شهر پایدار و توسعه شهری پایدار در ادبیات جهانی مطرح شده اند (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳). امروزه در بسیاری از کشورها با بهره گیری از توانایی ها، جاذبه ها و امکانات فرهنگی به توسعه پایدار شهرها پرداخته می شود. تقویت جاذبه های گردشگری، احیای موزه ها، افزایش هتل ها، مراکز گردشگری و تفریحی و غیره از جمله مواردی هستند که به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرها در کشورهای پیشرفته یاری رسانده اند (بابایی فرد و حیدریان، ۱۳۹۵: ۳)؛ در این میان بازآفرینی شهری به عنوان یکی از رویکردهای توسعه پایدار شهری در صد افزایش عملکرد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی شهرها بوده و از جنبه های مختلف می تواند به اهداف شهر پایدار کمک نماید. در واقع در بازآفرینی شهری، فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های اصلی فضا (کالبدی و فعالیت) شاهد افزایش کارایی خواهد شد. در نتیجه با افزایش کارایی و کیفیت فضا، جاذبه های فضایی نیز افزایش پیدا خواهد نمود. به عبارتی دیگر در بازآفرینی شهری به خصوص در بافت های قدیمی، سازمان فضایی جدیدی منطبق با شرایط تازه با ویژگی های نو خلق می شود (زنگی آبادی و مؤیدفر، ۱۳۹۱: ۲۹۸). در این شرایط ارزش های فرهنگی و ثروت های بومی و تاریخی حفظ می شود و کیفیت محیط برای شهروندان و سایر افراد غیربومی نیز افزایش پیدا می کند. بدین صورت در چنین شرایطی، محدوده بافت تاریخی شهر، فضاهای مستعدی را جهت استفاده برای مقاصد گوناگون از جمله اوقات فراغت ایجاد نموده و به فضایی مناسب برای ساکنان تبدیل شده است و می تواند فرصت های زیادی را جهت رشد و توسعه اقتصاد شهر فراهم نماید. بازآفرینی جهت دستیابی به اهداف خود در شهرها و بخصوص در بافت های قدیم و تاریخی نیاز به توسعه راهبردهای کلیدی همچون توسعه گردشگری خواهد داشت. امروزه گردشگری یکی از پویاترین فعالیت ها در ایجاد تحول اقتصادی-اجتماعی در گستره ی جهان بوده که به طور روزافزون اهمیت یافته است. شهرها به عنوان جذاب ترین فضاها برای گردشگران دارای مراکز مهم اقتصادی، علمی، تفریحی، پزشکی

و غیره می باشند که افزون بر این، از جاذبه های متنوع مصنوعی و میراث فرهنگی نیز بهره مند هستند، بنابراین به عنوان مقصد اصلی گردشگران مورد توجه قرار می گیرند؛ به عبارت دیگر به دلیل اثرات چشمگیری که فعالیت های گردشگری در اقتصاد شهرهای میزبان بر جای می گذارد، توجه فراوانی به این زمینه از فعالیت ها معطوف می گردد. همچنین گردشگری از جمله فعالیت های مهم با پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی در شهرها است (الهی منش و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳). باید پذیرفت که گردشگری و شهر دو عنصر مرتبط با یکدیگر هستند. گردشگری به عنوان یک فعالیت انسانی از شهرها آغاز می شود. رابطه شهر و گردشگری اگر به خوبی مدیریت شوند، انقلابی در پایداری یک شهر در جهت توسعه و رشد آن ایجاد خواهد شد. مهم ترین فضاهایی که مورد بازدید و اقامت گردشگران قرار می گیرند، فضاهای شهری بخصوص بافت های قدیمی و تاریخی هستند که از دیرباز جذاب ترین فضاها را تشکیل داده اند، چراکه همیشه پیشرفته ترین و کامل ترین قرارگاه های انسانی را تشکیل می دهند. بدین صورت خواهد بود که گردشگری در اثرگذاری و اثرپذیری متقابل با شهر و در یک سیستم انسان-محیط می تواند فرصت های ایجاد اشتغال و ارزش افزوده زمین و املاک را در بافت های قدیمی ایجاد نماید و افزایش تنوع اقتصادی، رشد کارگاه های کوچک تولیدی در این بافت ها و عرضه تولیدات آن ها و امکان دسترسی ساکنان محلی به یک مجموعه وسیع از فعالیت های خدماتی را فراهم و باعث افزایش کیفیت زندگی اجتماعی و درآمد ساکنان و در نهایت منجر به بازآفرینی با رویکرد توسعه پایدار گردد (بابایی فرد و حیدریان، ۱۳۹۵: ۵).

در خصوص نقش گردشگری در بازآفرینی بافت های قدیمی شهر پژوهش های زیادی انجام شده است. هر کدام از این پژوهش ها از ابعاد مختلفی به بررسی عوامل مؤثر گردشگری بر بازآفرینی بافت قدیم شهری پرداخته اند. آزاده لک^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله «بازآفرینی شهری از طریق گردشگری میراث: سیاست های فرهنگی و مدیریت استراتژیک» به بررسی پتانسیل گردشگری میراث برای کمک به بازسازی یک شهر تاریخی رو به زوال با استفاده از سرمایه فرهنگی شهری پرداخته اند. آنها یک چارچوب مفهومی از روندهای فعلی در نوسازی شهری و دارایی های فرهنگی را برای درک راه های اصلی که در آن یک مقصد شهری رو به زوال می تواند از میراث فرهنگی خود برای بازسازی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی استفاده کند، مورد تأکید قرار دادند. یافته های آنان نشان داد که اجرای موفقیت آمیز بازآفرینی شهری از طریق گردشگری میراث زمانی رخ می دهد که یک شهر حداکثر استفاده از فرصت ها را در چهار حوزه سیاست گذاری فرهنگی، برگزاری رویدادهای فرهنگی، مدیریت مشارکتی و ارتقای فضاهای شهری عمومی از طریق فضای رقابتی/ عملیاتی، تنوع بخشی مورد توجه قرار دهد. نیکلاس وایز^۲ (۲۰۱۸) در مقاله «گردشگری و بازآفرینی اجتماعی» اشاره نمود که توسعه

1. Azadeh Lak
2. Nicholas Wise

اقدامات شهرسازانه و بازآفرینی در آن افزوده شده است (عزیزی و بهرا، ۱۳۹۶: ۶). لذا این تحقیق سعی دارد که با هدف شناخت ارتباط گردشگری با بازآفرینی، نظام فضایی حاکم در این زمینه را در بافت قدیم شهر یزد مورد بررسی قرار دهد. در این راستا اثرات مختلف گردشگری در بازآفرینی یکی از کهن‌ترین بافت‌های تاریخی کشور یعنی بافت تاریخی شهر یزد به طور مقایسه‌ای بین شهروندان و متخصصین مورد بررسی قرار گرفت تا در کنار تحلیلی جامع در این زمینه، به شناسایی شاخص‌های برتر توسعه گردشگری در بازآفرینی بافت قدیم شهر یزد نائل گردد.

مبانی نظری

برنامه‌های بازآفرینی به عنوان یک استراتژی جامع برای دستیابی به کیفیت بیشتر در برنامه‌ریزی و طراحی شهری در مناطق با سطح ناکارآمد اجتماعی و فضاهای نامطلوب شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند (La Rosa et al., 2017; 181). این رویکرد به دنبال پاسخگویی به مقولاتی چون رشد دوباره فعالیت‌های اقتصادی در نواحی‌ای که از دست رفته‌اند، احیای عملکردهای اجتماعی که از میان رفته یا شمول اجتماعی در جاهایی که محرومیت رخ داده و احیای کیفیت اجتماعی در جاهایی که محرومیت رخ داده و احیای کیفیت زیست‌محیطی یا تعادل زیست‌محیطی در جاهایی که از دست رفته، می‌باشد (Alpopi & Manole, 2013, 179). بازآفرینی شهری، تفکری برای توسعه درون‌زای شهر است که باید متضمن نوسازی و پایداری اجتماعی و محلی ساکنان شهر بوده و با مشارکت مردم صورت پذیرد؛ بنابراین اگر با رویکرد پایداری همراه باشد، می‌تواند منجر به پایداری اجتماعی، پایداری اقتصادی و بهبود کالبدی و افزایش کیفیت محیط زیست شهری شود. از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ که مفهوم پایداری به نحو گسترده‌ای با واژه‌ی شهری در ابعاد مختلف همراه شد و مقوله‌هایی چون شهر پایدار و توسعه شهری پایدار در ادبیات جهانی مطرح گردید، دگرگونی‌هایی نیز در ابعاد گوناگون رویکرد بازآفرینی در هم‌سویی با بحث‌های توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفتند (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲). رویکرد بازآفرینی پایدار شهری یکی از جدیدترین رویکردهای پذیرفته شده‌ی جهانی در مواجهه با بافت‌های قدیمی و فرسوده شهری است. این رویکرد در تلاش است از یک سو برای ایجاد فرایندی پایدار در توسعه شهری، به استفاده بهینه از امکانات بالقوه‌ی درون شهری برای تأمین نیازهای جدید رو آورد و از سوی دیگر احیای بافت قدیم و بازگرداندن حیات اجتماعی و رونق اقتصادی را مورد توجه و اولویت قرار می‌دهد. این رویکرد به دلیل ایفای نقش انعطاف‌پذیر و همسو با نیازهای مردم و بهره‌گیری گسترده از مشارکت مردمی با صرف کمترین بودجه از بیشترین قابلیت اجرا نیز برخوردار است. در بازآفرینی پایدار، اقدامات بازآفرینی به اهداف پایداری نزدیک است. لازمه بازآفرینی شهری پایدار، همکاری اجتماعات محله‌ای و رسیدن به توافق عمومی است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۷). در بازآفرینی شهری پایدار، گونه‌های جدید

گردشگری و تلاش‌های بازسازی و بازآفرینی مرتبط با تغییر فیزیکی فضاها مانند ارتقا امکانات و زیرساخت‌ها و گسترش سرمایه‌گذاری در مورد گردشگری و جاذبه‌های بازدیدکننده با مزیت رقابتی است. او علاوه بر توجه به نقش برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران دارای نگاهی انتقادی به مسائل و مشکلات و راه‌حل‌های پیرامون بازسازی اجتماعی ناشی از تغییرات، تحولات یا ابتکارات گردشگری می‌باشد. او وانیستا لازاریوچ^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله «طراحی بازآفرینی فرهنگ‌مبنا به عنوان ابزاری برای بازآفرینی مناطق محروم» بازآفرینی را از طریق توسعه گردشگری فرهنگی عاملی مؤثر برای حفاظت فرهنگ محلی، میراث و سنت‌ها می‌دانند. بازآفرینی از نظر آنها روشی است کیفی که منابع تاریخی و فرهنگی و محیطی را با ابعاد اقتصادی و اجتماعی ترکیب و باعث ایجاد تعادل بین آنها خواهد شد. از سویی بازآفرینی فرهنگ‌مبنا را به عنوان ابزاری برای ایجاد بخش‌های فرهنگی می‌دانند که به منظور شروع فرایند نوزایی شهری مورد توجه قرار می‌گیرند. ارتان و اگرسیوگلو^۲ (۲۰۱۶) در مقاله «باززنده‌سازی مرکز تاریخی شهر: نمونه موردی، مالگا و کمرلتی، از میر» اشاره می‌نمایند که برای دستیابی به پایداری در مرکز تاریخی یک شهر از طریق باززنده‌سازی، بایستی فضاهای عمومی عملکرد جدیدی به خود گیرند، کیفیت زندگی شهروندان بهبود یابد و هویت مکان تقویت گردد. در این راستا جلب مشارکت شهروندان با مدیران محلی حائز اهمیت می‌باشد. همچنین حفظ بناهای باارزش تاریخی نیز باید مورد تأکید قرار گیرد. چوی و سیرکایا^۳ (۲۰۰۶) در مقاله «شاخص‌های پایداری برای مدیریت گردشگری جامعه» به این نتیجه رسیدند که گردشگری محلی چون با تولید درآمد، عوارض، آرزوری و ایجاد شغل همراه است، مصادیق پایداری و بازآفرینی پایدار را با خود به همراه دارد. با عنایت بر پیشینه تحقیق می‌توان اظهار نمود که تحقیقات انجام شده هر کدام از جنبه خاصی بازآفرینی و گردشگری را مورد توجه قرار داده و تنها بر بخشی از مسئله تمرکز داشته‌اند. از این رو جای خالی تحقیقی که بتواند با ارائه یک تحلیل متکی به رویه‌های علمی که دید جامعی از ابعاد متفاوت گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم ارائه دهد، خالی است.

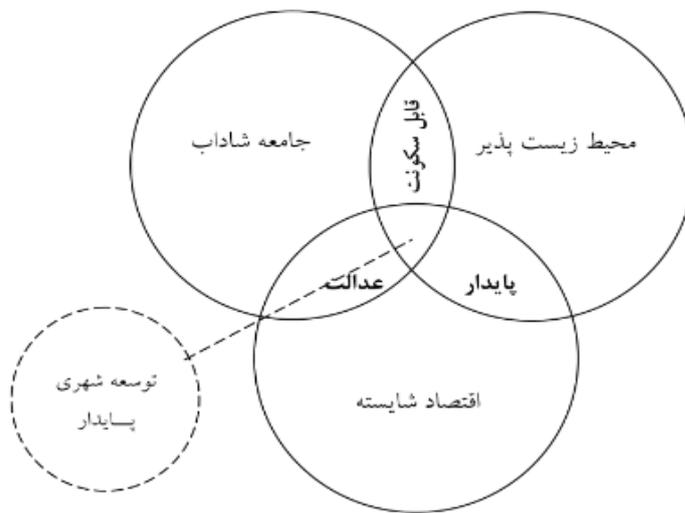
در این تحقیق شهر تاریخی یزد مورد بررسی قرار گرفت. بافت قدیمی شهر یزد به عنوان کهن‌ترین بافت‌های قدیمی کشور دارای ارزش‌های سرمایه‌ای بسیار می‌باشد، اما در سال‌های اخیر با رکود نسبی مواجه بوده است و این رکود موجب فرسودگی کالبدی و عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی آن شده است (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۱)؛ این در حالی است که پروژه‌های خصوصی و دولتی زیادی، شامل پروژه‌های مسکونی، آموزشی و تجاری در این بافت به اجرا درآمده‌اند. از سوی دیگر نیز با ثبت شدن بافت تاریخی شهر در فهرست میراث جهانی، بر اهمیت این بافت و در نتیجه

1. Eva Vanista Lazarevic
2. Ertan, Egercioglu
3. Choi, Sirakaya

نهادی شکل می‌گیرند که تلاش می‌کنند برنامه‌های بازآفرینی اجتماع مدار را به شکل یکپارچه و از پایین به بالا به صورتی که همه افراد ذینفع را شامل گردد، بسط و توسعه دهند (فرجی ملائی، ۱۳۸۹: ۱۵).

با توجه به مبانی بازآفرینی پایدار مشخص شد که این رویکرد از تمام زوایای زندگی شهری به مسائل شهری می‌نگرد. همسویی آن با گردشگری

در بافت قدیم، چالش‌های جدیدی را ایجاد خواهد کرد. بدین صورت که بررسی نقش گردشگری از منظر بازآفرینی پایدار بافت قدیم، می‌تواند ارتباط آن را با کل متغیرهای کیفیت زندگی همراه سازد. بنابراین، این مسئله هنوز از چالش‌های اساسی شهرهاست که گردشگری چگونه می‌تواند به احیاء و بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهرها کمک کند. به منظور نمایش نحوه ارتباط بین گردشگری و بازآفرینی پایدار شهری بر پایه یک مدل مفهومی، ابعاد و شاخص‌های بازآفرینی پایدار شهری ملاک عمل قرار می‌گیرند. این مدل از ترکیب سه بعد اصلی توسعه، یعنی جامعه (جامعه شاداب)، اقتصاد (اقتصاد شایسته) و اکولوژی (محیط زیست) تشکیل شده است. از آنجایی که هدف از ترکیب این سطوح با یکدیگر رسیدن به پایداری شهر و توسعه پایدار شهری است، در ابتدای امر لازم است تعادل و پایداری در هر یک از این سه بعد اصلی مشخص شود (WHO, 2001). حد مورد نیاز مقوله‌های پایداری، تعادل و کیفیت در هر یک از این ابعاد با توجه به هویت آن بعد به صورت ویژه‌ای جلوه یافته است؛ اولاً جامعه باید شاداب باشد یعنی مفهوم مدنیت را در خود درک کرده باشد، به عبارت دیگر مردم از زندگی در آن اجتماع راضی باشند و در حالی که مشارکت گسترده‌ای در اداره امور دارند، مفهوم حقوق شهروندی و برابری در روح آن اجتماع تجلی یافته باشد. محیط قابل زیست نیز نشان از تعادل و کیفیت اکوسیستم‌های محلی مانند هوا، آب، خاک و غیره داشته و نحوه ارتباط انسان و طبیعت را مشخص می‌سازد و بر پایداری منابع و ظرفیت محیط تأکید دارد. در نهایت اقتصاد (شایسته) نیز به معنی در جریان بودن حداقل درصدی از درآمدهای عام اقتصادی در جامعه است که قابلیت برخورد بنیادی و اساسی با نیازهای اولیه و روزمره ساکنان را داشته باشد. براساس مدل مفهومی، توسعه شهری پایدار تنها در صورتی دست‌یافتنی است که همپوشانی دو به‌دوی این سطوح به صورت سازمان‌یافته و متعادل صورت گیرد (shahabian, 2004: 36). بدین ترتیب گردشگری مانند هر پدیده



شکل ۱. مدل مفهومی ابعاد مختلف و شاخص‌های مؤثر در توسعه شهری پایدار
منبع: shahabian, 2004

دیگری در صورتی می‌تواند باعث بازآفرینی شهری شود که در راستای اهداف و زمینه‌های بازآفرینی توسعه پایدار شهری قرار گیرد.

نتایج مطالعات بیانگر این واقعیت است که گردشگری بر بنیه اقتصادی ساکنان بافت قدیم شهرها تأثیرات مثبت و منفی دارد. تأثیرات مثبت آن در بازآفرینی این بخش از شهر به این صورت است

که به دلیل ضعف بنیه مالی در اکثر موارد برای سرمایه‌گذاری در ساخت هتل‌ها، فروشگاه‌های بزرگ و سایر زیربناهای مورد نیاز گردشگری در این بافت‌ها، ساکنان غیربومی یا خارجی وارد صحنه شده و اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند و حتی اجناس مورد نیاز گردشگران را از سایر مناطق به آنجا وارد می‌نمایند (Tosum, 2001; 239). کینگ و همکارانش از بعد دیگر نیز به بررسی دیدگاه ساکنین پرداختند؛ آنها معتقدند کسانی که از فعالیت‌های گردشگری منافع شخصی کسب می‌کنند آن را خیلی مثبت ارزیابی می‌نمایند، اما کسانی که منافع شخصی عایدشان نمی‌شود نگرشی منفی به آن دارند (King, 1993; 445). گردشگری ممکن است شاغلین بخش‌های دیگر اقتصادی را به صورت پاره‌وقت به خود جذب کند؛ بنابراین گاه در برخی جوامع نقش کمی در کاهش بیکاری به صورت کلی خواهد داشت. سرمایه‌گذاری در گردشگری شهری موجب توسعه سایر بخش‌ها نیز می‌شود. به عنوان نمونه بهبود خدمات محلی مانند شبکه ارتباطی و برق با گردشگری در ارتباط است. افزایش صادرات پنهان و افزایش درآمد دولت از بابت مالیات و افزایش ارزش املاک برای مالکین اراضی و املاک واقع در مناطق محروم نیز از دیگر اثرات اقتصادی گردشگری بر شهرها است.

از طرفی گردشگری بر کالبد و بافت فیزیکی شهرها نیز تأثیراتی برجای می‌گذارد. مجموعه اثراتی که توسعه گردشگری در محیط شهری به خصوص بر بافت فیزیکی آن از خود به‌جای می‌گذارد را «کولانتونیو^۱» و «پوتر^۲» با تکمیل تحقیقات خود بیان نموده‌اند. این تأثیرات شامل تغییر کاربری زمین در بخش‌هایی از شهر، توسعه زیرساخت‌های شهری، تغییر بافت شهری از طریق مدیریت ترافیک سواره و پیاده و غیره است (Colantonio, 2006). همچنین هارسل^۳ بیان کرده است که گردشگری بر توسعه زیرساخت‌ها، ترویج افکار

1. Colantonio
2. Potter
3. Harssel

جدول ۱: حجم نمونه‌های اختصاص داده‌شده به هر محله در بافت قدیمی شهر یزد

تعداد پرسشنامه	جمعیت	محله	تعداد پرسشنامه	جمعیت	محله
۳۳	۳۳۲۷	محله گازرگاه	۶۴	۶۵۶۷	محله فهادان
۷	۶۹۷	محله زردشتی‌ها	۸۲	۸۴۳۷	محله گنبد سبز
۲۲	۲۲۸۹	محله پشت باغ	۴۳	۴۴۵۱	محله شش بادگیری
۱۹	۱۹۲۰	محله گودال مصلی	۷۰	۷۲۳۳	محله شیخداد
۳۷۵	۳۸۵۳۶	مجموع	۳۵	۳۶۱۴	محله دولت آباد

هدفمند، انتخاب گروهی از نخبگان است که بررسی عمیق یا فهمی کلی نسبت به ماهیت پرسشنامه پژوهش داشته باشند (Neuma, 2007: 1). با استناد به توضیحات بالا حجم نمونه برای افراد متخصص و مسئولین نیز ۳۰ نفر (از سازمان‌های شهرداری، اداره کل گردشگری و میراث فرهنگی، فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرمانداری) انتخاب شدند که همگی دارای مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد یا به بالا بودند. از این تعداد ۱۰ نفر خانم و مابقی مرد بودند. روش نمونه‌گیری این ۳۰ نفر به صورت گلوله‌برفی بوده است. روایی پرسشنامه، بعد از بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده و مقایسه با کارهای پیشین، تصحیح و به تأیید خبرگان و کارشناسان رسید. آزمون پایایی پرسشنامه‌ها با آلفای کرونباخ محاسبه گردید. آلفای کرونباخ برای متغیرهای بازآفرینی بافت تاریخی در ابعاد پایداری اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی و بعد زیست‌محیطی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۹، ۰/۹۰ و ۰/۸۱ به دست آمد. نتایج بیانگر این است که ابزار پژوهش دارای پایایی بالایی است. شاخص‌های معیار اجتماعی (مانند افزایش امکانات فرهنگی-هنری، افزایش امکانات تفریحی و ورزشی و...)، شاخص‌های معیار اقتصادی (مانند افزایش قیمت زمین و مسکن، افزایش درآمد مسکن و...)، شاخص‌های معیار کالبدی (مانند توجه به احیا بناهای تاریخی، بازگشایی مسیرهای تنگ و باریک و...) و شاخص‌های زیست‌محیطی (مانند بهبود وضعیت فضای سبز، افزایش پیاده‌روی و ارتقا فرهنگ پیاده‌روی و...) براساس مبانی نظری تحقیق (Butler, 1999; Granata, Scavone, 2016) به دست آمده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T-Test، تحلیل واریانس و مدل SOAR استفاده شده است. مدل برنامه‌ریزی راهبردی SOAR، به جای تمرکز بر مشکلات، ضعف‌ها و تهدیدها به شناسایی و ایجاد قوت‌های کنونی و فرصت‌های سودبخش می‌پردازد. مدل استراتژیک SOAR دربرگیرنده پاره‌ای از مراحل است که طی آن با ایجاد برخی تغییرات، به تغییر چشم‌انداز کلی دست خواهیم یافت؛ بنابراین، تمام عوامل مرتبط با مسئله شامل افراد جامعه، مسئولان، متفکران و سایر افراد دخیل در جامعه درگیر خواهند شد. این مدل تمام مشارکت‌کنندگان را به تفکر درباره محل زندگی خود وامی‌دارد (خاوریان گرمسیر و همکاران، ۱۳۹۲). تفاوت این مدل با مدل SWOT در این است که به جای پرداختن به نقاط ضعف و تهدیدها در مدل SWOT به نتایج و آرمان‌ها پرداخته می‌شود. نقطه تمرکز تحلیل در مدل SOAR بر روی نقاط قوت، فرصت‌ها،

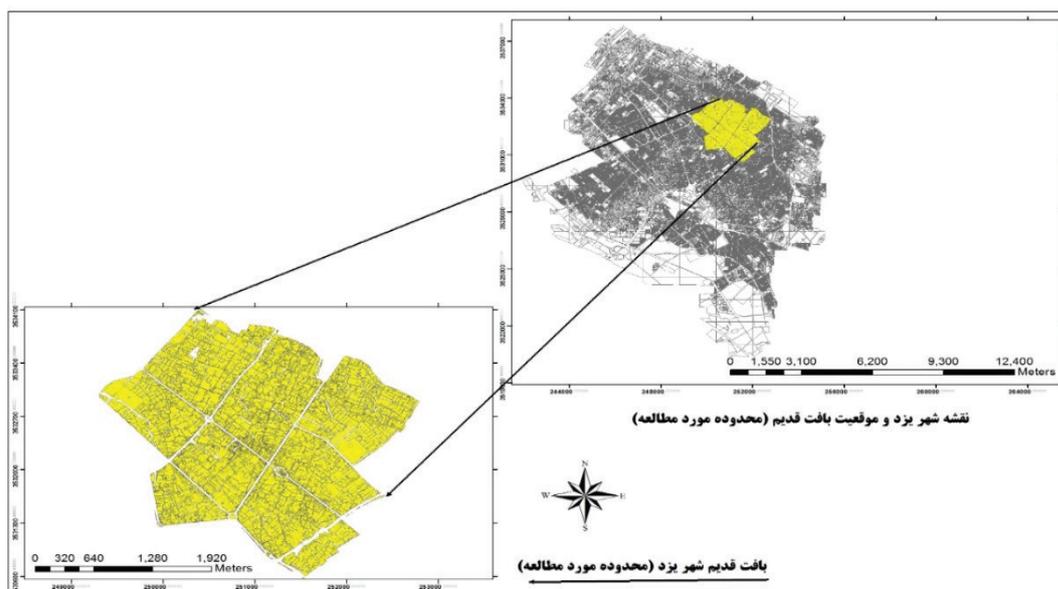
دوستدار محیط‌زیست، تشویق اقدامات حفاظتی و برانگیختن سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و مدیریت مؤثر نواحی باارزش شهرها تأثیر زیادی دارد (Harsseel, 1994). همچنین گی^۱ نشان داد که گردشگری بر مؤلفه‌های اجتماعی شهرها تأثیرات مثبتی داشته است. از جمله این تأثیرات تشدید علاقه به رونق حیات زبان محلی و کاربرد بیشتر این زبان، افزایش درآمد و بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان و افزایش احترام به جامعه محلی بوده است. همچنین گردشگری باعث می‌شود که توزیع برابر فرصت‌های پیش آمده در شهرها بوجود آید و عدالت اجتماعی رونق پیدا کند (Gee, 1994).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی به صورت پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه تهیه شده در این پژوهش بین شهروندان ساکن در محلات نه‌گانه بافت قدیم شهر یزد توزیع گردید. در این تحقیق، منظور از «گویه» همان پرسشی است که در پرسشنامه مطرح می‌شود که با استفاده از آن می‌توان مقدار متغیر را بدست آورد. تعداد جامعه آماری پژوهش ۳۸۵۳۶ نفر (جمعیت جوانان تا سال‌خودگان سال ۱۳۹۵) بود که از این تعداد، حجم نمونه براساس فرمول کوکران که در آن سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای برآوردی ۰/۰۵ لحاظ گردیده، ۳۷۵ نفر انتخاب گردید. نیمی از مصاحبه‌شوندگان زن و نیمی دیگر مرد در نظر گرفته شدند. تحصیلات ۳۰ درصد مصاحبه‌شوندگان کاردانی، ۵۰ درصد آنان دارای تحصیلات کارشناسی و ۲۰ درصد نیز کارشناسی‌ارشد بودند. شیوه نمونه‌گیری از نوع خوشه‌ای با توجه به حجم جمعیت محلات بود. برای توزیع یکنواخت نمونه‌ها در بین همه ساکنان از نسبت جمعیت خوشه‌ای برای مراجعه به بلوک‌های جمعیتی محلات و در مراحل تکمیل پرسشنامه از روش تصادفی ساده استفاده شده است. سهم هر یک از محلات در نمونه مردم با توجه به جمعیت آن‌ها در جدول ۱ انتخاب شده است.

در استخراج اطلاعات علمی از متخصصان، تخصص و دانش خبرگان بر کمیت کلی ارجحیت داشته و حجم نمونه مورد نظر نباید کمتر از ۲۵ نفر باشد (Godet, 2008: 18). در پژوهش حاضر به منظور انتخاب آگاهانه شرکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. اساس به کاربردن روش نمونه‌گیری

1. Gee



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

منبع: مرکز آمار ایران

در باره اهداف و شاخص‌های مورد بررسی از منابع و امکانات موجود و بالقوه در راستای بازآفرینی پایدار از طریق توسعه گردشگری و شناخت ابعاد آن میسر گردد.

بدین منظور معیارهای مختلف گردشگری موثر بر بازآفرینی پایدار از نظر مردم و کارشناسان از طریق پرسشنامه مورد توجه قرار گرفت. نتایج آن به تفکیک ابعاد انتخابی زیر نشان داده شده است. برای تعمیم نتایج هر کدام از یافته‌های به دست آمده به جامعه تحت بررسی (بافت تاریخی) از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. حد متوسط در این آزمون عدد ۳ یا متوسط از طیف لیکرت در نظر گرفته شده است تا میزان اثر گذاری هر کدام از مؤلفه‌ها مشخص شود. نتایج به دست آمده از جدول ۲ نشان داد که گردشگری بر ابعاد اجتماعی بافت تاریخی و در نتیجه بازآفرینی شهری آن تأثیر دارد. این تأثیر نسبت به مؤلفه‌های مختلف نتایج متعددی را نشان می‌دهد. از نقطه نظر مردم رونق گردشگری در بافت تاریخی شهر یزد و افزایش تعداد آنها باعث افزایش امکانات فرهنگی و هنری در این بافت‌ها توسط ارگان‌های مختلف و همچنین بخش خصوصی خواهد شد. این افزایش با میانگین ۴/۳ همراه بوده است. همچنین رونق گردشگری شهری در بافت تاریخی شهر یزد با افزایش مؤلفه‌هایی همچون «امکانات تفریحی و ورزشی»، «افزایش آگاهی شهروندان ساکن در بافت» و «افزایش پاتوق‌های اجتماعی» به ترتیب ۴/۲ و ۴/۱ بوده است. میانگین کل نقش گردشگری در بازآفرینی بافت تاریخی شهر یزد ۳/۵۴ به دست آمد که این نشان گر تأثیر متوسط تا زیاد آن بوده است.

از نظر کارشناسان گردشگری می‌تواند پیامدهای مثبت اجتماعی را در بازآفرینی بافت قدیمی شهر یزد به همراه داشته باشد. از جمله این پیامدها «افزایش حس تعلق محله‌ای» با میانگین ۴/۹ بوده است. همچنین میانگین آثار اجتماعی گردشگری در بافت تاریخی شهر یزد ۳/۵۲ را نشان می‌دهد.

آرمان‌ها و نتایج به دست آمده است.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه پژوهش، بافت قدیمی شهر یزد است. این بافت، دارای وسعتی در حدود ۶۸۲ هکتار است (طرح حفاظت جامع بافت تاریخی یزد، ۱۳۸۲) که شامل نه محله اصلی به نام‌های شش بادگیری، دولت‌آباد، فهادان، گازرگاه، گنبد سبزه، گودال مصلی، شیخ‌داد و زرتشتی و ۴۲ زیر محله است. این محلات که در واقع حوزه‌های کوچکتر شهر را شکل می‌دهند، غالباً دارای رشد ارگانیک و توسعه تدریجی می‌باشند به صورتی که در طول زمان با توجه به نیاز مردم و محله با عقل تاریخی و جمعی شکل گرفته اند. هر یک از محلات بافت قدیمی شهر یزد در محدوده خود شامل مرکز محله، حسینیه، آب انبار و در مواردی مسجد می‌باشند؛ به طوری که محورهای حرکتی و تجاری اصلی شهر که غالباً از داخل و یا کنار این مراکز محلات می‌گذرند، این محلات را به یکدیگر متصل و باعث ایجاد یک پیوند در درون شهر می‌شوند. شکل ۲ موقعیت جغرافیایی بافت تاریخی و قدیم شهر یزد را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی ابعاد گردشگری شهری بر بازآفرینی بافت تاریخی شهر یزد از چهار معیار اجتماعی، کالبدی، محیطی و اقتصادی استفاده شده است. زمانی که گردشگری در شهری رونق پیدا می‌کند آن شهر در هر چهار بعد اشاره شده نیز به رونق و شکوفایی خواهد رسید. بر این اساس، در شهر یزد با رونق گردشگری به خصوص در بافت مرکزی و تاریخی شهر، می‌توان آثار و نتایج آن را مشاهده کرد. موضوع مورد بررسی در پژوهش مورد نظر هم از سوی مردم و هم از نظر کارشناسان مورد توجه قرار گرفته است تا ضرورت مراجعه به خرد جمعی، بهره‌گیری از تبادل نظر و گفت‌وگو گروه‌های مختلف اجتماعی در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری

جدول ۲: تعیین اثرات اجتماعی گردشگری در باز آفرینی بافت قدیم یزد با آزمون T-test

کارشناسان (حد متوسط = ۳)				شهروندان (حد متوسط = ۳)				گویه‌ها
سطح معناداری	میزان T	میانگین	تعداد	سطح معناداری	میزان T	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۴۵/۳	۲/۱	۳۰	۰/۰۰۰	۱/۳	۴/۳	۳۷۵	افزایش امکانات فرهنگی - هنری
۰/۰۰۰	۶۷/۳	۴/۸	۳۰	۰/۰۰۰	۳/۲	۴/۲	۳۷۵	افزایش امکانات تفریحی و ورزشی
۰/۰۰۰	۵۵/۴	۴/۹	۳۰	۰/۰۰۰	۵/۴	۳/۴	۳۷۵	افزایش تعلق اجتماعی به محله
۰/۰۰۰	۳/۵۶	۳/۰	۳۰	۰/۰۵۰	۳/۲	۳/۲	۳۷۵	افزایش بهره‌مندی از خدمات درمانی
۰/۰۰۰	۳/۸۹	۴/۸	۳۰	۰/۰۰۰	۲/۲	۲/۲	۳۷۵	افزایش امنیت با رونق عبور و مرور
۰/۰۳۰	۴۵/۲۲	۳/۵	۳۰	۰/۰۰۰	۴/۱	۴/۱	۳۷۵	افزایش آگاهی شهروندان ساکن در بافت
۰/۰۰۰	۸۹/۴۵	۴/۴	۳۰	۰/۰۰۰	۳/۲	۳/۲	۳۷۵	افزایش روحیه پیاده‌روی
۰/۰۰۰	۴۵/۲	۲/۱	۳۰	۰/۰۰۰	۳/۲	۳/۲	۳۷۵	افزایش امکانات آموزشی با افزایش جمعیت
۰/۰۱۰	۸/۴۵	۱/۴	۳۰	۰/۰۰۰	۴/۵	۴/۱	۳۷۵	افزایش پاتوق‌های اجتماعی
-	-	۳/۵۲	-	-	-	۳/۵۴	-	میانگین کل

جدول ۳: تعیین اثرات اقتصادی گردشگری در باز آفرینی بافت قدیم شهر یزد با آزمون T-test

کارشناسان				شهروندان				گویه‌ها
سطح معناداری	میزان T	میانگین	تعداد	سطح معناداری	میزان T	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۳۳/۳	۴/۳	۳۰	۰/۰۰۰	۷۶/۸۸	۴/۶	۳۷۵	افزایش قیمت زمین و مسکن
۰/۰۰۰	۹۸/۳	۴/۶	۳۰	۰/۰۰۰	۴۰/۳	۲/۲	۳۷۵	افزایش درآمد ساکنین
۰/۰۲۰	۹۰/۴	۳/۷	۳۰	۰/۰۰۰	۳۹/۳	۳/۴	۳۷۵	رونق کسب و کار
۰/۰۰۰	۹۰/۲۳	۴/۱	۳۰	۰/۰۵۰	۹۸/۲۳	۴/۸	۳۷۵	افزایش میزان اجاره بها
۰/۰۰۸	۲۳/۹۰	۱/۲	۳۰	۰/۰۰۰	۹/۲۳	۳/۸	۳۷۵	افزایش سوداگری زمین
۰/۰۰۰	۸۶/۲	۳/۱	۳۰	۰/۰۰۰	۹۰/۵۲	۳/۱	۳۷۵	افزایش ساخت مجتمع‌های تجاری
۰/۰۰۰	۴۳/۷۰	۳/۷	۳۰	۰/۰۰۰	۴۹/۲	۴/۶	۳۷۵	افزایش کاربری‌های ترکیبی
۰/۰۰۰	۹۰/۲۲	۴/۲	۳۰	۰/۰۰۰	۸۱/۶۷	۲/۶	۳۷۵	افزایش قدرت خرید مردم
۰/۰۰۲	۷۶/۲۳	۴/۸	۳۰	۰/۰۰۰	۶۵/۳۴	۴/۵	۳۷۵	افزایش سرمایه‌گذاری‌ها
-	-	۳/۷۴	-	-	-	۳/۷۳	-	میانگین کل

بررسی بعد اقتصادی گردشگری نشان داد که از نقطه نظر مردم، رونق گردشگری در بافت تاریخی شهر یزد منجر به «افزایش میزان اجاره بها» با میانگین ۴/۸ شده است. این امر خود باعث می‌شود که مالکان به احیا و نوسازی ملک خود پرداخته و در نتیجه به مرور زمان جلوی زوال و تخریب بافت‌ها گرفته شود. همچنین رونق گردشگری باعث افزایش قیمت زمین و مسکن و افزایش سرمایه‌گذاری در این محدوده به میزان میانگین ۴/۶ و ۴/۵ شده و در نتیجه رونق اقتصادی حاصل از مسکن و سایر فعالیت‌های اقتصادی از سر گرفته می‌شود. همچنین از نظر کارشناسان گردشگری باعث می‌شود که «افزایش سرمایه‌گذاری» با میانگین ۴/۸ را باعث شود. در کنار این اثر مثبت، مؤلفه‌های دیگر رونق

اقتصادی با رونق گردشگری از نظر کارشناسان به باز آفرینی شهری در بافت تاریخی شهر یزد کمک می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به افزایش درآمد ساکنین این بافت، افزایش قدرت خرید مردم و افزایش قیمت زمین و مسکن اشاره نمود. میانگین آثار مثبت گردشگری در بافت تاریخی شهر یزد در بعد اقتصادی ۳/۷۴ به دست آمد که این نشان دهنده نقش گردشگری در باز آفرینی شهری بافت قدیم شهر یزد است. در کنار آثار مثبت اقتصادی گردشگری بر بافت قدیم شهر یزد، آثار کالبدی و بهبود کیفیت بافت فیزیکی شهر یزد نیز از نظر شهروندان ساکن در این بافت و کارشناسان درگیر در این حوزه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴ نشان داده شده است.

نقش ابعاد گردشگری در باز آفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد: علی شمعی و همکاران

جدول ۴: تعیین اثرات کالبدی گردشگری در بازآفرینی بافت قدیم شهر یزد با آزمون T-test

کارشناسان				شهروندان				گویه‌ها
سطح معناداری	میزان T	میانگین	تعداد	سطح معناداری	میزان T	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۵۶/۲۰	۳/۳	۳۰	۰/۰۰۰	۹۸/۲۳	۴/۳	۳۷۵	توجه به احیاء بناهای تاریخی
۰/۰۰۰	۵۷/۹	۴/۲	۳۰	۰/۰۲۰	۵۶/۲	۴/۲	۳۷۵	بازگشایی مسیرهای تنگ و باریک
۰/۰۰۰	۵۶/۳۲	۳/۷	۳۰	۰/۰۰۰	۶۲/۰۹	۳/۴	۳۷۵	بهبود کف‌سازی معابر
۰/۰۰۰	۹۰/۲۳	۳/۳	۳۰	۰/۰۰۰	۷۸/۲۳	۳/۲	۳۷۵	توسعه سطوح سبز و گردشگاهی
۰/۰۰۶	۴۸/۶۸	۱/۲	۳۰	۰/۰۰۰	۶۷/۲۳	۲/۲	۳۷۵	افزایش امان‌های شهری برای رفاه گردشگران
۰/۰۰۰	۵۳/۰۹	۴/۶	۳۰	۰/۰۰۰	۲۳/۷۶	۴/۱	۳۷۵	فعالیت کاربری‌های مختلف و جلوگیری از زوال شهر
۰/۰۰۰	۴۳/۲۹	۳/۲	۳۰	۰/۰۳۰	۵۶/۳۰	۳/۲	۳۷۵	جلوگیری از فرسودگی بافت تاریخی با افزایش توجه به آن‌ها
۰/۰۰۱	۵۷/۲۳	۲/۲	۳۰	۰/۰۰۰	۵۷/۲۳	۳/۲	۳۷۵	افزایش کاربری‌های فراشهری
۰/۰۰۹	۳۵/۹۴	۴/۹	۳۰	۰/۰۰۰	۶۲/۲۳	۴/۵	۳۷۵	توسعه ساختارهای زیربنایی شهر
-	-	۳/۴	-	-	-	۳/۵۸	-	میانگین

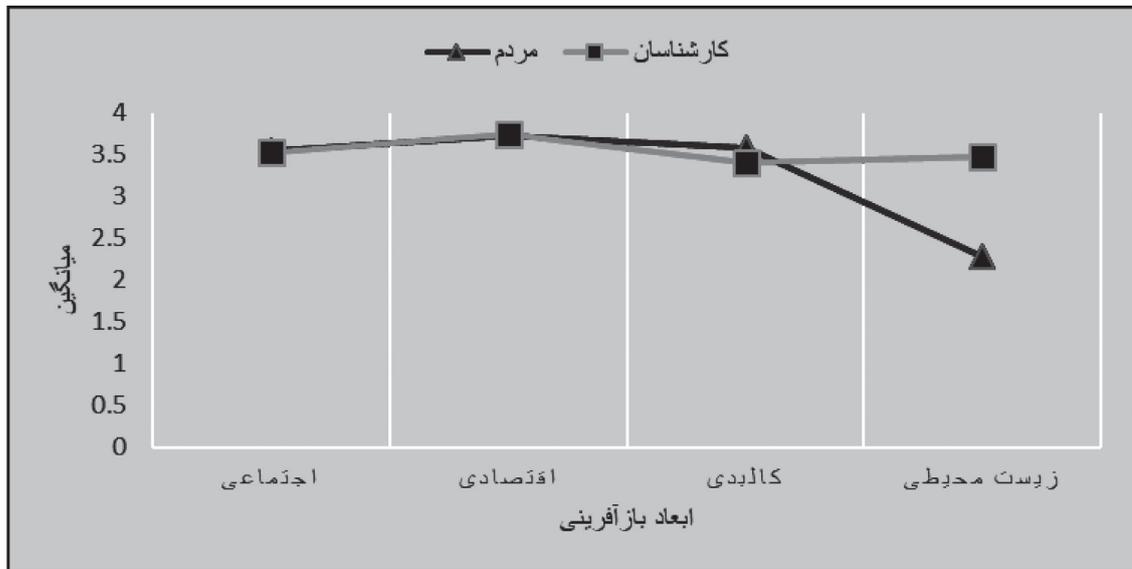
جدول ۵: تعیین اثرات زیست محیطی گردشگری در بازآفرینی بافت قدیم شهر یزد با آزمون T-test

کارشناسان				شهروندان				گویه‌ها
سطح معناداری	میزان T	میانگین	تعداد	سطح معناداری	میزان T	میانگین	تعداد	
۰/۰۰۰	۹۷/۰	۱/۲	۳۰	۰/۰۰۰	۲۹	۳/۰	۳۷۵	تغییر الگوی مسکن
۰/۰۰۰	۷۶/۹۸	۳/۸	۳۰	۰/۰۰۰	۸/۲۳	۱/۲	۳۷۵	تغییر کاربری اراضی شهر
۰/۰۰۶	۴/۸۷	۴/۴	۳۰	۰/۰۰۰	۷/۹۹	۲/۲	۳۷۵	افزایش ساخت و ساز
۰/۰۰۰	۹۹/۲	۲/۴	۳۰	۰/۰۰۰	۶۶/۳۳	۳/۹	۳۷۵	افزایش بهبود وضعیت خیابان‌ها و معابر
۰/۰۱۰	۸/۶۷	۳/۸	۳۰	۰/۰۴۰	۶۱/۲	۲/۲	۳۷۵	بهبود وضعیت فضای سبز
۰/۰۰۰	۳۴/۰۰	۴/۵	۳۰	۰/۰۰۰	۳/۱۲	۴/۱	۳۷۵	افزایش پیاده‌روی و ارتقاء فرهنگ پیاده‌روی
۰/۰۰۰	۳۲/۴۴	۴/۲	۳۰	۰/۰۰۰	۴۳/۰۰	۳	۳۷۵	توجه به روند جمع‌آوری مکانیزه زباله‌ها
-	-	۳/۴۷	-	-	-	۲/۸	-	میانگین

به گردشگران در لبه‌های بعضی از محورهای داخل بافت ایجاد شود. این فعالیت‌ها مانع زوال و رهاشدگی این بخش‌ها خواهند شد. میانگین پیامد کالبدی برای هر دو نمونه مطالعه شده (مردم و متخصصان) نزدیک به ۳/۵ بوده است که این نشان دهنده تأثیر متوسط تا زیاد گردشگری در بازآفرینی بافت قدیمی شهر یزد است. از دیگر پیامدها و نقش گردشگری در بازآفرینی بافت قدیمی شهر یزد، تأثیر آن در بعد زیست‌محیطی در محدوده مورد نظر بوده است. نتایج به‌دست‌آمده از این بخش از تحلیل داده‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است.

نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که از نظر شهروندان ساکن در بافت تاریخی شهر یزد، گردشگری باعث افزایش فرهنگ پیاده‌روی و در نتیجه استفاده کمتر از اتومبیل می‌شود. تجربه‌ای که شهروندان در بافت تاریخی کم و بیش با آن مواجه بوده‌اند و میانگین ۴/۱ نیز

نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۴ نشان داد که از نظر شهروندان ساکن در بافت قدیمی، توسعه گردشگری می‌تواند پیامدهای کالبدی زیادی به همراه داشته باشد. از جمله این پیامدها، «توسعه ساختارهای زیربنایی شهر» به میزان ۴/۵ و توجه به احیاء بناهای تاریخی ۴/۳ بوده است. همچنین توسعه گردشگری در این بخش از شهر موجب می‌شود که مسیرهایی که از ارزش و رونق کافی برخوردار نبودند، ارزش و اهمیت زیادی پیدا کنند. این ارزش با تعریض معابر، بهبود کف‌سازی و ایجاد فضاهای عمومی همچون دیگر شهرها در جهان برای تفریح و فعالیت همراه می‌باشند. همچنین از نقطه نظر کارشناسان پیامد کالبدی توسعه گردشگری در بازآفرینی بافت قدیمی شهر یزد در وهله اول با «توسعه ساختارهای زیربنایی شهر» به میزان ۴/۹ همراه بوده است. همچنین توسعه گردشگری باعث می‌شود که کاربری‌های مختلف جهت ارائه خدمات گوناگون



شکل ۳: میانگین نظرات مردم و کارشناسان به نقش گردشگری در بازآفرینی بافت قدیمی شهر یزد

دو گروه مورد مطالعه دارای اختلاف زیادی بوده است؛ به صورتی که مردم معتقد هستند که گردشگری باعث کاهش کیفیت محیط زیست می شود در حالی که کارشناسان معتقد هستند که توسعه گردشگری با افزایش توجه مدیریت شهری به این بافت ها همراه بوده و در نتیجه، افزایش کیفیت محیط زیست این بخش از شهر تامین خواهد شد. این تفاوت معنادار در شاخص های معیار زیست محیطی بین مردم و مسئولین می تواند ناشی از توسعه گردشگری غیرمسئولانه نسبت به محیط زیست از سوی مسئولین و عدم اطمینان مردم به آنان در جهت کاهش اثرات منفی توسعه گردشگری باشد. عامل دیگر عدم وجود قوانین و یا اجرایی نشدن صحیح قوانین برای کاهش اثرات نامساعد زیست محیطی در توسعه گردشگری می باشد.

در این بخش به ارزیابی اختلاف معناداری بین تمام معیارهای در نظر گرفته شده بین دو گروه مردم و کارشناسان پرداخته شده است. برای این منظور از مقایسه میانگین ها با آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است. در این آزمون ابتدا بایستی به مقایسه اختلاف واریانس با آزمون لوین پرداخته شود (جدول ۶).

جدول ۶: آزمون لوین و همگنی واریانس دو گروه مردم و کارشناسان

آزمون همگنی واریانس ها			
آزمون لوین	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۰/۶۱۲	۲	۲۸	۰/۵۴

جدول ۷: نتیجه آزمون آنوا و سنجش تفاوت معناداری بین گروه های مردم و کارشناسان

آنوا					
مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	آماره F	سطح معناداری	
۲۴۵۸	۲	۱۲۲۹	۳۸/۷۹		بین گروه ها
۱۸۰۶	۲۸	۳۱/۶۹	-	۰/۰۰۰	داخل گروه ها
۵۲۶۵	۳۰	-	-		کل

نشان دهنده اهمیت این معیار بوده است. مدیران شهری به دلیل اهمیت نقش گردشگری در توسعه و افزایش کیفیت زندگی شهری به بهبود وضعیت خیابان ها و معابر شهری می پردازند؛ همچنین شهروندان و کسبه های فعال در این بخش به دلیل جلب توجه گردشگران به عنوان مشتری و خریداران کالای خود، به اصلاح سیمای بصری مغازه های خود و همچنین حفظ کیفیت پیاده راه ها و در برخی موارد به اصلاح کف پیاده روی های جلوی منازل و واحدهای فعالیت خود پرداخته اند. این مورد در گویه چهارم پرسشنامه نیز بیشترین امتیاز (۳/۹) را به خود اختصاص داده است. کارشناسان و افراد متخصص نیز به افزایش ساخت و سازها با میانگین ۴/۴ و افزایش پیاده روی و رونق پیاده راه ها و کاهش استفاده از اتومبیل در بخش تاریخی نیز امتیاز بالاتری قائل شدند. این امر نشان دهنده تأثیر گردشگری بر بازآفرینی بعد زیست محیطی در محدوده قدیمی شهر یزد می باشد (شکل ۳).

نتایج به دست آمده از شکل ۳ نشان داد که نظرات هر دو گروه مردم و کارشناسان متخصص در امر مدیریت شهری و گردشگری نسبت به نقش گردشگری در بازآفرینی بافت قدیم شهر تا حدودی شبیه هم بوده است. این شباهت دیدگاه ها در ابعاد اجتماعی و اقتصادی منطبق بر هم بوده و کاملاً یکسان می باشد؛ اما در بعد کالبدی میانگین نظرات کارشناسان در نقش و آثار گردشگری بر بهبود وضعیت کالبدی بخش قدیمی شهر نسبت به مردم پایین بوده است. در حالی که در بعد زیست محیطی نظرات این

جدول ۸: ماتریس نقاط قوت و فرصت

فرصت‌های موجود در راستای افزایش نقش گردشگری در باز آفرینی بافت قدیم (O)	نقاط قوت گردشگری در باز آفرینی بافت قدیم (S)
افزایش امنیت و رونق اجتماعی	افزایش امکانات فرهنگی - هنری
پایداری محیط اجتماعی	افزایش امکانات تفریحی و ورزشی
رفت و آمد بیشتر به بافت	افزایش تعلق اجتماعی به محله
تولید فرهنگ بومی	افزایش بهره‌مندی از خدمات درمانی
عرضه محصولات و تولیدات صنایع دستی بافت	افزایش امنیت با رونق عبور و مرور
جذب سرمایه‌گذاری	افزایش آگاهی شهروندان ساکن در بافت
افزایش فروش محصولات صنایع دستی	افزایش روحیه پیاده‌روی
ساخت و ساز هتل‌ها و مهمانپذیرها	افزایش امکانات آموزشی با افزایش جمعیت
گسترش روابط بین الملل	افزایش پاتوق‌های اجتماعی
افزایش کیفیت زندگی اجتماعی	افزایش قیمت زمین و مسکن
افزایش پایداری محیط زیست	افزایش درآمد ساکنین
کاهش آلودگی‌های محیطی	رونق کسب و کار
افزایش حس تعلق محله‌ای	افزایش میزان اجاره بها
افزایش رفاه و آسایش ساکنان	افزایش ساخت مجتمع‌های تجاری
رونق اقتصادی بافت	افزایش کاربری‌های ترکیبی
افزایش اشتغال	افزایش قدرت خرید مردم
حفظ بناهای باارزش و افزایش پتانسیل‌های جذب گردشگری	افزایش سرمایه‌گذاری‌ها
تسهیل در عبور و مرور	توجه به احیا بناهای تاریخی
افزایش کیفیت کالبدی بافت برای عبور و مرور آسان	بازگشایی مسیرهای تنگ و باریک
افزایش امکانات رفاهی و فراغت	بهبود کف‌سازی معابر
ارتقاء کیفیت بصری در بافت	توسعه سطوح سبز و گردشگاهی
ایجاد هم‌افزایی در توسعه گردشگری و باز آفرینی بافت	افزایش المان‌های شهری برای رفاه گردشگران
حفظ پایداری و هویت بافت	فعالیت کاربری‌های مختلف و جلوگیری از زوال شهر
افزایش حوزه نفوذ اقتصادی بافت	جلوگیری از فرسودگی بافت تاریخی با افزایش توجه به آن‌ها
افزایش کیفیت زندگی	افزایش کاربری‌های فراشهری
دسترسی به مسکن مناسب برای تمام اقشار	توسعه ساختارهای زیربنایی شهر
اصلاح الگوهای کاربری زمین	تغییر الگوی مسکن
مهاجرت به بافت	تغییر کاربری اراضی شهر
افزایش رفت و آمد و گردشگری در بافت	افزایش ساخت و ساز
افزایش اوقات فراغت	بهبود وضعیت فضای سبز
افزایش کیفیت محیط زیست	توجه به روند جمع‌آوری مکانیزه زباله‌ها

نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۷ نشان داد که بین دو گروه باتوجه به سطح معناداری ($p < 0/01$) و سطح اطمینان ۹۹ درصد ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارتی بین میانگین نظرات مردم با کارشناسان ارتباط معناداری وجود دارد و نتیجه‌ای که به دست آمد

نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۶ نشان داد که واریانس گروه‌ها از تجانس و همگنی برخوردار بود؛ چرا که سطح معناداری گروه‌ها بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمده است؛ بنابراین می‌توان از آزمون آنوا استفاده کرد (جدول ۷).

جدول ۹: ماتریس نتایج و آرمان‌ها

نتایج (R)	آرمان‌ها (A)
افزایش مکان‌های تفریحی برای جذب گردشگران	مطرح شدن بافت قدیم به‌عنوان مکان نمونه گردشگری
کاهش میزان بیکاری	افزایش میزان اشتغال در بافت قدیمی
ایجاد و ساخت مراکز مختلف تفریحی، استراحتی و مناظر	بافت سرزنده و متناسب با نیازهای امروزی
افزایش گردشگران خارجی و داخلی	گردشگری پایدار و فعالیت‌های اقتصادی پایدار در بافت
افزایش سرمایه اجتماعی	بافتی با حداکثر مشارکت در تمام ابعاد
ایجاد محورهای پیاده‌راه	بافتی با محورهای سرزنده و پویا با محیط اجتماعی سرزنده
ایجاد کاربری‌های آموزشی در بافت قدیم شهر	بافتی با دسترسی آسان به تمام کاربری‌های آموزشی و پراکندگی بهینه این کاربری‌ها
فضای مستعد برای فعالیت‌های اجتماعی	دارای بافتی با فعالیت‌های اجتماعی خیابانی و سرزنده
ارزشیابی زمین‌های بافت برای احیا و فعالیت	محدوده بافت بدون کاربری‌های مخروبه و بایر
درآمد پایدار ساکنین بافت	بافتی با اقتصادی پویا و پایدار
رشد داد و ستد املاک و مستغلات	دارای بافتی با فعالیت پایدار وابسته به املاک و مستغلات
رشد کاربری‌های تجاری	دارای مراکز خرید مدرن و مجهز
اصلاح الگوی ترکیب کاربری‌ها	دارای سازمان فضایی مطلوب
کاهش فقر در بین ساکنین بافت	پایداری زندگی ساکنان
رونق ساخت و سازها	نوسازی بافت کالبدی بافت
بازآفرینی کارکرد بناهای تاریخی	حفظ بناهای تاریخی و پایداری آن‌ها
کارایی سیستم حمل و نقل	سیستم حمل و نقل پایدار
ارتقاء کیفیت محیط‌زیست بافت	شهر سبز
کاهش آلودگی بصری	بافتی با مبلمان شهری مناسب و کارآمد
فعالیت اقتصادی پایداری	ظهور شهر پویا با اقتصادی پایداری

این بود که گردشگری در بازآفرینی بافت تاریخی شهر یزد از نظر مردم و کارشناسان دارای اهمیت بوده و برنامه‌ریزی برای توسعه گردشگری می‌تواند به ارتقاء کیفیت زندگی و احیاء کارکردهای بافت در ابعاد مختلف منجر شود.

شناسایی مهمترین عوامل گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد با استفاده از مدل SOAR

در این بخش از پژوهش حاضر به بررسی مهمترین عوامل مؤثر بر گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد پرداخته شده است. این عوامل از نقطه نظر کارشناسان و طرح‌های فرادست موجود در خصوص بافت قدیم شهر یزد و تحلیل نتایج آمار T-test به دست آمده و در دو بخش نقاط قوت و فرصت‌های موجود طبقه‌بندی شده است. همچنین با توجه به نقاط قوت و فرصت‌های گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد، به ارائه نتایج و آرمان‌های نقش گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم پرداخته شده که نتایج آن در جدول ۹ نشان داده شده است.

نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که گردشگری در ابعاد مختلف بر بازآفرینی بافت قدیم شهر یزد تأثیر دارد. یکی از این ابعاد، تغییر نقش اقتصادی بافت قدیم این شهر بوده است. شهر یزد با افزایش نقش خود در حوزه گردشگری به‌خصوص هدایت گردشگران به سمت بافت قدیم شهر و ارائه خدماتی برای جلب

رضایت این گردشگران، باعث شده است تا بافت قدیم شهر در بعد اقتصادی به رونق دست پیدا کند. همچنین با برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بر روی فعالیت‌های گردشگری به اشتغال و درآمد ساکنین کمک کرده است. از سویی با اجرای برنامه‌های اجتماعی و افزایش امکانات زیرساختی، آموزشی و اوقات فراغت شده است تا ابعاد اجتماعی و فرهنگی بافت قدیم این شهر تحت تأثیر قرار گیرد و به سمت پیشرفت و توسعه میل پیدا کند.

اولویت‌بندی عوامل مؤثر گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد

به منظور اولویت‌بندی عوامل مؤثر گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد از میانگین رتبه‌ای داده‌ها استفاده گردیده است. به این صورت که بعد از شناسایی معیارهای گردشگری براساس مدل SOAR و طبق نظر افراد مطالعه شده ۱۲ متغیر تأثیرگذار گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد مورد شناسایی قرار گرفتند و سپس با توجه امتیازهای فوق، عوامل مورد نظر اولویت‌بندی شدند (جدول ۱۰).

نتایج نشان داد که مهمترین عامل از نظر افراد مطالعه شده به ترتیب «مشارکت ساکنان بافت در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه گردشگری و بازآفرینی شهری» با ضریب ۱۰/۵ و «ایجاد مکان‌های تفریحی برای جذب و ماندگاری بیشتر گردشگران در

جدول ۱۰: اولویت‌بندی عوامل گردشگری در بازآفرینی پایدار بافت قدیم شهر یزد

اولویت‌بندی	میانگین رتبه‌ای	عامل
۲	۱۰/۳	ایجاد مکان‌های تفریحی برای جذب و ماندگاری بیشتر گردشگران در بافت
۱۰	۶/۷	ساخت مجتمع‌های تجاری و مراکز داد و ستد برای جذب گردشگران اقتصادی و رونق اقتصادی بافت
۶	۸/۲	برنامه‌ریزی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی و ایجاد زیرساخت برای میزبانی از این گردشگران در بافت‌های قدیمی
۱	۱۰/۵	مشارکت ساکنان بافت در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه گردشگری و بازآفرینی شهری
۱۱	۵/۹	بالا بردن امنیت بافت تاریخی در قالب پاکسازی نقاطی که در بافت تاریخی جرم خیز هستند.
۱۳	۴/۹	جهت ایجاد وحدت محله‌ها و برهم نخوردن نظام اجتماعی محله‌ای در بافت تاریخی و همچنین ایجاد فراهم آوردن زمینه حضور بیشتر گردشگران در بافت، افراد غیر بومی در این بافت سازماندهی شوند.
۳	۹/۳	خرابه‌هایی که در بخش بافت تاریخی وجود دارند و محلی برای دفع نخاله‌های موجود در بافت قدیم هستند، پاکسازی شوند.
۵	۸/۷	اصلاح روشنی معابر در بافت جهت ایجاد امنیت در محلات بافت تاریخی
۴	۸/۸	ابنیه‌هایی که هنوز ناشناخته مانده، جهت احیاء این بافتها و جذب گردشگر به آنها باید مستند سازی شوند.
۱۴	۳/۷	اصلاح دسترسی‌ها در بافت در جهت پویایی محلات و جمعیت بافت تاریخی و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محلات
۹	۶/۹	جهت جلوگیری از تخریب بناهای قدیم وعدم سیاستگذاریهای سلیقه‌ای در آنها لازم است که این بناها در فهرست آثار جهانی به ثبت برسد تا گردشگران بتوانند از این بناها دیدن کنند.
۱۲	۵/۷	مهم‌ترین عنصری که علاوه بر دسترسی می‌تواند در احیاء بافت تاریخی اثر گذار باشد، بازار است. جهت نمایش صنایع دستی بومی به گردشگران و همچنین پویایی اقتصادی در بافت تاریخی لازم است که بازارها در بافت تاریخی موقعیت خودشان را دوباره باز یابند و باعث تحولات آتی در این بافت شوند.
۸	۷/۹	جهت همکاری افراد ساکن در بافت تاریخی با دولت و امور اجرایی در بافت تاریخی، خانه‌های فرسوده بافت تاریخی توسط کمکهای بلاعوض به ساکنان، دوباره مرمت و احیاء شوند و بدین صورت مردم به اصلاح خانه‌های خود و حضور فعال در احیاء بافت تاریخی تشویق شده و از نظر تورسیم ساختمانهای بافت دارای بافتی یکدست می‌شوند.
۷	۸/۱	احیاء بافت تاریخی مستلزم رونق بخش گردشگری است، همچنین رونق این بخش نیاز به مکانهای اقامتی مناسب دارد. تغییر کاربری و احیاء ابنیه تاریخی به منظور ایجاد واحدهای خدمات گردشگری می‌تواند در احیاء بافت تاریخی و جذب گردشگر مؤثر واقع شود.

شهرها به جهت داشتن عناصر بارز به عنوان توان‌های جذب گردشگر می‌تواند در توسعه گردشگری نقش به‌سزایی داشته باشد. به جریان انداختن این تسلسل می‌تواند به فرایندی مثبت در توسعه کیفیت زندگی بافت مرکزی شهر منجر شود؛ به گونه‌ای که توسعه گردشگری می‌تواند باعث افزایش فعالیت‌های خدماتی و مرمت بناهای تاریخی، افزایش تقسیم کار و شکل‌گیری محورهایی با کاربری‌های ترکیبی شود و در نتیجه به افزایش کارایی بافت تاریخی و مرکزی شهرها منجر گردد و از سویی نیز مانع زوال و فرسودگی آن‌ها شود. همچنین در کنار تأثیر و نقش توسعه گردشگری در بازآفرینی این بافت‌ها، می‌توان به تمرکز عناصر بارز و مهمی که هدف بیشتر گردشگران شهری و غیرشهری است، اشاره کرد که تسهیل‌دهنده سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه گردشگری نیز هستند. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر نشان داد که توسعه گردشگری از ابعاد گوناگون می‌تواند بازآفرینی بافت قدیمی و مرکزی شهر یزد را در پی داشته باشد. میانگین مؤلفه‌های مورد بررسی در بعد اقتصادی از دیدگاه مردم و کارشناسان نشان

بافت» با ضریب ۱۰/۳ بوده است. همچنین عامل «خرابه‌هایی که در بخش بافت تاریخی وجود دارند و محلی برای دفع نخاله‌های موجود در بافت قدیم هستند، پاکسازی شوند» و «ابنیه‌هایی که هنوز ناشناخته مانده، جهت احیاء این بافت‌ها و جذب گردشگر به آنها باید مستندسازی شوند» به ترتیب دارای میانگین ۹/۳ و ۸/۸ می‌باشند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت ساکنان و ایجاد زیرساخت‌ها و مکان‌های گردشگری برای افزایش ماندگاری گردشگران، راهبردهای مهمی در بازآفرینی بافت قدیم شهر یزد می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

گردشگری به عنوان یک فعالیت، پشتوانه‌ی مهمی در توسعه یک سرزمین و همچنین در مقیاس کوچک‌تر توسعه شهرها را در پی دارد. بررسی نظرات گوناگون نشان از تأثیر گردشگری بر افزایش توسعه و ارتقاء کیفیت زندگی شهرها در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی است. همچنین بافت تاریخی

داد که گردشگری می‌تواند به رونق اقتصادی، افزایش پایداری مردم به جهت افزایش ارزش زمین و ملک، افزایش کیفیت فعالیت شغلی مردم محلات و در نتیجه به احیا قدرت اقتصادی شهروندان این بخش از شهر منجر شود. این روند می‌تواند بخشی از بازآفرینی شهری را در پی داشته باشد. همچنین با افزایش توان اقتصادی بافت قدیمی شهر، روند مشارکت مردم بیشتر شده و هر کدام به سهم خود به احیاء فضای زندگی و معیشت خود کمک می‌نمایند. همچنین مشخص شد که توسعه گردشگری با رونق اجتماعی و افزایش مؤلفه‌های فرهنگی مردم نیز همراه می‌باشد. گردشگری در کنار بازدید از بناهای تاریخی، با افزایش معاشرت و ارتباطات رودر روی گردشگران و ساکنان این بافت‌ها همراه است و این ارتباطات بصری و کلامی خود باعث افزایش آگاهی و تبادل فرهنگ‌ها به یکدیگر خواهد شد و در نتیجه می‌تواند به افزایش میزان فرهنگ عمومی این ساکنان نیز کمک کند. متولیان امر با توجه به توسعه برنامه‌های گردشگری، به ایجاد عناصر فرهنگی از جمله فرهنگ‌سراها، گالری‌های خیابانی، مراکز آموزشی و غیره در راستای احیا و بازآفرینی محدوده‌های بافت مرکزی شهر یزد کمک می‌نمایند. در کنار پیامدهای مثبت گردشگری در بافت تاریخی و قدیم شهر یزد، مشخص شد که جریان توسعه گردشگری با افزایش کیفیت بافت کالبدی محلات همراه بوده است. از طرفی نتایج به‌دست‌آمده از نظرات مردم و کارشناسان نشان داد که تجربه توسعه گردشگری باعث ادامه سیاست‌گذاری‌های احیا و مرمت بناهای تاریخی و افزایش نوسازی بافت‌های فرسوده شده است و از طرف دیگر مردم و کارشناسان با تجربه قبلی از ورود مثبت گردشگر به بازآفرینی شهری حمایت می‌کنند. برخی از مؤلفه‌ها در کنار تأثیرات مثبت گردشگری، تأثیرات فزاینده‌ای نیز در آینده خواهند داشت. در آثار زیست‌محیطی گردشگری مشخص شد که گردشگران در حین پاسخ به سؤال‌های بسته به ذکر پیشنهادهایی نیز پرداختند که تحلیل نتایج آنها نشان داد که برخی از مؤلفه‌ها در کوتاه‌مدت با آثار منفی مواجه می‌باشند؛ اما در طولانی‌مدت به پیامد مثبت و پایدار در بازآفرینی شهری منجر می‌شوند. از جمله این آثار، افزایش آلودگی و بهداشت محیط با افزایش تعداد گردشگران در بافت تاریخی همراه شد؛ یعنی به مرور زمان و با مدیریت بهینه و استفاده از تکنولوژی‌های جدید میزان آلودگی کاهش و بهداشت محیط نسبت به قبل از بازآفرینی این بافت‌ها حتی بیشتر هم شد. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل مدل SOAR نشان داد که مهمترین عامل گردشگری از نظر افراد مطالعه شده، مشارکت ساکنان بافت در برنامه‌ها و طرح‌های گردشگری و بازآفرینی شهری و ایجاد مکان‌های تفریحی برای جذب و ماندگاری بیشتر گردشگران است. این نتایج با چهارچوب نظریات بازآفرینی پایدار شهری انطباق دارد. از آنجا که تفاوت بازآفرینی شهری با بازآفرینی پایدار شهری در بکارگیری حداکثر اجتماع محلی و مشارکت افراد ذینفع در برنامه‌ریزی شهری است، نتایج این پژوهش نیز نشان داد که این عامل می‌تواند بازآفرینی در بافت

قدیم شهر یزد را با پایداری بیشتری همراه سازد. لذا جهت نیل به پایداری شهر پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزش گردشگری در زمینه‌های بازار و بازاریابی و گردشگری سبز و همچنین گروه‌های بحث و بررسی در سطح محلات برای مشارکت مردم و زمینه‌سازی سرمایه‌گذاری بیشتر مردم فراهم گردد. پیشنهاد می‌شود در کنار تبدیل خانه‌های قدیمی به خانه‌های بوم‌گردی برای فعالیت بیشتر مردم و ارتباط بیشتر گردشگران و زندگی اجتماعی - سنتی زمینه مهمانپذیری در خانه‌های مردم فراهم گردد.

منابع

۱. الهی منش، محمدحسن و ماه خاتون سیدباقر حسینی نژاد و محسن یاسمی (۱۳۹۷) نقش اقتصادی گردشگری در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر بندر عباس). فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص ۳۳-۴۲.
۲. بابایی فرد، اسداله و امین حیدریان (۱۳۹۵) گردشگری فرهنگی و توسعه پایدار شهری با تأکید بر بازآفرینی بافت‌های فرسوده تاریخی. همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری، دانشگاه کاشان، دوره ۱۱-۱۷.
۳. بحرینی، سیدحسین، محمدسعید ایزدی و مهرنوش مفیدی (۱۳۹۳) رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۹، صص ۱۹، ۲۰، ۲۲.
۴. پوراحمد، احمد و مهناز کشاورز و اسماعیل علی اکبری و فرامرز هادوی (۱۳۹۶) بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمدی شهری مورد مطالعه (منطقه ۱۰ شهر تهران). "آمایش محیط ۱۰ (۳۷)، صص ۹۴-۱۶۷.
۵. زنگی آبادی، علی و مهدی عبدالله زاده و امید مبارکی و لاله پورعیدی و نند (۱۳۹۱) بررسی و تحلیل فضاهای گردشگری شهر ارومیه. فضای جغرافیایی، دوره ۱۲، شماره ۳۹، صص ۷۷-۹۳.
۶. زنگی آبادی، علی و سعیده مؤیدفر (۱۳۹۱) رویکرد بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده: برزن شش بادگیری شهر یزد. فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۹۷-۳۱۳.
۷. عزیزی، محمد مهدی و بهاره بهرا (۱۳۹۶) نقش پروژه‌های محرک توسعه در بازآفرینی بافت مرکزی شهرها: نمونه مطالعاتی، بافت تاریخی شهر یزد، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۴، دوره ۲۲، صص ۵-۱۶.
۸. فنی، زهره و محمد طولی علیزاده (۱۳۹۳) تأثیرات گردشگری بر توسعه پایدار شهری از نظر ساکنان (مورد مطالعه: جزیره قشم). فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۳۹-۷۲.
۹. فرجی مولایی، امین (۱۳۸۹) انواع روش‌های مداخله در بهسازی و نوسازی شهری، ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و

24. Neuma, W. (2007) Social research methods, 6th ed. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education, London.
25. Shahbani, Pouian (2004) "Health and Sustainable Urban Development." *Shahrsaz Journal*, 3 36- 40.
26. Tosum, C. (2001) "Challenge of Sustainable Tourism Development in the Developing World." *Tourism Management*, 22 289- 303.
27. WHO. (2001) International Cultural Tourism Charter, Managing Tourism at Place of Heritage Significance. Mexico: World Tourism Organization Press.
10. Azadeh Lak; Mahdi Gheitasi & Dallen J. Timothy (2020) Urban regeneration through heritage tourism: cultural policies and strategic management. *Journal of Tourism and Cultural Change*, Volume 18,- Issue 4, Pages 386- 403.
11. Alpopi, C., & Manole, C (2013) integrated urban regeneration, solution for cities revitalize, *Procedia Economics and Finance*, 6, pp. 178–185.
12. Butler, Richard W (1999) Sustainable tourism: A state-of-the-art review, *Tourism Geographies*, 1, 7- 25.
13. Choi, H. C., & Sirakaya, E (2006) Sustainability indicators for managing community tourism. *Tourism management*, 27(6), 1274–1289.
14. Colantonio, A, and R.B. Potter (2006) Urban Tourism and development in the socialist state. London: ashgate.
15. Ertan, Tugce; Egercioğlu, Yakup. (2016). "Historic City Center Urban Regeneration: Case of Malaga and Kemeralti, Izmir". *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 223, 601- 607.
16. Eva Vanista Lazarevic, Arch Boris Koruznjak and et al (2016) Culture Design- Led regeneration as a tool used to regenerate deprived areas, Belgrad- The savamala Quarter reflection on an unplanned cultural zone, *Energy and buildings*, Elsevier.
17. Gee, C.Y. (1994) "Residents Attitudes Towards Tourism: a longitudinal study." *Spey Valley Scotland Tourism Management*, 15(4) 247- 258.
18. Godet, M. (2008) Strategic Foresight, Lipsor Working Paper, France, Paris.
19. Granata, Maria Fiorella; Scavone, Valeria. (2016). "A description model for regeneration through urban tourism in rural towns with underused historic real estate". *Social and Behavioral Sciences*, 223, 349 – 356.
20. Harssel, V (1994) *Tourism an Exploration*. London: Printic.
21. King, B, A Pizam, and a Milman (1993) "Social Impacts of Tourism." *Host Perceptions Annals of Tourism Research* 17, 449- 465.
22. La Rosa, D & Privitera, R, etc. (2017) Assessing spatial benefits of urban regeneration programs in a highly vulnerable urban context: A case study in Catania, Italy, *Landscape and urban planning*, Vol 157, pp 180 – 192.
23. Nicholas Wise, (2018) *Tourism and Social Regeneration*,

اثر جهانیابی اجتماعی - فرهنگی گردشگران بر قصد بازدید آنان از خانه‌های سنتی شوشتر

یزدان شیرمحمدی*، مهران شهرستانی**

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹)

چکیده

هدف این پژوهش بررسی اثر جهانیابی فرهنگی و اصالت خانه‌های سنتی شوشتر، بر قصد بازدید گردشگران از خانه‌های سنتی شوشتر است. در این تحقیق، جهان‌بینی فرهنگی و اصالت بر فرایند قصد رفتاری گردشگران در بازدید از خانه‌های سنتی، با بهره‌گیری از متغیرهای مدل رفتار هدفمند و با رویکردی میان‌رشته‌ای، مورد سنجش قرار گرفته است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جزو تحقیقات توصیفی پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر از بین گردشگران بازدیدکننده از خانه‌های سنتی شوشتر، تعیین و انتخاب گردید. تحلیل‌های آماری نیز با استفاده روش معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و PLS انجام شده است. برای آزمون فرضیه‌ها p-value کوچکتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. برای پایایی پرسشنامه، از سه معیار ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی و برای روایی پرسشنامه، از روایی همگرا و صوری استفاده گردید. جهت بررسی روابط بین متغیرها (جهان‌بینی فرهنگی، اصالت، نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، احساسات پیش‌بینی شده مثبت و منفی، میل و قصد رفتاری) از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که جهان‌بینی فرهنگی و اصالت، به واسطه متغیرهای مدل رفتار هدفمند می‌توانند، نقش مؤثری در ایجاد میل در قصد رفتاری گردشگران، در روند تصمیم‌گیری بازدید از خانه‌های سنتی شوشتر، داشته باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که حفظ اصالت مقصد گردشگری، یک عامل مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری تصویر مثبتی از مقصد و بازدید از مناطق فرهنگی و تاریخی است.

واژگان کلیدی: اصالت، فرهنگ، خانه سنتی، شوشتر، گردشگری

مقدمه

گردشگری^۱، صنعتی جذاب و مطرح در جهان است که اقتصاد مبتنی بر آن می‌تواند، نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشورها ایفا کند. بر اساس گزارش شورای جهانی گردشگری^۲ در سال ۲۰۱۹، بخش سفر و جهانگردی توانست ۱۰/۴٪ از تولید ناخالص داخلی^۳ جهانی را به خود اختصاص دهد. سهمی که به دلیل محدودیت‌های مداوم بحران کووید ۱۹ در سال ۲۰۲۰ به ۵/۵٪ کاهش یافت و منجر به از دست رفتن ۶۲ میلیون شغل گردید (شورای جهانی گردشگری، ۲۰۱۹) هویت شهری نقش محوری در جذب گردشگر دارد. در این بین شهر شوشتر دارای هویت منحصر به فردی است. هویت شهری شوشتر را می‌توان از سه بُعد تاریخی (معنایی)، جغرافیایی (کالبدی) و کارکردی، مورد سنجش قرار داد (صفرنژاد و کریمی‌آذری، ۱۳۹۵). از آنجا که مهم‌ترین هدف در صنعت گردشگری، جذب هرچه بیشتر گردشگران برای دیدن کشور، منطقه یا محلی خاص است، بنابراین باید مؤلفه‌های مؤثر در جذب گردشگران به خوبی شناسایی شوند (شیرمحمدی، ۱۳۹۹). از سویی دیگر، شهر شوشتر توانست در جدیدترین رویداد نشریه بین‌المللی - تخصصی ۲۸⁺، در ۲۹ مهرماه ۱۴۰۰، عنوان «شهر کامل^۴» شهر موزه-تاریخی به خود اختصاص دهد؛ وقتی شهری این عنوان را به دست می‌آورد، در بُعد ملی و تعاملات بین‌المللی از جمله پیوندهای خواهرخواندگی و سایر موارد، حائز اهمیت خواهد بود. با تمام این شاخص‌ها و ویژگی‌های شهری مثبت، شهرستان شوشتر دارای نقاط ضعفی از جمله بیکاری می‌باشد که توسعه گردشگری می‌تواند این نقاط ضعف را تا حدی برطرف کند. بنابر گزارش مرکز آمار ایران، میزان نرخ بیکاری جمعیت فعال استان خوزستان، در تابستان سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۱۴/۳٪ بوده از میزان میانگین کشوری (۹/۶٪) بالاتر بوده است که پس از استان هرمزگان، دومین استان با جمعیت فعال بیکار به شمار می‌رود و میزان بیکاری شهرستان شوشتر در زمان نگارش این مقاله حدود ۲۱۵۰۰ نفر برآورد می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). مبنای انتخاب موضوع تحقیق به این دلیل است که بازدید از خانه‌های سنتی، کمتر مورد توجه پژوهشگران حوزه گردشگری قرار گرفته است، از طرف دیگر گردشگران فرهنگی از مهم‌ترین بخش‌های صنعت گردشگری است، گردشگران فرهنگی خواهان تجربه گردشگری در مقاصد میراثی هستند و شوشتر نیز مؤلفه‌های فراوان توسعه مراکز اقامتگاه‌های سنتی را داراست (همان) جذب سرمایه‌گذاری و احیاء خانه‌های تاریخی و سنتی شهرستان شوشتر، علاوه بر ایجاد اشتغال پایدار، موجب افزایش کیفیت خدمات مراکز اقامتی و پذیرایی سنتی و کاهش هزینه‌ها برای اقامت بیشتر گردشگران می‌شود که در نهایت، می‌تواند این شهرستان را به قطب اقامتی شمال خوزستان تبدیل نمود. از طرف دیگر امروزه رضایت اهمیت زیادی

در صنایع خدماتی دارد (شیرمحمدی و آبیاریان^۵، ۲۰۱۹). لذا این پژوهش با بهره‌گیری از جهان‌بینی و اصالت و متغیرهای مدل رفتار هدفمند^۶، که شامل نگرش^۷، هنجار ذهنی^۸، کنترل رفتاری درک شده^۹ و احساسات پیش‌بینی شده، نقش میل^{۱۰} و قصد رفتاری^{۱۱} گردشگران را در انتخاب خانه‌های سنتی^{۱۲} شوشتر، برای بازدید و اقامت گردشگران، مورد سنجش قرار داده است، موضوعی که در هیچ کدام از پژوهش‌های پیشین به آن پرداخته نشده است؛ بنابراین، هدف این مقاله بر این محور استوار است که جهان‌بینی فرهنگی و اصالت، چه تأثیر بر فرآیند قصد رفتاری گردشگران در بازدید از خانه‌های سنتی شوشتر دارد و نکته دیگر آنکه دیگر بر اساس آماری که پیشتر اشاره شد، میزان جمعیت بیکار در شهرستان شوشتر، بالاتر از میانگین کشوری است که می‌بایست با ایجاد بستر سرمایه‌گذاری در احیاء خانه‌های تاریخی و سنتی شوشتر، علاوه بر ایجاد اشتغال پایدار، موجب افزایش کیفیت خدمات مراکز اقامتی و پذیرایی سنتی برای اقامت بیشتر گردشگران فراهم آورد که در نهایت، بتوان این شهرستان را به قطب اقامتی شمال خوزستان تبدیل نمود. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند، به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران صنعت گردشگری کمک کند که عواملی که منجر به بهبود رضایت گردشگران و در نهایت افزایش تعداد گردشگران و توسعه گردشگری در شهر شوشتر می‌شود را مد نظر قرار دهند. با توجه به موارد فوق فرضیات پژوهش به قرار زیر است:

- فرضیه ۱: جهان‌بینی فرهنگی، بر نگرش گردشگران، تأثیر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه ۲: جهان‌بینی فرهنگی، بر هنجار ذهنی گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه ۳: جهان‌بینی فرهنگی، بر کنترل رفتاری درک شده گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه ۴: جهان‌بینی فرهنگی، بر احساسات پیش‌بینی شده مثبت، اثر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه ۵: جهان‌بینی فرهنگی، بر احساسات پیش‌بینی شده منفی گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه ۶: اصالت بر نگرش گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه ۷: اصالت بر هنجار ذهنی گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه ۸: اصالت، بر کنترل رفتاری درک شده گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
- فرضیه ۹: اصالت، بر احساسات پیش‌بینی شده مثبت گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.

5 Shirmohammadi & Abyaran

6 . Model of Goal-directed Behavior (MGB)

7. Attitude

8. Mental Norm

9 . Perceived behavioral control

10 . Desire

11 . Intention of Tourists Behavior

12. Traditional houses

1. Tourism

2. World Travel & Tourism Council (WTTC)

3. Gross Domestic Product (GDP)

4. Paragon City

میراث فرهنگی و درک فرهنگ است (کانگ^{۱۳}، لی^{۱۴} و لی، ۲۰۱۶).
اصالت^{۱۵} برند مقصد گردشگری: در صنعت گردشگری، اصالت به معنای ارزشی است که گردشگران و میزبانان برای مقاصد و رویدادهای فرهنگی قائل هستند (شیرمحمدی و هاشمی باغی^{۱۶}، ۲۰۲۱). در واقع اصالت مفهومی است که برای درک تجارب سفر و رضایت گردشگران از اماکن تاریخی و فرهنگی بکار می‌رود (لو^{۱۷}، چی^{۱۸} و لیو^{۱۹}، ۲۰۱۵؛ کولار^{۲۰} و زابکار^{۲۱}، ۲۰۱۰) و میل به تجربه اصیل، علاوه بر نوستالژی و تمایز اجتماعی، از انگیزه‌های اساسی گردشگران میراثی است (لئونگ^{۲۲}، ۲۰۱۶؛ لو و همکاران، ۲۰۱۵)؛ بنابراین می‌توان گفت که اصالت، یک عامل مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری تصویر مثبتی از مقصد است (فراست^{۲۳}، ۲۰۰۶). هر چند که اصالت با جهان‌بینی فرهنگی، پیوند نزدیکی دارد، ولی پژوهش‌های کمی درباره نقش این دو مفهوم در روند تصمیم‌گیری گردشگران در بازدید از مقاصد میراثی، انجام شده است (وی^{۲۴}، دای^{۲۵}، خو^{۲۶} و وانگ، ۲۰۲۰). اصالت فرهنگی نیز به عنوان یک عامل پیشرو در تجربه گردشگری فرهنگی می‌باشد (ژانگ، لی، لیو و ران^{۲۷}، ۲۰۱۹). ویژگی‌های مربوط به مکان، اشیاء، معماری، غذا، پوشاک و هر آنچه که متعلق به مقصد گردشگری است، می‌تواند اصالت درک شده گردشگران را افزایش دهد (یون^{۲۸} و کیم^{۲۹}، ۲۰۱۷)؛ پس اصالت، جزئی از هویت میراثی است. تصویر کلی مقصد بر حس منطقی و احساسی گردشگر در یک مقصد گردشگری اشاره دارد و در نتیجه ترکیبی از تصویر شناختی و عاطفی شکل می‌یابد (شیرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

ژو^{۳۰} (۲۰۱۵) بر این باور است که «احراز هویت، یک استراتژی حاکمیتی برای مشروعیت بخشیدن به ارزش‌های اقتصادی، اخلاقی و زیبایی‌شناختی مقصد است». در فرآیند احراز هویت، شخص یا سازمانی که از قدرت برخوردار است، نقش بسزایی دارد (لوگوسی^{۳۱}، ۲۰۱۶). ویل جون^{۳۲} و هناما^{۳۳} (۲۰۱۷)، به این نتیجه رسیدند که

13. Kang
14. Lee
15. Authenticity
16. Shirmohammadi & Hashemi Baghi
17. Lu
18. Chi
19. Liu
20. Kolar
21. Zabkar
22. Leong
23. Frost
24. Wei
25. Dai
26. Xu
27. Ruan
28. Youn
29. Kim
30. Zhu
31. Lugosi
32. Viljoen
33. Henema

فرضیه ۱۰: اصالت، بر احساسات پیش‌بینی شده منفی گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
 فرضیه ۱۱: نگرش گردشگران بر میل به سفر گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
 فرضیه ۱۲: هنجار ذهنی، بر میل به سفر گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
 فرضیه ۱۳: کنترل رفتاری درک شده، بر میل به سفر گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
 فرضیه ۱۴: احساسات پیش‌بینی شده مثبت، بر میل به سفر گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
 فرضیه ۱۵: احساسات پیش‌بینی شده منفی، بر میل به سفر گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد.
 فرضیه ۱۶: میل به سفر گردشگران بر قصد رفتاری (قصد سفر)، اثر مثبت و معناداری دارد.

مبانی نظری

فرهنگ به طور خاص، ترکیبی پیچیده از ارزش‌های فرهنگی هر کشوری است که نه به عنوان برداشت فردی، بلکه به عنوان شاخصی کشوری، بر رفتار گردشگران اثر می‌گذارد (هسو، وودساید^۱ و مارشال^۲، ۲۰۱۳). فرهنگ، بر نگرش، انگیزه‌ها و انتخاب‌های گردشگران تأثیر می‌گذارد و رفتار آنها را شکل می‌دهد (بن دالیا^۳، کالینز-نررن^۴ و چرچمن^۵، ۲۰۱۳)؛

جهان‌بینی فرهنگی^۶ (CW): جهان‌بینی فرهنگی، یک سیستم اعتقادی (کلامی و شفاهی) درباره فرهنگ افراد است (ریچاردز^۷، ۲۰۱۸). با توجه به مزیت انعطاف‌پذیری جهان‌بینی فرهنگی در مقاصد گردشگری فرهنگی و میراثی (چوی^۸ و فیلدینگ^۹، ۲۰۱۶)، جذب نگرش گردشگران و بررسی ارتباط آنها با ارزش‌های فرهنگی، زمینه‌ساز شناخت بیشتر پژوهشگران از اهداف رفتاری گردشگران میراثی است. جهان‌بینی فرهنگی، دارای سه بُعد است؛ اولین بعد، «حفظ / هویت^{۱۰}» می‌باشد که اختصاص به اهمیت و حفظ میراث فرهنگی و یادگیری فرهنگ سنتی دارد. بعد دوم، «وابستگی ملموس^{۱۱}» است که برای آگاهی و حفظ معماری، موسیقی، پوشاک و غذاهای سنتی، دارای اهمیت است و بعد سوم، «فهم / نگرانی^{۱۲}» است که مربوط به دغدغه حفظ فرهنگ سنتی و

1. Woodside
2. Marshall
3. Ben-Dalia
4. Collins-Kreiner
5. Churchman
6. Cultural Worldview (CW)
7. Richards
8. Choi
9. Fielding
10. ICW
11. TCW
12. UCW

بازدیدکنندگان، علاقه‌مند به جستجوی تجربیات از منابع با اصالت و معتبر در مقاصد میراث فرهنگی هستند. عوامل و متغیرهای بسیاری از جمله تصویر برند، کیفیت خدمات، ارزش درک شده، تأثیرات مثبتی بر وفاداری گردشگران دارند (شیرمحمدی و آبیاریان، ۲۰۲۰).

مدل رفتار هدفمند (MGB): این مدل، توسعه یافته مدل عمل منطقی (TRA) و مدل رفتار برنامه‌ریزی شده (TPB)، است که به عنوان یک چارچوب نظری برای درک و توصیف فرایندهای پیچیده تصمیم‌گیری رفتار هدفمند گردشگران بکار می‌رود (ریچتین^۱، پروگینی^۲، ادجالی^۳ و هورلینگ^۴، ۲۰۰۸؛ تایلور^۵، ایشیدا^۶ و والاس^۷، ۲۰۰۹). مدل رفتار هدفمند، یک مدل مبتنی بر نگرش است و قصد رفتاری را بهتر از مدل عمل منطقی و مدل رفتار برنامه‌ریزی شده، توضیح می‌دهد (سونگ^۸، یو^۹، رسینگر^{۱۰}، نگرش در گردشگری، درجاتی از رضایت یا نارضایتی بازدیدکنندگان، تمایلات روانی و ارزیابی تجارب خاص سفر را توصیف نموده (کیات کاوسین^{۱۱} و هان^{۱۲}، ۲۰۱۷) و رفتارهای انسان را شکل می‌دهد (هان، هوانگ^{۱۳}، لی و کیم، ۲۰۱۹). نگرش و هنجار ذهنی بازدیدکنندگان نسبت به فرهنگ مقصد، محور تجربه گردشگری را شکل می‌دهد (ژانگ، کیم و زینگ^{۱۴}، ۲۰۲۰). لوریو^{۱۵} (۲۰۱۴) نیز به این نتیجه رسید که نگرش گردشگران می‌تواند، منجر به بروز احساسات مثبت یا منفی در مورد رویدادهای مرتبط با گردشگری شود که تأثیرات مثبت آن‌ها، به تمایل بازدید مجدد یا توصیه مقاصد به دیگران منجر خواهد شد. هنجار ذهنی، از دیگر متغیرها اثر گذار بر رفتار هدفمند می‌باشد که عامل شکل‌گیری میل است (سونگ، لی، نورمن^{۱۶} و هان، ۲۰۱۱). میل، نقطه آغازین تصمیم‌گیری است (کابر^{۱۷} و آلبایراک^{۱۸}، ۲۰۱۶) و نقش مهمی در روند تصمیم‌گیری گردشگران برای سفر دارد (سونگ^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۴). در مدل رفتار هدفمند، قصد انجام یک رفتار، ناشی از تمایل به انجام آن رفتار است و بروز یک میل رفتاری، حاصل تأثیرات نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده و

احساسات پیش‌بینی شده است (ریچتین و همکاران، ۲۰۰۸). در بررسی رفتار گردشگران تحلیل انگیزه‌های رفتاری گردشگران مهم است. انگیزه‌های سفر بر اساس برخی پژوهش‌های شامل عوامل رانشی و کششی می‌شود (شیرمحمدی و عطری^{۲۰}، ۲۰۲۱).

پیشینه پژوهش

این پژوهش، پیشینه داخلی ندارد و آنچه به عنوان پیشینه داخلی بیان می‌شود، مطالعاتی است که پیرامون گردشگری شهرهای تاریخی و مؤلفه‌های اقلیمی، معماری و اقامتی خانه‌های سنتی ایران انجام شده است. در بخش مطالعات خارجی، چندین پژوهش مشابه در کره جنوبی و چین به سرانجام رسیده است که مبنای پژوهش مقاله حاضر است.

چیو^{۲۱} و چو^{۲۲} (۲۰۲۱)، پژوهشی با اساس مدل رفتار هدفمند در جهانگردی انجام دادند؛ یافته‌ها نشان داد که رفتار گردشگر، از نظر درک کیفیت خدمات، انگیزه و رفتارهای مختلف مرتبط با سفر، بستگی به ویژگی‌های فرهنگی مقصد دارد. لی و همکاران^{۲۳} (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای، نقش جهان‌بینی فرهنگی در پیش‌بینی قصد رفتاری گردشگران میراث فرهنگی با استفاده از دو مدل عمل منطقی (TRA) و رفتار برنامه‌ریزی شده (TPB) را مورد سنجش قرار دادند که نتایج نشان داد هنجار ذهنی، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده قصد رفتاری در بین گردشگران میراث فرهنگی است. آنان با استفاده از مدل رفتار هدفمند، به بررسی نقش جهان‌بینی فرهنگی و اصالت در فرآیند تصمیم‌گیری گردشگران در استفاده از خانه‌های سنتی هانوک در کره جنوبی پرداختند؛ نتایج پژوهش آنان نشان داد متغیرهای مدل، به واسطه میل و قصد رفتاری، تأثیر زیادی در روند تصمیم‌گیری گردشگران دارند. کانگ و همکاران (۲۰۱۶)، نیز در پژوهشی به سنجش ادراکات و رفتارهای گردشگران بین‌المللی اقامت‌کننده در خانه‌های سنتی کشور کره جنوبی، از دیدگاه جهان‌بینی فرهنگی پرداختند؛ یافته‌ها پژوهش‌های آنان نشان داد که دیدگاه فرهنگی چهار گروه از گردشگران کشورهای مختلف، با هم متفاوت است. پارک^{۲۴} و همکاران (۲۰۱۹) هم در پژوهشی به بررسی چگونگی تأثیر اصالت بر رضایت گردشگران میراثی پرداختند که نتایج نشان داد، رضایت گردشگران از تجربه یک اصالت، مهم‌ترین عامل وفاداری آنان برای قصد بازدید مجدد است. کیانی‌سلمی و همکاران (۱۳۹۸)، مطلوبیت اقامتگاه‌های سنتی کاشان را از دیدگاه گردشگران شهری، مورد سنجش قرار دادند که نتایج نشان داد، امکانات و تجهیزات به عنوان یک شاخص، بر مطلوبیت اقامتگاه‌ها تأثیر گذار است. اسعدی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی، کیفیت خدمات هتل‌های سنتی یزد را از دیدگاه گردشگران داخلی، مورد سنجش قرار دادند که مشخص

1. Richetin
2. Perugini
3. Adjali
4. Taylor
5. Ishida
6. Wallace
7. Song
8. You
9. Reisinger
10. Kiatkawsin
11. Han
12. Hwang
13. Xing
14. Loureiro
15. Norman
16. Caber
17. Albayrak
18. Song

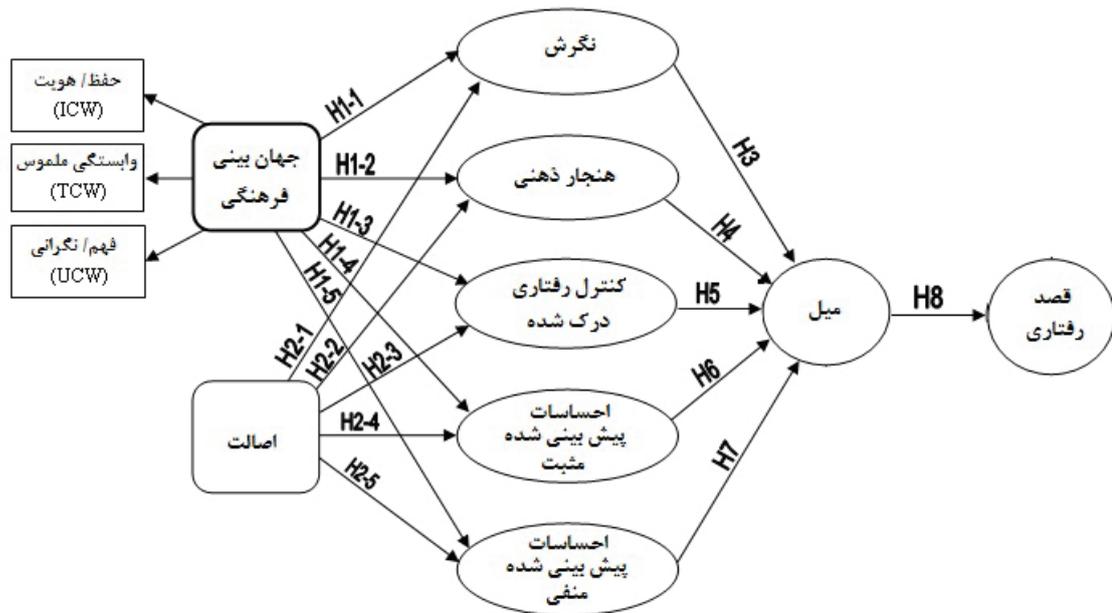
19. Shirmohammadi & Atri

20. Chiu

21. Cho

22. Lee et al

23. Park



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (مأخذ: چونگ کی لی و همکاران، ۲۰۲۰).

نظری برای توصیف فرایندهای تصمیم‌گیری رفتار هدفمند و مدل توسعه یافته مدل عمل منطقی (TRA) و مدل رفتار برنامه‌ریزی شده (TPB) می‌باشد که اولین بار توسط پروگینی^۸ و باگوزی^۹ (۲۰۰۱) ارائه گردیده است. مدل این پژوهش از متغیرهای نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، احساسات پیش‌بینی شده مثبت و منفی، میل و قصد رفتاری، تشکیل شده است که اثر این متغیرها را بر اهداف رفتاری افراد، بررسی می‌کند (پروگینی و باگوزی، ۲۰۰۱). این مدل درک فرآیندهای پیچیده تصمیم‌گیری در بین عناصر مختلف دیدگاه‌های روانشناختی را گسترش و تعمیق می‌دهد و به طور قابل توجهی، قدرت پیش‌بینی رفتار انسان را بهبود می‌بخشد.

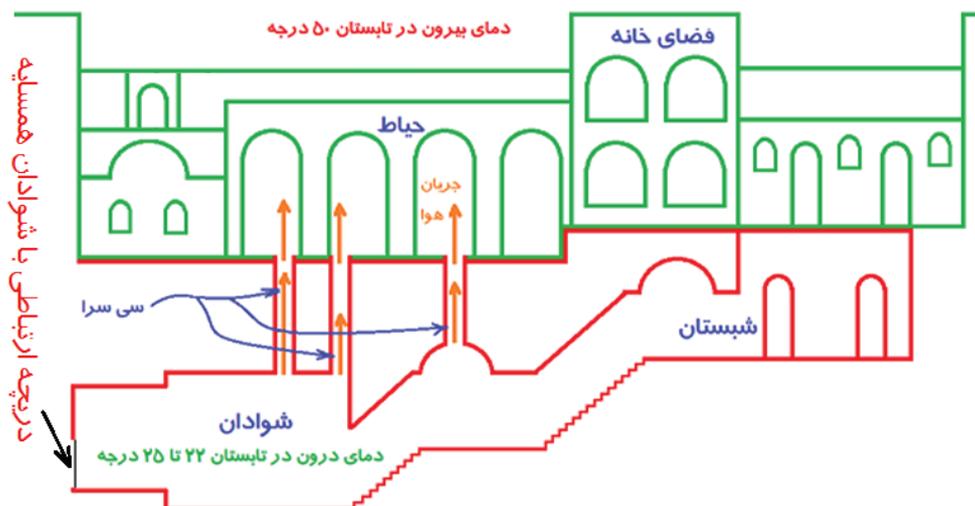
در مدل رفتار هدفمند، نه تنها عناصر شناختی، بلکه عناصر عاطفی نیز در فرایند تصمیم‌گیری مهم هستند. الام^{۱۰} و پالمرا^{۱۱} (۲۰۰۶)، نیز بر این باور هستند که مدل رفتار هدفمند، اهمیت میل را به عنوان واسطه بین مفاهیم نگرش و قصد رفتاری، نشان می‌دهد. در مدل رفتار هدفمند، قصد انجام یک رفتار در درجه اول، ناشی از تمایل به انجام آن رفتار است و این فرض وجود دارد که یک میل رفتاری، تأثیرات نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده و احساسات پیش‌بینی شده را نشان می‌دهد (ریچتین و همکاران، ۲۰۰۸). از آنجا که مدل رفتار هدفمند می‌تواند، فرآیند تصمیم‌گیری را با دقت بیشتری پیش‌بینی کند، در بسیاری از زمینه‌های علوم اجتماعی می‌تواند، کاربرد داشته باشد و صنعت جهانگردی نیز از آن برای تجزیه و تحلیل قصد رفتاری گردشگران استفاده می‌کند (کیم و کیم، ۲۰۱۴ و سونگ و همکاران، ۲۰۱۴).

شد، وجود امکانات فیزیکی در هتل، خواسته اول گردشگران، است. جانی و دنیابین (۱۳۹۶)، نیز در پژوهشی دیگر، عوامل موثر بر طول اقامت گردشگران ملی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که عوامل طرف عرضه (امکان اقامتی و تعداد تخت مراکز درمانی) و جاذبه‌های گردشگری فرهنگی و طبیعی استان‌ها، بر تعداد و طول اقامت گردشگران، تأثیر مثبت و معناداری دارند. سرابی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی، به بررسی جایگاه گردشگری تاریخی یزد با تأکید بر خانه‌های سنتی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که جذابیت خانه‌های سنتی برای گردشگران، در جایگاه اول علاقه‌مندی گردشگران قرار دارد.

در این پژوهش نقش جهان‌بینی اجتماعی - فرهنگی گردشگران در قصد بازدید آنان از خانه‌های سنتی در یک مدل جدید و محقق ساخته تحلیل شده است. از طریق این مدل، جهان‌بینی فرهنگی و اصالت، به واسطه متغیرهای مدل رفتار هدفمند (نگرش^۱، هنجار ذهنی^۲، کنترل رفتاری درک شده^۳ و احساسات پیش‌بینی شده مثبت و منفی^۴ و قصد رفتاری گردشگران^۵) در روند تصمیم‌گیری بازدید از خانه‌های سنتی^۶، اثر دارد و جهان‌بینی فرهنگی، بر حفظ و هویت، پیوست ملموس و فهم و نگرانی‌ها، اثر مستقیم می‌گذارد (شکل ۱). در واقع هدف این پژوهش بررسی اثر جهان‌بینی فرهنگی و اصالت، به واسطه متغیرهای مدل رفتار هدفمند (نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری درک شده و احساسات پیش‌بینی شده مثبت و منفی)، در ایجاد میل سفر است، این مدل، به عنوان یک چارچوب

1. Attitude
2. Mental norm
3. Perceived behavioral control
4. Predicted positive and negative emotions
5. Desire
6. Intention of tourists behavior
7. Traditional houses

8. Perugini
9. Bagozzi
10. Ellam
11. Palmer



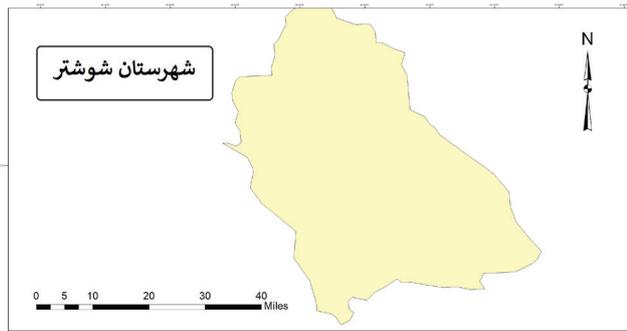
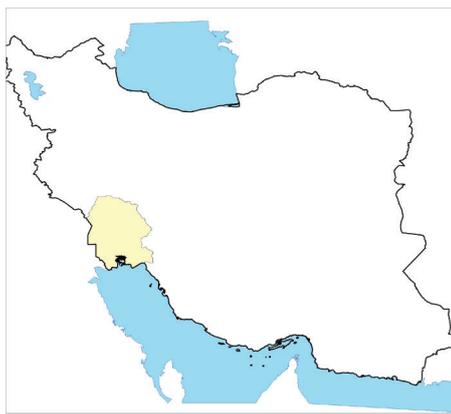
تصویر شماره ۱: فضاهای زیرزمینی خانه‌های سنتی شوشتر و شیوه تهویه هوای آن (حیاتی و اسفندیاری ۱۳۹۵)

بنابراین، پژوهش حاضر یک مدل رفتار پیشرفته‌تر با قدرت تبیین بهبود یافته، نسبت به مدل‌های قبلی است. مطالعات پیشین گردشگری نشان داده‌اند که میل، نقطه شروع تصمیم‌گیری جهانگردان است و نقش مهمی در روند تصمیم‌گیری گردشگران برای سفر دارد (لی و همکاران، ۲۰۱۲؛ سونگ و همکاران، ۲۰۱۴). با توجه به وجود تاریخ، فرهنگ و معماری غنی شوشتر و خانه‌های سنتی، می‌توان اینگونه استنباط کرد که جهان‌بینی فرهنگی و اصالت، به واسطه متغیرهای مدل رفتار هدفمند (نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری درک‌شده و احساسات پیش‌بینی شده مثبت و منفی)، می‌توانند، نقش مؤثری در ایجاد میل در قصد رفتاری گردشگران، در روند تصمیم‌گیری بازدید از خانه‌های سنتی شوشتر، داشته باشند. (شکل ۱).

محدوده مورد مطالعه

شهرستان شوشتر، به دلیل قدمت و پیشینه تاریخی کهن، بیش از هر شهر دیگری در استان خوزستان، دارای جاذبه‌های تاریخی و طبیعت گردی می‌باشد. شهرستان شوشتر دارای حدود ۳۵۰ اثر ثبت ملی و ۱۳ سند تاریخی در فهرست میراث فرهنگی کشور است. بافت تاریخی شوشتر مشتمل بر ۲۲۱ هکتار از ۴۴۷ هکتار بافت تاریخی خوزستان، که دارای بافتی بسیار متراکم و فشرده است و این شهر را در ردیف شهرهای دارای بافت تاریخی غنی همانند یزد، اصفهان، شیراز و تبریز قرار داده است که با توجه به بهم پیوستگی بافت و قرارگیری در محدوده آثار تاریخی، دارای پتانسیل فراوان برای توسعه مراکز پذیرایی و اقامتی سنتی در شوشتر است. شهری مملو از خانه‌های تاریخی سنتی (دارای فضاهای زیرزمینی شبستان و شوادان)، که دارای غنی‌ترین منابع و جاذبه‌های گردشگری فرهنگی و طبیعت گردی در شمال خوزستان است. وجود یک اثر ثبت جهانی (آسیاب‌ها و آبشارها) و نزدیکی به دو اثر ثبت جهانی

دیگر (چغازنبیل و شوش)، مؤلفه‌های بومی فراوان (همجواری با سرزمین بختیاری و ایل راه‌ها، گویش شوشتری و موسیقی سنتی، صنایع دستی، پوشاک، خوراکی‌ها و غذاهای محلی) و خاستگاه مهم‌ترین رویدادهای تاریخی، همجواری با شرکت کشت و صنعت کارون، نزدیکی به سد گتوند و سد شهید عباسپور مسجدسلیمان، این شهرستان را نسبت به سایر شهرهای استان خوزستان، متمایز می‌نماید. بافت تاریخی، در هسته مرکزی شهرها قرار دارد که با حافظه تاریخی و هویت اجتماعی شهری، پیوند ناگسستنی دارد. از دیگر جاذبه‌های گردشگری شوشتر خانه‌های سنتی آن است. در حال حاضر چهل و چهار خانه‌سنتی در شوشتر وجود دارد که در حال حاضر چهار خانه از این تعداد به عنوان اقامتگاه گردشگران مورد استفاده قرار می‌گیرند و حدود چهل خانه هم قدیمی نیز وجود دارد که قابلیت تبدیل شدن به اقامتگاه رو دارند. این خانه‌های سنتی بافت تاریخی شهرستان شوشتر پراکنده می‌باشند. خانه‌های سنتی شوشتر، خانه‌هایی نیمه درون‌گرا و حیاط محور هستند که اغلب در اطراف معابر فرعی قرار دارند و دیگر خانه‌ها، مطابق با این سبک و معماری ایرانی، بنا شدند. نمای خانه‌ها، متشکل از تزئینات خشتی یا آجری است (قریب، ۱۳۷۴). از منظر دیگر ویژگی‌های خانه‌های سنتی شوشتر، تفاوت‌هایی با خانه‌های سنتی در شهرهای دیگر دارند؛ هم‌ترازی سطح حیاط خانه و خیابان، عدم وجود تقارن و مرکزگرایی، نداشتن گودال باغچه و حوض آب یا نهر در وسط حیاط است. در خانه‌های سنتی شوشتر با توجه به نیمه درون‌گرا بودن خانه‌ها و عدم امنیت در زمان گذشته، ورودی خانه‌ها را به شکلی ساده، با آجر چینی تزئین می‌کردند که توجه دیگران، به آن جلب نشود (هاشمی، ۱۳۷۵). فضای ورودی خانه‌ها، به طور مستقیم و بدون واسطه با فضاها مرتبط نیست، بلکه با یک یا چند فضای واسطه دیگر، با حیاط و محوطه داخلی مرتبط می‌شود. (حائری‌مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۱). بعد از ورودی، هشتی نخستین



تصویر شماره ۲: موقعیت شهر شوشتر (google Earth)



تصویر شماره ۳: تصویر هوایی بافت تاریخی شهر شوشتر (google Earth)

سنتی مستوفی شوشتر، نمونه کاملی از هشتی را می‌توان مشاهده کرد. اقلیم، از خصوصیات دیگر اصلی خانه‌های شوشتر است که سبب گشته «یوان»، به عنوان یک فضا با عملکردهای گوناگون از جمله اقلیمی، زیستی و ارتباطی مطرح گردد تا تنظیم کننده جهات وزش باد، تابش خورشید، و غیره برای ایجاد آسایش باشد. با توجه به تنوع اقلیمی در ایران، همیشه راهکارهایی مبتکرانه برای مقابله با سرما و گرمای هوای خانه‌ها، وجود داشته است (صدوقی

فضایی از خانه ایرانی است که مهمان می‌تواند در آن توقف و کمی استراحت کند تا معلوم شود به کدام قسمت خانه باید برود. فضای هشتی، الگوی رفت و آمد به درون خانه را تنظیم می‌کند و یک فضای واسط است. فضای هشتی که در مقایسه با فضای معبر، کم نورتر و خنک‌تر است، حالتی خوشامدگو و آرام بخش دارد و در صورت نیاز، امکان اقامت و گفت و گوی دو سه نفره نیز در آن فراهم است (حائری‌مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۱۶ و ۱۳۱). در خانه

جدول ۱: ابعاد و گویه‌های پرسشنامه

ابعاد	گویه‌ها
حفظ / هویت (ICW)	۱- ما باید به میراث فرهنگی خود اهمیت بدهیم. ۲- ما باید در مورد فرهنگ سنتی خود بیاموزیم. ۳- بناهای سنتی، موزه‌ها و نقاشی‌های فرهنگ من، باید حفظ شوند (کانگ و همکاران، ۲۰۱۶).
وابستگی ملموس (TCW)	۱- من می‌خواهم سبک‌های سنتی لباس را، در فرهنگ خود بدانم. ۲- من دوست دارم غذاهای سنتی فرهنگم را بدانم. ۳- غذای سنتی در فرهنگ من، برای من مهم است (کانگ و همکاران، ۲۰۱۶).
فهم / نگرانی (UCW)	۱- اگر کاری انجام ندهیم میراث فرهنگی از بین خواهد رفت. ۲- اگر کاری انجام ندهیم فرهنگ سنتی از بین خواهد رفت. ۳- فرهنگ من به من کمک می‌کند تا با افراد دیگر در زمینه‌های مختلف زندگی کنم (کانگ و همکاران، ۲۰۱۶).
اصالت (AU)	۱- من چشم‌اندازی را که خانه‌های سنتی [شوشتر] برای بازدید ایجاد می‌کنند را دوست دارم ۲- در هنگام بازدید از خانه‌های سنتی [شوشتر]، به وجود قدمت تاریخی و سنتی بودن آن، پی می‌برم. ۳- بازدید از خانه‌های سنتی [شوشتر]، بازدید از دانش معماری سنتی و میراث فرهنگی در ادوار تاریخی است. ۴- در خانه‌های سنتی [شوشتر]، می‌توانم سبک زندگی سنتی را تجربه کنم (کولار و زابکار، ۲۰۱۰؛ منگ و چوی، ۲۰۱۶).
نگرش (AT)	۱- بازدید از خانه‌های سنتی [شوشتر]، نشانگر یک رفتار مثبت است. ۲- بازدید از خانه‌های سنتی [شوشتر]، نشانگر یک رفتار مفید است. ۳- بازدید از خانه‌های سنتی [شوشتر]، نشانگر یک رفتار ارزشمند است (کیم و همکاران، ۲۰۱۲).
هنجار ذهنی (SN)	۱- بیشتر افرادی که برای من مهم هستند، فکر می‌کنند برای من مطلوب است که از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم. ۲- بیشتر افرادی که برای من مهم هستند، از اینکه من از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم، حمایت می‌کنند. ۳- بیشتر افرادی که برای من مهم هستند، موافقت می‌کنند که من از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم (کیم و همکاران، ۲۰۱۲).
کنترل رفتاری درک شده (PBC)	۱- من قادر به بازدید از خانه‌های سنتی [شوشتر] هستم. ۲- من منابع مالی کافی برای بازدید از خانه‌های سنتی [شوشتر] را دارم. ۳- من فرصت کافی برای بازدید از خانه‌های سنتی [شوشتر] را دارم (کیم و همکاران، ۲۰۱۲).
احساسات پیش‌بینی شده مثبت (PAE)	۱- اگر از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم، هیجان زده خواهم شد. ۲- اگر از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم، خوشحال خواهم شد. ۳- اگر از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم، سعادتمند خواهم شد (کیم و همکاران، ۲۰۱۲).
احساسات پیش‌بینی شده منفی (NAE)	۱- اگر نتوانم از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم، دلتنگ خواهم شد. ۲- اگر نتوانم از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم، ناامید خواهم شد. ۳- اگر نتوانم از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم، غمگین خواهم شد (کیم و همکاران، ۲۰۱۲).
میل (DES)	۱- من می‌خواهم برای تجارب فرهنگی خود از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم. ۲- امیدوارم بتوانم برای تجارب فرهنگی خود از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم. ۳- برای تجربه‌های فرهنگی‌ام، آرزو دارم از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم (کیم و همکاران، ۲۰۱۲).
قصد رفتاری (BI)	۱- من قصد داشتم از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم. ۲- من تلاش خواهم کرد تا از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم. ۳- من قصد دارم از خانه‌های سنتی [شوشتر] دیدن کنم (کیم و همکاران، ۲۰۱۲).

و شمیرانی، ۱۳۸۵). دمای بسیار بالای هوا در تابستان‌های شوشتر که زندگی را در ایام تابستان بسیار مشکل و طاقت فرسا می‌کند، تنها راه، پناه بردن به محیط خنک‌تر است. در مناطق کویری و گرم و خشک، گودال باغچه و سرداب، به خنک کردن فضای خانه‌های سنتی کمک می‌نمود و در شوشتر و دزفول (در جنوب غربی ایران)، «شبستان» و «شوادان»، به وجود آمد. شبستان، همان زیرزمین یا سرداب در عمق ۶ متری زمین است. شبستان‌ها، گاهی تمامی سطح زیر طبقه همکف خانه را در بر می‌گرفتند و سقف آن حدود یک متر از سطح حیاط بالاتر بوده است. روشنایی و تهویه اتاق‌های شبستان، از طریق پنجره‌های ارتباطی با حیاط تأمین می‌شد. این

اتاق‌ها در ایام تابستان یا مواقعی که هوا گرم بود، مورد استفاده قرار می‌گرفتند، ولی در ایامی که دمای هوا، بسیار زیاد و آزار دهنده می‌شد و دمای شبستان متناسب استراحت و زندگی نبود، اهل خانه به شوادان یا شبادان می‌رفتند. در تصویر شماره ۱ فضاهای زیرزمینی خانه‌های سنتی شوشتر و شیوه تهویه هوای آن آمده است. در تصویر شماره ۲ موقعیت شهرستان شوشتر و بافت تاریخی این شهرستان با تأکید بر منطقه مورد مطالعه آمده است. در تصویر ۳ تصویر هوایی بافت تاریخی شهر شوشتر و منطقه مورد مطالعه آمده است، لازم به توضیح است، خانه‌های تاریخی شهر شوشتر در سراسر این بافت تاریخی پراکنده هستند.

جدول ۲: تحلیل عاملی تأییدی، شاخص‌های روایی و پایایی

سازه	گویه	بار عاملی مساوی یا بالاتر از ۰/۳	آلفای کرونباخ بالای ۰/۷	پایایی مرکب بالای ۰/۷ (CR)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بالای ۰/۵
حفظ / هویت منبع: کانگ و همکاران، ۲۰۱۶	q1	۰/۹۰۸	۰/۸۷۳	۰/۹۲۲	۰/۷۹۸
	q2	۰/۸۹۷			
	q3	۰/۸۷۴			
وابستگی ملموس منبع: کانگ و همکاران، ۲۰۱۶	q4	۰/۸۷۸	۰/۸۷۸	۰/۹۲۵	۰/۸۰۴
	q5	۰/۹۲۰			
	q6	۰/۸۹۲			
فهم / نگرانی منبع: کانگ و همکاران، ۲۰۱۶	q7	۰/۸۶۵	۰/۷۹۱	۰/۸۷۹	۰/۷۰۸
	q8	۰/۸۹۳			
	q9	۰/۷۶۱			
اصالت منبع: کولار و زابکار، ۲۰۱۰؛ منگ و چوی، ۲۰۱۶	q10	۰/۹۰۱	۰/۸۹۳	۰/۹۲۶	۰/۷۵۷
	q11	۰/۹۰۱			
	q12	۰/۸۵۱			
	q13	۰/۸۲۶			
نگرش منبع: کیم و همکاران، ۲۰۱۲	q14	۰/۹۲۰	۰/۹۳۱	۰/۹۵۶	۰/۸۷۸
	q15	۰/۹۴۶			
	q16	۰/۹۴۵			
هنجار ذهنی منبع: کیم و همکاران، ۲۰۱۲	q17	۰/۹۳۵	۰/۹۳۶	۰/۹۵۹	۰/۸۸۷
	q18	۰/۹۵۲			
	q19	۰/۹۳۸			
کنترل رفتاری درک شده منبع: کیم و همکاران، ۲۰۱۲	q20	۰/۸۸۸	۰/۶۸۸	۰/۸۱۸	۰/۶۰۷
	q21	۰/۵۷۳			
	q22	۰/۸۳۹			
احساسات پیش‌بینی شده مثبت منبع: کیم و همکاران، ۲۰۱۲	q23	۰/۹۱۳	۰/۸۶۸	۰/۹۱۹	۰/۷۹۲
	q24	۰/۹۰۲			
	q25	۰/۸۵۳			
احساسات پیش‌بینی شده منفی منبع: کیم و همکاران، ۲۰۱۲	q26	۰/۹۲۹	۰/۹۳۲	۰/۹۵۷	۰/۸۸۱
	q27	۰/۹۳۳			
	q28	۰/۹۵۴			
میل منبع: کیم و همکاران، ۲۰۱۲	q29	۰/۹۱۷	۰/۸۸۴	۰/۹۲۹	۰/۸۱۳
	q30	۰/۹۲۲			
	q31	۰/۸۶۵			
قصد رفتاری منبع: کیم و همکاران، ۲۰۱۲	q32	۰/۸۹۰	۰/۹۰۲	۰/۹۳۹	۰/۸۳۶
	q33	۰/۹۲۰			
	q34	۰/۹۳۳			

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است و از نظر شیوه انجام پژوهش، در زمره پژوهش‌های پیمایشی قرار می‌گیرد. اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. داده‌های مورد نیاز به روش نمونه‌گیری در دسترس، با استفاده از پرسشنامه برگرفته شده از مطالعات لی و همکاران (۲۰۲۰)، در قالب مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۱ = کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم) تهیه گردید. جامعه آماری این پژوهش از میان گردشگرانی انتخاب شد که از بهمن ۱۳۹۹ لغایت شهریور ۱۴۰۰ به شوشتر سفر کردند و از خانه‌های تاریخی و سنتی، بازدید نمودند. پرسشنامه به صورت حضوری در میان گردشگران توزیع شد. در جدول (۱) ابعاد و گویه‌های پرسشنامه آمده است. تعداد نمونه پژوهش، بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین گردید که به همین تعداد، پرسشنامه تکمیل گردید. برای اطمینان از پایایی پرسشنامه، از سه معیار ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد و جهت بررسی روایی پرسشنامه، از روایی همگرا و صوری استفاده گردید. تحلیل استنباطی داده‌ها، با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و SmartPLS به سرانجام رسید. همچنین برای بررسی روابط بین متغیرها (جهان‌بینی فرهنگی، اصالت، نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، احساسات پیش‌بینی شده مثبت و منفی، میل و قصد رفتاری) و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش حداقل مربعات جزئی، از نرم‌افزار Smart-PLS^۳ استفاده گردید و با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری، به رد یا تأیید فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد. برای انجام روایی، پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از اساتید و صاحب‌نظران حوزه گردشگری قرار گرفت و از آنان در مورد هر سوال و ارزیابی هدف مربوط، نظر خواهی شد که با اصلاحات جزئی، روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت و برای محاسبه پایایی، از آزمون آلفای کرونباخ نرم افزار SPSS استفاده گردید. نتایج آزمون آلفای کرونباخ در جدول ۲ آمده است. بارهای عاملی از طریق مقدار همبستگی شاخص‌های سازه، محاسبه شدند که مقدار یک گویه، قابل قبول و مقادیر ۳۳ گویه، خیلی مطلوب بدست آمد. با محاسبه آلفای کرونباخ، همسانی گویه‌ها نیز مورد سنجش قرار گرفتند. آلفای گویه یک سازه، نامعلوم، یک سازه قابل قبول و آلفای سایر گویه‌ها، مناسب و عالی بدست آمدند و پرسشنامه از پایایی درونی مناسب برخوردار بود. مقادیر بدست آمده در میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای سنجش روایی همگرای تمامی گویه‌ها، بالای ۰/۵ بدست آمد که روایی همگرایی قابل قبولی را نشان می‌دهد (جدول ۲).

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها، برای پیوند دادن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری و نشان دادن تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا بکار می‌رود. هر چقدر مقدار

1. Average Variance Extracted

R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. با توجه به نتایج در جدول ۳، تمامی متغیرهای درون‌زای مدل، از ضریب تعیین مناسب برخوردار بوده و نشان دهنده برازش مناسب بخش ساختاری مدل است. برای برازش مدل کلی، از شاخص نیکویی برازش (GOF) استفاده شد. این شاخص، با در نظر گرفتن دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری، معیاری برای پیش‌بینی عملکرد کلی مدل به کار می‌رود (جدول ۳).

جدول ۳. مقادیر اشتراکی و ضریب تعیین برای فرضیه‌های پژوهش

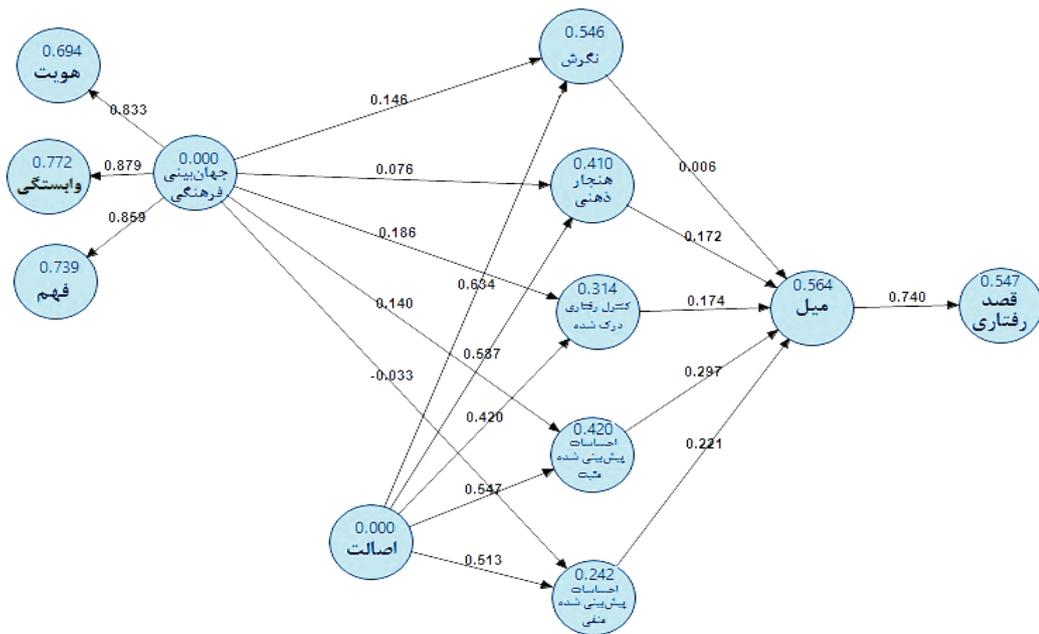
متغیرها	میانگین مقادیر اشتراکی (Communality)	ضریب تعیین (R^2)
جهان‌بینی فرهنگی	۱/۰۰۰	-
اصالت	۰/۷۵۷	-
حفظ/ هویت	۰/۷۹۸	۰/۶۹۴
وابستگی ملموس	۰/۸۰۴	۰/۷۷۲
فهم/ نگرانی	۰/۷۰۸	۰/۷۳۹
نگرش	۰/۸۷۸	۰/۵۴۶
هنجار ذهنی	۰/۸۸۷	۰/۴۱۰
کنترل رفتاری درک شده	۰/۶۰۷	۰/۳۱۴
احساسات پیش‌بینی شده منفی	۰/۸۸۱	۰/۲۴۲
احساسات پیش‌بینی شده مثبت	۰/۷۹۲	۰/۴۲۰
میل	۰/۸۱۳	۰/۵۶۴
قصد رفتاری	۰/۸۳۶	۰/۵۴۷
میانگین	۰/۸۱۳	۰/۵۲۵

در نهایت GOF مدل، برای فرضیه‌های فرعی و فرضیه اصلی به شرح زیر است:

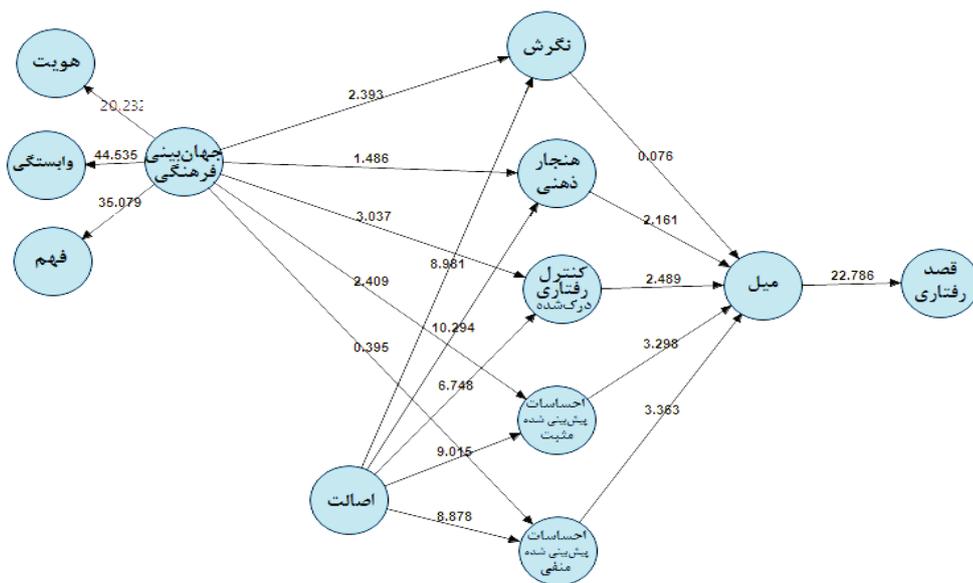
$$GOF = \sqrt{0/525 \times 0/813} = 0/653$$

سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF در نظر گرفته شده است. از آنجایی که مقدار GOF برای مدل حاضر برابر ۰/۶۵۳ محاسبه گردید، نشان از برازش کلی قوی مدل دارد. برای آزمون فرضیات، از مدل معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی با بهره‌گیری از نرم‌افزار Smart-PLS^۳ استفاده شد. در شکل ۱، خروجی ضرایب مسیر مدل معادلات ساختاری که در مراحل قبل برازش، مورد تأیید قرار گرفته، ارائه گردیده است.

از آنجایی که از طریق بزرگی یا کوچکی ضرایب مدل، نمی‌توان در مورد معناداری آن ضرایب اظهار نظر کرد، لذا برای سنجش معنادار بودن ضرایب مسیر، از مدل اعداد معناداری (T-value) استفاده می‌شود و چنانچه در آن، مقادیر معناداری بزرگتر از قدر مطلق عدد ۱/۹۶ باشند، این روابط در سطح اطمینان ۰/۰۵٪، معنادار



شکل ۱: ضرایب مسیر مدل پژوهش



شکل ۲: ضرایب معنادار مدل پژوهش

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی در مطالعه حاضر، بررسی تاثیر جهان بینی فرهنگی و اصالت بر فرایند قصد رفتاری گردشگران در بازدید از خانه‌های سنتی با استفاده از الگوی رفتار هدفمند در شهرستان شوشتر بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن بود که جهان بینی فرهنگی بر کنترل رفتاری درک شده گردشگران، اثر مثبت و معناداری دارد و جهان بینی فرهنگی، به طور قابل توجهی بر میل و قصد رفتاری گردشگران تأثیر می‌گذارد. تصمیم‌گیری فرد، می‌تواند تحت تأثیر کنترل رفتاری ادراک شده باشد که نشانگر

هستند. در شکل ۲، ضرایب معنادار مربوط به هر یک از مسیرها ارائه گردیده است.

برای آزمون شانزده فرضیه پژوهش، از روش تحلیل مسیر در نرم افزار Smart PLS استفاده شده است. سطوح معناداری به منظور آزمون این فرضیه‌ها در شکل ۳ و جدول ۵ نشان داده شده است. مقادیر بالای ۱/۹۶ برای ضرایب معنادار، مبنای تأیید فرضیه‌هاست. در جدول ۵، نتایج آزمون برای فرضیه‌های پژوهش ارائه شده که نشان می‌دهد

جدول ۵: ارزیابی ضرایب معنادار و مسیر مدل پژوهش

فرضیه	مسیر	ضریب معنادار بالای ۱/۹۶	ضریب مسیر (T-value)	نتیجه
فرضیه ۱-۱	جهان‌بینی فرهنگی بر نگرش	۲/۳۹۳	۰/۱۴۶	تأیید فرضیه
فرضیه ۲-۱	جهان‌بینی فرهنگی بر هنجار ذهنی	۱/۴۸۶	۰/۰۷۶	رد فرضیه
فرضیه ۳-۱	جهان‌بینی فرهنگی بر کنترل رفتاری درک شده	۳/۰۳۷	۰/۱۸۶	تأیید فرضیه
فرضیه ۴-۱	جهان‌بینی فرهنگی بر احساسات پیش‌بینی شده مثبت	۲/۴۰۹	۰/۱۴۰	تأیید فرضیه
فرضیه ۵-۱	جهان‌بینی فرهنگی بر احساسات پیش‌بینی شده منفی	۰/۳۹۵	۰/۰۳۳	رد فرضیه
فرضیه ۱-۲	اصالت بر نگرش	۸/۹۸۱	۰/۶۳۴	تأیید فرضیه
فرضیه ۲-۲	اصالت بر هنجار ذهنی	۱۰/۲۹۴	۰/۵۷۸	تأیید فرضیه
فرضیه ۳-۲	اصالت بر کنترل رفتاری درک شده	۶/۷۴۸	۰/۴۲۰	تأیید فرضیه
فرضیه ۴-۲	اصالت بر احساسات پیش‌بینی شده مثبت	۹/۰۱۵	۰/۵۴۷	تأیید فرضیه
فرضیه ۵-۲	اصالت بر احساسات پیش‌بینی شده منفی	۸/۸۷۸	۰/۵۴۷	تأیید فرضیه
فرضیه ۳	نگرش بر میل	۰/۰۷۶	۰/۰۰۶	رد فرضیه
فرضیه ۴	هنجار ذهنی بر میل	۲/۱۶۱	۰/۱۷۲	تأیید فرضیه
فرضیه ۵	کنترل رفتاری درک شده بر میل	۲/۴۸۹	۰/۱۷۴	تأیید فرضیه
فرضیه ۶	احساسات پیش‌بینی شده مثبت بر میل	۳/۲۹۸	۰/۲۹۷	تأیید فرضیه
فرضیه ۷	احساسات پیش‌بینی شده منفی بر میل	۳/۳۶۳	۰/۲۱۲	تأیید فرضیه
فرضیه ۸	میل بر قصد رفتاری	۲۲/۷۸۶	۰/۷۴۰	تأیید فرضیه

نتایج نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات کیونگ پارک و همکاران (۲۰۱۹)، لی و همکاران (۲۰۲۰)، هم‌راستا می‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش، اصالت خانه‌های سنتی شوشتر بر رفتاری درک شده گردشگران، تاثیر مثبت و معناداری داشته است، در واقع اصالت، مهم‌ترین ویژگی جاذبه‌های میراث فرهنگی است و سایت‌ها و خانه‌های تاریخی و سنتی باید زمان گذشته را در مکان حال، برای گردشگران تداعی کنند تا منجر به حفظ اصالت و کسب تجربه گردد. نتایج این پژوهش نشان داد که اصالت بر احساسات پیش‌بینی شده مثبت گردشگران، تاثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات اسعدی و همکاران (۱۳۹۶)، کیونگ پارک و همکاران (۲۰۱۹)، لی و همکاران (۲۰۲۰)، همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که نگرش گردشگران بر میل به سفر آنان تاثیر مثبت و معناداری دارد. یک نگرش مثبت، می‌تواند به تمایل فرد به انجام آن رفتار را تشویق کند. بنابراین، اگر فردی تصور کند که افراد دیگر، حضور در خانه‌های سنتی را یک فعالیت مثبت یا ارزشمند ارزیابی می‌کنند، تمایل فرد به بازدید از شوشتر و خانه‌های تاریخی و سنتی، افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات سعید امانپور و همکاران (۱۳۹۶)، سو کانگ و همکاران (۲۰۱۶)، همسو می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که درک کنترل رفتاری گردشگران بر میل گردشگران، تاثیر مثبت و معناداری دارد و این بدان معناست که وقتی افراد، از منابع یا فرصت‌های مورد نیاز برخوردار شوند، قصد آنها برای

اعتماد به نفس فردی یا توانایی انجام یک رفتار واقعی است. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات سو کانگ و همکاران (۲۰۱۶)، لی و همکاران (۲۰۲۰)، وی و همکاران (۲۰۲۰)، چپو و چو (۲۰۲۱)، همسو می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که جهان‌بینی فرهنگی بر احساسات پیش‌بینی شده مثبت گردشگران، تاثیر مثبت و معناداری دارد و این بدان معناست که جهان‌بینی فرهنگی، در ارزیابی فرهنگ در زمینه گردشگری، قابل توجه است؛ زیرا بازدیدکنندگان، تجربیات فرهنگی بدست آمده خود را، بر اساس ارزش‌ها و اعتقادات مشترک با فرهنگ خود ارزیابی می‌کنند که بستری برای یادگیری آموزشی و تجربی فراهم می‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج سو کانگ و همکاران (۲۰۱۶)، چونگ-کی لی و همکاران (۲۰۲۰)، چائو وی و همکاران (۲۰۲۰)، چپو و چو (۲۰۲۱)، همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد عناصر شناختی و عناصر عاطفی در فرایند تصمیم‌گیری مهم هستند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که اصالت خانه‌های سنتی شوشتر بر نگرش گردشگران، تاثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات اسعدی و همکاران (۱۳۹۶)، شاطری و ایقان و دبدبه (۱۳۹۸)، کیونگ پارک و همکاران (۲۰۱۹)، لی و همکاران (۲۰۲۰)، همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که اصالت خانه‌های سنتی شوشتر بر هنجار ذهنی گردشگران، تاثیر مثبت و معناداری دارد. گردشگران میراثی به دنبال کسب تجربیاتی هستند که به آنها کمک کند با شخصیت واقعی خود، ارتباط برقرار کنند.

خانه‌های سنتی شوشتر هستند که نشان از درک و قدرت بالای تصمیم‌گیری آنان دارد. خانه‌های سنتی شوشتر به دلیل متمایز بودن در ساختار معماری و فضاهای زیرزمینی، می‌توانند اصالت خود را در اذهان گردشگران بر جای بگذارند ولی تنها ۳۴ درصد از پاسخ‌دهندگان، منابع مالی کافی برای اقامت در خانه‌های سنتی را دارند که نشان از بالا بودن سطح میزان هزینه‌های اقامتی در شوشتر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر پاسخ‌دهندگان جامعه آماری، اراده سفر و فرصت دیدن از خانه‌های سنتی را دارند. ۴۷ درصد از پاسخ‌دهندگان جامعه آماری، تمایل دارند که از خانه‌های سنتی شوشتر بازدید کنند که این ناشی از تأثیر هنجار ذهنی قوی آنان بر میل است. وقتی افراد، از منابع مالی کافی یا فرصت‌های مورد نیاز برخوردار باشند، میل آنها برای بازدید و اقامت در خانه‌های سنتی شوشتر قوی‌تر خواهد شد. ۵۸ درصد از پاسخ‌دهندگان جامعه آماری، خواهان تجربه سبک زندگی سنتی، در خانه‌های سنتی شوشتر هستند. حضور و اقامت در خانه‌های سنتی شوشتر، در بدست آوردن حس نوستالژیک، منجر به ایجاد احساسات مثبت می‌شود. احساسات پیش‌بینی شده مثبت و منفی، متغیرهای مهمی در شکل‌گیری خواسته‌های گردشگران به شمار می‌روند. میل، در حالی به عنوان مؤثرترین و مهمترین متغیر در پیش‌بینی قصد رفتاری در نظر گرفته می‌شود که توانایی ویژه‌ای در آشکار کردن اهداف بازدیدکنندگان دارد. اگر بازدیدکنندگانی که خانه‌های تاریخی و سنتی شوشتر را تجربه می‌کنند، هیجان‌زده و خوشحال شوند، بیشتر تمایل به بازدید مجدد خواهند داشت. بنابر نتایج یافته‌ها، ۸۲ درصد پاسخ‌دهندگان جامعه آماری، در دو سال آینده، قصد بازدید از خانه‌های سنتی شوشتر را دارند که نشان از تأثیر نقش مهم جهان‌بینی فرهنگی و اصالت، در تصمیم‌گیری گردشگران در بازدید از جاذبه‌های فرهنگی و گردشگری شوشتر است.

پیشنهادات کاربردی

گردشگران، مجذوب چشم‌انداز زیبا و قدمت و جزئیات معماری خانه‌های سنتی شوشتر با اصالت اقلیمی و بومی هستند که حاصل نگرش مثبت، ارزشمند و مفید آنان نسبت به حضور در خانه‌های سنتی شوشتر است، ولی هزینه بالای اقامت در خانه‌های سنتی، متناسب با طیف وسیعی از گردشگران علاقمند به تاریخ و فرهنگ، نیست؛ لذا انتظار می‌رود شهرداری از صدور مجوزهای تخریب خانه‌ها در بافت سنتی شوشتر خودداری نموده و با همکاری اداره میراث فرهنگی، نسبت به شناسایی خانه‌های سنتی دارای اصالت و ارزش معماری، اقدام و با کسب رضایت از مالکین و ارائه تسهیلات لازم، مرمت، احیاء و حفظ اصالت خانه‌ها و تبدیل به اقامتگاه‌های سنتی را در دستور کاری خود قرار دهد. خانه‌های سنتی شوشتر تا زمانی ارزش بازدید و اقامت دارند که ساختار و چشم‌انداز اصیل خود و محیط اطراف خود را حفظ کنند تا بتوانند احساس مثبت و قصد بازدید مجدد گردشگران را در پی داشته باشند، در این راستا،

اقدام قوی‌تر خواهد شد. کنترل رفتاری ادراک شده، بازتاب سهولت ادراک در تولید رفتار است که می‌تواند، میل و قصد رفتاری را تسهیل یا تقویت کند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات سعید امانپور و همکاران (۱۳۹۶)، سلمی و همکاران (۱۳۹۸)، تری لام و کتی هسو (۲۰۰۶)، سو کانگ و همکاران (۲۰۱۶)، لی و همکاران (۲۰۲۰)، چپو و چو (۲۰۲۱)، همسو می‌باشد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که احساسات پیش‌بینی شده مثبت بر میل گردشگران، تأثیر مثبت و معناداری دارد، در واقع حضور و اقامت در خانه‌های سنتی در ایجاد حس نوستالژیک، منجر به ایجاد احساسات مثبت می‌شود. احساسات مثبت ممکن است احساس لذت بیشتری را ایجاد کنند که این امر، موجب سفر به آن مقصد می‌شود. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات اون کیونگ پارک و همکاران (۲۰۱۹)، همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که اصالت خانه‌ها سنتی شوشتر بر میل گردشگران، تأثیر مثبت و معناداری دارد. اصالت در گردشگری میراث، یکی از عناصر مهم تجربیات معنادار است و میل به تجربه اصیل، علاوه بر نوستالژی و تمایز اجتماعی آن، از انگیزه‌های اساسی گردشگران میراثی به شمار می‌رود و ارزش ادراک شده و رضایت گردشگران را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات اون کیونگ پارک و همکاران (۲۰۱۹)، کی لی و همکاران (۲۰۲۰)، همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که میل بر قصد رفتاری تأثیر مثبت و معناداری دارد و این بدان معناست که میل، به عنوان عاملی انگیزشی، نقطه شروع تصمیم‌گیری گردشگران است و می‌تواند، منبع تعهد برای انجام برخی از رفتارها باشد. هر چه محتوای انگیزشی در میل، قوی‌تر باشد، احتمال پیش‌بینی قصد رفتاری در فرد، بیشتر است. نتایج پژوهش حاضر با کی لی و همکاران (۲۰۲۰)، چپو و چو (۲۰۲۱)، همسو می‌باشد.

نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که گردشگران، بازدید از خانه‌های سنتی شوشتر را رفتاری خوشحال‌کننده می‌دانند که ناشی وجود احساس مثبت آنان است. نتایج پژوهش لئون و همکاران (۲۰۰۴) نیز نشان داد که احساسات پیش‌بینی شده بر میل رفتاری، تأثیر می‌گذارد؛ زیرا ساختارهای عاطفی، نشان‌دهنده انگیزه لذت بخش ارتقاء وضعیت مثبت امور و پرهیز از وضعیت منفی امور است. گردشگرانی که احساسات مثبت همراه با نگرش مثبت دارند، احتمال بازگشت آنان، بیش از کسانی است که فقط نگرش مثبت دارند. یافته‌های پژوهش نشان داد که گردشگران، خواهان یادگیری فرهنگ سنتی شوشتری هستند. ویژگی‌های مربوط به غذاهای محلی و خوراکی‌ها و داستان پیدایش غذاها و یا مرتبط با یک شیء، پیش‌بینی احساسی در گردشگر به وجود می‌آورد که در نتیجه، درک اصالت و بازدید مجدد به همراه دارد.

نتایج این پژوهش نشان داد که پاسخ‌دهندگان جامعه آماری، نگرش خود را نسبت به خانه‌های سنتی شوشتر، رفتاری مثبت و مفید و ارزشمند تلقی می‌کنند، ولی آن را مؤثر بر میل نمی‌دانند. ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان جامعه آماری، کاملاً قادر به بازدید از

حذف کاربری‌های ناسازگار در اطراف خانه‌های سنتی و تاریخی، ضروری است.

مدیران مراکز اقامتی، با حفظ اصالت بنا، باید نسبت به فراهم کردن خدمات و تجربه یک زندگی سنتی، بازی‌های سنتی، آموزش گویش شوشتری، سرو غذاهای محلی و سنتی، همراه با موسیقی سنتی، احساس و تصویر مثبتی برای گردشگران بوجود بیاورند. با توجه به ثبت ملی موسیقی شوشتری و غذاها و خوراکی‌های محلی، شایسته است بستری فراهم شود تا گردشگران بتوانند در برنامه خانه‌های سنتی شوشتر، آن را تجربه کنند؛ نظر به تمایل ۸۲ درصد از گردشگران در سفر مجدد به شوشتر بعد از بحران کووید ۱۹، سازمان‌های مدیریت شهری و اداره میراث فرهنگی شوشتر، باید با بهره‌گیری از مؤلفه‌های بومی و اقلیمی، امکانات رفاهی و تفریحی در راستای ارتقاء تصویر و چشم‌اندازی متفاوت از شوشتر، ایجاد کنند تا گردشگران، با درک اصالت محیطی، مدت زمان بیشتری را در شوشتر حضور یابند. سیاستگذاران شهر شوشتر باید بدانند که بعد حفظ هویت جهان‌بینی فرهنگی و نگرش، مهمترین نقش در پیش‌بینی قصد رفتاری گردشگران را دارد. با توجه به اینکه نمونه مطالعه، محدود به بازدیدکنندگان ایرانی از خانه‌های سنتی شوشتر است، طبیعتاً پس زمینه فرهنگی و دیدگاه فرهنگی آنها ممکن است همگن باشد، لذا یافته‌های مقاله، باید با احتیاط تفسیر شود؛ از مهمترین محدودیت‌های پژوهش، می‌توان به محدود بودن پژوهش در شهرستان شوشتر، فقدان پیشینه پژوهشی مشابه در ایران، کمبود ادبیات پژوهشی تخصصی به زبان فارسی، فقدان دسترسی به منابع معتبر و جدید، تعداد زیاد پرسش‌های پرسشنامه و عدم تمایل پاسخ‌گویی از سوی برخی از اعضای نمونه و عدم همکاری کارکنان اقامتگاه‌ها و بهره‌برداران خانه‌های سنتی شوشتر در فرایند انجام پژوهش، اشاره کرد. با توجه به اینکه روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع در دسترس است.

منابع

۱. اسعدی، میرمحمد؛ عادل آذر و سید علی نقوی (۱۳۹۶) سنجش و تحلیل کیفیت خدمات هتل‌های سنتی با استفاده از ابزار تحلیل اهمیت عملکرد از دیدگاه گردشگران داخلی (مورد مطالعه هتل‌های سنتی منتخب استان یزد)، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال دوازدهم، ش ۹۳، پاییز ۱۳۹۶، صص ۲۶-۱.
۲. جانی، سیاوش؛ فهیه دنیابین (۱۳۹۶) بررسی عوامل موثر بر تعداد و طول اقامت گردشگران ملی: مطالعه بین استانی، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال ششم، ش ۲۲، صص ۵۳-۳۰.
۳. حیاتی، حامد؛ شادان. اسفندیاری (۱۳۹۵) بررسی سازماندهی فضایی خانه‌های سنتی خوزستان (مطالعه موردی: خانه‌های مستوفی و مرعشی در شوشتر، فصلنامه پژوهش‌ها جدید در علوم انسانی، دوره ۲، ش ۳.

۴. سرابی، محمد حسین؛ رضایی، پژمان؛ غیائی، ثنا (۱۳۹۴) ارزیابی جایگاه گردشگری تاریخی یزد با تأکید بر خانه‌های سنتی، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد.

۵. شیرمحمدی، یزدان و سید اسحاق جلالیان و سمانه منصوری (۱۳۹۹) اثر تصویر و شخصیت برند شهری و تأثیر آنها بر نگرش و قصد انتخاب مقصد گردشگری مطالعه موردی: شهر تهران، نشریه گردشگری شهری، (۲)، صص ۳۷-۵۰.

۶. شیرمحمدی، یزدان و سید اسحاق جلالیان؛ زینب هاشمی باغی و سعید ترکاشوند (۱۳۹۸) بررسی تأثیر رویدادهای فرهنگی بر تصویر شناختی و عاطفی مقصد گردشگری (مورد مطالعه: شهر کرج)، برنامه ریزی و توسعه گردشگری، (۳۱)، صص ۱۴۷-۱۶۱.

۷. صدوقی. آرزو؛ مجید مفیدی شمیرانی (۱۳۸۵) بکارگیری شوادان در معماری پایدار ایران، پنجمین همایش بهینه‌سازی مصرف سوخت در ساختمان، تهران، ایران.

۸. صفرزاد، مهسا؛ امیر رضا کریمی آذری و حمزه غلامعلی‌زاده (۱۳۹۵) شناسایی مؤلفه‌های موثر بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان در طراحی بناهای اداری فرهنگی (مطالعه موردی: شهر رشت)، فصلنامه پژوهشی فرهنگی ایران، (۴)، صص ۱-۳۲.

۹. قریب، فریدون (۱۳۷۴) معابر تهران در دوره قاجاریه، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲، ۲۰۶.

۱۰. کیانی سلمی، صدیقه؛ محسن شاطریان و فاطمه شیخ‌زاده (۱۳۹۸) تحلیل کیفیت و تبیین مطلوبیت اقامتگاه‌های سنتی کاشان و نقش آن در رضایت‌مندی گردشگران شهری، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ش ۱، پیاپی (۱۰).

۱۱. مرکز آمار ایران (۱۴۰۰) چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، تابستان ۱۴۰۰، ۷.

۱۲. ناییب، فرشته. (۱۳۸۱) حیات در حیاط، تهران، تهران، ایران، نزهت.

13. Ben-Dalia, S., Collins-Kreiner, N., & Churchman, A. (2013) Evaluation of an urban tourism destination. *Tourism Geographies*, 15(2), 233-249.

14. Caber, M., & Albayrak, T. (2016) Push or pull? Identifying rock climbing tourists' motivations. *Tourism Management*, (55), 74-84.

15. Chiu, & Cho, H. (2021) The Model of Goal-Directed Behavior in Tourism and Hospitality: A Meta-analytic Structural Equation Modeling Approach. *Journal of Travel Research*.

16. Choi, A. S., & Fielding, K. S. (2016) Cultural attitudes as WTP determinants: A revised cultural worldview scale. *Sustainability*, 8(6), 570.

- tural heritage marketing? *Tourism Management*, 31(5), 652-664.
28. Lee, C. K. Shakil Ahmad, M. Petrick, J. Park, Y. Park, E & Kang, C. W. (2020) The roles of cultural worldview and authenticity in tourists' decision-making process in a heritage tourism destination using a model of goal-directed behavior. *Journal of Destination Marketing and Management*, (18).
 29. Leone, L., Perugini, M., & Ercolani, A. P. (2004) Studying, practicing, and mastering: A test of the model of goal-directed behavior (MGB) in the software learning domain. *Journal of Applied Social Psychology*, 34(9), 1945-1973.
 30. Leong, D. C. K. (2016) Heritage or hesitate? Preserving authenticity in Hong Kong tourism. *International Journal of Tourism Sciences*, 16(4), 191-202.
 31. Loureiro, S. M. C. (2014) The role of the rural tourism experience economy in place attachment and behavioral intentions. *Int. J. Hosp.* 40, 1-9.
 32. Lu, L., Chi, C. G., & Liu, Y. (2015) Authenticity, involvement, and image: Evaluating tourist experiences at historic districts. *Tourism Management*, (50), 85-96.
 33. Lugosi, P. (2016) Socio-technological authentication. *Ann. Tour. Res.* (58), 100-113..
 34. Meng, B., & Choi, K. (2016) The role of authenticity in forming slow tourists' intentions: Developing an extended model of goal-directed behavior. *Tour. Manag.* (57), 397-410.,
 35. Nimri, R., Patiar, A., & Kensbock, S. (2017) "A Green Step Forward: Eliciting Consumers' Purchasing Decisions Regarding Green Hotel Accommodation in Australia." *Journal of Hospitality and Tourism Management*, (33), 43-50.
 36. Park, E., Choi, B. K., & Lee, T. (2019) The role and dimensions of authenticity in heritage tourism. *Tourism Management*, (74), 99-109.
 37. Perugini, M., & Bagozzi, R. P. (2001) The role of desires and anticipated emotions in goal-directed behaviours: Broadening and deepening the theory of planned behaviour. *British Journal of Social Psychology*, 40(1), 79-98.
 38. Richards, G. (2018) Cultural tourism: A review of recent research and trends. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, (36), 12-21.
 39. Richetin, J., M. Perugini, Adjali, I., & Hurling, R. (2008)
 17. Ellam, V., & Palmer, S. (2006) To achieve, or not to achieve the goal - that is the question: Does frustration tolerance influence goal achievement in coaching clients? *The Coaching Psychologist*, 2(2), 27-32.
 18. Frost, W. (2006) Braveheart-ed Ned Kelly: Historic films, heritage tourism and destination image. *Tourism Management*, 27(2), 247-254.
 19. Han, H., & Kim, Y. (2010) "An Investigation of Green Hotel Customers' Decision Formation: Developing an Extended Model of the Theory of Planned Behavior." *International Journal of Hospitality Management*, (29), 659-668.
 20. Han, H., Hwang, J., Lee, M. J., & Kim, J. (2019) Word-of-mouth, buying, and sacrifice intentions for eco-cruises: exploring the function of norm activation and value-attitude-behavior. *Tourism Management*, 70(2), 430-443.
 21. Hsu, S. Y., Woodside, A. G., & Marshall, R. (2013) Critical tests of multiple theories of cultures' consequences: Comparing the usefulness of models by Hofstede, Inglehart and Baker, Schwartz, Steenkamp, as well as GDP and distance for explaining overseas tourism behavior. *Journal of Travel Research*, 52(6), 679-704.
 22. Kaiser, F. G., & Fuhrer, U. (2003) "Ecological Behavior's Dependency on Different Forms of Knowledge." *Applied Psychology: An International Review*, 52(4), 598-613.
 23. Kang, S., Lee, C. K., & Lee, D. E. (2016) Examining cultural worldview and experience by international tourists: A case of traditional house stay. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 21(5), 477-499.
 24. Kiatkawsin, K., & Han, H. (2017) An alternative interpretation of attitude and extension of the value-attitude-behavior hierarchy: The destination attributes of Chiang Mai, Thailand. *Asia Pac. J. Tour. Res.* 22(5), 481-500.
 25. Kim, J. O., & Kim, N. J. (2014) Examining structural relationships analysis on how the gaze of post tourists influences the reality programs on behavior intention for outdoor recreation. *Journal of Tourism Sciences*, 38(5), 159-184.
 26. Kim, M. J., Lee, M. J., Lee, C. K., & Song, H. J. (2012) Does gender affect Korean tourists' overseas travel? Applying the model of goal-directed behaviour. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 17(5), 509-533.
 27. Kolar, T., & Zabkar, V. (2010) A consumer-based model of authenticity: An oxymoron or the foundation of cul-



- nal of Hospitality, Tourism and Leisure*, 6(4), 1-15..
50. Wei, C., Dai, S., Xu, H., & Wang, H. (2020) Cultural worldview and cultural experience in natural tourism sites. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, (43), 241-249.
 51. World Travel & Tourism Council (2019). Economic Impact Reports. Retrieved,
 52. World Travel & Tourism Council (WTTC)
 53. Youn, H., & Kim, J.-H. (2017) Effects of ingredients, names and stories about food origins on perceived authenticity and purchase intentions. *Int. J. Hosp. Manage.* (63), 11-21.
 54. Zhang, S.-N., Li, Y.-Q., Liu, C.-H., & Ruan, W.-Q. (2019) How does authenticity enhance flow experience through perceived value and involvement: The moderating roles of innovation and cultural identity. *J. Travel Tour.* 36, 710-728.
 55. Zhang, Y., Kim, E., & Xing, Z. (2020) Image congruence between sports event and host city and its impact on attitude and behavior intention. *Int. J. Sports Mark. Spons.*
 56. Zhu, Y. (2015) Cultural effects of authenticity: Contested heritage practices in China. *International Journal of Heritage Studies*, 21(6), 594-608.
 - “Comparing Leading Theoretical Models of Behavioral Predictions and Post-behavior Evaluations.” *Psychology and Marketing*, 25(12), 1131-1150.
 40. Shirmohammadi, Y., & Abyaran, P. (2019). The influence of spiritual experience on the brand of religious place. *International journal of Tourism, Culture & Spirituality*, 4(1), 33-55. doi: 10.22133/ijts.2019.95829
 41. Shirmohammadi, Y., & Atri, N. (2021). The effect of traction factors and marketing drive factors on attracting older cultural tourists (Case study of European tourists). *Tourism of Culture*, 2(5), 49-60.
 42. Shirmohammadi, Y., Abyaran, P. (2020) Brand Image of Mystical Spiritual Tours and Tourists’ Satisfaction and Quality of Life. *International journal of Tourism, Culture & Spirituality*, 4(2), 165-195.
 43. Shirmohammadi, Y., Hashemi Baghi, Z. (2021). The Effect of Literary Tourism on Increasing Re-Visits to Tourism Destinations through Spirituality and Authenticity. *International journal of Tourism, Culture & Spirituality*, 5(1), 13-36.
 44. Song, H. J., Lee, C. K., Norman, W. C., & Han, H. (2011) The role of responsible gambling strategy in forming behavioral intention: An application of a model of goal-directed behavior. *Journal of Travel Research*, 51(4), 512-523.
 45. Song, H. J., You, G. J., Reisinger, Y., Lee, C. K., & Lee, S. K. (2014) Behavioral intention of visitors to an oriental medicine festival: An extended model of goal-directed behavior. *Tourism Management*, 42(3), 101-113.
 46. Song, H. J., You, G. J., Reisinger, Y., Lee, C. K., & Lee, S. K. (2014) Behavioral intention of visitors to an oriental medicine festival: An extended model of goal-directed behavior. *Tourism Management*, 42(3), 101-113. doi:10.1016/j.tourman.2013.11.003
 47. Taylor, S. A., Ishida, C., & Wallace, D. W. (2009) “Intention to Engage in Digital Piracy: A Conceptual Model and Empirical Test.” *Journal of Service Research*, 11(3), 246-262.
 48. Taylor, S. A., Ishida, C., & Wallace, D. W. (2009) “Intention to Engage in Digital Piracy: A Conceptual Model and Empirical Test.” *Journal of Service Research*, 11(3), 246-262.
 49. Viljoen, J., & Henama, U. S. (2017) Growing heritage tourism and social cohesion in South Africa. *African Jour-*

تحلیل منطق اجتماعی حاکم بر کالبد فضای محلات بافت تاریخی - فرهنگی بشرویه در عصر قاجار با رویکرد نحوفضا^۱

سعیده پورعابدینی^{*}، عابد تقوی^{**}، حسن هاشمی زرج آباد^{***}

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴)

چکیده

آنچه شهرها را ترجمه می‌کند، نحوه آراستگی محلات در کنار یکدیگر است که این انتظام مستلزم چگونگی چینش کاربری‌های مختلف، توزیع مناسب و سازگار تسهیلات شهری در کنار یکدیگر و نیز شبکه راه‌ها در سطح محلات است. همجواری مطلوب زیرساخت‌های عمومی شهری در سطح محلات منتج به ممانعت از ایجاد نابرابری‌های اجتماعی و به تبع آن نابرابری فضایی و جدایی‌گزینی فضایی در ساحت محلات شده است که این هم‌سویی بر روی عملکرد فرم، پیکره‌بندی فضایی و حیات شهرها در بستر زمان و مکان اثرگذار بوده است. هدف از این جستار، خوانش رفتار فضایی بینامتنی بین انسان و محیط در بافت تاریخی شهر بشرویه در دوره قاجار است که زمینه‌ساز بروز سازمان فضایی و منطق اجتماعی فضا و هم‌بستگی در ساختار کالبدی-عملکردی محلات این شهر شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی است و از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات نظری پژوهش از شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از یافته‌ها، اسناد و مدارک میراث فرهنگی شهر بشرویه جمع‌آوری گردیده است و به جهت خوانش منطق اجتماعی فضا که حاکم بر کالبد فضایی محلات شهر بشرویه از دو رهنمون کمی (روابط، شاخص‌های نحوفضا) و کیفی (انگاره نحوفضا) موجود در تئوری چیدمان فضا، استفاده شده است. بر مبنای هدف یاد شده، پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: بر اساس تئوری نحو فضا نقش عوامل کالبدی-عملکردی در شکل‌دهی و توسعه منطق اجتماعی فضا شهر بشرویه در عصر قاجار چگونه بوده است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد: عناصر سازنده ساختار کالبدی محلات بشرویه در عصر قاجار در راستای رفع نیازهای ساکنین محله‌ها و به منظور حفظ و تقویت هویت فرهنگی-اجتماعی آنها شکل گرفته‌اند که در این میان گذرها نقش راهبردی در پیدایش رفتارهای جمعی (ناشی از فعالیت‌های انسانی) در میان محله‌ها و نیز ایجاد هم‌بستگی میان عناصر کالبدی محلات را بر عهده داشته‌اند. دستاورد این نظم فضایی، وجود یکپارچگی فضایی در کل و عملکرد آن در خرد شده است.

کلیدواژه‌ها: ساختار کالبدی-عملکردی، تئوری چیدمان فضا، شهر بشرویه، دوره قاجار

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سعیده پورعابدینی با عنوان «تحولات فضایی و کالبدی شهر بشرویه در عصر قاجار با بهره‌گیری از رویکرد باستان‌شناسی فضا» است که به راهنمایی عابد تقوی و مشاوره حسن هاشمی زرج آباد در دانشکده هنر و معماری و در دانشگاه مازندران دفاع شده است.

s.poorabedini@gmail.com
Abed.taghavi@umz.ac.ir
h.hashemi@umz.ac.ir

^{*} دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
^{**} نویسنده مسئول: استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
^{***} دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مقدمه

آنچه حیات و زوال شهرها را بازگو می‌کند، موجودیت محله‌های شهری است. محله به‌مثابه نظام کالبدی شهر بازگوکننده رابطه انسان و شهر است و متضمن رفتارهای اجتماعی- فرهنگی و نوع زیست آدمی است. محله محرک جریان یافتگی فضایی در ساختار شهر است که در بطن خویش موجبات هویت‌بخشی به کالبد شهر را نیز دارا بوده و افزون بر آن وجود رابطه میان توده و فضا است. این وابستگی درونی بین عوامل سبب هم‌بستگی بین عناصر و توالی نظم فضایی در شهرها شده است. بافت‌های تاریخی و فرهنگی شهرها یادواره‌ای است گران‌قدر از جریان زندگی مردمانی که در اعصار پیشین در این شهرها روزگار گذرانده‌اند که آنان واسطه زایش فرهنگ و آداب و سنن در شهرهای پیشین بوده‌اند. از سویی دیگر پیکره‌بندی فضایی^۱ در این بافت‌های تاریخی؛ بازتاب سیال برهم‌کنش فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی است که مسبب شکل‌گیری کالبد شهرها، و نیز پیدایش یک رابطه علی بین زیرسیستم‌های شهری شده است. علاوه بر آن، فرآیندهای بی‌شماری در شکل‌گیری بافت‌های تاریخی شهرها دخیل بوده‌اند. از جمله انسان و طبیعت و یا امتزاج هر دو که بستری برای ایجاد جریان دوسویه بین پدیده‌های عینی و ذهنی در ساختار شهرها شده‌اند. محلات تاریخی اساسنامه گفتمان شهری‌اند، واگویی‌هایی از چارچوب فکری و فرهنگی ساکنان آنها و یادآور خاطرات جمعی و هویت معماری- شهر ساختی در شهر هستند. زندگی در شهرهای تاریخی از میزان اتصال‌پذیری محله‌های مسکونی به‌عنوان کوچک‌ترین واحد شهری آغاز و از امتزاج محلات با یکدیگر شکل گرفته است. به‌گونه‌ای که این درهم‌تنیدگی در محلات؛ موجب گشته محلات از نظر کالبدی دارای مرزبندی باشند، ولیکن از منظر ذهنی محلات فاقد مرزبندی باشند. این ویژگی بازگوکننده انسجام فضایی در ساختار محلات با یکدیگر است که منجر به حس مشارکت‌پذیری بالای ساکنین و در نتیجه فزونی تعاملات اجتماعی، اقتصادی، امنیتی در سطح محلات شده است. این همکاری‌ها از یک سو مسبب ایجاد پیوستگی فضایی در شهرها و از سوی دیگر عامل پویایی و حیات شهرها را نیز به دنبال داشته‌اند. اکثر پژوهش‌های صورت‌گرفته در معماری و شهرسازی ایرانی با رویکردی تاریخ‌گرایانه و متمرکز بر جنبه‌های کیفی بوده است. این نگاه خطی منجر گردیده تا به توصیف ظاهری یک فضا و یا یک اثر معمارانه پرداخته شود و یا اینکه تأثیر یک متغیر بر چند متغیر دیگر مورد بررسی قرار گیرد؛ در حالی که پیچیدگی‌ها و شرایط دنیای امروز مستلزم نگاهی است غیرخطی؛ نگاهی که می‌تواند رفتارهای چندجانبه و تأثیرات متقابل چندین متغیر را بر یکدیگر از هر دو جنبه کمی و کیفی مورد تحلیل قرار داده و از میان تصمیم‌های متعدد، بهترین گزینه انتخاب گردد. یکی از روش‌های امروزی که می‌تواند به کشف ناشناخته‌های روابط اجتماعی فضا، الگوهای بنیادین و روابط مجموعه‌ها بپردازد،

بهره‌گیری از روش‌های الگوریتمیک و مقداری است. روش اکتشافی^۲ به آزمون که هم‌زمان به روابط بین داده می‌پردازد و درجه یگانگی و تکراری بودن داده را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این روش هیچ فرض یا ساختاری بر داده تحمیل نگردیده و به داده اجازه داده می‌شود تا خود، مراحل بعدی را تعیین کند. روش چیدمان فضا یا نحو فضا از ابزارهایی است که این امکان را در فضای معماری و شهری فراهم آورده تا کشف ساختار فضایی را ممکن نماید (لطیفی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۶۱-۱۶۲)؛ بنابراین می‌توان ادعا داشت هدف بنیادین شکل‌گیری نظریه نحو فضا، جستجوی رهیافت‌هایی برای توصیف فضای پیکره‌بندی شده است. توصیفی که بتواند منطق اجتماعی در لایه‌های زیرین آن را کشف کند و مبنایی برای نظریه‌های ثانویه باشد، که وقایع اجتماعی و فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. به بیان بهتر، نقش فضای پیکره‌بندی شده و فرایندهای ایجاد شدن آن و معانی مختلف اجتماعی آن، هدف غایی همه این تلاش‌ها است. بدین معنا رویدادهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط مستقیم با فضای پیکره‌بندی شده توصیف می‌شوند (قاضی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱). بدین‌سان منطق اجتماعی فضاها با دیدگاه ریخت‌شناسی^۳ خود فارغ از شکل، ابعاد و هندسه به روابط بین فضاها تأکید دارد. آگاهی از نحوه سازماندهی فضاها، شهری و خصوصیات کالبدی و اهمیت اجتماعی فضاها با استفاده از یافته‌های تحقیق، نقش فضاها، شهری را در برقراری روابط اجتماعی و فاکتورهایی که در حفظ هویت و استمرار فرهنگی نقش داشته‌اند را شناسایی می‌کند. شهر بشرویه یکی از کهن‌ترین شهرهای استان خراسان جنوبی، به‌عنوان نمونه موردی در این نوشتار، بستری با بار تأملی فراوان در نظام شکل‌گیری شهری خود است که تا به امروز مطالعات منسجمی در مورد بازبینی ساختار فضایی و نقش عوامل کالبدی- عملکردی در شکل‌دهی به این ساختار شهری نشده است. امید است بتوان با پژوهش در این میراث شهری ارزشمند، از یک‌سو به درک و شناخت باستان‌شناختی از این بافت تاریخی- فرهنگی (آنچه را که انگیزه پویایی ساختار، منزلت اجتماعی- اقتصادی، پیشرفت کیفیت‌های کالبدی و تعاملات اجتماعی آن شده است) و ارائه راهکارهای لازم برای حفظ آن، و از سوی دیگر ارزش‌هایی از این میراث فرهنگی را به‌منظور بازتولید الگوی شهرسازی معاصر و صیانت از هویت اجتماعی و ملی تبیین کرد. هدف از این جستار، خوانش رفتار فضایی بینامتنی بین انسان و محیط در بافت تاریخی شهر بشرویه در دوره قاجار است که زمینه‌ساز بروز سازمان فضایی و منطق اجتماعی فضا^۴ و هم‌بستگی در ساختار کالبدی و عملکردی محلات این شهر شده است. براساس تئوری نحو فضا نقش عوامل کالبدی- عملکردی در شکل‌دهی و توسعه منطق اجتماعی فضا شهر بشرویه در عصر قاجار چگونه بوده است؟

۲. آینده‌پژوهی و آینده‌نگری؛ روشی برون‌گرایانه که در آن شناخت وضع موجود سراغ شناخت آینده است.

نحو فضا پارادایمی است که به تحلیل پیکره‌بندی فضایی، در قالب دیدگاه شکل‌گرایی^۲ در جهت ادراک فرم معماری در راستای خوانش توان بالقوه فرم که نقطه تماس بین توده و فضا و معرف کیفیت و جوهر فضا، و مسئول کنترل و پذیرش عملکرد پدیده‌های معماری است می‌پردازد (Brown, 1986). از سوی دیگر چیدمان فضا نظریه‌ای است در جهت قرائت نظام‌های نامرئی موجود در ساختار فضایی شهر که عامل منطق اجتماعی فضا، و در قالب دیدگاه زمینه‌گرایی^۳ در جهت ادراک شهر و در راستای درک روابط بین انسان‌ها و جامعه، شهر را به‌مثابه زمینه رویدادهای کالبدی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی زیست‌کنندگان در یک جامعه تفسیر می‌کند (Hillier & Vaughan, 2007). نحو فضا مدولی است برای بازخوانی و رمزگشایی روابط بینامتنی موجود در لایه‌های بی‌شمار صورت و معنای آثار معماری در متن شهر که همانند یک واژه در داخل یک نوشتار و پیوسته با سایر واژه‌ها سبب بروز متنی جدید در ارتباط با متن پیشین بنا می‌شود. بدین معنی که شهر یک گفتمان است که از پیوستگی و هم‌جواری فضاهای معماری با یکدیگر و انشا فضاهای نو و روابط اجتماعی میان فضاها شکل گرفته است (Bafna, 2003). این ارتباطات بازتاب‌گویی زیستی پنهان‌فرم^۴ و گونه‌شناسی فضا^۵ است. به عبارتی بازگوکننده روابط اجتماعی فضاها و کالبد بناهاست که توسط رفتار بصری و حرکتی باشندگان و مصرف‌کنندگان فضاها سامان گرفته‌اند (Barown, 1996). بنابراین این نظریه، ساختار اصلی شهر را یک سیستم حرکتی جهت‌دار از حرکت انسان در فضا تعریف می‌کند (Bacan 1974). استفاده از روش چیدمان فضا، اوایل دهه هفتاد در مدرسه بارت^۶ انگلستان رواج پیدا نمود و اولین بار از سوی بیل هیلیر^۷ و جولیان هانس^۸ و استیدمن^۹ مطرح شد (Narvaez & et al, 2012:297)، و در سال ۱۹۸۴ توسط هیلیر و هانسون با کتاب منطق اجتماعی فضا، باهدف تغییر این انگاشت که دانش لزوماً باید اول در رشته‌های علمی و دانشگاهی تولید و سپس در علوم کاربردی استفاده شود، بنیان گذارده شد (Hillier & Hansin, 1998). گفتنی است نحو فضا یک نرم‌افزار نیست، بلکه یک روش تحلیلی است و تحلیل‌های این روش در نرم‌افزار انجام می‌شود. یکی از شناخته شده‌ترین نرم‌افزارهایی که برای انجام این تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد نرم‌افزار دپزمپ است. بدین‌گونه که این نرم‌افزار به‌صورت یک پلتفرم^{۱۰}

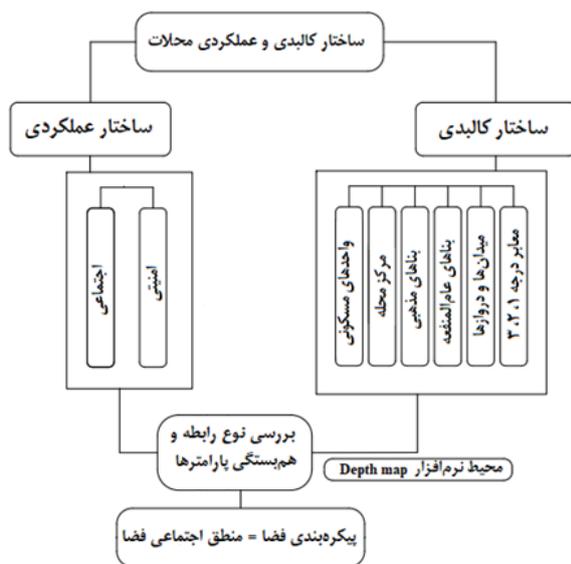
چندرسانه‌ای، ساختار و سازمان فضایی موجود در شهر و یک بنای معماری را در قالب فضاهای محدب^{۱۱} و فضاهای محوری^{۱۲} (Tutner, 2007)، شبکه‌های از معابر و کانال‌های بصری حرکتی (میدان دید) (Vaghaun, 2007) تقسیم و سپس بر پایه نظریه گراف^{۱۳} (Kwon, 2015) پردازش کرده است. خروجی‌های دریافتی از این برنامه به‌صورت داده‌های گرافیکی و عددی است که با الگوریتم خاص ارزش‌های مختلف فضایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. به‌این ترتیب که تقاطع هر دو خط با یکدیگر نشان‌دهنده ارتباط و دسترسی بالای فضایی و دال بر نقش خاص هر فضا در گسترش ساختار فضایی شهر، نقشه محدب کاهش پیچیدگی فضایی و ارتباط نزدیک فضاها و نقشه‌های بصری پویایی فضا را نمایان می‌کنند. از سوی دیگر به‌منظور استنباط و بازنمایی ساختار فضاهای شهری و معماری که پاسخگویی رفتارهای اجتماعی بر اساس عادات انسانی از روش مدل‌کردن هم‌بستگی میان متغیرها این نرم‌افزار می‌توان بهره جست.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف از زمره تحقیقات کاربردی است و از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است. با استفاده از تئوری نحو فضا که مشتمل بر مجموعه‌ای از تحلیل‌های کمی و ابزارهای توصیفی است به بازخوانی نقش عوامل کالبدی-عملکردی در شکل‌دهی و توسعه منطق اجتماعی فضای محلات بافت تاریخی-فرهنگی شهر بشرویه در عصر قاجار بهره گرفته شده است. بخشی از اطلاعات نظری از شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از یافته‌ها، اسناد و مدارک میراث‌فرهنگی شهر بشرویه جمع‌آوری گردیده است. در راستای واکاوی سازمان فضایی شهر که بازگوکننده منطق اجتماعی حاکم بر فضای شهری است، با بهره‌جویی از دو رهنمون کمی (رابطه ریاضی شاخص‌های نحو فضا) و کیفی (انگاره نحو فضا) موجود در تئوری چیدمان فضا، به شرح و بسط متدولوژی همگانی موجود در پیکره‌بندی فضایی شهر بشرویه که نقل‌قولی از مرادوات و رفتارهای اجتماعی، اقتصادی و امنیتی مردمانی است که در دوره قاجار در محلات این شهر زیست می‌کرده‌اند استفاده شده است. بدین منظور با استفاده از متغیرهای نحوی پایه (هم‌پیوندی، اتصال و میانگین عمق) در نرم‌افزار دپزمپ به تبیین ابعاد کیفیت فضایی پرداخته شده است. آنگاه به‌منظور تحلیل رابطه پیکره‌بندی فضا و نحوه ارتباط آن با عناصر شهری در مقیاس‌های مختلف و قرائت تعاملات اجتماعی از متغیرهای نحوی باواسطه (یکپارچگی فضایی و خوانایی) بهره گرفته شده است. این متغیرها بر اساس تحلیل هم‌بستگی میان پارامترهای فضایی نحوی، روابط پنهان میان ساختار کالبدی-عملکردی فضا، رفتارها و عوارض پدیدآمده بر اساس آنها را در سطوح شهر تفسیر می‌نماید. (تصویر ۱)

11. Convex space
12. Axial spaces
13. Isovist
14. Graph

- Space syntax theory .12
- Formalism .23
- Contextualism .34
4. Genotype
5. Phenotype
6. Bartlett School
7. Bill Hillier
8. Julian Hanson
9. Steadman
10. Platform



تصویر ۱: چارچوب مفهومی - نظری پژوهش

معرفی متغیرها و شاخص‌ها چیدمان فضا

در گام اول، به منظور بازنمایی شبکه فضایی حاکم بر ساختار محلات شهر بشرویه بر اساس روش چیدمان فضا، ابتدا نقشه محوری از محله‌های شهر که تبیین‌گر ساختار فضاهای باز شهری است که در آن نحوه حرکت انسانی اهمیت داشته و نه اشغال فضا توسط انسان تهیه شده است. لازم به ذکر است بنا بر اعتقاد هیلیر و همکاران، نقشه‌های محوری بر اساس طولانی‌ترین خط میان دو نقطه در فضا که قابل دید و دسترس است (سلطانی فر و صابری کاریزی، ۱۳۹۷: ۳۱) در نظر گرفته شده است و در گام دوم، تحلیل نقشه‌های محوری بر اساس متغیرهای نحوی پایه^۲ و متغیرهای نحوی باواسطه^۳ به کمک نرم‌افزار دیزمپ انجام شده است. در ذیل به تفصیل این متغیرها شرح داده شده است.

الف - متغیرهای نحوی پایه

اتصال^۴: شاخص اتصال (پیوستگی)، از واضح‌ترین مفاهیم تحلیل فضایی است که به معنی ارتباط فضایی است. یعنی هرچه تعداد اتصالات بیشتر باشد، ارتباطات با دیگر فضاها بیشتر خواهد بود و مفهوم کاربردی آن دسترسی است. به عبارتی دیگر اندازه‌گیری تعداد فضاهای همسایگی است که به طور مستقیم به فضای مورد نظر متصل باشد (آل سید و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷).

هم‌پیوندی^۵: هم‌پیوندی اصلی‌ترین مفهوم ترکیب‌بندی فضا است که بر اساس چیدمان فضا توسعه داده شده است. ارزش هم‌پیوندی هر خط (فضا)، میانگین تعداد خطوط (فضاهای) واسطی است که بتوان از آن به تمام فضاهای شهر رسید، یا به عبارتی، میانگین تعداد تغییر جهاتی است که بتوان از آن فضا به

1. Axial Map Analysis
2. Basic Syntactic Measures
3. Mediated variables
4. Connectivity
5. Integration

تمام فضاهای شهر رسید؛ بنابراین، هم‌پیوندی در روش چیدمان فضا میان ارتباط فضاها با یکدیگر است و نه مفهومی فاصله‌ای متریک میان فضاها است (عباس‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۰)، و برای توصیف ویژگی‌های شهر در قالب محلی، میانی و فراگیر (کلان) کاربرد دارد. میزان هم‌پیوندی یک گره با میزان استفاده از آن گره و یا میزان عبور پیاده در آن گره مرتبط است. تاحدی که این معیار به عنوان پتانسیل حرکت شناخته شده است (رمضانی و دادگر، ۱۳۹۶: ۴۴). همچنین این مفهوم در پیکره‌بندی فضایی به معنی میزان پیوستگی و یا جدافتادگی فضا نسبت به سایر فضاهای موجود در فضا است (رشیدزاده و حبیبی، ۱۳۹۹: ۲۷).

میانگین عمق^۶: ایده‌آلیه عمق به عنوان تعداد قدم‌هایی که برای گذر از یک نقطه به نقاط دیگر باید طی شود، تعریف می‌شود. یک نقطه یا فضا در صورتی عمیق خوانده می‌شود که قدم‌های زیادی بین آن نقطه و دیگر نقاط موجود باشد. هرچه عمق فضا کم‌تر شود، تفکیک و جداسازی فضایی کاهش یافته در نتیجه فضا یکپارچه‌تر و در دسترس‌تر می‌شود (یونسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۴).

ب - متغیرهای نحو باواسطه

یکپارچگی فضایی^۷: ایجاد رابطه منطقی میان کل و جزء شهر، از نظر فضایی، انسجام شهر یا یک فضای معماری، به میزان ارتباط و هم‌پیوندی اجزای آن بستگی دارد. بر این اساس هرچه میزان هم‌پیوندی در مقیاس کلان و محلی افزایش یابد، انسجام کل سیستم افزایش خواهد یافت (سلطانی فر و صابری کاریزی، ۱۳۹۷: ۳۲). از طرف دیگر، انحراف معیار^۸ شاخصی است که میزان پراکندگی فضایی و انسجام و هماهنگی ساختار را نشان می‌دهد. از آنجایی که هدف این بخش بررسی انسجام و هماهنگی ساختار فضایی است، باید میزان پراکندگی و نه افزایش و کاهش ارزش هم‌پیوندی، مورد تحلیل قرار گیرد. بر این اساس هرچه میزان انحراف معیار کمتر باشد، ساختار فضایی انسجام بالاتری دارد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷).

خوانایی (وضوح)^۹: مفهوم وضوح شهر ارتباط مستقیمی با مفهوم بازسازی شهر در ذهن دارد، بنابراین وضوح یک شهر رابطه‌ای میان ویژگی‌های محلی و فراگیر فضای شهری است که در این عامل، ویژگی محلی فضاها تعداد تقاطع‌ها این فضاهاست (اتصال) و ویژگی فراگیر فضاها هم عبارت از میزان هم‌پیوندی فضاهاست. به عبارت دیگر، درک کل سیستم شهری از طریق فضاهای آن (خیابان) بستگی به اتصال آن فضاها به دیگر فضاها (ویژگی محلی) و همچنین میزان هم‌پیوندی آن فضاها (ویژگی فراگیر) در کل سیستم شهری دارد. هم‌بستگی آماری بین میزان اتصالات خطوط محوری با میزان هم‌پیوندی، شاخصی است که اهمیت آن خطوط محوری (فضا) را در کل سیستم شهری مشخص می‌کند. شاخصه وضوح نشانگر میزان اطلاعات فضایی است که می‌توان به صورت

6. Mean Depth
7. Spatial coherence
8. Standard deviation
9. Intelligibility

شهر بشرویه در منابع تاریخی

شواهد تاریخی و باستان‌شناسی حاکی از آن است که قدیمی‌ترین استقرار در دشت بشرویه مربوط به رقه^(۱) یکی از روستاهای دشت بشرویه است. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (مقدسی، ۱۳۸۹)، صورہ الارض (ابن حوقل، ۱۳۴۵)، سفرنامه ناصر خسرو (قبادیانی مروزی، ۱۳۴۱)، کهن‌ترین منابعی هستند که در سده چهارم هجری از آبادی رقه نام برده‌اند که سخنی از بود و زیست‌شهر بشرویه در آنها ثبت نشده است. هرچند، در مورد مبدأ تاریخی پیدایش شهر بشرویه آگاهی چندانی نیست، اما بر پایه مفروضات منابع تاریخی و جغرافیایی سده‌های میانی اسلامی، منم تیمور جهانگشا (بریون، ۱۳۶۰) و جغرافیای حافظ ابرو (هروی، ۱۳۴۹) شهر بشرویه در دوره تیموری اهمیت و ارزش چندانی نداشته؛ بلکه در حد آبادی تازه تأسیس و کوچک بوده است، بدین‌سان که تکوین و توسعه این شهر بر اساس الحاق ساکنین روستاهای پیرامون بشرویه صورت گرفته، ارتزاق در این شهر بر پایه صنعت برک بافی^(۲) بوده است. همچنین اهالی به‌منظور تأمین آب شرب و نیز فراهم کردن آب لازم برای کشاورزی، ناگزیر دست به استحصال منابع زیرزمینی آب در دشت بشرویه زده‌اند. گفتنی است که مادرچاه کاریزهای بشرویه در مناطق کوهستانی جاگرفته است. ولیکن مظهر قنات‌ها هم در اراضی کم شیب دشت و هم در مناطق کوهستانی واقع شده است. از سوی دیگر مسیر قنات‌ها و آسیاب‌های آبی بشرویه تقریباً بر هم منطبق هستند. در کتاب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء (اصفهانی، ۱۳۶۱) به شرح حال علماء، به‌ویژه ملا عبدالله تونی بشرویه و برادرش ملاحمد که از اهالی بشرویه در عصر صفوی‌اند، پرداخته شده است. تعدد و تکرار نام این شهر در سفرنامه‌های سده‌های ۱۱ و ۱۲ دوره اسلامی از رونق و ثبات شهر بشرویه در این منطقه حکایت دارد. تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران (گابریل، ۱۳۴۸: ۶۲)، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان (مک‌گرگور، ۱۳۶۶: ۱۳۳-۱۳۷)، سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک (خانلرخان، ۱۳۵۱: ۲۶۵-۲۶۶)، طریق الحقایق (شیرازی، ۱۳۴۵: ۷۱۶-۷۱۷) و زیر آفتاب سوزان ایران (نیدمایر، ۱۳۶۳: ۱۲۱-۱۲۷)، سخن سفرنامه‌های فوق شرحی است بر توصیف شهر بشرویه و جمعیت آن و همچنین سخت‌کوشی مردمان آن که با فقدان زمین و آب لازم برای گشت و زرع با اتکا به صنعت برک بافی روزگار گذرانده و مذهب شیعه اثنی‌عشری داشته‌اند. منتها روزگاری اندیشه بای‌گری در این شهر رواج یافت که با موضع‌گیری علمای دین علیه بابیت، ریشه‌های آن معدوم گشته و نیز سنت وقف در این شهر رابطه تنگاتنگی با مذهب آنان داشته است.

وضعیت کالبدی بافت تاریخی شهر بشرویه

ذات شهر و شهرنشینی ساخت‌وساز، الحاقات و تعمیرات است (آذر و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۷: ۱۲۰). با استناد به مدارک و مستندات (عکس هوایی ۱۳۳۵ ه.ش) می‌توان وضعیت کالبدی و

بصری از یک خط محوری (فضا) به دست آورد (عباس‌زادگان، ۱۳۸۱: ۶۸). به بیان دیگر، خوانایی اصطلاحی در تئوری چیدمان فضا است که برای توصیف جایگاه یک عنصر در ساختار کل به کار برده می‌شود. این شاخص به‌وسیله ضریب هم‌بستگی میان اندازه هم‌پیوندی و اتصال در مقیاس کلان تعریف می‌شود. هرچه ضریب هم‌بستگی بیشتر باشد، فضا از خوانایی بیشتری برخوردار خواهد بود (Jiang & Claramunt, 2002: 297). هر چه میزان وضوح در یک فضا کمتر باشد، افراد غریبه، درکی کمتر از کلیت فضا می‌یابند و در نتیجه احتمال نفوذ به نقاط خصوصی‌تر فضا کمتر می‌شود. از طرفی هم هرچه وضوح در فضای معماری بیشتر باشد، ساختار سلسله‌مراتبی قلمروها ضعیف‌تر می‌شود و احتمال نفوذ غریبه‌ها به داخل فضا بیشتر خواهد شد (عباس‌زادگان، ۱۳۸۱: ۶۸).

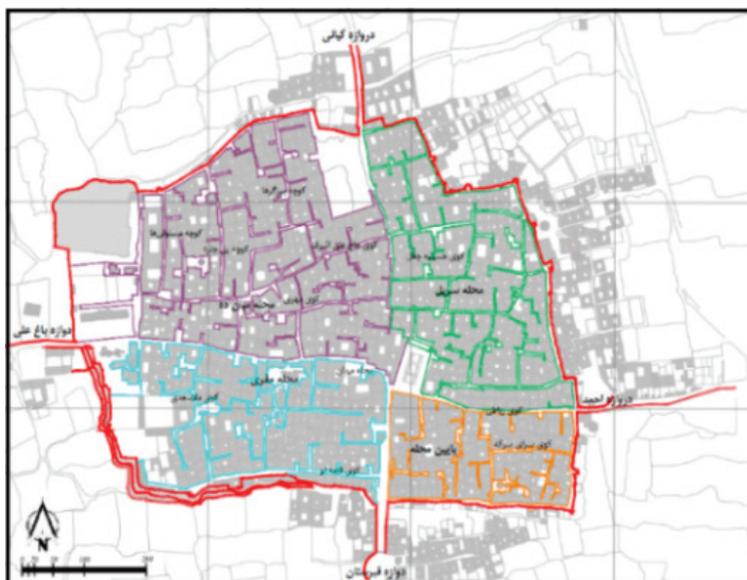
محدوده مورد مطالعه

موقعیت جغرافیای شهرستان بشرویه

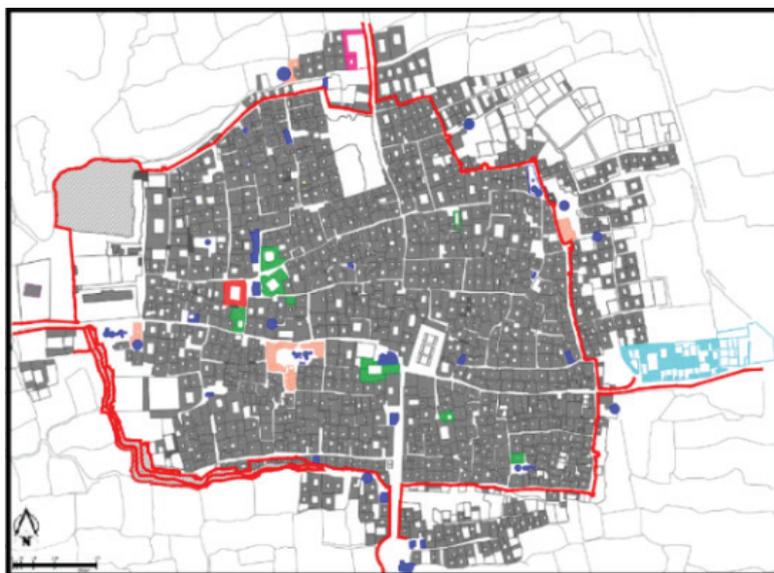
شهرستان بشرویه در استان خراسان جنوبی، واقع شده است. این شهرستان از شمال و شمال شرق با شهرستان بجستان و از شرق با فردوس و جنوب شرقی با سرایان، و از جنوب با شهرستان طبس (بخش دیهوک)، از غرب با بخش مرکزی طبس، از شمال غربی با بخش دستگردان طبس، هم‌مرز است و شامل دونقطه شهری (بشرویه و ارسک) و چهار دهستان (علی جمال، کوند، رقه، بشرویه) است. این شهرستان از منظر جغرافیایی متشکل از دو ساحت ناهمسان‌الگوی زیستی است. نخست، بخش کوهستانی با وسعت کم و باریک، مشتمل بر رشته‌کوه شتری که دربردارنده دشتهای باریک و دره‌های میانکوهی است. دیگری، پهنه وسیعی از بیابان‌ها و شنزارهایی که در قسمت شمال، جنوب و شرق به ترتیب شامل کویر نمک، کویر لوت و تپه‌های ماهوری که در قالب تشکیلات عظیم آتش‌فشانی در قسمت جنوب و شرق شهرستان بشرویه جا گرفته‌اند. شهر بشرویه با موقعیت ۳۳ درجه و ۵۲ دقیقه شمالی و ۵۷ درجه و ۲۷ دقیقه شرقی در دشت بشرویه و هم‌جوار با کویر نمک در شمال و دشت لوت در جنوب واقع شده است. (تصویر ۲)



تصویر ۲: موقعیت استان خراسان جنوبی، شهرستان بشرویه، شهر بشرویه (مأخذ: میراث فرهنگی شهرستان بشرویه)



تصویر ۳: محله‌ها، کوی‌ها و دروازه‌های شهر بشرویه (ترسیم نگارندگان بر اساس عکس هوایی شهر در سال ۱۳۳۵ ه.ش)



تصویر ۴: عناصر کالبدی محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

(ریاضی، ۱۳۱۶: ۱۱۵) پیرامون شهر کشیده شده است. کوی‌های موجود در محلات بشرویه بر اساس زندگی افراد با صنفی یکسان و موضوع مرتبط باکوی نام‌گذاری شده است. بعلاوه چهار دروازه در جهات اصلی شهر به نام‌های، دروازه شمالی: گدو، دروازه شرقی: احمد، دروازه غربی: باغ علی، دروازه جنوبی: قبرستان، پیرامون شهر ساخته شده است. کانال ارتباطی دروازه‌های شهر، معابر عریض و طویل شمالی-جنوبی و شرقی- غربی است که این گذرگاه‌ها توسط میدان مستطیل‌شکلی که کانون تلاقی چهار محله است به یکدیگر می‌پیوندند که این معابر در عین اتصال شهر موجب انفصال و تفکیک محله‌ها از یکدیگر شده‌اند. (تصویر ۳)

ساختار کالبدی محلات شهر بشرویه در دوره قاجار

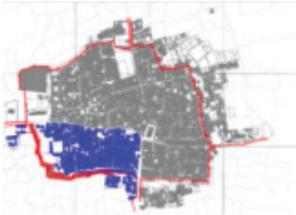
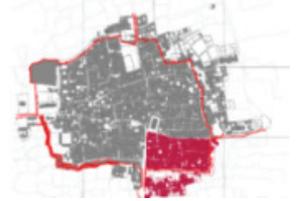
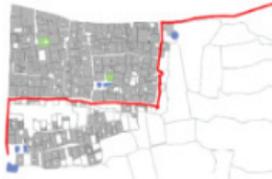
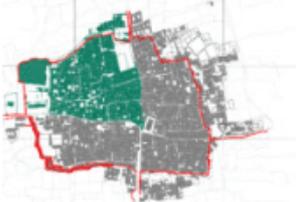
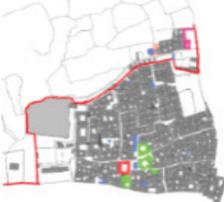
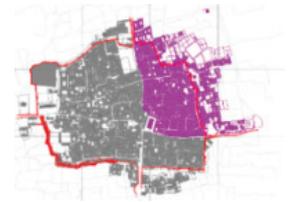
محله‌ها بازتابی از افکار، رفتارها و احتیاجات ساکنین خود در

روند شکل‌گیری و تکاملی شهر بشرویه را چنین استنباط نمود؛ آنچه سبب شکل‌گیری کالبد شهر در مقیاس ریز شده، تکوین خانه‌هاست که پیش‌تر بر پایه انگیزه‌های اقتصادی^(۳) بسط و توسعه خانه‌هاست که منتج به بروز محلات شده است. این شکل‌گیری در راستای دسترسی به منابع آبی و همساز با اقلیم و در سطح کلان (مجموعه شهر، مکان‌گزینی پیوستگی بناهای اصلی شامل دیوانی، مذهبی، خدماتی و...) و با نگرش به اولویت‌های زندگی که بازتابی از فرهنگ و ایدئولوژی ساکنین شهر بشرویه، در درازای زمان بوده است.

محلات شهر بشرویه در دوره قاجار

باتوجه به قدیمی‌ترین عکس هوایی از شهر بشرویه، بافت تاریخی این شهر مشتمل بر چهار محله به نام مقری، پایین‌محله، میان‌ده، سرپل بوده است و نیز در عصر زندیه تا قاجار دیوار شهر بند

جدول ۱: ریز فضاها، ساختار کالبدی محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

موقعیت در بافت شهری	نقشه	عناصر ساختاری اصلی	محل
		مسجد آب‌انبار و حوض حمام واحد‌های مسکونی	مقری
		بناهای مذهبی آب‌انبار و حوض واحد‌های مسکونی	پایین محله
		بناهای مذهبی مدرسه آب‌انبار و حوض حمام کارگاه برک بافی واحد‌های مسکونی	میان ده
		مسجد آب‌انبار و حوض حمام انبار و طویله‌ها واحد‌های مسکونی	سرپل

محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

آنچه نظام شهرسازی را در بافت‌های تاریخی تعریف می‌کند، میزان یکپارچگی فضای شهری در کل و عملکرد آن در خرد است. بدین معنی که فضاهای شهری پویا و مردم‌وار برآمده از یک نظام سلسله‌مراتبی منسجم و عناصر همگن در کنار یکدیگرند که لازم و ملزوم ایجاد تسلسل فضایی بین محله با شهر، و سبب قرارگیری خدمات شهری در جوار محله‌ها و انتظام شوارع بین محلات شده‌اند. از این رو به‌منظور خوانش عناصر دخیل در ساختار کاربردی و عملکردی محلات و نظم حاکم بر پیکره‌بندی فضای محلات بافت تاریخی بشرویه، محله‌های این شهر را بر پایه تئوری چیدمان فضا و در قالب درک انسانی و رهگذران از فضاهای محله‌ها مورد بازخوانی قرار داده شده است. داده‌های حاصل از نرم‌افزار به‌صورت ریاضی و گرافیکی است. لازم به ذکر است، داده‌های ریاضی نحوه عملکرد رفتار را در فضاهای شهری پیش‌بینی می‌کند و مفروضات حاصل از تحلیل گرافیکی بر پایه ارزش‌گذاری رنگی تأثیر دخالتهای رفتاری را در ساختار فضایی شهر رانمایان می‌کند. بدین صورت که شاخص‌ها، بر اساس تونالیته رنگی از (قرمز به آبی) توسط نرم‌افزار

بستر زمان و مکان‌اند. ظهور و بروز محلات بشرویه در دور قاجار به یک‌بار صورت نگرفته است. بلکه به‌صورت تدریجی و بر مبنای جریان زندگی اهالی در این شهر پا گرفته‌اند و مؤید چگونگی پیکره‌بندی فضایی و کالبدی بافت تاریخی شهر بشرویه می‌باشند. بر اساس مستندات تاریخی، عناصر تشکیل‌دهنده کالبدی محلات بشرویه مشتمل بر خانه‌ها در مقیاس متفاوت با الگوی غالب حیاط مرکزی، بناهای عام‌المنفعه (حمام، آب‌انبار، حوض، مدرسه)، بناهای مذهبی بوده که در این میان معابر و گذرها سبب اتصال و پیوستگی این واحدهای همسایگی در کنار یکدیگر شده است. همچنین نکته مهم در خصوص این شهر فقدان بازار در ساختار فضایی شهر است. بعلاوه وجود انبارها و طویله‌ها در مجاورت دروازه احمد و نیز کارگاه‌های برک بافی در نزدیکی دروازه کیانی، و هر دو خارج از دیوار شهر بند شکل گرفته‌اند (تصویر ۴ و جدول ۱)

یافته‌ها

مرحله اول: هم‌سنجی میزان کاربست متغیرهای بی‌واسطه نحوه فضا به‌منظور تبیین ساختار کاربردی و عملکردی

جدول ۲: نتایج مؤلفه‌های نحوه فضا (هم‌پیوندی فراگیر (کلان)، میانی و محلی) در ساختار محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

انحراف معیار	حداکثر	حداقل	متوسط	محلات	
				هم‌پیوندی فراگیر	هم‌پیوندی میانی
۰,۱۴	۱,۰۹	۰,۳۵	۰,۷۶	هم‌پیوندی فراگیر	محله مقری
۰,۱۴	۱,۰۷	۰,۳۶	۰,۷۶	هم‌پیوندی میانی	
۰,۴۶	۲,۵۳	۰,۳۳	۱,۲۲	هم‌پیوندی محلی	
۰,۳۶	۳,۴۹	۰,۳۳	۰,۷۹	هم‌پیوندی فراگیر	پایین محله
۰,۲۸	۲,۱۱	۰,۳۱	۰,۷۸	هم‌پیوندی میانی	
۰,۵	۳,۴۹	۰,۳۳	۱,۱۰	هم‌پیوندی محلی	
۰,۱۴	۱,۲۷	۰,۲۹	۰,۵۷	هم‌پیوندی فراگیر	محله میان‌ده
۰,۱۴	۱,۲۷	۰,۲۷	۰,۶۳	هم‌پیوندی میانی	
۰,۳۹	۲,۲۵	۰,۳۳	۱,۱۲	هم‌پیوندی محلی	
۰,۰۸۷	۰,۸۴	۰,۳۶	۰,۷۳	هم‌پیوندی فراگیر	محله سرپل
۰,۰۸۲	۰,۸۴	۰,۳۹	۰,۶۷	هم‌پیوندی میانی	
۰,۰۴۲	۲,۴۷	۰,۳۳	۱,۲۲	هم‌پیوندی محلی	

جدول ۳: نتایج مؤلفه‌های نحوه فضا (پیوستگی، میانگین عمق) در ساختار محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

حداکثر	حداقل	متوسط	محلات	
			ارزش اتصال	محله مقری
۸	۱	۲,۴۷	ارزش اتصال	محله مقری
۶	۱	۲,۲۴		پایین محله
۸	۱	۲,۳۰		محله میان‌ده
۳,۴۵	۰,۱۲	۱		محله سرپل
۹,۸۸	۱,۵	۵,۸۸	ارزش میانگین عمق	محله مقری
۱۲,۳۳	۱,۲	۶,۳۵		پایین محله
۱۵,۳۰	۱,۶۶	۹,۸۸		محله میان‌ده
۱۷,۵۹	۷,۳۲	۱۰,۴۶		محله سرپل

باغ علی)، کوی رباطی^۲ که ساختار محله رو به دو بخش متمایز تفکیک کرده است و در این مسیر خدمات شهری برای دو بخش لحاظ گشته و در آخر مسیری که پیرامون دور محله (دیوار شهر بند) کشیده شده است. باتوجه به (جدول ۴)، بالاترین شاخص هم‌پیوندی در محله میان‌ده مربوط به معبری است که به موازات محور اصلی شهر (شمالی - جنوبی) کشیده شده‌اند و فواصل این معابر توسط واحدهای مسکونی و خدمات شهری اشغال شده است. بعلاوه معبری که پیرامون دیوار شهر بند کشیده شده است، از میزان هم‌پیوندی مطلوبی برخوردار است و منتهی‌الیه آن معبر به‌اشدگاهی^۳ که در شمال محله میان‌ده و سرپل قرار داشته است ختم شده است. همچنین بر اساس (جدول ۴)، در محله سرپل بالاترین درجه هم‌پیوندی مربوط به مسیری است که به واسطه حضور دیوار شهر بند در شهر شکل گرفته است و این مسیر تبدیل به

خوانش می‌شوند. در این میان رنگ قرمز بالاترین ارزش و رنگ آبی کمترین ارزش را به خود اختصاص داده‌اند.

ارزش هم‌پیوندی^(۴): بالاترین میزان هم‌پیوندی (جدول ۴)،

در محله مقری مربوط به محور اصلی شهر (اتصال دروازه باغ علی و دروازه احمد) است. ظهور و بروز راسته‌بازار^(۵) و خدمات شهردر این منطقه به‌منظور ارائه خدمات برای اهالی محله کاملاً معقول و سنجیده بوده است. افزون بر آن، کوچه ملا سعدی، کوی قلعه مقری^۱ از میزان هم‌پیوندی بالایی برخوردار هستند. این گذرها مانند پل ارتباطی بین بخش‌های مسکونی در محله و خدمات شهری موجود در محله بوده‌اند. بالاترین میزان هم‌پیوندی در محله پایین محله (جدول ۴)، مربوط به برزن است که متصل به معبر اصلی شهر (دروازه قبرستان - دروازه کیانی) است که به واسطه آن بالاترین میزان دسترسی به فضای اصلی شهر فراهم شده است و سپس معبر مواصالی شرقی - غربی شهر (دروازه احمد - دروازه

۲. رجوع شود به تصویر ۳

۳. فضای باز شهری

۱. رجوع شود به تصویر ۳

جدول ۴: نتایج گرافیکی، مؤلفه‌های نحوه فضا (هم‌پیوندی فراگیر (کلان)، میانی و محلی) در ساختار محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

محلّه	نقشه	فراگیر	میانی: شعاع ۱۲	محلی: شعاع ۳
مقری				
پایین محلّه				
میان ده				
سرپل				

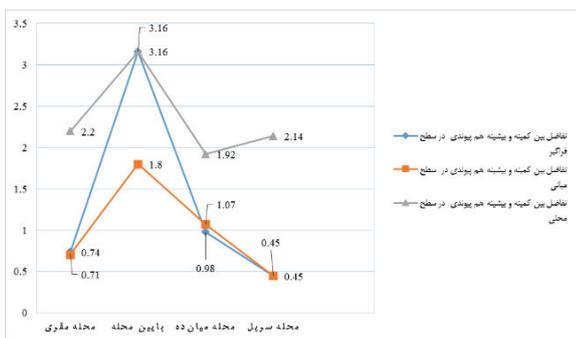
جدول ۵: نتایج گرافیکی، مؤلفه‌های نحوه فضا (پیوستگی میانگین عمق)، در ساختار محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

محلّه	نقشه	اتصال	میانگین عمق
مقری			
پایین ده			
میان ده			
سرپل			

دردسترس‌ترین معبر برای ساکنان این محله شده است. همچنین تمرکز حضور بالای فعالیت‌های شهری در این گذر توانسته در تکوین ارتباط و یکپارچگی بین زیستگاه‌های درون و بیرون شهر نقش بنیادین داشته باشد. گذرها و معابر اطراف و حواشی این مسیر دارای بالاترین درجه هم‌پیوندی می‌باشند. معبر شمالی کوی حسینییه چغل و گذرگاه^۱ عمود به این گذر از میزان یکپارچگی بالایی برخوردار بوده و معابر هم‌جوار خدمات شهری خارج دیوار شهر بند نیز از میزان درجه هم‌پیوندی مناسبی برخوردار هستند که نشانگر پتانسیل بالای حرکتی این مسیرها در داخل بافت محله سرپل و یکپارچگی آنها با حوزه بلافضل خودش می‌باشد. بررسی شاخص هم‌پیوندی (جدول ۲)، در سه سطح فراگیر، میانی و محلی، در محله‌های بافت تاریخی بشرویه مؤکد آن است که میزان پیوستگی و انسجام در ساختار فضایی و کالبدی محلات این شهر تا حدودی به‌خوبی رعایت شده است. هم‌سنجی این شاخص در سه سطح بیانگر آن است که ترکیب کاربری‌های متفاوت با دسترسی مطلوب در محلات در هماهنگی و انطباق با اصول رشد هوشمند شهرسازی^(۶) در سطوح مختلف بوده است. لازم به ذکر است (نمودار ۱)، تفاضل میان بیشینه و کمینه ارزش هم‌پیوندی میزان توسعه‌یافتگی سطح محلات را در سطح فضای شهر بازگو می‌کند. هر چه میزان اختلاف بین حداکثر و حداقل ارزش هم‌پیوندی در سطح محلات کمتر باشد مؤید پیوند مناسب‌تر درون محله‌ای است و به‌عبارت‌دیگر محلات توسعه‌یافته‌تر هستند. بدین معنی است که فرم فضایی و ترکیب‌بندی شوارع در این محلات به‌گونه‌ای است که دسترسی درون محله‌ای مناسب و سازگار بوده و این برزن‌ها دارای ارزش مهمی در شکل، ساختار و پیکره‌بندی فراگیر شهر را داشته‌اند و سبب رشد تعاملات اقتصادی-اجتماعی و نیز گسترش و پیشرفت همه‌جانبه (کالبدی، رفاهی و زیست‌محیطی) فضاهای درون محلات را فراهم آورده‌اند. اختلاف شدید بین حداکثر و حداقل میزان هم‌پیوندی نشانگر ایزوله شدن قسمتی از بافت و نیز بروز اختلاف طبقاتی در سطح شهر است. همچنین، محلاتی که ترکیب‌بندی شوارع و پیکره‌بندی فضایی آنها با شهر هم‌بسته نبود، نیز دچار انزوای فضایی گشته و پویایی درون این بافت‌ها به‌آسانی مقدور نمی‌باشد. تفاضل میان حداکثر و حداقل ارزش هم‌پیوندی در دو سطح میانی و محلی در سطوح محلات بشرویه نشان‌دهنده آن است ضرب‌آهنگ شاخصه‌های توسعه‌یافتگی (متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، رفاهی و کالبدی) به ترتیب در محله‌های سرپل، مقری، میان‌ده سازگار و مساعد بوده است. بدین معنی که اجزاء هر محله از یک الگوریتم کلونی مانند، پیروی کرده‌اند که در عین واحد با یکدیگر هم‌بستگی و هماهنگی کامل را داشته‌اند. اما شاخص توسعه‌یافتگی در سطح کلان نشان‌دهنده آن است که الگوی پخش‌ایش و مکان‌گزینی خدمات شهری در محله میان‌ده نسبت ضرب‌آهنگ شاخصه‌های توسعه‌یافتگی در ساختار کالبدی فضای

۱ رجوع شود به تصویر ۳

محله میان‌ده کم‌وبیش شرایط یکسان و متشابه‌ای را برای تمام اجزاء محله فراهم کرده است. افزایش عددی تفاضل میان حداکثر و حداقل ارزش هم‌پیوندی در سه سطح، در پایین محله بیانگر آن است که ساختار عملکردی در این محله نه‌تنها شرایط توسعه یابی را طی نکرده است؛ بلکه موجبات انزوای فضایی و ایزوله شدن ساختار فضایی، این محله را به همراه داشته است. به بیان دیگر اجزای این محله در یک انفصال و گسیختگی از یکدیگر و در مجموع دچار یک انقطاع با تمامیت شهر بشرویه شده است. گفتنی است، این جریان در رفتار فضایی سبب گشته که کالبد فضاهای شهری نتواند بایستگی‌های لازم را برای رشد و توسعه پایین محله برآورده نماید و این عدم پاسخ‌گویی به احتیاجات اهالی سبب پایین آمدن کیفیت زندگی در این محله شده است. عوامل فوق در درآمدت بر روی ساختار عملکردی فضایی این محله اثرگذار بوده است و سبب گشته که افراد کم‌بضاعت و با شأن اجتماعی پایین‌تر در این محله سکونت کنند. بدین معنا، گسیختگی و انزوای فضایی در پایین محله نسبت به کل شهر بشرویه باعث گوشه‌گزینی و جدایی اجتماعی و فرهنگی ساکنین این محله شده است.



نمودار ۱: افتراق میان حداکثر و حداقل ارزش هم‌پیوندی در سه سطح فراگیر، میانی و محلی، محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

ارزش اتصال (پیوستگی): واکاوی شاخص اتصال (جدول ۳)، در محله‌های بافت تاریخی بشرویه مؤکد آن است که میزان ارتباط و دسترسی فضایی در ساختار کالبدی محلات بشرویه به‌خوبی رعایت شده است. بدین معنی که شاخص تأمین دسترسی در ساحت محله‌ها از نرخ تنوع‌پذیری بالایی برخوردار می‌باشند و بر اساس گستردگی محلات این شاخص در سطوح محلات فزونی یافته^۲ است. همچنین بالا بودن میزان اتصالات در محلات نشان از اهمیت این معابر و دردسترس بودن آنها برای تمام افراد در محله‌های بشرویه بوده و از سوی دیگر معابر با شاخص اتصال بالا (جدول ۵)، بستر مناسب برای ایجاد و توزیع بهینه خدمات شهری در سطح

۱. محله سرپل > پایین محله > محله میان‌ده > محله مقری
 2. Inductive perceptionspace.
 ۳. فضایی دارای خوانایی بالا است که در آن ضریب هم‌بستگی میان این دو پارامتر فضایی بیش از (۰.۵ > R2) باشد.
 ۴. الگوهای اجتماعی دربرگیرنده نحوه قرارگیری الگوی کاربری‌های اراضی، جرایم شهری، مکان‌یابی حومه‌نشینی در شهر.

تنوع در دل بافت، ارتقا دسترسی‌ها، تقویت حس امنیت شهری و تعاملات اجتماعی و ایجاد تعامل زمانی-مکانی میان ساختار فضایی محلات شهر بشرویه در عصر قاجار شده‌اند. همچنین بالا بودن شاخص میانگین عمق (جدول ۳) در محله سرپل، بیانگر پذیرش نقش‌هایی فراتر از سکونت محض برای بلوک‌های مترکام ساختمانی در این قسمت شهر بوده است. این رفتار فضایی در محله سرپل بیانگر توسعه پایدار محله و شکل‌گیری هم‌بستگی اجتماعی در ساختار کالبدی این محله بوده است. لازم به ذکر، کاهش مقدار عددی شاخص میانگین عمق (جدول ۳) در محله مقری نسبت به سایر محلات، از یک سو به جهت پایه‌گذاری هسته اولیه شهر بشرویه در این محله بوده است و از سوی دیگر به دلیل جانمایی زیرساخت‌های شهری در مسیر مواصلاتی اصلی شهر (رقه-بجستان) در این محله، سبب در دسترس بودن فضاهای خدماتی برای تمامی ساکنین شهر شده است. همچنین بر اساس (جدول ۵) بالا بودن شاخص میانگین عمق در معابر و گذرهای درون بافتی مبین وجود کوچه‌های پرپیچ و خم با هدف حفظ حریم خصوصی افراد در ساختار فضایی محلات این شهر بوده است.

مرحله دوم: هم‌سنجی میزان کاربری متغیرهای با واسطه نحوه فضا به منظور تبیین ساختار کاربردی و عملکردی محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

بهره‌جویی از متغیرهای باواسطه نحو فضا تلاشی آگاهانه به‌منظور انکشاف رفتارهای اجتماعی که انتظام یافته عادات انسانی و برآمده از صفات درونی آدمی است، و نیز حواجی و فعالیت‌های انسانی که در بستر فضاهای مصنوع صورت می‌پذیرد را، بر اساس الگوهای حرکتی و بصری مردم توصیف می‌نماید. بدین‌سان برای بازنمایی ساختار فضایی و عملکردی محلات بافت تاریخی بشرویه با ایجاد رابطه میان متغیرهای بی‌واسطه به تشریح منطق ساختاری-کارکردی موجود در کالبد فیزیکی شهر که بازتابی از روابط ایدئولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن در عصر قاجار بوده است، پرداخته شده است.

انسجام فضایی: آنچه سبب‌ساز یکپارچگی میان اجزاء و کلیت در فضا می‌شود، به عبارتی منطق اجتماعی حاکم بر فضا است. انسجام هم‌بر کالبد فضا و هم‌بر عملکرد فضای محله‌ها اثرگذار است و واسطه ایجاد تعاملات اجتماعی در جهت هم‌بستگی اجتماعی در راستای رسیدن به یک هدف مشترک است که در این میان، برای دستیابی به همکنش‌های اجتماعی یک ظرف مکانی لازم است. این کالبد وظیفه محرک عملکرد، ارتباط، فعالیت انسانی، بالابردن سطح ارتباطات چهره‌به‌چهره، القا حس مکان و هویت شهری را برای اجتماع‌پذیری فضاهای محله‌ها بر عهده داشته است؛ بنابراین انسجام فضایی را می‌توان از شاخص انحراف معیار هم‌پیوندی در مقیاس کلان و محلی اندازه‌گیری نمود. به‌عبارت‌دیگر، هرچه میزان انحراف معیار در سطح محلات کمتر باشد به همان میزان ساختار فضایی درون محله‌ای همگن‌تر و منسجم‌تر خواهد بود. بر

محلات شهر بوده‌اند. تفاوت در میزان ارزش بیشینه و میانگین اتصالات (نمودار ۱)، در محله‌ها مؤید وجود تنوع در بافت محلات است؛ بنابراین پایین بودن افتراق بین حداکثر و متوسط ارزش اتصال در محلات دال بر شطرنجی شدن ساختار محله‌ها و به تاسی از آن کم‌رنگ شدن سلسله‌مراتب دسترسی‌ها، (در ارتباط باکلیت شهر) شده است. به عبارتی دیگر محلات فاقد یک نظام سلسله‌مراتب دسترسی از حوزه بلافصل (شهر) به حوزه محلی می‌باشند. گفتنی است، روند سلسله‌مراتب دسترسی از حوزه بلافصل شهر به حوزه محلی در شهر بشرویه این‌چنین است (پایین‌محله > سرپل > مقری > میان‌ده) این موضوع بیانگر تنوع در ساختار و فرم محلات بافت تاریخی بشرویه است. به عبارتی میزان نرخ نفوذپذیری در محلاتی که از تنوع و تعدد زیرساخت‌های اجتماعی برخوردارند، بر خلاف محلاتی که بیشتر بافت آنها واحدهای مسکونی است، بالاتر بوده است. این مسئله بیانگر تأثیرات متفاوت کاربردی مبدل در ساختار عملکردی محلات این شهر است.



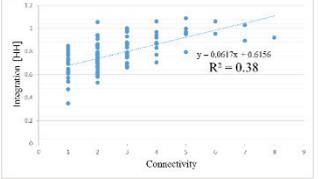
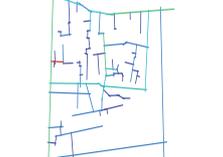
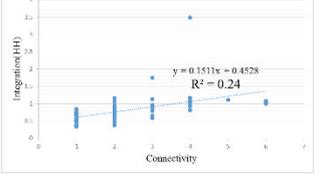
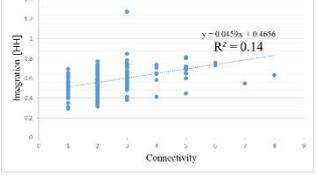
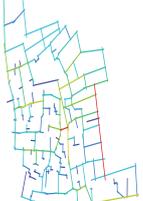
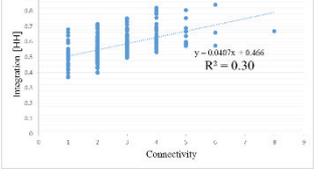
نمودار ۲: افتراق بین حداکثر و متوسط ارزش اتصال در سطح محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

ارزش میانگین عمق: بازبینی شاخص میانگین عمق (جدول ۳)، در محلات تاریخی بافت بشرویه مؤکد آن است که رویکرد ایمن‌سازی و پیشگیری از وقوع جرم از اولویت‌های ابتدایی و بنیادین در ایجاد و ظهور ساختارهای عملکردی محلات تاریخی بشرویه بوده است. امنیت شهری در محله‌ها متضمن هم‌بستگی میان پیکره‌بندی فضایی بین اجزاء محله‌ها و آنگاه ایجاد پیوستگی محله‌ها با کالبد فضایی شهر است. به بیان دیگر، بالا بودن شاخص میانگین عمق (جدول ۵)، در محله‌های بشرویه؛ مبین وجود همسانی بین اجزاء محله‌ها و درعین‌حال انفصال سلسله‌مراتب حوزه نفوذ شهری و خلق فضاهایی که دسترسی به آنها به‌سهولت امکان‌پذیر نیست. به این معنی که این فضاها و مسیرها در دل بافت محلات جای داشته‌اند. بالا بودن این شاخص در ساختار محلات شهر، بازگوکننده چرایی پیدایش فضاهای واسط و بینابین همچون مرکز محله، میدانچه‌های بزرگ و کوچک در جوار برخیاز معابر این شهر بوده است. این فضاها نقش سلول‌های شهر را داشته و موجبات ایجاد انسجام کالبد فضایی محلات را در بطن خود به همراه داشته‌اند. این فضاها سبب بالابردن کیفیت محیط، فراخی و

جدول ۶: ضریب هم‌بستگی و نتایج عددی مدل کردن هم‌بستگی میان مؤلفه‌های هم‌پیوندی در سطح کلان و اتصال، به‌منظور تبیین مفهوم خوانایی در ساختار عملکردی محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

محلات	ضریب هم‌بستگی: (خوانایی)	متوسط	حداقل	حداکثر
محله مقری	۰,۳۸	۲,۰۳	۰,۳۵	۷,۳
پایین محله	۰,۲۴	0.32	۰,۱۴	۲,۷۹
محله میان‌ده	۰,۱۴	۱,۳۹	۰,۲۹	۵,۰۵
محله سرپل	۰,۳۰	۱,۵۶	۰,۳۶	۳۴,۵

جدول ۷: نتایج گرافیکی، ضریب هم‌بستگی و مدل کردن هم‌بستگی میان مؤلفه‌های هم‌پیوندی در سطح کلان و اتصال، به‌منظور تبیین مفهوم خوانایی در ساختار عملکردی محلات بافت تاریخی بشرویه در دوره قاجار

محله	نقشه	خوانایی	ضریب هم‌بستگی
مقری			
پایین محله			
میان‌ده			
سرپل			

اساس (جدول ۲)، میزان انحراف معیار در شاخص هم‌پیوندی در دو سطح کلان و محلی در تمامی محلات شهر مطلوب بوده است. گفتنی است این ارزش فضایی در سطح کلان مقبول تر است که این بدین معنی است که منطق اجتماعی حاکم بر اجزاء محله‌ها بر تمامیت محلات نیز سایه افکنده است. به بیان دیگر، ساختار فضایی محله‌ها پاسخگوی تعاملات و اجتماعات درون محلی‌ای بوده است. معابر درجه دوم در سطح محله‌ها موجب پیوستگی گذرها، سبب حضور بیشتر مردم و ایجاد روابط اجتماعی بیشتر بین آنها و همچنین موجب ارتباط معابر مجاور با مرکز محله‌ها و به تبع آن حضور بیشتر مردم و ایجاد روابط اجتماعی بیشتر را به همراه داشته است. از سوی دیگر رعایت اصل سلسله‌مراتبی در معابر و گذرها

عامل تعیین‌کننده عرصه‌های عمومی و خصوصی کالبد فضاها را در ساختار محله‌ها و همچنین معیاری برای حضور افراد در هر فضا شده است. هم‌سنجی شاخص انحراف معیار (جدول ۲)، در محله‌ها نشان می‌دهد که محله سرپل بالاترین میزان انسجام فضایی را نسبت به سایر محلات دارا بوده است. محله میان‌ده، محله مقری به ترتیب درجه دوم و سوم و آخرین رتبه مربوط به پایین محله است. این مطلب، ارزشمندی معابر را به‌عنوان کالبد فضا نشان می‌دهد که توانسته بر عملکرد فضاها تأثیرگذار باشد. بدین گونه که در سه محله پایین محله، میان‌ده و محله مقری، معابری که در ارتباط مستقیم با زیرساخت‌های شهری و در پیوند با معابر اصلی شهر (شمالی- جنوبی و شرقی- غربی) بوده‌اند، بالاترین میزان و حضور انسانی

و برقراری تعاملات شهری را بر عهده داشته‌اند. بیشتر معابر در محله سرپل از میزان بالای حضور شهروندان در این گذرها حکایت می‌کند. این حجم از تردد با توجه به پیاپی بودن تعداد زیرساخت‌های شهری در این محله دال بر برقراری کنش‌های اجتماعی به‌منظور رسیدن به هدفی خاص در این شهر بوده است.

خوانایی (درک ذهنی از فضا): مفهومی فراگیر و چندوجهی است که تنها باتکیه بر ساختار کالبدی فضا قابل خوانش نمی‌باشد. بلکه که از یک سو مبین میزان کیفیت شیء است و از سوی دیگر میزان ادراک بصری از محیطی که شیء در آن واقع شده است که در این میان فرهنگ، احساسات و ارزش‌های جامعه نقشی کلیدی در این خوانش داشته‌اند. به بیان دیگر میزان خوانایی، داده‌هایی است که ناظر به صورت تصاویر ذهنی از محیط دریافت می‌کند و تابع مؤلفه‌های زمانی و مکانی است که توسط انسان قرائت می‌شود که در این میان مرجع زمانی دربرگیرنده رویدادهای اجتماعی، تجربه افراد، سابقه تاریخی است و مرجع مکانی دربرگیرنده مقیاس، کالبد، عملکرد فضا است و نقش انسان ایجاد رابطه دوسویه میان فضای کالبدی و فضای اجتماعی حاکم بر فضا است. از سوی دیگر، خوانایی در فضای شهری مشمول یک شناخت دوبعدی و سه‌بعدی از فضا می‌شود. بدین معنا در یک شهر خوانا باید درجه پیچیدگی مسیرها (دوبعدی) مناسب و مطلوب باشد و هم عناصر فضایی (سه‌بعدی) کمک به خوانایی و فهم شهر کنند. (جدول ۶)، ضریب هم‌بستگی، در محله‌های بشرویه، ضعیف و پایین است. این مطلب شاید در نگاه اول نامطلوب باشد. اما بیانگر تلاش سازندگان شهری برای حفظ درون‌گرایی و محرمیت به‌عنوان یک اصل اساسی، به‌منظور رعایت حریم خصوصی و احترام به حقوق شهروندان در ساختار کالبدی و عملکردی فضاهای معماری و شهرسازی این شهر بوده است که وجود گذرهای پریپیچ و بن‌بست بهترین شکل این قانون را به‌منصه ظهور رسانده‌اند. از سوی دیگر، داده‌های عددی این شاخص در محله‌ها نشان از پیچیدگی مسیرها خصوصاً در پایین‌محله نسبت به سایر محله‌ها حکایت می‌کند. (جدول ۷)، نقشه‌های گرافیکی ارزش خوانایی در محله‌ها نشان از نقش انسان به‌عنوان واسطه بین مؤلفه‌های مکانی و مؤلفه‌های زمانی، بدین‌صورت که از یک سو معابر بن‌بست به‌عنوان کالبد فضای ارتباطی در مقیاس انسانی بین توده و واحدهای همسایگی و معابر درجه ۲ و ۳ از سوی دیگر معابر درجه دو پیوند میان گذرها درجه ۳ (بن‌بست‌ها) با معابر اصلی است که نشان‌دهنده ارتباط سیستماتیک بین اجزاء نظام‌یافته در ساختار عملکردی محله است. این پیچیدگی در مسیر بخشی از مبانی و اصول اندیشه اجتماعی- فرهنگی مردم این مرزوبوم است که به‌نوعی موجب تعادل، توازن و هویت شهری در فضای محله‌های بشرویه شده است. گفتنی است، ارزش خوانایی معابر یکپارچه و ممتد در تمامی محله‌ها، بالا بوده است. این عدم پیچیدگی، سبب گشته اغلب تسهیلات شهری درون محله‌ای در امتداد این معابر شکل‌بگیرند و همچنین این زیرساخت‌های شهر به‌عنوان نشانه‌های شهری در ارتقای کیفیت زندگی اهالی محله‌ها نقش بسزایی داشته‌اند. از

منظر روان‌شناختی، این گذرها در مقیاس انسانی، مکانی ایمن و خوانا برای به‌وقوع پیوستن رویدادها و تعاملات اجتماعی بین ساکنین محلات بوده‌اند. از سوی دیگر خوانایی فضا در محله مقری و سرپل (جدول ۶)، نسبت به دو محله دیگر بالاتر است. علت این پیش‌آمد در فضای محله مقری جای‌گرفتن زیرساخت‌ها به‌فرم گروهی، که به‌عنوان نشانه‌های شهری سبب خوانایی و در دسترس بودن معابر برای همگان شده است. همچنین چرایی بالا بودن ارزش خوانایی در معابر محله سرپل پذیرش نقش خاص این محله در برآورده کردن مرادوات اجتماعی- اقتصادی شهروندان بوده است.

بحث

تئوری نحو فضا، بر این باور است که فضا هسته اولیه و اصلی در چگونگی رخ داده‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد؛ اگرچه از آنجایی که فضا، خود نیز در خلال فرایندهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شکل می‌گیرد، معمولاً به‌عنوان بستری برای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود تا جایکه فرم آن معمولاً در نظر گرفته نشده و به‌صورت نامرئی فرض می‌شود. تأکید این نظریه بر این است که در درک عمیق فضاهای شهری، نقش هر فضای شهری به‌صورت انفرادی و خصوصیات فردی آن فضا در مقیاس خرد در مقابل نقش آن در ترکیب با دیگر عناصر شهر و خصوصیاتش در مقیاس کلان و کل سیستم شهری از اهمیت کمتری برخوردار می‌باشد. در همین راستا، ایده اصلی که این نظریه به آن پرداخته است، مفهوم پیکره‌بندی فضایی می‌باشد (ریسمان‌چیان و بل، ۱۳۸۹: ۵۰). این مفهوم بازخوانی منطق اجتماعی فضا است بدین معنا چینش فضاها در کنار یکدیگر و روابط متقابل آنها است که چگونگی پیوندهای اجتماعی شهروندان را توصیف می‌کند. گفتنی است مفاهیم در این نظریه به‌واسطه روابط فضایی تعریف می‌شود. نتایج منتج از خوانش متغیرهای نحو پایه و نحو باواسطه در این شهر بیانگر آن است؛ از یک سو ارزش شاخص هم‌پیوندی در سه سطح فراگیر، میانی و محلی برای تمام محله‌ها مطلوب و به‌نوعی مبین سطح توسعه‌یافتگی فضای محله‌ها بوده است و از سوی دیگر بالاترین نرخ هم‌پیوندی در محلات مربوط به محورها و مسیرهای مواصلاتی اصلی (محور شمالی- جنوبی و محور غربی- شرقی) شهر بوده است. بعلاوه معابری که دور تادور دیوار شهر بند به‌ویژه بخش شرقی دیوار شهر بند شکل گرفته‌اند، به‌عنوان عامل اصلی سازمان‌دهی فضاها، در عین حفظ استقلال هر فضا منجر به پیوستگی فضاها با یکدیگر شده‌اند و به‌عنوان عمومی‌ترین فضاها بیشترین ارتباط با سایر فضاها را برعهده داشته‌اند. از این رو انسجام فضایی- عملکردی در این معابر بسیار بالا است که نتیجه آن پذیرش کاربری‌هایی با فعالیت‌های اجتماع‌پذیر؛ همچون مسجد، مدرسه، حمام، واشدگاه، آبنبار، حوض، کارگاه برک بافی و مرکز محله در سطح محلات شده است. ارزش اتصال بازگوکننده ارتباط فضایی میان‌گره‌ها با واحدهای همسایگی خود می‌باشد، و بازگوکننده سلسله مراتب دسترسی به فضاهای شهری است. هر فضا درون محله برای ارتباط با سایر فضاها در درجه اول با

معیار درجه ۳ و درجه ۲ ارتباط داشته و لایه دسترسی بعدی آن را معیار درجه ۱ و درجه ۲ تأمین کرده است؛ بنابراین، فضاها قابلیت دستیابی مستقیم به یکدیگر را ندارند و این اصل سلسله‌مراتب فضاها را تبیین می‌نماید. الگوی ارزش اتصال در محلات شهر بشرویه (محل سرپل > پایین محله > محله میان‌ده > محله مقری)، پایین بودن ارزش اتصال در محله‌های سرپل و پایین محله (دارای بافتی متراکم و پیوسته از خانه‌ها) به معنی آن است که بیشترین ارتباط فضایی میان گره‌ها و واحدهای همسایگی یکسان صورت گرفته است و فضاها (خانه‌ها) قابلیت دسترسی مستقیم با یکدیگر را ندارند در حالی که در دو محله دیگر بناهای عام‌المنفعه به‌عنوان فضای واسط حضور داشته‌اند و به عنوان فضای فضاهای مکث و حرکت، سبب رعایت اصل سلسله‌مراتب دسترسی بین فضاهای فضای بیرون (شهر) با فضای درون (خانه) شده‌اند. وجود رابطه غیرمستقیم میان مؤلفه‌های ارزش هم‌پیوندی و میانگین عمق یعنی، کاهش میزان ارزش میانگین عمق به معنای افزایش میانگین هم‌پیوندی گره‌ها و محورها می‌باشد. از یک‌سویی به معنی کاهش سلسله‌مراتب فضایی-عملکردی و افزایش راحت‌تر دسترسی به فضا و از سوی دیگر کاهش میانگین عمق در پیکره‌بندی فضا همچون خلق فضاهای سرزنده و اجتماع‌پذیر است. تطبیق داده‌های گرافیکی دو شاخص مذکور حاکی بر این جستار است که محورهایی که بالاترین میزان ارزش میانگین عمق و بالابودن میزان حضورپذیری را در سطح معیار داشته‌اند. همچنین میانگین عمق به‌نوعی مبین حس امنیت شهری است و از این‌رو حضور کوچه‌های پرپیچ‌وخم و روشن‌گر رعایت اصول درون‌گرایی و حفظ حریمیت در فضای شهری بشرویه بوده است. در تئوری نحو فضا انسجام فضا هم‌ارز با پیوستگی ساختار فضایی است. ساختار فضایی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ساختار اصلی شهر (کلیت‌شهر) و سایر اجزای سیستم (محلات‌شهر) را دارد. انسجام همواره موجب برقراری جریان فعالیت و فعل‌وانفعالات درونی سیستم می‌شود. لیکن چیدمان عناصر و فضای عمومی در قالب یک الگوی فضایی منسجم ضمن معنی‌بخشی به ادراک آن، عامل ایجاد حیات شهری و جریان زندگی درون سیستم است. این بعد از انسجام فضایی شهر، متفاوت از بعد عملکردی و اقتصادی آن، بعد ماهوی^۱ نظم فضایی را تشکیل می‌دهد که در ذهن شهروندان نقش بسته و الگوی فضایی را معنی می‌بخشد. اما خارج از مراودات بازار کار و مصرف، عملکرد الگوی فضایی شهر ابعاد کیفی و ماهوی دارد که حضور زندگی و حیات شهری را در درون این سیستم تضمین می‌کند. این الگوی فضایی کلیت استخوان‌بندی شهر را برای شهروندان قابل ادراک و هویت ویژه آن را معنا می‌بخشد (ذکوات، ۱۳۹۰: ۱۰۵). از این‌رو هیلیر و هانسون اعتقاد دارند فضای زندگی مردم چیزی بیش از اجزای مادی آن است (Hillier & Hanson, 1984: 242). به عبارتی پیوند دوطرفه میان ساختار فضایی و سازمان اجتماعی در شهر

۱. در لغت به معنی امر مربوط به اساس و ریشه و ذات هر چیز و هر کار را گویند.

وجود دارد. پس آنچه ساختار فضایی شهر بشرویه را تعریف می‌کند مشتمل بر دو بخش است، بخش ثابت آن سستون فقرات شهر (مسیرهای مواصلاتی اصلی شهر)^۲ و بخش متغیر آن (کاربری‌ها، عناصر مختلف و متنوع شهری) که در تاروپود محلات امتداد یافته است؛ بنابراین پارامتر انسجام فضایی در ساختار فضایی محلات بشرویه بازتابی از هویت، باورها و نیازها ساکنین شهر است. به عبارتی فضای شهر نشان‌دهنده رابطه میان انسان و جامعه است. این رابطه نشان‌دهنده یک نظم ذهنی است که نتیجه آن خلق مدل آگاهانه از شهر شده است. بدین‌سان پیکره‌بندی فضا، تمام هستی، ابعاد کیفی فضا و روابط حاکم بر فضای شهر است؛ بنابراین تلاش ساکنین برای بقا و حیات شهر سبب انسجام در ساختار فضایی شهر شده است. در نتیجه ساختار کالبدی فضایی هر محله متناسب با ابعاد و نیازهای ساکنین آن به‌وجود آمده است. پیکره‌بندی فضای شهر الگوی ماهیت فضایی و عناصر تشکیل‌دهنده ساختار شهر است که مبین منطق اجتماعی فضا می‌باشد. بنا بر اعتقاد هیلیر ماهیت فضا مبتنی بر شناخت شناسایی و ادراک استقرایی فضا^۳ استوار است (Hillier & Stonor, 2010: 285). بدین‌سان ادراک ما از فضای شهری به‌واسطه درک استقرایی ما از شهر در مقیاس کلان و تجربه ما در مقیاس محلی شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد (سلطانی‌فر و صابری‌کاریزی، ۱۳۹۷: ۳۷). خوانایی یک فضای شهری بیانگر همبستگی و برهم‌کنش میان هم‌پیوندی (یک ارزش نسبی و کلی، مربوط به سازمان فضایی) و اتصال (یک ارزش جزئی و مربوط به تعداد ارتباطات هر فضا)^۴ اجزا با ساختار کل شهر است. خوانایی بر ساختار فضایی شهر، چیدمان الگوی فعالیت‌ها و همچنین بر درک افراد از محیط تأثیرگذار است. بدین معنی فضای خوانا دارای سلسله‌مراتب آشکار و روشن است. این ویژگی‌ها الگوهای ذهنی از یک مکان را ساده‌تر سازماندهی کرده است و نیز در ایجاد نقشه‌های شناختی از محیط در مسیریابی، به افراد کمک می‌کند. پارامتر خوانایی در سطح محلات بافت تاریخی بشرویه پایین می‌باشد. از یک سو پایین بودن این شاخص دلیلی بر حفظ اصل حریمیت در فضاهای شهرسازی ایرانی-اسلامی است که در ساختار فضایی این شهر هم حاکم است. از سوی دیگر این پارامتر با کیفیت فضاهای شکل داده شده توسط شهروندان در ارتباط است. بنابراین مساعدتر بودن این پارامتر در سه محله مقری، سرپل و پایین محله حاکی از توجه طراحان شهر به عدم پیچیدگی فضا و شاخص بودن محیط برای ساکنین آنها بوده است. در دو محله سرپل و پایین محله (تراکم بالای واحدهای مسکونی) مسیرهای خوانا بازتاب چارچوب اجتماعی بناها هستند که بر کیفیت پیکره‌بندی فضایی و نیز بر روی دسترسی‌ها و مسیریابی تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین در محله مقری و میان‌ده (زیرساخت‌های شهری و مرکز محله) فرم کالبدی و الگوی فعالیت‌ها بازتاب پیکره‌بندی فضاهای شهری در

۲ مسیر ارتباطی بین رقه-بجستان (رابط شور).

3. Inductive perceptionspace

۴. فضای دارای خوانایی بالا است که در آن ضریب هم‌بستگی میان این دو پارامتر فضایی بیش از (۰.۵ > R2) باشد.

این محله‌ها بوده است که بر رفتارها و نحوه استفاده مردم از فضاها تأثیرگذار بوده است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی شده است با بهره‌گیری از تئوری نحو فضا و مفاهیم آن همچون، هم‌پیوندی (میزان دسترسی به فضاها)، اتصال (ارتباط فضاها با یکدیگر و سلسله‌مراتب دسترسی)، میانگین عمق (حریم خصوصی و عمومی)، یکپارچگی فضایی (میزان پیوستگی عناصر کالبدی-عملکردی) و خوانایی (ادراک محیط) نقش عوامل کالبدی-عملکردی در شکل‌دهی و توسعه کالبد فضاهای شهری، الگوهای اجتماعی^۱ و رفتارهای شهروندان بشرویه در عصر قاجار پرداخته شده است. بر اساس نقشه بافت تاریخی- فرهنگی شهر بشرویه، می‌توان ادعا داشت؛ واحدهای مسکونی به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر شهری، نقشی بسیار مؤثری در نحوه چینش ساختار کالبدی محلات این شهر بر عهده داشته‌است که در این میان معابر و گذرها به عنوان زیربناترین عنصر شهری، عامل ایجاد پیوند و پیوستگی میان واحدهای مسکونی و سایر عناصر کالبدی همچون بناهای مذهبی، بناهای عام‌المنفعه، میدان‌ها، مرکز محله‌ها شده است. نتایج بدست آمده از الگوهای حرکتی مردم و تعاملات میان آنها در بافت محلات این شهر در عصر قاجار بر اساس تئوری نحوضا حاکی از آن است که معابر، فضای وقوع و حضور بوده و تنها برای آمدوشد تلقی نمی‌شده است. بلکه ساختار عملکردی معابر در محلات این شهر یک رابطه دوسویه میان شهروندان و خود معابر بوده‌است و غالباً تمام برنامه‌ریزی‌ها در سازمان‌دهی فضایی محلات بر محور معابر اجرا شده است. همچنین بدین‌سان از یک سو، معابر منتهی به زیرساخت‌های شهری در تمام محلات از بالاترین ارزش دسترسی به فضاها برخوردار بوده‌اند و از سوی دیگر این معابر با ارزش اتصال مطلوب موجب رعایت اصل سلسله‌مراتب فضایی را در ساختار کالبدی محلات فراهم آورده است. گفتنی است، این شاخص مبین نظم حاکم بر ساختار فضایی محله‌ها و ارتباط بین اجزای آنها و ارتباط هر یک از اجزاء با کل مجموعه بوده است. همچنین وجود معابر به شکل بن‌بست در ساختار فضایی محلات، تأکیدی بر رعایت اصل درون‌گرایی، محرمیت و امنیت در ساختار کالبدی فضای محله‌های این شهر بوده است که از یک سو توسط شاخص میانگین عمق و از سوی دیگر با پارامتر خوانایی در این روش خوانش شده است. وجود حس امنیت در سازمان فضایی محله‌ها سبب ایجاد مشارکت اجتماعی در ساختار عملکردی فضای محلات شده است. گفتنی است میزان خوانایی در هر محله با عنایت به کیفیت فضایی و کارکردهای متنوع فضایی گوناگون بوده است. این بدان معنی است، کنش‌های فضایی-عملکردی در راستای جریان فعالیت‌های انسانی در سطح محلات بر اساس کالبد فضاها متفاوت بوده است. بنابراین عناصر

سازنده ساختار کالبدی محلات بشرویه در عصر قاجار در راستای رفع نیازهای ساکنین محله‌ها و به‌منظور حفظ و تقویت هویت فرهنگی- اجتماعی آنها شکل گرفته‌اند که در این میان گذرها نقش راهبردی در پیدایش رفتارهای جمعی (ناشی از فعالیت‌های انسانی) در میان محله‌ها و نیز ایجاد هم‌بستگی میان عناصر کالبدی محلات را بر عهده داشته‌اند. دستاورد این نظم فضایی، وجود یکپارچگی فضایی در کل و عملکرد آن در خردشده است. بافت‌های تاریخی، میراث ارزشمند شهرسازی گذشته به‌عنوان معیاری برای سنجش فضاهای اجتماع‌پذیر و مطلوبیت فضاها می‌باشند؛ از این‌رو بازخوانی نقش عوامل کالبدی-عملکردی در شکل‌گیری منطق اجتماعی فضای محلات شهر بشرویه در عصر قاجار از یک سو کمک به حفظ آن و از سوی دیگر در نشر هویت فرهنگی- اجتماعی این میراث ارزشمند کهن، نقش به‌سزایی دارد. با توجه به محدودیت‌هایی که در مطالعه حاضر وجود داشت، پژوهش‌های آینده می‌تواند بر موضوعات زیر متمرکز شوند.

- ۱- ارائه راهکارهای اجرایی برای باززنده‌سازی این بافت تاریخی- فرهنگی
- ۲- بومی‌سازی الگوی فضایی بافت تاریخی با هدف افزایش رضایتمندی ساکنین از فضاهای شهری خود.

پی‌نوشت

۱. روستای تاریخی و از توابع شهرستان بشرویه در استان خراسان جنوبی، در فاصله ۱۷ کیلومتری مرکز شهرستان بشرویه و ۱۵ کیلومتری بخش ارسک واقع شده است.
۲. بَرک که در اصطلاح محلی به آن کُرکی (Korki)، کورگی (Kurg) یا کورگین (Kurgin) گفته می‌شود بافته‌ای است تاری و پودی و ضخیم از کُرک بز و شتر که از آن جامه زمستانی تهیه می‌شود و به لحاظ استحکام، لطافت، گرمی و خواص درمانی دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد است.
۳. اهالی آنجا بیشتر در صدد تحصیل حرفه و صنعت برآمده رفته رفته شیوه نساجی و بافندگی را پیشه خود ساخته از کورک گوسفند و بز تشکیل پارچه‌ای دادند (ریاضی، ۱۳۱۶: ۱۱۶) و همچنین وجود گود برک بافی در ایوان زمستانی خانه‌های این شهر بیانگر تولید این محصول در فصول تعطیلی کشت و کار بوده است (کاوایان و غلامی، ۱۳۹۶: ۱۱۲)
۴. در این مقاله برای محاسبه میزان ارزش هم‌پیوندی، در سطح محلات بافت تاریخی شهر بشرویه در سه سطح فراگیر (کلان) یعنی RN و در سطح میانی R12 و در سطح محلی R3 مورد بررسی قرار گرفته است.
۵. شهر بشرویه فاقد بازار، به مفهوم آنچه در شهرسازی ایرانی- اسلامی است، راسته بازار این شهر در زمان تیموری شکل گرفته اما در دوره‌های بعد رشد نکرده و امروز به صورت چندین باب مغازه در این معبر (راسته اصلی شهر) وجود دارد.
۶. هوشمندی در شهر سبب بهره‌وری بالا و دستیابی مطلوب به

۱. الگوهای اجتماعی دربرگیرنده نحوه قرارگیری الگوی کاربری‌های اراضی، جرایم شهری، مکان‌یابی حومه‌نشینی در شهر.

زیرساخت‌های فیزیکی، اجتماعی اقتصادی (کسب و کار) در کل شهر می‌شود. بدین معنی که تخصیص کاربری‌ها قانونمند، در راستای مرتفع ساختن نیازها صورت گرفته است.

منابع

۱. ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۴۵) صوره الارض (المسالک و الممالک) ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۲. اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۳۶۱) ریاض العلماء و حیاض الفضلاء (جلد سوم) به کوشش سید محمود مرعشی و سید احمد حسینی، قم، مطبعه الخی‌ام.
۳. آذر، علی، و علی حسین‌زاده دلیر (۱۳۷۸) سامان‌دهی و بهسازی محلات سنتی با استفاده از رویکرد شهرسازی جدید نمونه موردی، محله سرخاب تبریز، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۷ (۱۱)، صص ۱۱۷-۱۴۶.
۴. آل سید، کیندا، ترنر، آلسدایر، هیلیر، بیلو دیگران (۱۳۹۸) روش تحقیق به شیوه چیدمان فضایی (شبیه‌سازی رایانه‌ای با تاکید بر تحلیل ریخت‌شناسی بر رفتار انسان در محیط) ترجمه حسین صفری، رشت، دانشگاه آزاد.
۵. بریون، مارسل (۱۳۶۰) منم تیمور جهانگشا، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران، کتابخانه مستوفی.
۶. بمانیان، محمد، جلوانی، متین و سمیرا ارجمندی (۱۳۹۵) بررسی ارتباط میان پیکره‌بندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان (نمونه‌های مؤدی، مسجد آقانور، مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ‌لطف‌الله) مطالعات معماری ایران، ۹ (۰)، صص ۱۴۱-۱۵۷.
۷. جمشیدی، محمود و صفورا مختارزاده (۱۳۹۰) کاربرد چیدمان فضا در ساختار فضایی بافت‌های فرسوده، جستارهای شهرسازی، ۳۵ (۰)، صص ۷۶-۸۵.
۸. خانلرخان، اعتصام‌الملک (۱۳۵۱) سفرنامه، به کوشش منوچهر محمودی، تهران، منوچهر محمودی.
۹. ذکاوت، کامران (۱۳۹۰) جایگاه سازمان فضایی در طراحی شهری، صفه، ۲۱ (۵۴)، صص ۱۰۵-۱۱۸.
۱۰. رشیدزاده، الهام، و فواد حبیبی (۱۳۹۹) تحلیل روابط فرهنگی در پیکره‌بندی فضایی مسکن سنتی کردها (مطالعه موردی، خانه‌های سنتی شهری منطقه موکریان شهر سردشت) مطالعات شهرآیرانی اسلامی، ۴ (۱۰)، صص ۱۵-۳۲.
۱۱. ریاضی، غلام‌رضا (۱۳۱۶) جغرافیای تاریخی بشرویه، سالنامه شرق، ۱ (۱)، صص ۱۱۶-۱۱۸.
۱۲. رمضانی، حمید و مسعود دادگر (۱۳۹۶) سطح‌بندی معابر بر اساس حجم جریان حرکت پیاده با استفاده از تحلیل‌های ساختار فضایی در مقیاس شهری، مطالعات شهر آیرانی اسلامی، ۹ (۰)، صص ۶۴-۷۵.
۱۳. ریسمن‌چیان، امید، و سایمون بل (۱۳۸۹) شناخت کاربردی چیدمان فضا در درک پیکره‌بندی فضای شهرها، هنرهای زیبا-

۱۴. سلطانی‌فر، هادی و زهرا صابری‌کاریزی (۱۳۹۷) بررسی اثرات پیکره‌بندی بر کیفیت فضایی پارک‌های شهری (مطالعه موردی، پارک‌های شهر مشهد) مطالعات شهری، ۲۷ (۰)، صص ۲۷-۴۰.
۱۵. سهیلی، جمال‌الدین و انسیه عارفیان (۱۳۹۳) تحلیل روابط اجتماعی- انسانی در فضاهای مسجد- مدرسه‌های دوره قاجار قزوین، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۳ (۰)، صص ۴۷۵-۴۹۱.
۱۶. شیرازی، محمد معصوم (معصوم شاه) ۱۳۴۵، طرایق الحقایق، به تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران، باران.
۱۷. صادقی، سارا، قلعه‌نویی، محمود و صفورا مختارزاده (۱۳۹۱) بررسی تأثیر طرح‌های توسعه شهری معاصر بر ساختار فضایی هسته تاریخی شمال شهر اصفهان، مطالعات شهری، ۵ (۰)، صص ۳-۱۲.
۱۸. عباس‌زادگان، مصطفی، مختارزاده، صفورا و رسول بیدرام (۱۳۹۱) تحلیل ارتباط میان ساختار فضایی و توسعه‌یافتگی محلات شهری به روش چیدمان فضا (مطالعه مؤدی، شهر مشهد) مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، ۱۴ (۰)، صص ۴۳-۶۲.
۱۹. عباس‌زادگان، مصطفی (۱۳۸۱) روش چیدمان فضا در فرآیند طراحی شهری با نگاهی به شهر یزد، مدیریت شهری، ۹ (۰)، صص ۶۴-۷۵.
۲۰. قاضی‌زاده، محیا (۱۳۹۸) طراحی مجتمع مسکونی در مشهد با رویکرد نحو فضای معماری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ نشده.
۲۱. قبادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۴۱) سفرنامه ناصر خسرو علوی قبادیانی، تهران، کتاب‌فروشی محمودی.
۲۲. کاویان، مجتبی، و غلام‌حسین غلامی (۱۳۹۴) کارخانه یا کارخانه، بررسی مفهوم کار و تولید در شکل‌گیری خانه‌های تاریخی ایرانی در بشرویه، معماری اقلیم گرم و خشک، ۵ (۵)، صص ۱۰۱-۱۱۸.
۲۳. گابریل، آلفنوس (۱۳۴۸) تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتحعلی خواجه نوری و تصحیح هومان خواجه نوری، تهران، ابن‌سینا.
۲۴. لطیفی، محمد، مهدوی‌نژاد، محمدجواد و داراب دیبا (۱۳۹۹) منطبق اجتماعی فضا در مسکن بومی قاجار اصفهان، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۳۷ (۰)، صص ۱۶۱-۱۸۶.
۲۵. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۹) احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (جلد دوم) ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و ترجمان.
۲۶. مک‌گرگور، کلنل سی. ام (۱۳۶۶) شرح سفری به ایالت خراسان (جلد اول) ترجمه مجید مهدی‌زاده، مشهد، آستان قدس.

41. Vaughan, I, (2007) The Spatial Syntax Of Urban Segregation, Progress in Planning, 67 (0), 205-294.
42. Kwon, S.&Sailer, K, (2015) Seeing & being seen inside a museum & a department store, A Comparison study in Visibility & Copresence Patterns. In Proceedings of the 10th International Space Syntax Symposium, London.
۲۷. نیدمایر، اسکارفن (۱۳۶۳) زیر آفتاب سوزان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، تاریخ ایران.
۲۸. هروی، مایل (۱۳۴۹) جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان هرات، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۲۹. یونسسی، گلزا، ارمغان، مریم و محمد جواد ثقفی، (۱۳۹۹) تحلیل ساختار کالبدی- فضایی خانه‌های طبقات اجتماعی شرکت شهر نفتی آبادان در دوران رونق صنعت نفت، با روش نحوفا، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۳۹ (۱۰)، صص ۶۴-۷۵.
۳۰. هروی، مایل (۱۳۴۹) جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان هرات، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
31. Bafna, S, (2003) Space Syntax A Brief Introduction to Its Logic & Analytical Techniques, Environment & Behaviour, 17- 29.
32. Bacon, E, (1974) Design of Cities, London, Tghams& Hudson
33. Brown, F.E, (1986) Continuity and Change in Urban House, Developments in the Domestic Space Organization in Seventeenth- Century London, Comparative Studies in Society and History, 28 (0), 558- 590.
34. Banrown, F. E, (1996) Comment on Chapman. Some Notes on the Application of Spatial Measures to Prehistoric settlements in the Social Archaeology of Houses, Edited by R. Samson, Edinburgh. Edinburgh University press.
35. Hillier, B. & Hanson, J, (1984) The Social logice of space. CambridgeUniverstityParess
36. Hillier, B. & Stonor, T, (2010) Space Syntax strategic Urban design, City planning. City Planning Institute of Japan.
37. Hillier, B.& Vaughan, L, (2007) the City as One Thing, the Spatial Syntax of Urban Segregation. Progress in Planning, 67 (3), 205-294.
38. Jiang, B. & Claramunt, C, (2002) Integration of space syntax into GIS. New Perspective for Urban Morphology. Transaction in GIS, 6(3), 295-309.
39. Narvaez, L. & Griffiths, S, (2012) Configurational Economies. the Value of Accessibility in Urban Development, International Transaction Journal of Engineering, Management, & Applied Sciences & Technologies, 3 (3), 293-309.
40. Turner, A,(2007). From Axial to Road-Centre Lines. A New Representation for Space Syntax & a New Model of Route Choice for Transport Network Analysis, Article Information Environment & Planning B. Planning & Design. 34(3), 539-555.

